



عربستان؛ بازی با آتش

گفتگوی اختصاصی با سناتور جان مک کین

از تداوم اشغالگری تا پایان رژیم صهیونیستی

دلایل موافقت روسیه با تحویل اس ۳۰۰ به ایران

هلاکت مرد شماره دو رژیم صدام



- ۴ گفتگو با مارک فیتز پاتریک معاون اسبق وزارت خارجه آمریکا
- ۹ گفتگو با سناتور جان مک کین
- ۱۸ چرایی موافقت روسیه با ارسال سامانه اس ۳۰۰ به ایران
- ۲۱ گفتگو با علی اوزگوندوز نماینده پارلمان ترکیه



- ۲۶ از تداوم اشغالگری تا پایان رژیم صهیونیستی
- ۳۱ گفتگو با فرهنگ جهانپور استاد دانشگاه آکسفورد
- ۳۴ گفتگو با شیرین هانتر استاد دانشگاه جرج تاون
- ۴۰ آیا مرد شماره دو رژیم صدام به هلاکت رسیده است



- ۴۳ چین و میانجیگری میان طالبان و دولت افغانستان
- ۴۴ گفتگو با سید اکبر آغا وزیر عدلیه دوره طالبان
- ۴۶ اژدها پشت دروازه هند
- ۴۹ پنج نکته درباره برنامه هسته‌ای هند



- ۵۲ دیدار تاریخی مرکل و چپیراس
- ۵۲ گفتگو با علی دیمیر استاد دانشگاه گالاتاسرای ترکیه
- ۵۴ گفتگو با بهلول ازکان استاد دانشگاه مرمره ترکیه
- ۵۵ گفتگو با لوغ اوغلو نماینده پارلمان ترکیه



- ۵۹ پنتاگون با نیروی مشترک عربی همکاری خواهد کرد
- ۶۰ -خاورمیانه؛ آینه عبرت آمریکا در مواجهه با بحران یمن
- ۶۲ -معرفی رقبای هم حزبی کلینتون در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا
- ۶۶ -گفتگو با دانیل سرور مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا



شناسنامه مجله

مدیر مسئول: علی عسگری

شورای سردبیری: سید امیرحسن دهقانی، حسن هانی زاده، جواد حیران نیا

دبیر تحریریه: جواد حیران نیا

همکاران این شماره: عبدالکریم پهلوانی، امید شمیزی، سید عبدالمجید زواری، مهدی ذوالفقاری، رامین حسین آبادیان

مدیر هنری: بهمن وخشور

شماره تماس: ۸۸۰۹۵۰۰
پست الکترونیک: world@mehnews.com

آدرس: ایران، تهران، خیابان استاد نجات الهی، کوچه بیمه، پلاک ۱۸

علاقه‌مندان می‌توانند مقالات و مطالب خود را برای مجله بین الملل مهر ارسال کنند.



ایران در جهان

دبیران: فرزاد فرهاد توسکی - مریم خرمایی

وجود ندارد که چنین روندی نتواند مجدداً به موفقیت برسد. روند دو مرحله ای که در نوامبر ۲۰۱۴ در مورد آن توافق شد شامل برخی ابهامات است از جمله اینکه چه میزان توافق سیاسی مورد نیاز است. این ابهام اجازه می دهد تا راهی برای توافق دیدگاه های مختلف وجود داشته باشد.

وی در خصوص این موضوع که بر چه اساسی رسیدن به توافق سیاسی در ماه مارس، به معنای حصول توافق جامع خواهد بود گفت: هر چند موعد ۲۴ مارس برای رسیدن به توافق سیاسی از سوی بسیاری از ناظران به عنوان «یک ضرب الاجل نرم» ارزیابی می شد اما در هفته های اخیر این تاریخ به صورت یک «ضرب الاجل سخت» خود را نشان داد. در واشنگتن، اوپاما اعضای تندرو حزب دموکرات را که در مجلس سنایی که تحت رهبری جمهوریخواهان است حضور دارند متقاعد کرده که تا پیش از پیوستن و حمایت از لایحه اعمال جدید تحریم های علیه ایران تا تاریخ ۲۴ مارس صبر کنند. بنابراین بر اساس تحولات سیاسی موجود در واشنگتن، رسیدن به توافق جامع تا آن تاریخ امری مهم است. می توان در مورد جزئیات نیز در هفته های بعدی به توافق رسید. من اساساً به دورنمای توافق جامع خوشبین هستم و پیشرفت های اخیر در مذاکرات موجب شده تا اکنون معتقد باشم که رسیدن به توافق قبل از موعد تعیین شده امکان پذیر است.

«دنيس راس» در مقاله ای عنوان کرده که ایران و آمریکا دشمنان دائمی باقی خواهند ماند. فیتز پاتریک درباره این موضوع که وجود چنین دیدگاه هایی در مراکز تصمیم سازی آمریکا تا چه میزان بر روند مذاکرات تأثیر گذار خواهد بود گفت: من از محتویات مقاله ای که دنيس راس و دو نفر دیگر در تاریخ ۲۳ ژانویه منتشر کرده و گفته بودند که مقدر شده ایران و آمریکا برای همیشه دشمن بمانند شگفت زده شدم چون من تا کنون نشنیده ام که هیچ یک از اعضای دولت اوپاما چنین دیدگاهی داشته باشند. معتقدم که این دیدگاه (دشمنی دائمی ایران و آمریکا) در اقلیت است و نمی تواند بر مذاکرات تأثیری داشته باشد.

وی افزود: «در پالمستون» که به خاطر جمله «دوستی و یا اتحاد همیشگی وجود ندارد بلکه آنها منافع دائمی با هم دارند» معروف شده است. بر همین اساس می توان گفت کشورهای که برای همیشه دشمن یکدیگر باشند وجود ندارند. برای مثال انگلیس و فرانسه را در نظر بگیرید که برای قرن ها با یکدیگر در حال جنگ بودند و یا جنگ های ویرانگری را به یاد بیاورید که میان فرانسه و آلمان وجود داشت. اما اکنون هر سه این کشورها با یکدیگر متحدانی نزدیک هستند. ممکن است دنيس راس تحت تأثیر افراد «آنتی امریکنیسم» قرار گرفته باشد.

معاون اسبق وزارت خارجه آمریکا در پایان و در پیش بینی نتیجه مذاکرات گفت: معتقدم که مذاکره کنندگان به توافقی که حقوق ایران را به رسمیت بشناسد و اغلب تحریم های اقتصادی اعمال شده علیه این کشور را لغو کند خواهند رسید.



گفتگو: عبدالحمید بیاتی

معاون اسبق وزارت خارجه آمریکا:

پیشرفت های اخیر در مذاکرات توافق جامع را بسیار محتمل ساخته است

معاون اسبق وزارت خارجه آمریکا با اشاره به اینکه به دورنمای توافق جامع خوشبین است گفت: پیشرفت های اخیر در مذاکرات موجب شده تا اکنون معتقد باشم که رسیدن به توافق قبل از موعد تعیین شده امکان پذیر است.

۵۰۱ می خواهد که برخی از تحریم ها برای یک دوره زمانی همچنان پابرجا بمانند تا از این نکته مطمئن شوند که ایران به تعهدات خود در توافقنامه عمل می کند. در میان دیگر مسائل، آنها (گروه ۵+۱) می خواهند مطمئن شوند که ایران به طور رضایتمندانه ای به سوالاتی که از سوی ژانيس بین المللی انرژی اتمی در باره فعالیت هایی که ممکن است ماهیت نظامی داشته باشند پاسخ می دهد. نظر به کارشکنی های انجام شده از سوی کشورهای غربی در مذاکرات هسته ای رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای در بیاناتی با دفاع از یک توافق هسته ای خوب فرمودند که توافق باید یک مرحله ای و کاملاً صریح و شفاف باشد در همین رابطه فیتز پاتریک در پاسخ به این پرسش که «در حالیکه ایران بر توافق یک مرحله ای تأکید دارد غرب بر توافق چند مرحله ای برای اعتماد سازی و لغو گام به گام تحریم ها اصرار دارد، چگونه ممکن است این دو دیدگاه همگرا شوند؟» افزود: زمانیکه در تاریخ ۲۴ نوامبر با تمدید مذاکرات موافقت شد تمامی طرف های حاضر در مذاکرات از جمله ایران با روندی موافقت کردند. آنها موعدی را برای رسیدن به توافق سیاسی بر اساس توافق جامع هسته ای در طول چهار ماه تعیین کرده اند و پس از آن نیز در مورد هر گونه ضمیمه فنی که وجود داشته باشد تا تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۱۵ توافق می شود. در نوامبر سال ۲۰۱۳؛ زمانیکه با برنامه اقدام مشترک (توافق ژنو) موافقت شد با یک راهبرد دو مرحله ای مشابه موافقت شده بود که در مورد جزئیات آن نیز دو ماه بعد توافقاتی انجام شد. دلیلی

برخی مسایل پیشرفت های حاصل شده است با این حال اختلافاتی وجود دارد. بر اساس شواهد موجود گویا مهمترین اختلاف موجود میان ایران و کشورهای ۵+۱، نحوه لغو تحریم هاست «مارک فیتز پاتریک» معاون اسبق وزارت خارجه آمریکا و مدیر فعلی برنامه خلع سلاح و منع اشاعه موسسه بین المللی مطالعات استراتژیک در خصوص این موضوع که دلائل گروه ۵+۱ برای مخالفت با رفع یکجای تحریم های ایران چیست گفت: این نکته قابل فهم است که ایران به دنبال لغو فوری تمام تحریم ها باشد اما سه فاکتور وجود دارند که رفع یکجای تحریم ها را غیر ممکن می کند اول آنکه بسیاری از تحریم هایی که علیه ایران در طی سال های گذشته توسط آمریکا وضع شده است به دلیل مواردی به غیر از موضوع هسته ای بوده اند برای مثال به دلیل مواردی همچون حقوق بشر و یا حمایت از گروه هایی همچون حماس و حزب الله که این تحریم ها همچنان پابرجا خواهند بود وی افزود: اگر چه باراک اوپاما، رئیس جمهور آمریکا، می تواند اغلب تحریم های ایران را تعلیق کند اما نمی تواند آن دسته از تحریم هایی که توسط کنگره تصویب شده اند را لغو کند و فقط خود کنگره است که می تواند این تحریم ها را لغو کند و بر اساس وضعیت سیاسی موجود در واشنگتن (اختلافات میان جمهوریخواهان و کاخ سفید) فکر می کنم لغو تحریم ها در شرایط فعلی غیر ممکن باشد.

وی ادامه داد: اگر چه این امر غیر ممکن نیست که تمام تحریم های اتحادیه اروپا و سازمان ملل علیه ایران لغو شوند اما گروه

چندی پیش پاریس میزبان نشست وزيران امور خارجه آمریکا، فرانسه، انگلیس و آلمان درباره موضوع هسته ای ایران بود. چند هفته گذشته را می توان یکی از پرکارترین روزهای کاری «جان کری» وزیر امور خارجه آمریکا دانست. چون وی پس از گفتگو با «محمد جواد ظریف» همتای ایرانی خود، در مونترسوئیس، عازم ریاض شد تا در دیدار با مقامات کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، آنها را در جریان آخرین تحولات مربوط به مذاکرات هسته ای و توقف احتمالی قرار دهد به اعتقاد برخی کارشناسان هدف کری از این سفر توجیه کشورهای عربی در مورد توقف احتمالی بایران بود. کری پس از پایان دیدارهای خود در ریاض عازم پاریس شد و روز گذشته با «لوران فابیوس»، «فیلیپ هاموند» و «فرانک والتر اشتاین مایر» همتایان فرانسوی، انگلیسی و آلمانی خود تشکیل جلسه داد. پس از پایان این نشست، وزیر امور خارجه آمریکا، با رد هر گونه اختلاف بین پاریس و واشنگتن بر سر توافق هسته ای با ایران گفت که آمریکا و فرانسه تأکید دارند که توافقی که اکنون مذاکره بر سر آن جریان دارد، می بایست توافقی محکم باشد. جان کری تصریح کرد: اگر فکر می کردیم که نیاز بیشتری نیست که توافق را محکمتر کرد، الان یک توافقنامه می داشتیم، دلیلی که الان توافقنامه هنوز امضا نشده این است که معتقدیم اختلافاتی وجود دارد که می بایست حل شوند. اقداماتی وجود دارند که می بایست انجام شوند تا این توافق را محکم تر کنند. به گزارش «فاکس نیوز» در این کنفرانس خبری لوران فابیوس نیز گفته است: در



نشال اینترست بررسی کرد:

موانع حصول به توافق جامع هسته‌ای/ بدیل‌های جلوگیری از شکست

نشریه نشال اینترست در تحلیلی به بررسی موانع موجود بر سر توافق جامع هسته‌ای پرداخته و بدیل‌های موجود برای جلوگیری از شکست مذاکرات را ارائه داده است.

«الکسای آربانتف» در مقاله‌ای که برای نشریه «نشال اینترست» نگاشته است با توجه به جو سیاسی حاکم بر فضای مذاکرات هسته‌ای با ایران به محتمل‌ترین گزینه‌های پیش روی قدرتهای جهانی و ایران پرداخته و با توجه به عوامل بین‌المللی موثر بر روند گفتگوها و درگیریهای داخلی بین اعضای گروه ۵+۱ ضمن بر شمردن مزایای حصول توافقی هر چند نسبی به شکست کشاندن مذاکرات فعلی را بی نتیجه می‌داند.

آنچه در ادامه می‌آید متن این مقاله است. این گونه به نظر می‌آید که یک رویکرد تدریجی واقع بینانه‌ترین راه حل موجود برای به نتیجه رساندن مذاکرات هسته‌ای بین ایران و قدرت‌های جهانی باشد. در همان حال که علیرغم همه تلاشها و اظهار امیدواریهای گروه ۵+۱، رسیدن به توافق دو جانبه میان ایران و قدرتهای جهانی همچنان به عنوان یک گزینه دور از دسترس باقی می‌ماند، ریسک به سرانجام نرسیدن مذاکرات نیز قوت بیشتری می‌گیرد.

در این میان، خطرات زیادی متوجه همه گروه‌های دخیل در این مذاکرات است که به خودی خود برای هر یک از طرفین، جدای از اختلاف نظر آنها در باب دیگر مسائل موجود، کفایت می‌کند.

گروه‌های دخیل در مذاکرات هسته‌ای ایران بر سر اینکه در صورت رسیدن به توافق تحریم‌ها علیه این کشور برداشته شود نیز اختلاف نظر دارند. در خصوص روند برداشتن تحریم‌ها می‌بایست به این موضوع اشاره کرد که پافشاری ایران بر روی رفع یک جای تحریم‌ها است حال آنکه گروه ۵+۱ خواهان برداشتن تدریجی تحریم‌ها همزمان با پایبندی ایران به تعهدات خود است که البته این رویکرد اخیر مستلزم سالها صبروری است. لازم به ذکر است که اگرچه ظاهراً بخش اعظم موانع بر سر راه رسیدن به توافق هسته‌ای اختلافات سیاسی موجود بین طرفین مذاکره است، برخی عوامل درونی نیز در این میان می‌تواند دخیل باشد که از جمله آنها می‌توان به اختلاف احزاب سیاسی به ویژه در داخل دو کشور ایران و ایالات متحده آمریکا اشاره نمود. به عنوان مثال، در داخل آمریکا اختلاف نظر رو به

رشدی میان رئیس‌جمهور این کشور و کنگره جمهوری خواه در باب طول مدت توافق جامع وجود دارد.

علاوه بر این، از زمان امضای توافقنامه موقت در نوامبر ۲۰۱۳ تغییرات چشمگیر و متعددی در فضای بین‌المللی حاکم بر مذاکرات هسته‌ای به وقوع پیوسته است. از جمله این تغییرات می‌توان به بحران اوکراین اشاره نمود. در حال حاضر در داخل حلقه قدرتهای ۵+۱ دو جبهه شکل گرفته است به گونه‌ای که در یک سو روسیه قرار دارد و در سوی دیگر ایالات متحده و همپیمانانش - قدرتهایی که بر سر اختلاف نظر در باب اوکراین نسبت به هم تحریم‌هایی را اعمال داشته و حتی یکدیگر را تهدید به اقدام نظامی نیز می‌نمایند.

این موضوع باعث شده که هرگونه کانال همکاری بین روسیه و دیگر قدرتهای غربی که در حال حاضر یکدیگر را دشمن می‌پندارند بسته شود و بی شک این امر همکاری بین روسیه و غرب بر سر مذاکرات هسته‌ای ایران را مشکل خواهد نمود.

شکست مذاکرات در ماه‌های پیش رو ممکن است منجر به از هم پاشیدن ائتلاف ۵+۱ شود

از سوی دیگر، ظهور داعش نیز فضای بین‌المللی پیرامون مذاکرات هسته‌ای را دستخوش تغییر نموده است. اما اینبار برخلاف مورد اوکراین که موجب ایجاد شکاف درونی میان کشورهای ۵+۱ شده است، ایران و قدرتهای جهانی در مبارزه با این گروه افراطی هر دو در یک سوی جبهه قرار دارند. افزون بر این، ایران در کشور افغانستان نیز می‌تواند به یک شریک مهم برای آمریکا بدل شود به گونه‌ای که پس از خروج نیروهای آمریکایی، ایران می‌تواند از دولت افغانستان در مقابل تلاش‌های طالبان به بازپس گیری کنترل این کشور حمایت کند. دولت افغانستان در حال حاضر نیز تلفات زیادی را در مقابله با طالبان متحمل شده و ممکن است نیازمند

المللی انرژی اتمی از جمله لحاظ نمودن پروتکل‌های اضافه و دستورالعمل‌های جانبی کد اصلاح شده ۳۰۱ باشد که ایران را ملزم به ارائه تمامی اطلاعات مرتبط با پروژه‌های هسته‌ای به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از همان مراحل اولیه کار می‌نماید.

این توافق نسبی می‌تواند برای یک دوره ۱۰ تا ۱۵ ساله به قوت خود باقی بماند حال آنکه زمان در نظر گرفته شده برای عمل به دیگر شرایط قید شده در توافق «اقدام مشترک» که در نوامبر ۲۰۱۳ حاصل شد می‌تواند افزایش یابد و خوب این به مراتب بهتر از عدم حصول هر گونه توافقی است.

در رویکرد تدریجی، مرحله بعدی می‌تواند بازگشت گروه‌های مذاکره کننده به محدود نمودن چرخه پلوتونیوم ایران باشد. این مرحله می‌تواند ساخت راکتور آب سنگین اراک، اعمال محدودیت‌های شدید بر عملیات جداسازی پلوتونیوم و دیگر موارد مرتبط را شامل شود.

پس از گذر از این مرحله، مباحثه بر سر موضوعات مورد اختلاف آغاز می‌شود که این می‌تواند شامل اعمال محدودیت بر روی تعداد و نوع تسهیلات غنی سازی اورانیوم یا هدف تولید انرژی صلح آمیز، تعداد و کارایی سانتریفیوژها و میزان و شکل ظاهری ذخیره اورانیوم کم درصد ایران باشد.

در مقابل، سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا نیز تدریجاً و در طول مذاکرات از تحریم‌های خود کاسته تا در نهایت آنها را به طور کامل لغو نمایند. علاوه بر این، همکاری با ایران در باب استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای می‌تواند در این مرحله از مذاکرات از سر گرفته شود.

البته لازم به ذکر است که با توجه به جو سیاسی موجود، اعمال این سناریو کار چندان آسانی نخواهد بود اما به هر حال انتخاب این رویکرد به مراتب از شکست مذاکرات فعلی به بهانه رسیدن به یک توافق جامع عاقلانه تر است. بدین گونه، راه حل پیشنهاد شده تنها گزینه محتمل در شرایط موجود به نظر می‌آید.

جلب همکاری یک کشور همسایه باشد. در این میان، شاید ایران نیز به این موضوع که چنین تغییراتی به گونه‌ای چشمگیر موقعیت این کشور را در مذاکرات هسته‌ای تقویت نموده واقف باشد.

اکنون نکته اینجاست که اگر مذاکره با ایران به شکست بیانجامد، بعید به نظر می‌رسد که قدرتهای عضو گروه ۵+۱ بر سر اعمال تحریم‌های جدید علیه این کشور آن هم با توجه به اختلاف نظر درونی شان به توافق برسند. علاوه بر این، ایران این گزینه را نیز پیش رو خواهد داشت که مذاکرات جداگانه‌ای را با روسیه، چین و برخی از کشورهای اروپایی دنبال کند که البته تمایل همه این کشورهای اخیر ادامه گفتگوها خواهد بود.

با این اوصاف، شکست مذاکرات در ماه‌های پیش رو ممکن است منجر به از هم پاشیدن ائتلاف ۵+۱ شود. از سوی دیگر، این احتمال نیز وجود دارد که ایالات متحده دور جدیدی از تحریم‌های یک طرفه خود را بر ضد ایران اعمال نماید، به این ترتیب، اروپا نیز بین دو گزینه تبعیت از رهبری آمریکا و تمایل به ادامه مذاکرات سردرگم خواهد ماند. در این میان، این امکان نیز وجود دارد که روسیه و شاید چین خواهان اعطای کمک اقتصادی به ایران باشند که این به نوبه خود می‌تواند در جهت کاهش تاثیر تحریم‌های آمریکا عمل کند.

با این حال، شکست در رسیدن به یک توافق جامع با ایران لزوماً نمی‌بایست چنین عواقب سنگینی را در پی داشته باشد. یا بهتر است بگوییم که یک گزینه دیگر نیز وجود دارد به این ترتیب که گروه‌های دخیل در این مذاکرات می‌توانند فی الحال هدف غایی خود مبنی بر رسیدن به یک توافق جامع را کنار گذاشته و به جای آن به رویکردی ملایم تر و تدریجی تر بسنده کنند رویکردی مشابه آنچه که روسیه و ایالات متحده برای چندین دهه و در قبال مذاکره بر سر کاهش تسلیحات هسته‌ای اتخاذ نمودند.

در اولین مرحله از چنین رویکردی، کشورهای ۵+۱ و ایران می‌توانند بر سر مسائلی چون شفاف سازی به توافق برسند. در خصوص ایران، این توافق می‌تواند به معنای موافقت با تشدید کنترل آژانس بین

کند و یا اینکه اجازه بدهیم دوره اجرای این تحریم ها به پایان برسد. برای مثال دوره اعمال برخی از تحریم ها در پایان سال ۲۰۱۶ به اتمام می رسد مگر اینکه کنگره مجدداً آنها را تمدید کند اگر در ماه جولای در کنگره برای لغو تحریم های ایران رای گیری انجام شود، نمی توان گفت این آرا به راحتی در حمایت از لغو تحریم ها خواهد بود. اما با توجه به آنکه حمایت ها و انتقادهای زیادی از برنامه اقدام مشترک (توافقنامه ژنو) وجود دارد فکر می کنم اگر هر دو طرف بر تعهدات خود در توافق جامع پایبند باشند در طول یک سال و یا بیشتر از آن اعتماد سیاسی قابل توجهی از توافق جامع شکل بگیرد. این امر موجب خواهد شد تا اراده ای سیاسی برای لغو آن دسته از تحریمهای آمریکا علیه ایران که به موجب برنامه هسته ای این کشور علیه تهران اعمال شده اند شکل بگیرد.

|| به چه میزان توافق سیاسی ایران و ۵+۱ تا پایان ماه مارس (ماه جاری) به معنای رسیدن به توافق جامع هسته ای خواهد بود؟
در نوامبر ۲۰۱۴ زمانیکه دو طرف موافقت کردند تا مذاکرات خود و برنامه اقدام مشترک را ادامه دهند اعلام کردند که قصد دارند تا چارچوب مذاکرات را تا انتهای ماه مارس تکمیل کنند بر همین اساس زمان برای تکمیل مباحث فنی تا انتهای ماه ژوئن وجود دارد. هر دو طرف بدنبال توافق هستند و بر اساس حداکثر جزئیاتی که ممکن است توافق بر یک چارچوب سیاسی خواهد بود که تمامی مسائل کلیدی را پوشش دهد. مواردی همچون زمانبندی، اقدامات و گام هایی که هر یک از طرفین باید بردارد. انجام چنین اقداماتی تا پایان ماه مارس امری اساسی برای متقاعد کردن کنگره ای است که نسبت به ثمر بخش بودن این مذاکرات آمیدی ندارند.

|| دبیس راس در مقاله ای عنوان کرده بود که مقدر شده تا ایران و آمریکا برای همیشه دشمن باشند. آیا چنین دیدگاهی و طرفداران آنها تاثیری بر نتیجه مذاکرات خواهند داشت؟
متأسفانه آمریکا و ایران برای چند دهه روابط خصمانه ای با هم داشته اند. اگر یک توافق جامع هسته ای موثر داشته باشیم آنگاه روابط موجود میان کشورهای ما بویژه در مواردی که منافع مشترک در آنها وجود دارد بسیار مفیدتر و سازنده تر خواهد شد. اما مطمئناً موارد اختلافی زیادی میان دو کشور وجود دارد و هر دو طرف نسبت به یکدیگر بدبینی داشته و افرادی هستند که خواهان آشتی دو کشور نیستند. با این وجود حتی آن دسته از افرادی که گمان می کنند توافق جامع هسته ای به اندازه کافی مناسب نخواهد بود به این نتیجه رسیده اند که در مورد ایران اعمال تحریم های بیشتر سازنده نیست و اقدام نظامی نیز گزینه ای بسیار بدتر است.



گفتگو: عبدالحمید بیاتی

مدیر انجمن کنترل سلاح آمریکا: یک توافق هسته ای خوب و تاریخی برد-برد در دسترس است

مدیر انجمن کنترل سلاح آمریکا با تأیید پیشرفت های حاصل شده در مذاکرات هسته ای تأکید کرد وضعیت در حال حاضر به گونه ای است که یک توافق تاریخی برد-برد در دسترس است.

مخالف است، دلیل کشورهای ۵+۱ برای مخالفت با لغو یکباره تحریم ها چیست؟
وزیر خارجه ایران، محمد جواد ظریف، عنوان داشته که اگر غرب تحریم ها را به سرعت لغو کند ایران می تواند به سرعت گام هایی را برای نشان دادن اینکه برنامه هسته ای اش صلح آمیز است بردارد. در حالت کلی این امر امکان پذیر است اما در عمل اجرای آن مشکل است. برداشت من این است که آنچه بیش از هر چیزی در این مورد محدود شده آن است که اتحادیه اروپا و آمریکا پیشنهادهای در مورد لغو تحریم به ایران داده اند که برای مثال می توان به لغو تحریم های اتحادیه اروپا و همچنین

بر اساس برنامه اعلام شده دور جدید مذاکرات ایران و کشورهای ۵+۱ برای رسیدن به توافق جامع هسته ای از تاریخ ۲۵ اسفند آغاز می شود. این گفتگوها پس از مذاکرات هفته گذشته که در شهر مونتره برگزار شد و پس از آن «جان کری» وزیر امور خارجه آمریکا، راهی ریاض و پاریس شد تا با مقامات کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و همچنین همپایان خود از کشورهای انگلیس، فرانسه و آلمان درباره آخرین تحولات پرونده هسته ای ایران رایزنی کند برگزار می شود. هر چند گفته می شود که در مذاکرات انجام شده پیشرفت هایی حاصل شده اما با این وجود سنگ اندازی برخی کشورهای ۵+۱ همچون فرانسه و همچنین زیاده خواهی های طرف غربی موجب شده تا تردیدهایی در مورد به سرانجام رسیدن مذاکرات سیاسی تا مهلت تعیین شده یعنی پایان ماه مارس وجود داشته باشد.

در همین رابطه با «داریل کیمبال» مدیر انجمن کنترل سلاح آمریکا، که از نزدیک پرونده هسته ای ایران و مذاکرات در حال انجام را زیر نظر دارد به گفتگو نشستیم. متن کامل این مصاحبه به شرح زیر است:

|| همانطور که می دانید دور جدید مذاکرات هسته ای ایران قرار است در هفته آینده برگزار شود، ایران و آمریکا و همچنین دیگر کشورهای گروه ۵+۱ در هفته گذشته نیز در سوئیس گفتگوهای را انجام داده بودند. در این میان نگاهی بر گزارش های منتشر شده در رسانه ها و اظهارات مسئولان هر دو طرف نشان می دهد که جوی مثبت برای رسیدن به توافق تا مهلت تعیین شده در ماه مارس وجود دارد، ارزیابی شما در این رابطه چیست؟

بر اساس ماهیت پیچیده این موضوع اینطور که مشخص است مذاکرات به آرامی در حال پیشرفت است و این پیشرفتی مستمر است. هنوز اختلافاتی میان طرفین وجود دارد، هر چند این اختلافات کم تعداد و کوچک هستند اما زمان برای هر دو طرف برای آنکه در مورد مسائل باقی مانده تصمیم کلیدی سیاسی اتخاذ کنند رو به پایان است. دو طرف باید در مواردی همچون سانسورهای تحقیق و توسعه، دوره و مدتی که توافق اجرا خواهد شد، وضعیت لغو تحریم ها و اینکه در مورد پرسش های باقیمانده آژانس بین المللی انرژی اتمی از ایران چه اقداماتی را می توان انجام داد تصمیم گیری کنند. یک توافق تاریخی برد-برد در دسترس است. هیچ یک از طرفین نمی تواند این موقعیت بوجود آمده را از بین ببرد.

|| در این مذاکرات ایران بر لغو تمامی تحریم ها تأکید دارد اما طرف مقابل با این موضوع

هر دو طرف می دانند که بازرسی های در حال انجام آژانس بین المللی انرژی اتمی از فعالیت های قبلی ایران حتی پس از توافق جامع نیز ادامه خواهد داشت. در همین زمان این نکته نیز روشن است که تحریم های کلیدی ایران که شامل تحریم های سازمان ملل بواسطه فعالیت هسته ای ایران هستند تا زمانیکه بازرسی های آژانس در ایران تکمیل نشود برچیده نخواهند شد.

در پایان اینکه رهبران امریکا و ایران با این نکته موافق هستند که عدم توافق بهتر از یک توافق بد است اما این نکته نیز روشن است که یک توافق برد-برد بهتر از عدم توافق است و چنین توافقی اکنون در دسترس است.

تائید اینکه ایران به تعهدات خود بر اساس توافق انجام شده و معاهده ان پی تی پایبند است را افزایش بدهد و سوم اینکه توافق منجر به لغو بخش قابل توجهی از تحریم های ایران شده و در حالیکه تهران گام های اساسی در مورد برنامه هسته ای خود بر می دارد تحریم های وابسته به برنامه هسته ای ایران نیز لغو شوند.

|| شما سفر بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی به ایران و بازرسی های آنها از تاسیسات هسته ای را چطور ارزیابی کرده و تاثیر آن را بر توافق نهایی به چه شکل می دانید؟

|| در نهایت اساسا شما فکر می کنید چه نوع توافقی میان طرفین حاصل شود؟

یک توافق متعادل که برای یک دهه و یا بیشتر وجود داشته باشد، توافقی که شامل مراحل مختلف و گام های مشخصی باشد که هر دو طرف باید بردارند. در حالیکه هنوز مواردی وجود دارند که باید حل شوند اما مشخص است که دو طرف اگر نگوئیم در تمامی موارد در بسیاری از موارد مهم به راه حل هایی رسیده اند. به نظر من توافق جامع موثر می تواند شامل این مواردی باشد که اول؛ محدودیت های مشخصی برای غنی سازی اورانیوم در ایران اعمال نماید. دوم؛ توانایی جامعه بین الملل برای

استاد دانشگاه لندن:

ایده اتحاد ترکیه و عربستان علیه ایران غیرممکن است



گفتگو: پیمان یزدانی

پروفسور «آرشین ادیب مقدم» گفت ایده اتحاد ترکیه و عربستان علیه ایران به سبب اختلافات جدی ریاض و آنکارا شدنی نیست.

با وجود تزریق هزینه های گزاف از سوی این کشورها به این پروژه این کشورها نتوانسته اند با هم ارتباط برقرار کنند و استراتژی مشترکی داشته باشند.

عربستان سعودی اساساً با اخوان المسلمین و جنبش های اسلامی سکولار که دارای محبوبیت های زیادی هستند مخالف است مثل النهضة در تونس

رئیس مرکز مطالعات فلسطین دانشگاه لندن در ادامه یادآور شد: در آمریکای لاتین که قدرت های امپریالیست در حال نابود کردن آن بودند الان یک اجماع منطقه ای ایجاد شده است که توانسته امنیت مردم منطقه را تأمین کند و موجب شده مردم این مناطق فجایعی مثل فجایع سوریه و اقدامات بربری داعش را تجربه نکنند. نهایتاً برخی قدرت های منطقه ای باید به این نتیجه برسند که نمی توانند اهداف خود در منطقه را با هزینه دیگران پیش ببرند. رسیدن به چنین دیدگاه مثبت جمعی لازمه اش این است که آموزش های مجددی درباره تفکرات استراتژیک و دیپلماسی ارائه شود.

ترکیه و عربستان بتوانند اتحادی سنی علیه ایران تشکیل دهند نادرست و ایده ای پوچ و بی معناست. زیرا عربستان سعودی سیاست های لیبرال و سکولار اسلام ترکیه را تهدیدی برای اینتولوزی خود می بیند. به عبارتی دیگر می توان گفت ترکیه دارای یک دموکراسی لیبرال است در صورتیکه عربستان دارای حکومت اسلامی پادشاهی اقتدارگرا است. ادیب مقدم در خصوص این موضوع که آیا ممکن است شاهد تغییر سیاست پادشاه جدید عربستان در قبال اخوان المسلمین باشیم بطوریکه همکاری های خود را به جای محور امارات متحده و بحرین با محور ترکیه و قطر افزایش دهد، گفت: احتمال این فرض را بسیار کم می دانم. عربستان سعودی اساساً با اخوان المسلمین و جنبش های اسلامی سکولار که دارای محبوبیت های زیادی هستند مخالف است مثل النهضة در تونس. ترکیه هم تحت رهبری حزب عدالت و توسعه به عنوان مدلی موفق دیده می شود که به اسلام گراها این اجازه را می دهد تا فرهنگ اسلامی را با نظم سکولار ترکیب کنند به ویژه بعد از انقلاب های عربی. استاد دانشگاه لندن تأکید کرد: از سوی دیگر عربستان کشمکش طولانی مدت خود با قطر بر حمایت این کشور از اخوان المسلمین را داراست.

وی با بیان اینکه این کشورها یعنی قطر، امارات متحده عربی، بحرین، ترکیه و عربستان سعودی اهداف استراتژیک مشترکشان در سوریه یکی است، افزود: هنوز

دیدار اخیر «جب طیب اردوغان» رئیس جمهور ترکیه از عربستان و دیدار وی با «ملک سلمان» پادشاه جدید این کشور موجب مطرح شدن برخی گمانه زنی هادر رسانه هاشده است.

برخی رسانه ها و کارشناسان با اشاره به درخواست عربستان از رئیس جمهور ترکیه برای بهبود روابط با دولت مصر این ایده را مطرح کرده اند که عربستان ممکن است تا در تلاش باشد تا ترکیه را به محور ضد ایرانی این کشور در منطقه ملحق کند.

پروفسور «آرشین ادیب مقدم» استاد روابط بین الملل و رئیس گروه مطالعات فلسطین دانشگاه لندن در خصوص امکان همگرایی ترکیه و عربستان و تشکیل ائتلاف ضد ایرانی با وجود اختلافات میان قاهره و آنکارا به ویژه در خصوص اخوان المسلمین گفت: نباید درباره این سفر مبالغه و گفته شود که دارای اهداف استراتژیک بوده است. این سفر فقط یک سفر نزاکتی با هدف تبریک گفتن به ملک سلمان بوده است.

وی در ادامه افزود: عربستان و ترکیه بر سر مصر با هم اختلاف پیدا کرده اند زیرا ترکیه از اخوان المسلمین حمایت می کرد و عربستان هم حمایت مالی گسترده ای از حاکم نظامی مصر السیسی داشت، همچنین هر چند این دو کشور درباره دولت بشار اسد در سوریه اتفاق نظر دارند اما استراتژی مشترکی در این خصوص ندارند. این استاد دانشگاه لندن در ادامه تصریح کرد: اینکه



استاد دانشگاه آلاباما:

گفتگو: پیمان یزدانی

ترکیه سیاست سعودی‌ها را برابر ایران نخواهد داشت/محدودیت عربستان

پروفسور «نادر انتصار» رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلابامای جنوبی با اشاره به تلاش عربستان برای کشاندن ترکیه به محور ضد ایرانی گفت عربستان برای این کار محدودیت دارد.

است که میانجیگری عربستان می‌تواند مفید باشد. هر چند روابط مصر و ترکیه پر تنش است و رفتار عربستان در دو سال گذشته موجب به حاشیه راندن برخی مصری‌های با نفوذ شده است. به عبارتی دیگر میانجیگری عربستان در این خصوص نیز محدودیت‌هایی دارد. نادر انتصار همچنین با اشاره به میزان حمایت افکار عمومی مردم ترکیه از احتمال نزدیک شدن ترکیه به عربستان و آب شدن یخ روابط این دو کشور با هدف ائتلاف احتمالی علیه ایران که موجب آسیب رسیدن به روابط ترکیه با ایران خواهد شد، گفت: حمایت عمومی در ترکیه از پیوستن ترکیه به ائتلاف ضد ایرانی مد نظر عربستان ضعیف است. علاوه بر این ترکیه از اتخاذ سیاست ضد ایرانی منافع و عایدات کمی خواهد داشت.

پذیر است یا خیر، گفت: همانطور که در سوال قبلی گفتم سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه در چندین حوزه در تضاد با سیاست‌ها و اهداف سعودی‌های وهابی است. وی با اشاره به به منافع مشترک دو کشور ترکیه و ایران در منطقه نیز گفت: اختلافات ایران و ترکیه در زمینه رویکرد سیاست خارجی در خصوص برخی موضوعات منطقه‌ای ادامه خواهد داشت اما این دو کشور در عین حال دارای منافع موافق بسیاری در منطقه هستند. به عبارتی دیگر ترک‌ها سیاستی مشابه سیاست خارجی عربستان سعودی را در قبال ایران به نمایش نخواهند گذاشت. وی در خصوص میانجیگری عربستان برای حل اختلافات دو کشور ترکیه و مصر و میزان موفقیت پادشاه سعودی در این خصوص گفت: این یکی از حوزه‌هایی

هفته‌های اخیر شدیداً مشغول تلاش برای ایجاد یک ائتلاف علیه ایران بوده است. وی در دیدار با رئیس‌جمهور ترکیه از سیاست‌های ترکیه در منطقه تقدیر و تشکرهای فراوانی کرد. وی در ادامه افزود: با اینکه ترکیه و عربستان منافع مشترکی در منطقه دارند اما دو کشور در عین حال اهدافی را در منطقه دارند که در تقابل با همدیگر است. به عبارتی دیگر میزان همکاری‌های ترکیه و عربستان سعودی وقتی که به مسئله ائتلاف ضد ایرانی مد نظر عربستان می‌رسد دارای محدودیت‌هایی است. انتصار در پاسخ به این سوال که با توجه اختلافات ترکیه و عربستان در برخی مسائل به ویژه درباره اخوان المسلمین و حماس، آیا همگرایی ترکیه و عربستان برای ایجاد ائتلاف ضد ایرانی امکان

دیدار اخیر «رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهور ترکیه از عربستان و دیدار وی با «ملک سلمان» پادشاه جدید این کشور موجب مطرح شدن برخی گمانه‌زنی‌ها در رسانه‌ها شده است. برخی رسانه‌ها و کارشناسان با اشاره به درخواست عربستان از رئیس‌جمهور ترکیه برای بهبود روابط با دولت مصر این ایده را مطرح کرده‌اند که عربستان ممکن است تا در تلاش باشد تا ترکیه را به محور ضد ایرانی این کشور در منطقه ملحق کند. پروفسور «نادر انتصار» استاد علوم سیاسی دانشگاه آلابامای جنوبی در این خصوص که برخی کارشناسان معتقد هستند عربستان سعودی در تلاش است تا ترکیه را برای پیوستن به محور ضد ایرانی به رهبری خودش ترغیب کند، گفت: ملک سلمان پادشاه جدید عربستان در

گفتگو با سناتور جان مک کین:

کنگره به فشار خود در خصوص برنامه هسته‌ای ایران ادامه می‌دهد

رئیس کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا به ارائه طرح‌های جمهوری خواهان در خصوص برنامه هسته‌ای ایران پرداخت.

است افزود: به علاوه من در راستای اهداف سناتور «لیندسی گراهام» و «رابرت منندز» نامه‌ای به رئیس جمهوری ارسال کرده و اصول بنیادینی را که باید در هر گونه توافق جامع با ایران بر سر برنامه هسته‌اش مورد توجه قرار گیرد تشریح کردم. شرایط مذکور شامل برچیدن تاسیسات غنی سازی ایران، رفع نگرانی‌های اعلام شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل و موافقت با بازرسی‌های متمرکز برای اطمینان یابی از این واقعیت خواهد بود که ایران به دنبال توسعه هیچگونه سلاح هسته‌ای نیست.

مک کین در ادامه این گفتگو گفت: مهلت تعیین شده برای دستیابی به توافق جامع هسته‌ای بیست و چهارم نوامبر ۲۰۱۴ بود. این مهلت اکنون به

به همین دلایل من از طرح موسوم به «۲۶۹.۵» مبنی بر گسترش تحریم‌ها علیه ایران حمایت می‌کنم. این قانون تحریم‌های جدیدی را در حالی که مذاکرات برای رسیدن به توافق نهایی در جریان است، علیه این کشور اعمال می‌کند. علاوه بر این قانون مذکور به کنگره اجازه می‌دهد بر هر گونه توافقی نظارت نموده و نیز در صورت عدم موفقیت در رسیدن به توافقی نهایی و یا خودداری ایران از عمل به تعهداتش و ادامه تلاش برای ساخت بمب هسته‌ای، تحریم‌ها را دوباره اعمال کند. این قانون در بیست و هفتم ژانویه ۲۰۱۵ مطرح شده و اکنون در حال بررسی در کمیته بانکداری، مسکن و شهرسازی است. مک کین در ادامه از جزئیات طرحی

سانتریفیوژهایی با پتانسیل تولید بمب اتمی در سطح بالا است. من همچنین خواهان اطلاع از ابعاد نظامی این برنامه و توانایی غنی سازی اورانیوم در داخل و عزم آنها برای مسئولیت پذیری هستم. گذشته از این به نظر می‌رسد این تنها یک توافق مقطعی است و یک راه

مذاکرات هسته‌ای ایران در حالی در حال برگزاری است که طرفین برای رسیدن به توافق سیاسی تا پایان ماه مارس مشغول رایزنی‌های فشرده هستند. جمهوری اسلامی ایران بر توافق یک مرحله‌ای تأکید دارد و خواهان رفع یک جای تحریم‌های ظالمانه است.

طرف مقابل در عوض به بهانه اعتمادسازی بر رفع تدریجی تحریم‌ها تأکید دارد. در این میان کنگره آمریکا گوی سبقت را از دولتمردان این کشور ربوده و در نامه ۴۷ سناتور جمهوری خواه و در اقدامی که مخالف موازین بین المللی و حقوق معاهدات بین المللی است اعلام داشته حتی توافق صورت گرفته می‌تواند عمری کوتاه داشته باشد و توسط دولت بعدی ایالات متحده آمریکا لغو شود.

این اقدام سناتورها حتی با مخالفت باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا نیز مواجه شده است تا جایی که وی از این اقدام اعلام شرمساری کرده است.

سناتور جان مک کین از ایالت آریزونا و رئیس کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا با اشاره به تاریخچه کوتاهی از مذاکرات هسته‌ای و شروع دور جدید گفتگوها میان ایران و کشورهای گروه ۵+۱ مدعی شد: طی چندین سال کنگره آمریکا از خطر برنامه هسته‌ای ایران سخن گفته و در این راستا رهبری تحریم‌های ابتکاری علیه این کشور را عهده دار شده است. به مرور، تحریم‌های اقتصادی علیه ایران موجب افزایش تمایل این کشور به مذاکره شده است. در بیست و سوم نوامبر ۲۰۱۳ دولت ایران با توقف گسترش بیشتر برنامه هسته‌ای خود در برابر لغو موقت تحریم‌ها موافقت کرد و وارد مذاکرات فشرده برای توافقی هسته‌ای شد که می‌تواند در نهایت منجر به یک برنامه صلح آمیز هسته‌ای شود.

به رغم اینکه فعالیتهای هسته‌ای ایران تحت نظر آژانس بین المللی انرژی اتمی و بازرسان آژانس قرار دارد و از سوی دیگر دولت آمریکا نیز در مذاکرات هسته‌ای حضور دارد مک کین در ادامه اعلام می‌دارد: هر چند این توافق توانسته تا حدودی از سرعت برنامه هسته‌ای ایران بکاهد اما من نگران موارد جدی در توافق پیشنهادی هستم که شامل ادامه توسعه فعالیت



مدت ۷ ماه دیگر تا اول جولای ۲۰۱۵ تمدید شده است. نگرانی من این است که این مذاکرات طولانی نتیجه‌ای در متوقف کردن اهداف هسته‌ای ایران نداشته و در مقابل جامعه بین المللی را به واکنش امنیتی اشتباه متمایل کرده است.

نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۰۸ در پایان بی توجه به این موضوع که طرف مقابل گفتگو با ایران در گروه ۵+۱ خود دولت ایالات متحده آمریکا است افزود: تأکید می‌کنم که به تلاش در کنار دیگر همکارانم در کنگره برای تداوم فشار به دولت ایران برای جلوگیری از پیامدهای فعالیت‌های ناگوار این کشور ادامه خواهم داد. همچنین به رئیس جمهوری برای تمکین در برابر کنگره و اطمینان دادن در مورد این که هر گونه توافق هسته‌ای با ایران با شفافیت کامل و مسئولیت پذیری در برابر مردم آمریکا خواهد بود، فشار می‌آورم.

دیگر که به کنگره آمریکا امکان نظارت و دخالت بر توافق هسته‌ای احتمالی میان کاخ سفید و تهران را می‌دهد سخن می‌گوید: من اخیراً نیز حامی طرح «۶۱۵.۵» با عنوان بازنگری در توافق هسته‌ای با ایران بودم که شامل بازنگری کنگره و نظارت بر توافق مربوط به برنامه هسته‌ای ایران است. این مصوبه مورد حمایت دو حزب، رئیس جمهوری را ملزم می‌کند متن کامل هر گونه توافق با ایران را در اختیار کنگره قرار دهد. همچنین دولت را از تعلیق تحریم‌های کنگره، اگر کنگره به این نتیجه برسد که توافق مذکور منافع امنیت ملی ما را تأمین نمی‌کند، باز می‌دارد. مک کین در اظهاراتی که نشان دهنده وجود شکاف در دستگاه تصمیم گیری ایالات متحده آمریکا در خصوص برنامه هسته‌ای ایران و بی توجهی به نظرات آژانس بین المللی انرژی اتمی بر فعالیتهای هسته‌ای ایران

حل طولانی مدت برای مقاصد هسته‌ای ایران را به دست نمی‌دهد. اگر این «توافق جامع» منقضی شود، شاید ایران برنامه سلاح هسته‌ای خود را از سر بگیرد. این سناتور جمهوری خواهان در ادامه گفتگوی خود با تأکید ضمنی مواضع رهبران جمهوری اسلامی ایران که موضوع هسته‌ای تنها بهانه است و آمریکا و غرب بعد از این موضوع، دستاویز دیگری برای تحت فشار قرار دادن ایران پیدا خواهند کرد تصریح کرد: بدتر از آن این که تضمینی نیست که در صورت هر گونه توافق هسته‌ای، ایران دست از حمایت از تروریسم و دیگر فعالیت‌های منفی که در حال حاضر دوستان و همپیمانان ما را در خاورمیانه تهدید کرده و منافع امنیت ملی ما را به خطر می‌اندازد، بردارد. مک کین در ادامه طرح‌های کنگره آمریکا در خصوص برنامه هسته‌ای ایران را مطرح می‌کند و می‌گوید:

گفتگو: جواد حیران نیا-مریم خرمائی

استاد دانشگاه مینه سوتا آمریکا:

برخی تصویر می کنند تحریمهای ایران باید در روند ۵۰ ساله برداشته شود

استاد دانشگاه مینه سوتا آمریکا با اشاره به اینکه هیچ مدرکی در دست نیست که اثبات کند ایران به دنبال ساخت سلاح هسته ای بوده است گفت: برخی تصور می کنند تحریمهای ایران باید در روند ۵۰ ساله برداشته شود.



|| در کل، فکر می کنید طرفین نهایتاً به چه نوع توافقی دست یابند؟

من به وزرای امور خارجه ایران و آمریکا اعتماد دارم. هر دوی آنها افراد هوشمند و نکته بینی هستند. هر دوی آنها معقول بوده و از واقعیت های سیاسی جوامع خود مطلع هستند. من بر این باور هستم که توافق نهایی بر پایه عمل به یک سری تعهدات نسبتاً آسان از سوی ایران و در عوض برنامه تدریجی حذف تحریم های غرب تحقق خواهد یافت. یکی از مهمترین تعهدات طرف ایرانی می تواند پذیرش پروتکل الحاقی و در نتیجه بازرسی برنامه هسته ای این کشور باشد. این پروتکل از سوی برخی دیگر از کشورها نیز به امضا رسیده و خاص ایران نیست. لازم به ذکر است که ایران از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ خواستار پذیرش پروتکل بود اما دولت بوش نمی خواست در ازای پذیرش آن تحریم ها را لغو کند. حال اگر ایران پروتکل الحاقی را در ازای لغو تحریم ها بپذیرد هم این کشور به آنچه از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ به پی آن بود می رسد و هم ایالات متحده می تواند بگوید که ایران به تعهداتش پایبند بوده است. این طبیعتاً یک توافق برد - برد است. کاهش تعداد سانتریفیوژها هم احتمالاً یکی دیگر از تعهدات ایران خواهد بود. اما باز هم در ازای موافقت ایران برنامه زمانی حذف تحریم ها به صورت تدریجی خواهد بود.

اجازه بدهید که بگویم دنیای تجارت به خوبی از این امر آگاه است که باز کردن درهای تجارت بین الملل به روی ایران موجب رها شدن موج بزرگی از تحرکات اقتصادی در عرصه جهان خواهد شد. این موج برای همه دنیا ثروت و ثبات به ارمغان می آورد. لذا جامعه تجاری دولت های ایران و ایالات متحده را تحت فشار قرار می دهد تا به توافق برسند این مورد آخر تأثیر گذارترین عامل در روند مذاکرات فعلی است.

|| فکر می کنید چند درصد امکان دارد که توافق احتمالی ماه مارس یک قرارداد جامع هسته ای باشد؟

من گمان می کنم که شانس حصول توافق دست کم ۷۰ درصد باشد. هر چند، هم کنگره آمریکا و هم مجلس نمایندگان ایران خواهان حق رای در باب توافق به دست آمده هستند. توافق احتمالی حکم یک مصالحه را خواهد داشت و مسئله اینجاست که آنهایی که طرز فکرشان بر پایه معیارهای مطلق گرایانه است هرگز به مصالحه رضایت نمی دهند. توافق به دست آمده قطعاً موجب خشم افراد زیادی خواهد شد.

چنانچه ایران به بخشی از تعهداتش عمل کند و فرضاً سایت فوردو را تعطیل کند، در عوض آمریکا هم برخی تحریم ها را لغو می کند

|| در مقاله ای، دنیس راس می گوید ایران و آمریکا برای همیشه محکوم به دشمنی با یکدیگر هستند. فکر می کنید تا چه حد دیدگاه چنین افرادی می تواند بر سرنوشت مذاکرات هسته ای مؤثر باشد؟

دنیس راس سفیر سابق آمریکا در رژیم صهیونیستی بوده است. وی به طرفداری از اسرائیل حامی موضع افراط گرایانه جناح راست است. در واقع، دنیس راس از ایران متفر است. اظهار نظرهای او قابل پیش بینی است چرا که اصولاً نمی خواهد بین ایران و آمریکا توافقی حاصل شود. وی خواهان ویرانی نظام جمهوری اسلامی است. خوشبختانه، دنیس راس دیگر در دولت آمریکا پست و مقامی ندارد و نظراتش هم معرف دیدگاه غالب ایالات متحده نیست.

است. در حقیقت، ایران چندین بار در سالهای ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ از ایالات متحده خواست تا در باب برنامه هسته ای این کشور به مذاکره بنشیند اما دولت بوش از این امر امتناع ورزید.

دوم آنکه هیچ مدرکی در دست نیست که اثبات کند ایران فی الحال یا در گذشته و آینده برنامه ای مبنی بر ساخت سلاح هسته ای داشته و یا خواهد داشت. البته هنوز هم کسانی در آمریکا هستند که فکر می کنند یا حداقل اینطور تظاهر می کنند که تنها اعمال تحریم است که می تواند ایران را از تلاش به ساخت سلاح هسته ای باز دارد. این نحوه موضع گیری لابی «ایک» و بسیاری از اعضای کنگره آمریکا است. به همین دلیل است که وقتی پای مصالحه کردن به میان می آید این قبیل افراد خواهان لغو مرحله به مرحله تحریم ها می شوند. مثلاً چنانچه ایران به بخشی از تعهداتش عمل کند و فرضاً سایت فوردو را تعطیل کند، در عوض آمریکا هم برخی تحریم ها را لغو می کند.

هر چند در این میان برخی مثل دنیس راس هم هستند که فکر می کنند تحریم ها می بایست طی یک روند پنجاه ساله لغو شود!

|| در حالیکه ایران بر روی حصول یک قرارداد یک مرحله ای تأکید دارد، کشورهای غربی با هدف اعتماد سازی خواهان یک توافق چند مرحله ای هستند که منجر به لغو تدریجی تحریم ها می شود. چه طور ممکن است که این دو راهکار متفاوت با یکدیگر ادغام شوند؟

هر یک از طرفین مجبور است دل اعضای خود را به دست بیاورد. من فکر می کنم ایالات متحده آمریکا بر این باور است که لغو تدریجی تحریم ها حد واسط بین دو راه حل حفظ تحریم ها و لغو یکجای آنها است. در واقع، من فکر می کنم که به هر صورت این تنها راه برداشتن تحریم ها باشد. هر چند، با در نظر گرفتن این موضوع که اصولاً مدرکی دال بر اقدام ایران به ساخت سلاح هسته ای در دست نیست این هم ضرورتی ندارد.

دکتر «ویلیام اورمان بیمن»، استاد و رئیس گروه مردم شناسی دانشگاه مینه سوتا آمریکاست. وی همچنین رئیس بخش خاورمیانه انجمن مردم شناسی آمریکا از سال ۲۰۰۸-۲۰۰۵ بود.

بیمن، پیشتر مدیر گروه مطالعات خاورمیانه در دانشگاه براون در ایالت رود آیلند و استاد مردم شناسی و مطالعات آسیای شرقی این دانشگاه بود. بیمن دکترای مردم شناسی را از دانشگاه شیکاگو در سال ۱۹۷۶ دریافت کرده و به خاطر نوشتن چندین کتاب و بیش از ۱۰۰ مقاله علمی در مورد پویش های ارتباطات در ایالات متحده، ایران و غیره بسیار مشهور است.

بیمن یک ایرانشناس برجسته بوده و کتاب ها و مقالات متعددی در مورد ایران نوشته است. کتاب «چگونه ایالات متحده و ایران یکدیگر را شیطان خطاب می کنند» با گفتمان و شعارهای منفی بین دو کشور ایران و ایالات متحده در طول ۳۰ سال گذشته سر و کار دارد که تأثیر شگرفی بر نگرش های ملی نسبت به حملات دولت بوش علیه ایران و امکان منازعه نظامی بین دو کشور داشته است.

آنچه در ادامه می آید گفتگو با این استاد آمریکایی در خصوص برنامه هسته ای ایران است.

|| ایران بر لغو فوری همه تحریم ها پافشاری می کند حال آنکه طرف مقابل این امر را نمی پذیرد. به نظر شما دلایل طرف مقابل برای طفره رفتن از لغو یکجای تحریم ها چیست؟

اول آنکه تاریخ نشان می دهد ایالات متحده آمریکا همواره در برداشتن تحریم های اعمال شده از سوی این کشور تعلل داشته است. اما، در مورد ایران این باور نیز وجود دارد که این کشور در پی فشار ناشی از تحریم ها تن به مذاکره در باب برنامه هسته ایش داده است و لذا در صورت لغو تحریم ها از آنجا که دیگر پای تهدید اقتصادی در میان نیست ایران درصدد ساخت سلاح هسته ای نخواهد آمد. البته هر دو این طرز فکرها نادرست

همکاری تل آویو با افراطیون آمریکایی برای کارشکنی در توافق هسته ای

جاسوسی از مذاکرات؛ اسرائیل و ایجاد بحران های پی در پی برای آمریکا



افشای جاسوسی رژیم صهیونیستی از مذاکرات هسته ای ایران و همکاری این رژیم با جنگ طلبان آمریکایی برای کارشکنی در روند مذاکرات تهران و ۵+۱، موجب بروز بحرانی جدید در مناسبات تل آویو-واشنگتن شده است.

توافقی هستند که «برنامه هسته ای ایران را به طور کامل متوقف نکند» بونر از پاسخ دادن به پرسشی درباره توان بالقوه اسرائیلی ها در زمینه انتقال اطلاعات محرمانه مذاکرات هسته ای به اعضای کنگره آمریکا خودداری کرد و تنها گفت: «من مطمئن نیستم که چه اطلاعاتی بوده، اما از آن گزارش شگفت زده شده ام».

|| سندی برای اثبات جاسوسی اسرائیل از آمریکا

لیبرمن در حالی مدعی ممنوع بودن جاسوسی از آمریکا برای سرویس های امنیتی رژیم صهیونیستی شده که پیشتر نیز خبرهایی در مورد جاسوسی این رژیم از مقامات آمریکایی بویژه وزیر خارجه این کشور منتشر شده بود. برای مثال در مرداد ماه سال گذشته یک رسانه آلمانی از جاسوسی رژیم صهیونیستی از وزیر امور خارجه آمریکا و شنود مکالمات تلفنی وی در جریان مذاکرات سازش خبر داد. بر اساس گزارش اشپیگل، مکالمات تلفنی جان کری وزیر امور خارجه آمریکا، در هنگام سفرهای وی به خاورمیانه برای پیشبرد مذاکرات سازش بصورت مرتب از سوی نهادهای اطلاعاتی اسرائیل شنود می شد. جان کری در طول یک سال گذشته برای به نتیجه رساندن مذاکرات سازش سفرهای متعددی را به خاورمیانه داشته و بصورت مرتب با مقامات تشکیلات خودگردان و همچنین تل آویو در ارتباط بود. به نوشته اشپیگل، فاش شدن جاسوسی اسرائیل از وزیر امور خارجه آمریکا بدون شک موجب افزایش تنش های موجود میان واشنگتن و تل آویو می شود.

استریت جورنال گفته است که «آمریکا هرگز درباره موضوع ادعایی جاسوسی که در این گزارش مطرح شده، شکایتی به اسرائیل نکرده است».

|| شگفتی مقامات آمریکا

با این وجود رئیس مجلس نمایندگان آمریکا می گوید که انتشار گزارشی درباره جاسوسی اسرائیل از مذاکرات هسته ای ایران و شش قدرت جهانی وی را شگفت زده کرده است. «جان بونر» دیروز سه شنبه در جمع خبرنگاران گفت که وی اطلاعاتی درباره اینکه آیا اطلاعات اسرائیل به دست قانونگذاران آمریکایی رسیده باشد، ندارد. روزنامه وال استریت جورنال روز دوشنبه گزارش داد که اسرائیل نه تنها از مذاکرات فوق محرمانه ایران و شش قدرت جهانی جاسوسی می کرده، بلکه جزئیات این مذاکرات را در اختیار برخی قانونگذاران آمریکایی قرار داده که هدف آن خرابکاری در مسیر ممانعت از رسیدن به توافق هسته ای با ایران بوده است. بونر که قرار است در روزهای آینده و به دنبال پیروزی بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی در انتخابات پارلمانی به سرزمین های اشغالی سفر کند، اظهار داشت: «صمیمانه بگویم که مقداری شگفت زده شدم، چون اطلاعاتی که گفته می شود اسرائیل به نمایندگان منتقل کرده است، هنوز به خود من نرسیده است». وی درباره «شتت آشکار اطلاعات» به نمایندگانی که نامی از آن ها برده نشده است، گفت که من کلاً از این موضوع اطلاع ندارم. این گزارش می افزاید که بسیاری از جمهوریخواهان مخالف هرگونه

آمریکا پیام هایی را ردگیری کردند که بین مقام های اسرائیلی رد و بدل می شد و محتوای این پیام ها تنها می توانست از گفت و گوهای هسته ای که پشت درهای بسته برگزار می شود درز کرده باشد. به گزارش وال استریت جورنال، مقام های کاخ سفید به ویژه از این موضوع ناراحت شده اند که اسرائیل این اطلاعات را در اختیار برخی اعضای کنگره گذاشته تا بتوانند پرونده ای علیه روند مذاکرات هسته ای تشکیل دهند. گروهی از قانونگذاران جمهوری خواه آمریکایی همواره همصدا با اسرائیل نسبت به آن چه «توافق بد» با ایران می دانند هشدار می دهند.

|| تکذیب صهیونیست ها

اما کمی پس از آن که روزنامه آمریکایی وال استریت جورنال گزارشی با مضمون «جاسوسی اسرائیل» از جلسات مذاکره هسته ای با ایران منتشر کرد، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی این خبر را تکذیب کرد. آویگدور لیبرمن، گفته است که «این گزارش صحت ندارد، همان طور که معلوم است اسرائیل منافع امنیتی دارد که باید از آنها حفاظت کند و ما هم فعالیت های اطلاعاتی خود را داریم، اما از ایالات متحده جاسوسی نمی کنیم». وی افزود: ما اطلاعاتمان را از دیگر منابع گرفته ایم، نه از ایالات متحده. ده ها است که در این مورد دستورالعمل واضحی صادر شده: از ایالات متحده جاسوسی نکنید، چه مستقیم، چه غیرمستقیم. ژنرال موشه یعلون، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی، نیز در واکنش به گزارش وال

روزنامه وال استریت جورنال روز دوشنبه، سوم فروردین، در وبسایت خود از قول «مقامات ارشد کاخ سفید» گزارش داده بود که اسرائیل از سال گذشته «به منظور تلاش برای جلوگیری از توافق احتمالی هسته ای قدرت ها با ایران» اقدام به جاسوسی از مذاکرات اتمی کرده است. این روزنامه نوشته بود که «جاسوسی اسرائیل از مذاکرات با ایران شامل شنود و کسب اطلاعات از جلسات محرمانه مقامات آمریکایی، و تماس اسرائیلی ها با خبرچین ها و دیپلمات ها می شود. در این رابطه اما، روز سه شنبه یک مقام ارشد در دفتر نخست وزیر اسرائیل نیز که نام او فاش نشده به شبکه خبری سی ان ان با تأکید بر این که اسرائیل اقدام به جاسوسی از آمریکا و دیگر هم پیمانان اسرائیل نکرده گفت که «این اتهامات بالکل نادرست است». در همین روز شبکه بی بی سی نیز خبر داد که یک مقام رسمی در دفتر نخست وزیری اسرائیل که نام او نیز فاش نشده به این شبکه گفته است: اسرائیل از ایالات متحده و دیگر متحدان اسرائیل جاسوسی نمی کند. آشکار است که هدف از انتشار این اتهامات ضربه زدن به روابط مستحکم بین ایالات متحده اسرائیل و ضربه زدن به امنیت و همکاری های اطلاعاتی ماست. وال استریت جورنال از قول «یک مقام ارشد آمریکایی» نوشته بود اطلاعاتی که اسرائیل از این «جاسوسی ها» به دست آورده در اختیار قانونگذاران آمریکایی و دیگران گذاشته شده تا با استفاده از آن بتوانند در جریان دست یابی به توافق نهایی اتمی با ایران کارشکنی کنند. به نوشته این روزنامه، این جاسوسی زمانی بر ملا شد که آژانس های اطلاعاتی

گفتگو: مریم خرمایی - پیمان یزدانی

تحلیلگر آمریکایی:

هدف هیئت حاکمه آمریکا تضعیف نظام ایران است/ رباکاری نظام آمریکا

«آنتونی کارتولوچی» تحلیلگر مسائل خاورمیانه با اشاره به دورویی نظام آمریکا در قبال ایران گفت اساسا هدف آمریکا تضعیف نظام ایران است.

باز هم یادآوری می‌کنم که آمریکا دائما به آتش جنگ خائمان سوز سوریه متحد ایران- دامن می‌زند تا در نهایت با اجرای سناریویی مشابه در داخل ایران به هدف آشکار خود مبنی بر تضعیف این کشور نائل شود. این حقیقت نشان دهنده آن است که واشنگتن هیچ حسن نیتی نسبت به تهران ندارد.

برای اوپاما دست یافتن به توافق با ایران تنها تازمانی حائز اهمیت است که بتواند از آن به عنوان یک ابزار ضروری برای چراغ سبز نشان دادن به اسرائیل در حمله به ایران استفاده کند به این ترتیب رژیم صهیونیستی به صورت یکجانبه و مستقل وارد جنگی می‌شود که آمریکا را نیز (که متعهد به دفاع از منافع اسرائیل است) به

انتظار می‌رود توافق احتمالی که ممکن است در پی مذاکرات هسته ای با ایران حاصل شود از یک سو مورد استقبال برخی از سیاستمداران آمریکایی قرار بگیرد و از سوی دیگر با عدم استقبال برخی از گروه‌های سیاسی این کشور نظیر لابی‌های عربی و اسرائیلی مواجه شود. حال سوال این است که اساسا حصول یک توافق هسته‌ای با ایران تا چه حد برای دولت اوپاما مهم است؟ آمریکا هیچ قصدی مبنی بر حصول توافق با ایران ندارد در آینده به هر طریقی که ممکن باشد از این مذاکرات و اصولا هر نتیجه‌ای که

بیشتر مطلوب حال دولت‌های غربی باشد و این دقیقا همان کاری است که آنها در سراسر جهان انجام داده‌اند. لذا این تصور که «دموکرات‌ها» و «جمهوری خواهان» در مواجهه با ایران برنامه‌های سیاسی متفاوتی را دنبال می‌کنند خیال پردازی محض است.

هیچ چیز بیش از جنگ نیابتی که در حال حاضر علیه متحد ایران - سوریه به راه افتاده است موبد حقیقتی که در بالا به آن اشاره کردم نیست. در واقع، مهندسی و طراحی جنگ سوریه به سالهای ۲۰۰۷-۲۰۰۶ میلادی و زمان ریاست جمهوری «جرج دبلیو بوش» که یک جمهوری

در آستانه پایان ضرب الاجل مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ برای دستیابی به توافق هسته‌ای، گفتگویی با «آنتونی کارتولوچی» تحلیلگر آمریکایی مسائل خاورمیانه و مسائل ژئوپولیتیک انجام شده است که وی در این گفتگو با اشاره به نامه ۴۷ سناتور جمهوری خواه کنگره آمریکا به ایران و مخالفت صوری آنها با سیاست‌های کاخ سفید در قبال ایران ماهیت واقعی نظام آمریکا با ایران را خصوصیت و دشمنی دانسته و معتقد است در این خصوصیت فرقی میان جمهوری خواهان و دموکرات‌ها وجود ندارد و هدف مشترک هیئت حاکمه آمریکا تضعیف نظام ایران است و این نامه نشان از نفاق آمریکایی‌ها در قبال ایران دارد. مشروح این گفتگو در زیر آمده است.

|| در همان حال که برخی از سیاستمداران دیدی انتقادآمیز نسبت به نامه سرگشاده‌ای داشتند که از سوی ۴۷ سناتور جمهوری خواه ایالات متحده آمریکا و خطاب به رهبران ایران نگاشته شده بود، این نامه نشان دهنده ایده و رویکرد برخی از چهره‌ها و احزاب داخل آمریکا نیز هست. اکنون سوال این است که تاثیر نگارش چنین نامه‌ای بر نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا به چه نحو خواهد بود؟ به نظر شما آیا این نامه می‌تواند نظر مساعد مردم آمریکا و گروه‌های اجتماعی این کشور را به سوی نامزدهای جمهوری خواه پست ریاست جمهوری آمریکا جلب کند؟

مقالات سیاسی آمریکا، به ویژه گزارشی که در سال ۲۰۰۹ از سوی اندیشکده بروکینگز تحت عنوان «کدام راه به سوی ایران؟» منتشر شد، بر این نکته اذعان می‌کنند که اقداماتی با هدف تغییر نظام ایران در سطح جهان بسیار نامحبوب هستند. از این روی، شرایط ایجاد می‌کرد که داستان‌های متنوعی شکل بگیرد تا در درجه اول چهره ایران را به حد کافی در انظار مردم نامطلوب جلوه دهند و در درجه بعد این مطلب را به رخ بکشند که ایالات متحده آمریکا، پیش از آنکه غرب به اکراه مجبور به مقابله با ایران شود، هر گونه شانس را در اختیار این کشور قرار داد تا از جنگ و درگیری پیشگیری کند.

در واقع، غرب از همان آغاز به شدت تمایل داشت تا به ایران حمله کند و بر کناری نظام فعلی، حکومتی را بر سر کار بیاورد که



ناچار و البته با کمال میل درگیر می‌کند

|| توافق احتمالی با ایران چه تاثیری بر منطقه خواهد داشت و آیا منجر به شکل گیری ائتلاف‌های جدید می‌شود؟

ایران باید در عین حال توانایی خود را برای مقابله با هرگونه تهاجم احتمالی افزایش دهد. برای سالهای متمادی، قابلیت‌های دفاعی ایران به ویژه در زمینه جنگ‌های نامتقارن از دغدغه‌های اصلی واشنگتن بوده است. این نگرانی ذهن غربی‌ها را آنچنان درگیر کرده است که گمان می‌کنند حتی یک حمله هوایی موفق علیه ایران نیز از تاثیر ناچیزی برخوردار است. ایران می‌تواند ملت و اهداف خود را از طریق رسانه‌های خود به جهانیان معرفی کند و پایبندی خود را به صلح را نشان دهد. به این ترتیب است که ایران می‌تواند نقشه‌های غرب را نقش بر آب کند.

در پی آن حاصل شود به ضرر ایران استفاده خواهد شد. به این ترتیب که چنانچه ایران با آمریکا به توفیق برسد ایالات متحده در خفا به رژیم صهیونیستی چراغ سبزی برای حمله به مواضع ایران نشان خواهد داد این اقدام منجر به جنگی می‌شود که لزوماً ایالات متحده را نیز به جابجایی رژیم اسرائیل مجاب به شرکت در آن می‌کند. استدلالی نیز که در توضیح این جنگ افروزی ارائه خواهد شد این است که چاره‌ای برای اسرائیل باقی نمانده بود اینکه آمریکا پیش از اندازه در برابر ایران نرمش به خرج داد آن هم ایرانی که به ادعای رژیم صهیونیستی از همان ابتدای تصد پایبندی به اصول توافق رانداشته. از سوی دیگر، چنانچه توافقی حاصل نشود آمریکا می‌تواند ادعا کند که قصد این کشور دستیابی به سلاح هسته‌ای است. بنابراین، ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای به هر وسیله‌ای که ممکن باشد از جمله توسل به اقدام نظامی واجب است.

خواه است باز می‌گردد. در عوض، روند اجرایی شدن این جنگ تحت ریاست جمهوری «باراک اوپاما» که یک دموکرات است حاصل شد. در حالیکه اوپاما به گروه‌های تروریستی سوریه تسهیلات مالی چند میلیارد دلاری اعطا می‌کند، سناتورهای جمهوری خواهی نظیر «جان مک کین» نیز به معنای واقعی کلمه در صحنه حضور دارند تا دست همکاری با وی بفشارند. صادقانه بگویم، نامه‌ای که خطاب به ایران نگاشته شد یک حرکت نمایشی بود اجرایی از نمایش «پلیس خوب، پلیس بد» که آمریکا در مقابل ایران بازی می‌کند. در واقع، در این بازی هر دو پلیس با یکدیگر همکاری می‌کنند و امیدوارند که بالاخره یکی از آن دو (یا نتیجه تلاش‌های مشترکشان) منجر به در هم شکستن ایران شود.

کارشناس ترک:

گفتگو از امید شمیری

دلایل تجاوز عربستان به یمن/حرفهای اردوغان علیه ایران مضحک است

کارشناس مسائل خاورمیانه و سردبیر سایت خاور نزدیک ترکیه معتقد است اظهارات ضد ایرانی اردوغان برای خوشایند عربستان و آمریکا و خوش خدمتی به آن برای منافع خود است.



بود، ساکت بماند و دست به حمله نظامی به یمن زد؟ آیا جنبش انصارالله بنابر ادعاهای عربستان و متحدانش واقعا یک کودتا بود؟ و یا یک جنبش و انقلاب؟

ناتوانی سعودی ها برای مقابله با جنبش انصارالله در میدان مبارزه سیاسی، اصلی ترین دلیل روی آوردن عربستان به حمله نظامی علیه یمن بوده است. جنبش انصارالله هیچگاه ادعای قیضه حاکمیت در یمن را نداشته و پیوسته خواستار اجرای کامل توافقنامه صلح و مشارکت ملی بوده است. از سوی دیگر این جنبش همیشه بر مشارکت تمامی بازیگران سیاسی یمن در ساختار حکومت تأکید داشته است.

توافقنامه صلح و مشارکت ملی، موافقتنامه ای بود که تمامی گروه های سیاسی یمن آن را امضاء کرده بودند اما منصورهادی که وابستگی شدیدی به عربستان سعودی داشته سعی کرد تا با عدم اجرای این توافقنامه به عملکرد رژیم سابق یمن ادامه دهد اما در نقطه مقابل، دیگر گروه های سیاسی یمنی و در رأس آنها جنبش انصارالله نیز اعلام نمودند که با تدلوم سیاست های رژیم گذشته این کشور و تجزیه یمن به ۶ ناحیه مخالف هستند در ماه آگوست سال ۲۰۱۴ میلادی نیز برای تشکیل دولت وفاق ملی دست به تظاهرات و اعتراض زدند ژنرال علی محسن الحمر که از مهره های رژیم سابق یمن بود، با به کارگیری زور سعی کرد تا تظاهرات و اعتراضات مردمی را سرکوب نماید اما در نهایت با شکست در مقابل معترضین مجبور شد تا از یمن متواری شود در نهایت نیز ما شاهد بودیم که جنبش انصارالله در ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۴ پایتخت یمن یعنی صنعارا به کنترل خود درآورد

اما متأسفانه نقشه های منصورهادی و سعودی ها تمامی نداشت. در ماه ژانویه نیز طرح گارد ریاست جمهوری که می خواست با تجهیز قبایل، از آنها بر علیه جنبش

مردم یمن پس از به راه افتادن موج بیداری اسلامی و بهار عربی و با الهام گرفتن از مردم دیگر کشورهای عربی همچون، تونس، لیبی و مصر که به سقوط دیکتاتورهای همچون بن علی، قذافی و مبارک انجامید، دست به قیام علیه علی عبدالله صالح زدند. عبدالله صالح که در ابتدا بر کمک و مساعدت سعودی ها و دیگر شیخ نشین های حوزه خلیج فارس حساب ویژه ای باز کرده بود، پس از چندی و دریافتن این نکته که در مقابل جنبش مردمی به وجود آمده نه عربستان سعودی و نه هیچ قدرت خارجی یاری کمک به وی را ندارد، مجبور به استعفا شد.

نکته ای که در جریان کنار کشیدن عبدالله صالح حائز اهمیت بود، دخالت غرب و همکاران منطقه ای آنها برای مهندسی انقلاب مردم یمن بود که با روی کار آوردن عبدربه منصور هادی معاون عبدالله صالح تا حدودی توانستند موفقیت هایی نیز در این خصوص به دست آورند.

مردم یمن و در رأس آنها حوثی های این کشور که خواستار روی کار آمدن حکومتی کاملاً مردمی بودند که خواسته های آنها را تأمین کند، در ابتدا با تظاهرات مسالمت آمیز خواستار حرکت منصور هادی در راستای انقلاب مردمی یمن شدند اما با گذشت زمان و نمایان شدن این نکته که منصور هادی نه در جهت منافع ملی یمن بلکه در جهت تأمین منافع حلیان غریبی و عربی خود حرکت می کند طی مدت کوتاهی منصور هادی را با به عقب نشینی کردند اما از سوی دیگر رژیم سعودی که با ادامه یافتن انقلاب مردمی یمن، منافع خود را در خطر می دید، دست به مداخله نظامی و بمباران مردم یمن زد که تا به حال به شهادت تعداد زیادی از مردم این کشور منجر شده است. در این میان حمایت و پشتیبانی کشورهای همچون آمریکا، فرانسه، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و ترکیه از حملات هوایی عربستان سعودی به یمن که نقض آشکار قوانین و حقوق بین الملل است، در نوع خود جالب توجه است!

در رابطه با تحولات اخیر یمن و حمله هوایی عربستان سعودی با همراهی برخی کشورهای دیگر منطقه که با چراغ سبز آمریکا صورت گرفته است و همچنین موضع گیری دولت ترکیه در این خصوص، مصاحبه ای را با «آپتیکین دورسون اوغلو» کارشناس مسائل خاورمیانه و سردبیر سایت خاور نزدیک ترکیه انجام داده ایم که مشروح آن در زیر آمده است. «جنگ جهانی چهارم و خاورمیانه»، «جنگ نیابتی سوریه و نتیجه صفر در سوریه» از جمله آثار دورسون اوغلو به شمار می رود.

آقای دورسون اوغلو، چرا عربستان سعودی در قبال جنبش مردم یمن که بدون در نظر گرفتن دین و مذهب خود علیه حکومت وابسته این کشور که با حمایت آمریکا و سعودی ها در چندین دهه گذشته ظلم و ستم فراوانی را به مردم یمن وارد نموده

گرفتن استعفا، باز هم اوضاع سیاسی این کشور را متشنج تر ساختند. مردم انقلابی یمن هم در پاسخ به این مسئله و نیز در پاسخ به حملات تروریستی دو هفته پیش به دو مسجد در صنعا تا عدن پیشروی کردند منصور هادی هم با درخواست مداخله نظامی از سعودی ها، از عدن گریخت.

و در آخر اینکه، عربستان سعودی قصد دارد تا سلسله شکست های خود در میدان سیاسی یمن را با مجازات مردم یمن با حملات نظامی تلافی نماید و به نوعی از آنها انتقام بگیرد اما سعودی ها این نکته را باید بدانند که این روش که اسرائیل نیز پیش از این در جنوب لبنان تجربه کرده است بی نتیجه خواهد بود.

چرا برخی از کشورهای منطقه و رهبران حاکم بر این کشورها در صدد القای این موضوع هستند که انقلاب مردم یمن را تماماً و به شکلی کامل یک حرکت مذهبی جلوه دهند؟ و نیز موضع گیری دولت ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه را در رابطه با حملات عربستان به یمن می پرسیم.

سعد حریری در لبنان، عبدالفتاح السیسی در مصر و رجب طیب اردوغان در ترکیه همگی از یک مجرا سخن می گویند و آن مجرا نیز زبان سعودی هاست. اردوغان که تا حالا نتوانسته است کلمه ای و حرفی بر علیه معمار و طراح کودتای مصر که سعودی ها بوده اند، بگوید ولی حالا به همراه سیسی که وی را کودتاگر نیز می نامد، دو نفری تبدیل به سرباز دواطلب سعودی ها برای تهاجم به یمن شده اند!

یعنی اردوغان با هدف قرار دادن ایران در رابطه با یمن، فقط در پی تطمیع سعودی ها نیست، بلکه تماس تلفنی رئیس جمهور آمریکا یعنی باراک اوباما درست نیم ساعت بعد از سخنرانی ضد ایرانی اردوغان با وی، به نظر بنده تصادفی نیست و بلکه بیانگر یک حقیقت دیگر است اردوغان در فکر این است که پس از انتخابات عمومی ژوئن سیستم ریاستی را در ترکیه به وجود بیاورد و با هدف قرار دادن ایران و دست تکان دادن برای آمریکایی خواهد تا حمایت و شنگتن را برای ایجاد سیستم ریاستی جلب نماید در حالی که وزیر امور خارجه حکومت منصور هادی ادعا می کند که ایران تازه دیروز (جمعه) به یمن نیرو اعزام کرده است اردوغان روز قبل ادعا می کند که ایران باید نیروهای خود را از یمن بیرون بکشد این اظهارات و ادعاها به نظر بنده اینقدر از سر درماندگی و بیچارگی هستند که حتی نمی توان به آنها خندید.

اردوغان از سال ۲۰۱۰ به این سو دفا شعار در کنار مظلوم بودن، بر علیه رژیم ها و در کنار مردم بودن و همچنین شعارهای ضد آمریکایی و اسرائیلی داده است اما کسانی که اکنون نتایج سیاستهای منطقه ای اردوغان را می بینند به این شعارها فقط می خندند اردوغان که حمایت از گروه های مسلح در عراق و سوریه را با شعار بر علیه رژیم ها و در کنار مردم بودن توجیه می کرد اکنون اعلام می کند که از بمباران مردم یمن توسط سعودی ها حمایت می کند آیا این تکذیب دروغ خودش توسط دروغی دیگر نیست؟

استعفای منصور هادی برای به وجود آوردن خلاء قدرت به نظر می رسد زمینه حملات هوایی عربستان را تسهیل کرد؟

در حالی که انصارالله بر بازپس گیری استعفای منصور هادی تأکید می کرد، اما مسئله این بود که تصمیم اصلی را برای استعفا نه منصور هادی، بلکه سعودی ها گرفته بودند، چرا که بدین ترتیب می خواستند با نشان دادن جنبش انصارالله به عنوان یک کودتاگر هم در سطح داخلی و هم بین المللی نگاه ها را به انقلاب مردم یمن بدین نمایند. اما سعودی ها در این طرح خود هم با شکست مواجه شدند، چرا که جنبش انصارالله برای پر کردن خلاء مدیریت در کشور دست به ایجاد شورای ریاستی زد و از دیگر گروه های سیاسی کشور نیز خواست تا به این شورا ملحق شوند. در تاریخ ۶ فوریه در حالی که توافق گروه های سیاسی یمنی برای رسیدن به یک توافق جامع قریب الوقوع به نظر می رسید این بار نیز منصور هادی کار خود را کرد و با ترک صنعا و رفتن به عدن اعلام کرد که استعفای خود را پس گرفته است. این بار نیز سعودی ها راحت ننشستند و قبلاً که با مجبور کردن هادی به استعفاء شرایط یمن را به هم ریخته بودند، این بار هم با مجبور کردن وی به باز پس

نشال ایترست تحلیل کرد:

تفاهم لوزان؛ فرصتی برای خلاصی آمریکا از بحران خاورمیانه



و تل آویو کم کند. در این زمینه، قدرت گرفتن ایران به مهار سیاست های مخرب متحدان سنتی آمریکا در سطح منطقه کمک شایانی خواهد کرد.

اما در عوض، باراک اوباما و تیم مذاکره کننده وی به جای اینکه از شرایط به وجود آمده نهایت استفاده را ببرند، تفاهم هسته ای به وجود آمده با ایران را تا حد خود فریبی تنزل داده و خود را به باور متکبران «مهار» ایران و دلخوش کردن به اختلافات درونی این کشور به امید تعجیل در فروپاشی آن سرگرم می کنند.

آمریکا باید هوشیار باشد و به یاد بیاورد که پیشتر نیز سیاست مشابه ای را در قبال دولت «صدام حسین» به کار بست و نتیجه نگرفت حال آنکه مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران به مراتب بیشتر از رژیم بعث است. در زمان صدام حسین نیز دولت آمریکا به اعمال تحریم روی آورد اما حتی فشار تحریم ها نیز موجب نشد که مردم عراق به فکر برکناری صدام و جایگزین کردن او با چهره های موافق آمریکا روی بیاورند و در نهایت، ایالات متحده برای ساقط کردن او از قدرت مرتکب اشتباهی تاریخی شد و به عراق لشکر کشی کرد.

اصلا مهم نیست که دولت های ریاض و تل آویو از چه جایگاهی در محافل سیاسی آمریکا برخوردار هستند، آنچه که مهم است پیروی این دو دولت از سیاست هایی است که به ضرر منافع آمریکا تمام می شود

اما، به نظر می آید که در پی تفاهم لوزان، آمریکا همچنان به دو مورد از ناسالمترین جنبه های همکاری خود در سطح خاورمیانه تمسک می جوید چرا که وعده مساعد باراک اوباما به حفظ برتری رژیم صهیونیستی در سطح منطقه و تاکید بر حمایت از عربستان سعودی در جنگ یمن تبعات جبران ناپذیری را برای آینده آمریکا به ارمان خواهد آورد.

منافع کنونی آمریکا ایجاب می کند که به جای قمار کردن با راه کارهای سیاسی که شکست آنها به اثبات رسیده است کمی واقع بین باشد و با نزدیکی به جمهوری اسلامی ایران، از زوال قدرت خود در خاورمیانه جلوگیری کند.

منافع کنونی آمریکا ایجاب می کند که به جای قمار کردن با راه کارهای سیاسی که شکست آنها به اثبات رسیده کمی واقع بین باشد و با نزدیکی به جمهوری اسلامی ایران، از زوال قدرت خود در خاورمیانه جلوگیری کند.

واشنگتن می بایست استراتژی جدیدی را در قبال خاورمیانه اتخاذ کند استراتژی که بر مبنای تسلط مطلق بر این منطقه بنا نشده باشد بلکه هدف آن ثبات و توازن قدرت به شیوه ای معقولانه باشد.

چنین استراتژی مستلزم دو چیز است:

از آنجا که عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی نه توان رقابت با ایران را در عرصه تعاملات سیاسی مثبت دارند و نه از پس تسهیل روند حل تعارضات منطقه ای بر می آیند، تنها به بدتر شدن شرایط دامن می زنند. در این میان، اصلا مهم نیست که دولت های ریاض و تل آویو از چه جایگاهی در محافل سیاسی آمریکا برخوردار هستند، آنچه که مهم است پیروی این دو دولت از سیاست هایی است که به ضرر منافع آمریکا تمام می شود. در تایید این مطلب می توان به اشغال اراضی فلسطینی ها از سوی رژیم غاصب صهیونیستی و حمایت آشکار عربستان از گروه های سنی افراطی با هدف سرکوب گروه های میانه رو تر اشاره کرد.

لذا، در وهله نخست، ایالات متحده آمریکا می بایست برای کاهش هزینه های گزافی که دو رژیم آل سعود و صهیونیستی بر آن تحمیل می کنند، وابستگی خود را به ریاض

می بایست این حقیقت را که ستاره اقبال آمریکا در خاورمیانه رو به افول است و تنها راه نجات آن تعامل با جمهوری اسلامی ایران است نادیده بگیریم. رویکرد کنونی ایالات متحده آمریکا نسبت به ایران بهتر است به مثابه رویکردی باشد که این کشور در سالهای ۱۹۷۰ میلادی در پی بیرون کشیدن خود از ورطه جنگ ویتنام و بهسازی روابط دیپلماتیک با دیگر کشورهای جهان در آخرین مرحله از جنگ سرد داشت.

لذا، چنانچه دولت «باراک اوباما» و تیم مذاکره کنند وی تمایلی به استفاده از رویکرد «تیکسون به چین» نداشته باشند و از دیپلماسی مذاکرات هسته ای به عنوان کاتالیزوری برای برقراری روابط بهتر با ایران سود نبرند، بیش از پیش به افول قدرت آمریکا در خاورمیانه و جهان دامن می زنند.

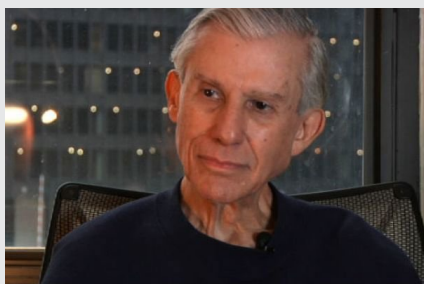
در ربع قرن گذشته، آمریکا در سطح خاورمیانه نقش امپراطوری را ایفا کرد که همواره در تلاش برای گسترش زیاده طلبی های خود و در عین حال تعهد به الزاماتی بوده است که فراتر از قدرت تحمل این کشور است. آمریکا در تلاش برای تسلط بر خاورمیانه و لشکر کشی های بی مورد به این منطقه خود را بیش از پیش تضعیف کرد.

حال برای خلاصی از چنین بن بستی،

«فلینت و هیلاری لونت» در مقاله ای که در نشال ایترست منتشر شده اهمیت به تعامل رسیدن ایالات متحده آمریکا با ایران را مورد بررسی قرار داده و ضمن مثبت ارزیابی کردن تفاهم لوزان از فرصت به دست آمده به عنوان ابزاری یاد می کنند که به تثبیت موقعیت متزلزل آمریکا در خاورمیانه کمک خواهد کرد. این مقاله با اشاره به اشتباهات عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی به عنوان متحدان دیرینه آمریکا به نقش مخرب آنها در تأمین منافع آمریکا تاکید کرده و دولت «باراک اوباما» را به تغییر استراتژی سیاسی خود در قبال ایران دعوت می کند.

آنچه در ادامه می خوانید بخش هایی از این مقاله است:

تفاهم لوزان یک هفته پیش به ثمر رسید و از آن زمان تا کنون دولت اوباما با تکرار مواضع قبلی خود همواره بر این امر تاکید داشته است که مذاکرات هسته ای با تهران به هیچ وجه به معنای چانه زنی با تهران برای رسیدن به تعاملات دو جانبه نیست و پیشرفت در روند مذاکرات هسته ای به منزله آغاز روابط دیپلماتیک بهتر تلقی نمی شود. اما چنانچه بخواهیم به اینگونه خودنمایی های کاخ سفید بها بدهیم، به تبع آن



ایران و ۵+۱ به خوبی می دانند بر روی چه چیزهایی توافق کرده اند. وی تصریح کرد: به عنوان یک شهروند آمریکایی به قرائت و تفسیر ارائه شده از سوی تهران اعتماد دارم. به قرائتها و تفاسیر ارائه شده از سوی فرانسه و آمریکا اعتمادی نیست چرا که «شیت» های ارائه شده از سوی آنها بر اساس خواست اسرائیلی ها تنظیم شده است. وی در ادامه افزود: اهمیت بیانیه لوزان در این است که مقدمه ای خواهد بود بر کار کردن بر روی توافق نهایی تا ۳۰ ژوئن. آنچه مهم است این است که به آن چیزی که در لوزان توافق شده باید احترام گذاشت و پایبند بود. دانش آموخته دانشگاه هاروارد در ادامه یادآور شد: مطمئن هستم که ایران به تعهدات خود پایبند خواهد بود. اما مطمئن نیستم که واشنگتن به تعهدات خود پایبند بماند در این زمینه عملکرد واشنگتن مسبوق به سابقه است. لندن در خصوص مکانیسم تصویب قطعنامه شورای امنیت در خصوص رفع تحریمها نیز افزود: قطعنامه شورای امنیت برای رفع تحریمهای تحمیل شده لازم و ضروری است. لندن تصریح کرد: همه جهانیان خوب می دانند برنامه هسته ای ایران صلح آمیز است. اکنون زمان آن است که این موضوع را بدون پرده و صریح اعلام کنند.

نظریه پرداز آمریکایی:

«فکت شیت» های آمریکا و فرانسه مطابق خواست اسرائیل تنظیم شد

استفن لندن نظریه پرداز آمریکایی معتقد است «فکت شیت» های ارائه شده از سوی آمریکا و فرانسه بر اساس خواست اسرائیلی ها تنظیم شده است.

بیانیه لوزان در حالی در پایان نشستهای ایران و گروه ۵+۱ در لوزان سویس اعلام شد که تفاسیر مختلف و گوناگونی در خصوص این بیانیه از سوی ایران و برخی کشورهای گروه ۵+۱ ارائه شده است.

در حالیکه ایران بر حق بجای خود در رفع یک جای تحریمها تأکید دارد طرف آمریکایی این موضوع را منوط به فرآیند اعتمادسازی کرده است که به معنای همان توافق گام به گام است.

استفن لندن نظریه پرداز آمریکایی در گفتگو با خبرنگار مهر در خصوص ارزیابی اش از مذاکرات هسته ای اخیر در لوزان و چرایی تفاسیر متفاوت از بیانیه لوزان گفت: من به هیچ کسی در واشنگتن اعتماد ندارم.

وی افزود: نه به اوباما اعتمادی هست و نه به هیچ یک از دولتمردان اطراف وی و نه به هیچ یک از اعضای کنگره آمریکا.

این کارشناس مسائل سیاسی در ادامه افزود: واشنگتن از سوی نومحافظه کاران طرفدار اسرائیل تحت تأثیر و فشار است. این گروه تأثیر بسزایی بر سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا دارند.

لندن در ادامه یادآور شد: کنگره، اسرائیل و لابی آن سعی و تلاش دارند تا توافق نهایی را به شکست بکشانند.

گفتگو: جواد حیران نیا- مریم خرمائی

استاد دانشگاه آکسفورد مطرح کرد:

دلیل تفاوت «فکت شیت» های ایران و آمریکا/ شباهت محتوایی هر دو تفسیر

پروفسور «فرهنگ جهان پور» استاد دانشگاه آکسفورد معتقد است که علت اختلاف در «فکت شیت» های ارائه شده از سوی ایران و آمریکا ناشی از نوع تفسیر است که موضوع خیلی جدی ای نیستند.

«جان کری» وزیر امور خارجه آمریکا با همتای ایرانی اش «محمد جواد ظریف» از بابت اینکه فشرده ترین و طولانی ترین مذاکراتی بوده که وی تا کنون با وزیر امور خارجه یک کشور دیگر داشته است برای خودش یک رکورد تاریخی محسوب می شود. اگر از این نقطه نظر به قضیه نگاه شود و با توجه به تفاهمی که تا به این لحظه حاصل شده است، ما باید به دولت ایران و تیم مذاکره کننده آن برای تلاش خستگی ناپذیرشان تبریک بگوییم و امیدوار باشیم که این تلاش ها تا دستیابی دو طرف به توافق جامع ادامه پیدا کند.

نیست بلکه تنها به عنوان یک چارچوب سیاسی برای مذاکراتی در نظر گرفته می شود که قرار است طی سه ماه آینده و با هدف دستیابی به یک توافق جامع در پایان ماه ژوئن میلادی، انجام شود. با این حال، باید توجه داشت که تفاهم به دست آمده نقطه عطف مهمی در روابط میان ایران و غرب، به ویژه میان ایران و آمریکا، است. این نخستین بار است که پس از گذشت بیش از ۳۵ سال روابط تیره میان تهران - واشنگتن، دو کشور به طور مستقیم با یکدیگر گفتگو کرده و به توافقی رسیده اند که حتی تا دو سال پیش هم دور از دسترس تصور می شد. گفتگوی



و رئیس دانشکده زبان های دانشگاه اصفهان که در حال حاضر به تدریس در دانشگاه های کمبریج و آکسفورد مشغول بوده و استاد دوره های آنلاین دانشگاه های آکسفورد، ییل و استنفورد است، وی بورس یک ساله فرصت مطالعاتی در دانشگاه هاروارد را داشته و طی ۲۸ سال گذشته به تدریس در رشته سیاست های خاورمیانه در بخش تحصیلات تکمیلی دانشگاه آکسفورد مشغول بوده است.

|| ارزیابی کلی شما از تفاهم لوزان چیست؟

بیش از همه، باید این موضوع را مد نظر قرار داد که بیانیه لوزان یک توافق نهایی

بیانیه لوزان در حالی در پایان نشستهای ایران و گروه ۵+۱ در لوزان سویس اعلام شد که تفاسیر مختلف و گوناگونی در خصوص این بیانیه از سوی ایران و برخی کشورهای گروه ۵+۱ ارائه شده است. در حالیکه ایران بر حق بجای خود در رفع یکجای تحریمها تأکید دارد طرف آمریکایی این موضوع را منوط به فرآیند اعتمادسازی کرده است که به معنای همان توافق گام به گام است.

چرایی تفاوتها در تفاسیر مقامات ایرانی و برخی فکت شیتهای گروه ۵+۱ را در گفتگو با پروفسور «فرهنگ جهان پور» مورد بررسی قرار دادیم که مشروح آن در ادامه آمده است. جهان پور استاد پیشین دانشگاه

ایران و ۵+۱ تا چه حد در دستیابی به خواسته های دلخواه خود که بر آنها تأکید داشتند موفق بوده اند؟

به طور معمول در جریان مذاکرات هیچ یک از طرفین به همه خواسته های خود نمی رسند. مذاکرات بر پایه اصل داد و ستد (کوتاه آمدن طرفین) استوار است و نیازمند مصالحه است. این به آن معنا است که توقعات دو طرف در ابتدا زیاد است اما در عین حال، هر دو می دانند که رسیدن به حداکثر خواسته هایشان ممکن نیست. در واقع، مذاکره زمانی نتیجه بخش است که در آن هر یک از طرفین به حداقل خواسته های خود برسد و در عین حال خطوط قرمز طرف مقابل نیز شکسته نشود. برخی از بیانییه لوزان انتقاد کرده و آن را نشانه ای از مآضات تلقی کردند. این نشان از این دارد که برخی بر ایده آل گرایی تأکید دارند و قائل به رویکرد رئالیستی در این خصوص نیستند. در رویکرد رئالیستی نمی توان بر خواسته های محض تأکید داشت.

اصولا پیش از هر انتخابات ملی، بسیاری از کاندیداهای شمارهای مبنی بر لزوم بهبود سطح زندگی مردم، ریشه کن شدن فقر، اشتغال زایی و غیره سر می دهند. البته همه اینها ایده های خوبی هستند. اما پس از معلوم شدن نتیجه انتخابات، نامزد منتخب در مواجهه با واقعیت به این درک نائل می شود که انتقاد کردن همیشه آسانتر از ارائه پیشنهادات سازنده است و اینکه اگرچه ایده آل گرایی به ظاهر زیباست اما نمی توان سطح توقعات خود را بر پایه امید و آرمان گرایی بنا کرد.

رویکرد ایده آل گرایی در طرف آمریکایی در خصوص موضوع هسته ای ایران در چه زمینه هایی نمود عینی دارد و چه توقعاتی دارد؟

افراط گرایان آمریکایی که اغلب تحت تأثیر اسرائیل هستند همواره بر این نکته تأکید می کنند که دولت تهران قابل اعتماد نیست و اینکه ایران هیچ گونه غنی سازی نباید داشته باشد. خواست آنها لغو کامل فعالیت های هسته ای ایران، برچیدن سانتریفیوژها، ارسال اورانیوم غنی شده به یک کشور خارجی و خرید سوخت راکتور هسته ای بوشهر و یا هر راکتور دیگری - که در آینده خواهد ساخت - از خارج از ایران است. افراط گرایان آمریکایی حتی خواهان مطرح کردن امکان لغو برنامه موشکی ایران نیز بوده اند.

قطعا، بیانییه لوزان تا آنجا پیش نرفته که حداکثر خواسته های هر یک از طرفین را برآورده کند. واقعیت آن است که در دنیای ایده آل، ایران باید از حق تصمیم گیری درباره ابعاد فعالیت های هسته ای خود برخوردار باشد و اصولا هیچ تحریمی هم نباید بر آن تحمیل شود. اما در دنیای واقعی شاهد آن هستیم که نه تنها ایالات متحده آمریکا تحریم های خود را بر ایران تحمیل کرد بلکه اتحادیه اروپا نیز اقدام مشابهی

انجام داد. در زمان ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد، پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد برده شد و در آنجا طبق فصل هفت منشور سازمان ملل به عنوان تهدیدی برای امنیت و صلح جامعه جهانی تلقی شد. در آن زمان، حتی کشورهایی نظیر چین و روسیه هم که گمان می رود مناسبات دوستانه ای با تهران داشته باشند، قطعنامه سازمان ملل علیه ایران را پذیرفته و تحریم های سختی را متوجه این کشور نمودند.

با نگاه کردن به این قضیه از یک زاویه منطقی مشخص می شود که اگرچه در تفاهم لوزان هیچ یک از دو طرف ایرانی و آمریکایی به خواسته های خود نرسیدند، تفاهم حاصل شده می تواند به منزله یک دستاورد بزرگ برای دولت های تهران و واشنگتن و همچنین واقع گرایان و میانه روهای دو کشور محسوب شود.

به هر حال، ایران غرب را به پذیرش حق خود برای غنی سازی در داخل کشور و داشتن و در مقابل، غرب هم این ضمانت را دریافت کرد که ایران دیگر قادر به تولید سلاح هسته ای نخواهد بود.

چرا «فکت شیت» های ارائه شده از سوی آمریکا و فرانسه با سخنان ارائه شده از سوی مقامات ایران تا به این حد متمایز است؟

از آنجا که بیانییه لوزان به منزله توافق نهایی نیست و تنها حکم چارچوب توافق آتی را ایفا می کند، طرفین مذاکره فقط امیدها و انتظارات خود را از توافق نهایی در قالب فکت شیت های ارائه شده بیان می کنند. به عقیده من، تنها بیانییه ای که در این میان از ارزش و اعتبار برخوردار است، بیانییه مشترکی است که از سوی محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران و «فدریکا موگرینی» مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپا قرائت شد. اما باید گفت که در واقع این بیانییه از سوی کشورهای عضو ۵+۱ هم قرائت شده است چرا که خانم موگرینی نماینده و سخنگوی این گروه است. بنابراین می توان گفت بیانییه ای که از سوی خانم موگرینی ارائه شد تنها نوشته معتبر در باب مذاکرات هسته ای با ایران است. ما نباید تفاوت های موجود میان فکت شیت های ارائه شده را خیلی جدی بگیریم چرا که هنوز باید بر روی جزئیات کار شود. تفاوت موجود بین فکت شیت ها بیشتر ناشی از اختلاف در نحوه تفسیر است تا اختلاف در باب واقعیت. این تفاوت ها از عدم اعتماد طرفین به یکدیگر ناشی می شود. لذا، وقتی طرفین شروع به اعتمادسازی کنند اختلافاتشان نیز به تدریج کمتر می شود.

عمده این اختلافات چیستند؟

می توان گفت که مهمترین تشابهات و اختلافات موجود بین طرفین به شرح ذیل است:

ایران از حق ادامه غنی سازی برخوردار شد. اما، تعداد سانتریفیوژهای این کشور باید از حدود ۱۹ هزار عدد به ۵ هزار و ۶۰ عدد آن هم از نوع IR-۱ کاهش یابد. آقای ظریف درست می گوید که ایران می

ما نباید تفاوت های موجود میان فکت

شیت های ارائه

شده را خیلی جدی

بگیریم چرا که

هنوز باید بر روی

جزئیات کار شود.

تفاوت موجود بین

فکت شیت ها بیشتر

ناشی از اختلاف در

نحوه تفسیر است

تا اختلاف در باب

واقعیت. این تفاوت

ها از عدم اعتماد

طرفین به یکدیگر

ناشی می شود. لذا،

وقتی طرفین شروع

به اعتمادسازی کنند

اختلافاتشان نیز به

تدریج کمتر می

شود

تواند از سانتریفیوژهای نوع IR-۲، IR-۳-IR-۴ و غیره هم استفاده کند. البته استفاده از سانتریفیوژهای دیگر تنها برای مقاصد تحقیقی جایز است و نه برای غنی سازی اورانیوم.

از طرفی، برخی از مردم به اختلاف درباره طول مدت اعمال محدودیت بر برنامه غنی سازی ایران هم اشاره کرده اند. ایران می گوید که این محدودیت ها برای ۱۰ سال به طول می انجامد حال آنکه آمریکایی ها می گویند که برخی از محدودیت ها بیش از ده سال به طول می انجامد. با این حال، حتی در این خصوص هم اختلافات چندان بزرگ نیستند. در فکت شیت آمریکایی مانند نمونه ایرانی آن آمده است که ۵ هزار و ۶۰ سانتریفیوژ برای ۱۰ سال به کار غنی سازی اورانیوم ادامه می دهند و این به آن معناست که پس از ۱۰ سال، ایران می تواند شمار سانتریفیوژها و در نتیجه تولید اورانیوم غنی شده خود را افزایش دهد. در عین حال، فکت شیت

آمریکایی این نکته را هم اضافه می کند که ایران موافقت کرده تا حداقل برای ۱۵ سال سطح غنی سازی اورانیوم خود را از ۳.۶۷ درصد بیشتر نکند چرا که ایران قرار است تنها سوخت مورد نیاز برای راکتور هسته ایش را تأمین کند و درصد غنی سازی این سوخت هم از ۳.۶۷ درصد بالاتر نمی رود. بنابراین، طول دوره اعمال محدودیت ها از هیچ اهمیتی برخوردار نیست.

در هر دو فکت شیت آمریکایی و ایرانی آمده است که در سایت زیرزمینی فوردو غنی سازی اورانیوم دیگر انجام نخواهد شد. نسخه آمریکایی می گوید «ایران موافقت کرده است که تا ۱۵ سال تحقیقات و فعالیت های مرتبط با غنی سازی اورانیوم را در سایت فوردو انجام ندهد.» حال آنکه، ایران می گوید ایران قرار است از سایت فوردو برای انجام تحقیقات و تکمیل دانش هسته ای خود استفاده کند. این مشکل هم به عقیده من لاینحل نیست. موضوع به این بستگی دارد که قرار است چه نوع تحقیق یا فعالیت تکمیلی در سایت فوردو پیگیری شود. به نظر من اگر منظور از این تحقیقات اهداف پزشکی باشد، آمریکایی ها با آن مخالفتی نخواهند داشت. همه آنچه که طرف آمریکایی می گوید این است که نباید هیچ گونه مواد شکاف پذیری در سایت فوردو وجود داشته باشد.

در رابطه با راکتور آب سنگین اراک هم باید بگویم که هر دو کشور ایران و آمریکا موافق هستند که راکتور آب سنگین اراک بازطراحی شود تا قابلیت تولید پلوتونیوم به کار رفته در تسلیحات هسته ای را از دست بدهد. بنابراین، این راکتور بسته نخواهد شد و تنها اتفاقی که می افتد آن است که نحوه غنی سازی تغییر کرده و به گونه ای بروز رسانی می شود که قابلیت تولید پلوتونیوم تسلیحاتی از دست برود و ایران هم همواره تأکید کرده است که تمایلی به ساخت سلاح هسته ای ندارد.

اختلاف دیگری که باقی می ماند سرنوشت ذخایر اورانیوم غنی شده ایران است. هر دو فکت شیت ایرانی و آمریکایی درباره آنکه دقیقا چه سرنوشتی در انتظار آنهاست مهمم سخن گفته اند و این نکته ای است که بعدا باید به روشنی حل و فصل شود.

بنابراین، علیرغم اختلافات ظاهری که منتقدین آمریکایی و ایرانی در حد توان خود درباره آن مبالغه کرده اند، محتوی اصلی هر دو بیانییه تا حد زیادی مشابه است و تنها موردی که باقی می ماند این است که بعدا درباره آنها شفاف سازی شود.

گفتگو: امید شمیزی

استاد دانشگاه مرمره استانبول:

ترکیه از بهبود روابط ایران و غرب حمایت می کند

بهلول اُرکان معتقد است که همسایگی ایران برای ترکیه بسیار متفاوت تر از همسایگی کشورهای همچون سوریه، عراق و بلغارستان است.



|| همانطور که می دانید در روزهای گذشته بیانیه لوزان میان ایران و گروه ۵+۱ منتشر شد، توافق ایران با غرب بر سر موضوع برنامه هسته ای چه تاثیری بر روابط ایران و ترکیه خواهد داشت؟ آیا ترکیه از چنین توافقی حمایت می کند؟

طبیعتا بهبود روابط میان ایران و غرب مسئله ای است که ترکیه به شدت از آن حمایت می کند. چرا که این موضوع باعث خواهد شد تا تولید و صادرات نفت ایران به شدت افزایش یابد و طبیعتا درآمد ایران هم بیشتر خواهد شد و این برای ترکیه خوب است. از سوی دیگر اگر با عادی شدن روابط ایران و غرب قرار باشد که خط لوله انتقال گاز طبیعی از ایران به اروپا تاسیس شود، طبیعتا بهترین گذرگاه ترکیه خواهد بود و این باز به نفع ترکیه است و غیره. حتی به نظر من یکی از مهمترین دلایل سفر سه شنبه گذشته اردوغان به تهران هم همین موضوع بود. در مورد اقتصاد روابط ایران و ترکیه شبیه روابط ترکیه با روسیه است. یعنی در حالی که دو کشور در موضوعات سیاسی و منطقه ای دارای اختلاف نظرهای عمیقی هستند، اما با بی اعتنائی به این مسائل باز سعی دارند تا روابط دو جانبه خود را در بالاترین سطح نگاه دارند.

|| به نظر شما سفر هفته گذشته اردوغان چه تاثیری می تواند داشته باشد؟

همانطور که گفتم، دو کشور باید سعی کنند که مسائل مختلف منطقه را نه با متهم کردن یکدیگر بلکه با گفتگو و رایزنی با یکدیگر حل و فصل نمایند. اگر چه میان دو کشور در برخی موضوعات و خصوصاسوریه اختلاف نظرهایی وجود دارد اما ترکیه و ایران نمی توانند از یکدیگر عبور کنند و یکدیگر را نادیده بگیرند که البته بعضا اردوغان هم سخنانی مانند اینکه ایران باید از عراق و سوریه خارج شود و غیره را بر زبان می آورد که این حرف ها هم خیلی واقفگرایانه نیستند. در آخر تاکید می کنم که ایران و ترکیه برای یکدیگر بدون جایگزین هستند.

تکرار کردند و حتی در کنگره حزب عدالت و توسعه که در سپتامبر ۲۰۱۲ در آنکارا برگزار شد، محمد مرسی که آنموقع رئیس جمهور مصر بود، الغنوشی هم که حزب متبوعش النھضه پیروز انتخابات تونس شده بود و همچنین مخالفین بشار اسد که آنموقع بسیار قوی بودند و به همراه طارق هاشمی از عراق و خالد مشعل به عنوان نماینده حماس در این کنگره شرکت کردند. به همین خاطر هم در آن دوره حزب عدالت و توسعه سعی می کرد که خود را به عنوان رهبر جهان اسلام نشان دهد. در آن روزها هم اردوغان و هم داود اوغلو ترکیه را به مانند رهبر جهان اسلام تصور می کردند و این نیز بسیار اشتباه بود. اما مسئله این است که الان با این که تقریبا دو سال از این وقایع گذشته است، دیگر هیچ کدام از آن افراد و گروه های سیاسی که در کنگره حزب عدالت و توسعه شرکت کرده بودند در قدرت نیستند. یعنی النھضه در آخرین انتخابات تونس شکست خورد، محمد مرسی در زندان است، مخالفان بشار اسد دیگر آن قدرت قبل را ندارند و جای آن را گروه هایی مثل داعش گرفته اند و طارق هاشمی هم در تبعید به سر می برد. به این ترتیب رویاها و فانتزی های حزب عدالت و توسعه در رابطه با سیاست خارجی نقش بر آب شد. توجه بکنید که الان ترکیه در چند کشور خاورمیانه سفیر ندارد که عبارتند از، مصر، سوریه، یمن و اسرائیل.

|| آیا به نظر شما ترکیه خواهد توانست که در سیاست های منطقه ای خود تجدید نظر کند و مثلا در موضوع یمن میانجیگری نماید؟

در شرایط فعلی اصلا گمان نمی کنم که ترکیه بتواند در یمن و یا هر کجای دیگری در خاورمیانه نقش میانجی را بازی کند. چونکه هم اکنون ترکیه خود بخشی از مشکل شده است و حزب عدالت و توسعه در مصر، سوریه و یمن خود یکی از طرف های درگیر است. مهمترین دلیل این هم این است که حزب عدالت و توسعه مسائل منطقه را با دیدگاه غلطی می بیند.

ایران و ترکیه حاصل یک تجربه تاریخی طولانی مدت است. مثلا امروز بعضی ها در تلاش هستند تا تمامی وقایعی که در منطقه در جریان است را بر مبنای عنصر دینی و مذهبی تفسیر نمایند که این موضوع درست نیست. بهترین نمونه برای این موضوع جنگ میان عراق و ایران است. در آن موقع ترکیه جزء معدود کشورهایی بود که بیطرفی کامل خود را در جنگ حفظ کرد و به خاطر ندارم که در آن زمان کسی در ترکیه گفته باشد الان ایران شیعی و عراق سنی با حاکمیت صدام حسین در حال جنگ با یکدیگرند و بیایید ما هم در کنار عراق قرار بگیریم. اصلا چنین چیزی مطرح نبود و این نشان می دهد که همه وقایع جاری در منطقه و مخصوصا روابط میان ایران و ترکیه را نمی توان بر مبنای عنصر مذهب تفسیر کرد.

|| شما از مفید بودن عدم دخالت مذهب در مواجهه با رویدادها و مسائل جاری منطقه سخن گفتید، اما در سال های اخیر شاهد تاثیر بسیار زیاد مذهب در سوگیری های ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه هستیم، و این موضوع را به خوبی در رفتار ترکیه در مقابله با بحران های سوریه و یمن شاهد هستیم، نظرتان در این مورد چیست؟

مشکلی که امروزه در سیاست منطقه ای ترکیه شاهد آن هستیم به خاطر این است که پس از آنکه در سال ۲۰۱۱ میلادی جنبش های عربی و بهار عربی در منطقه شروع شد، سران حزب عدالت و توسعه فکر می کردند که حرکت هایی مانند اخوان المسلمین در کشورهای تونس، لیبی، سوریه و مصر بر روی کار خواهند آمد و سیاست خارجی ترکیه را بر این مبنای برنامه ریزی کردند. یعنی فکر می کردند که اخوان المسلمین در مصر و سوریه، النھضه در تونس و حماس هم در فلسطین بر سر کار خواهد بود. حزب عدالت و توسعه هم به عنوان یک حرکت اسلام گرا در اندیشه رهبری این جریان ها بود. این مطلب را اردوغان و داود اوغلو بارها علنا

رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه در حالی سه شنبه گذشته به تهران آمد که روابط دو کشور در هفته های اخیر تحت تاثیر اظهارات و سخنان تند وی و طرح اتهام دخالت ایران در امور داخلی کشورهای منطقه، قرار گرفته بود. با این حال اردوغان در سفر یک روزه خود به تهران علاوه بر دیدار با دکتر حسن روحانی، به ملاقات رهبر انقلاب نیز رفت و همچنین در جریان این سفر ۸ سند همکاری میان ایران و ترکیه به امضاء رسید.

در همین رابطه گفتگویی را با دکتر بهلول اُرکان استاد دانشکده علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه مرمره انجام شده که در ادامه از نظر می گذرد.

|| درباره پیشینه روابط ایران و ترکیه و اهمیت این روابط برای ما توضیح دهید؟

ایران و ترکیه دارای خط مرزی تقریبا مشخصی از قرن ۱۷ میلادی هستند. یعنی از معاهده قصرشیرین به این سو و این مرز میان دو کشور را به یکی از قدیمی ترین مرزهای سیاسی جهان تبدیل کرده است. حتی زمانی که ایالات متحده آمریکا و بسیاری از دولت-ملت های اروپایی هنوز در صحنه بین الملل وجود نداشتند، مابین ایران و ترکیه مرز سیاسی وجود داشت و این مرز تاکنون نیز کم و بیش ثابت مانده است. از سوی دیگر هم ایران و ترکیه دارای تاریخ و تمدن طولانی و غنی هستند و به این دلیل هم دیدگاهی که از درون هر یک از کشورهای ایران و ترکیه به دیگری وجود دارد این است که نیاز است که در کنار یکدیگر به حیات خود در منطقه ادامه دهیم.

علت این است که این دو کشور همسایگان مهمی برای یکدیگرند و از طرف دیگر هم همسایگی ایران و ترکیه یک همسایگی بسیار خاص است. یعنی همجواری ایران برای ترکیه با همسایگی کشورهای همچون سوریه، عراق و بلغارستان متفاوت است. این مسئله مربوط به امروز نیست و در طول چند قرن گذشته نیز اینگونه بوده است. یعنی روابط خاص میان

نشال اینترست بررسی کرد:

چرایی موافقت روسیه با ارسال موشک های اس - ۳۰۰ به ایران

یک رسانه غربی به تحلیل اینکه چرا با وجود مشخص نبودن مذاکرات هسته ای ایران، روسیه از تحویل سامانه موشکی اس ۳۰۰ به تهران خبر داد، پرداخته است.



نیاز برای سرمایه گذاری در برنامه استحکام و مدرنیزه کردن ارتش روسیه است. برای اینکه خط تولید کارخانه های تسلیحاتی روسیه به کار خود ادامه دهند و تحقیق و توسعه بر روی موارد جدید نیز به قوت خود باقی بماند، صنایع دفاع روسیه باید مشتری های جدیدی پیدا کند. تا آن هنگام، دولت مسکو هم مشکلات مالی خود را رفع کرده و می تواند سفارش تجهیزات برای طرح مدرنیزه سازی ارتش را فراهم کند. علیرغم اعمال تحریم علیه روسیه، این کشور در سال ۲۰۱۴ حجم صادرات خود را افزایش داد. افزایش تنش ها بین چین و آمریکا عامل مؤثری در افزایش تمایل پکن به خرید سلاح از روسیه بوده است. هند نیز مشتری خوبی برای روسیه تلقی می شود و از همه مهمتر عدم ثبات منطقه خاورمیانه است که کشورهایی مانند عراق، ایران و مصر را به بازارهای تسلیحاتی خوبی برای مسکو تبدیل کرده است. اگر این جریان به همین نحو ادامه پیدا کند، پوتین می تواند بی آنکه برنامه بهسازی ارتش روسیه را متوقف کند، بخشی از آن را برای مدت کوتاهی به تعویق بیندازد. به این ترتیب، تأثیر منفی تحریم های غرب علیه روسیه و زیان ناشی از کاهش قیمت نفت تا حد زیادی جبران می شود.

نشان دهد که مشتاق یافتن راه های جدید و طبعاً یک نظم جهانی جدید است. از این روی، انتظار می رود که با برداشته شدن تحریم های سازمان ملل متحد علیه ایران، مسکو نقش پررنگ تری را به این کشور در سازمان همکاری های شانگهای بدهد. با همه این تفاسیر، تصمیم پوتین به لغو ممنوعیت ارسال موشک های اس - ۳۰۰ به ایران، لزوم دقت نظر در برنامه مسکو به مدرنیزه کردن ارتش روسیه را نیز می طلبد. منابع مالی مورد نیاز برای تجهیز ارتش روسیه به سلاح های مدرن بیش از هر جای دیگر از محل درآمدهای مالیاتی حاصل از صادرات انرژی تأمین می شود. اما، کاهش جهانی قیمت نفت در طول یک سال گذشته و رکود اقتصادی که روسیه با آن دست به گریبان است از حجم منابع مالی مورد نیاز برای پیشبرد طرح بهسازی ارتش کاسته است. در شرایط موجود، پیش بینی می شود که وزارت دفاع روسیه بودجه نظامی خود را تا ۳۸ درصد کاهش دهد. به این ترتیب مسکو برای جبران کسری بودجه لازم، روند مدرنیزه کردن ارتش روسیه را کند کرده و به جای سفارش تجهیزات جدید برای مصارف داخلی به صادر کردن آنها روی می آورد. هدف از این تغییر استراتژی، تأمین اندوخته مالی مورد

مذاکرات هسته ای با ایران به نتیجه نرسد، روسیه دیگر از اعمال تحریم های جدید علیه این کشور حمایت نخواهد کرد. در عوض، اگر مذاکرات به نتیجه برسد و از حجم تحریم های موجود علیه ایران کاسته شود، روسیه خواهان آن است که نقش خود را به عنوان تأمین کننده سلاح خاورمیانه تثبیت کند چراکه حتی اگر رابطه تجاری میان ایران و کشورهای غربی از سر گرفته شود، به احتمال زیاد خرید و فروش سلاح و تجهیزات نظامی را شامل نخواهد شد و اینجاست که روسیه به فکر پر کردن خلاء موجود می افتد. در اوضاع متشنج خاورمیانه و در شرایطی که کشورهای عربی نیاز تسلیحاتی خود را از غرب به ویژه آمریکا تأمین می کنند، ایران مشتری خوبی برای روسیه محسوب می شود. با این حساب، انرژی هسته ای و سلاح نقش بسیار مهمی را در رابطه اقتصادی مسکو - تهران بر عهده خواهند داشت. از سوی دیگر، در فضای سیاسی به وجود آمده در پی بحران اوکراین، بهره اقتصادی تنها امتیازی نیست که روسیه در تحکیم روابط با ایران جستجو می کند. همزمان با فاصله گرفتن مسکو از اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا، روسیه در تلاش است تا خود را به عنوان یک کشور غیر غربی

خبر لغو ممنوعیت ارسال سامانه دفاعی موشک های اس - ۳۰۰ به ایران، سوالات بسیاری را درباره دلایل مسکو برای اتخاذ چنین تصمیمی به ذهن متبادر می کند. اگرچه «سرگئی لاوروف» وزیر امور خارجه روسیه، این اقدام را به مناسبت حصول تفاهم لوزان امری توجیه پذیر معرفی کرد و جامعه بین الملل نیز علیرغم برخی نگرانی ها به آن تن داده اهداف بلند مدت مسکو از اتخاذ چنین تصمیمی همچنان نامعلوم است. به همین دلیل، پایگاه خبری نشنال اینترست در دو مقاله جداگانه به قلم «دیمیتری ترنین» و «نیکولاس گووسد» به تحلیل اهداف احتمالی روسیه از اتخاذ چنین تصمیمی می پردازد. در ادامه به برخی از مهمترین دلایل ارائه شده در هر دو مقاله پرداخته شده است: تصمیم «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهور روسیه به لغو ممنوعیت ارسال موشک های اس - ۳۰۰ به ایران، آغازگر فصل جدیدی از سیاست خارجی مسکو در قبال منطقه خاورمیانه است. این اقدام که به فاصله کمی از حصول تفاهم لوزان اتخاذ شد، از سویی به معنای تشویق تهران برای تعامل با جامعه بین الملل است و از سوی دیگر حامل یک پیام واضح از سوی دولت مسکو برای دولت های غربی است مبنی بر اینکه حتی اگر

بی بی سی تحلیل کرد:

چرا پوتین ممنوعیت تحویل اس ۳۰۰ به ایران را لغو کرد

یک رسانه غربی با پرداختن به تحولات مربوط به مذاکرات هسته ای ایران همچنین اوضاع خاورمیانه به تحلیل اینکه چرا روسیه در چنین وضعیتی تصمیم به تحویل سامانه موشکی اس ۳۰۰ به ایران گرفته پرداخت.

با چالش جدی مواجه خواهد بود. یک کارشناس ارشد نظامی آمریکا می گوید: این (اس ۳۰۰) جانوری است که کسی نمی خواهد به آن نزدیک شود. انتشار خبر تصمیم روسیه عمدتاً با مخالفت آمریکا و اسرائیل روبرو شد. سخنگوی کاخ



سفید، جاش ارنست، در واکنشی فوری گفت: روسیه قاعدتاً باید درک کند که ایالات متحده موضوع امنیت متحدان خود را در منطقه بسیار جدی تلقی می کند. در پاسخ، رئیس کمیته روابط خارجی مجلس دوما روسیه اظهار داشت: به نظر می رسد که فروش سیستم دفاع هوایی اس ۳۰۰ بیش از همه کسانی را آزرده است که موضوع حمله هوایی به آن کشور (ایران) را مردود نمی دانند.

چرا باید امنیت ایران برای روسیه اهمیت داشته باشد؟

به دو دلیل. نخست اینکه، رهبران روسیه با شکل گیری یک نظام جهانی تک قطبی به رهبری آمریکا در ستیزند. این نگاه استراتژیک منحصر به ولادیمیر پوتین نیست بلکه تمام رهبران سیاسی روسیه را شامل می شود. در واقع این نگرش روسی سابقه تاریخی دارد و همین دیدگاه بود که باعث شد بعد از جنگ جهانی دوم دنیای دو قطبی آمریکا در برابر شوروی شکل بگیرد. این تفکر، بلافاصله ایران را هم که با برتری جوئی (هژمونی) آمریکا در منطقه مخالف بوده و نیز یک قدرت منطقه ای به شمار می رود، به عنوان یک شریک راهبردی، در مرکز توجه روسیه قرار می دهد. همکاری روسیه با ایران در سوریه، در برابر آمریکا و متحدان آن که در صدد سرنگونی بشار اسد هستند، از همین بینش سرچشمه می گیرد.

بی بی سی در تحلیل خود می نویسد: زور دوشنبه ۱۳ آوریل ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، با امضای حکمی ممنوعیت تحویل سامانه های موشکی زمین به هوای اس ۳۰۰ به ایران را لغو کرد. حکم مزبور بلافاصله قابل اجرا خواهد بود. پیشینه موضوع باز می گردد به قراردادی به مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار که در سال ۲۰۰۷ برای فروش پنج سامانه اس ۳۰۰ بین روسیه و ایران به امضا رسید. موشک ها به ایران تحویل داده نشد و بالاخره دیپمتری مدوف، رئیس جمهور وقت روسیه، در سال ۲۰۱۰ در راستای اجرای قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت، دستوری صادر کرد که به موجب آن فروش مجموعه وسیعی از ادوات جنگی، از جمله انواع موشک ها، به ایران ممنوع شد. در واکنش به این اقدام، ایران با درخواست غرامت ۴ میلیارد دلاری از روسیه، به دیوان بین المللی دآوری در ژنو شکایت کرد.

اس ۳۰۰ یکی از سامانه های موشکی پیشرفته است که برای رهگیری جنگنده ها و موشک های بالستیک طراحی شده است. برد آن بیش از صد و پنجاه کیلومتر و توانایی پیگیری همزمان ۱۰۰ هدف و درگیری با ۱۲ هدف را دارد.

چرا روسیه دست به این اقدام زد؟

در پاسخ به این سوال چندین فرضیه مطرح می شود. گروهی معتقدند که این عمل روسیه اولین ضربه مهلک به تحریم های یکجانبه آمریکاست که می تواند به فروپاشی نظام تحریم ها منجر شود. آنان معتقدند که این اقدام روسیه در پاسخ به تحریم هایی است که غرب به رهبری آمریکا، بر سر جریان های اوکراین بر روسیه تحمیل کرده است.

سال گذشته، در اوج اختلاف بین روسیه و غرب، برخی کارشناسان آمریکایی پیش بینی می کردند که پوتین ممکن است از کارت اس ۳۰۰ و فروش آن به ایران استفاده کند. چنین اتفاقی صورت نگرفت. از این رو، هر چند که این عامل می تواند موثر بوده باشد اما این فرضیه که تصمیم روسیه صرفاً در پاسخ به غرب صورت گرفته، با توجه به ماهیت تأخیر و اینکه روسیه اقدامات تلافی جویانه عمده دیگری اتخاذ کرده است چندان قانع کننده به نظر نمی رسد. نظریه دیگر را می توان در بخشی از سخنان سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه جستجو کرد. لاوروف افزایش شدید تنش در یمن و تحولات نظامی در هفته های اخیر در کشور های همسایه یمن را دلیل استحقاق ایران برای برخورداری از یک سیستم دفاع هوایی مدرن دانست.

کارشناسان نظامی آمریکا معتقدند که در صورت تجهیز ایران به سیستم اس ۳۰۰ حمله هوایی اسرائیل به ایران عملاً غیر ممکن خواهد شد و آمریکا نیز با در اختیار داشتن تعداد محدودی از بمب افکن های رادارگریز با قابلیت حمل بمب های سنگرکوب، برای انجام عملیات در ایران

سال ۲۰۰۷، در جریان اوج گیری تنش بین دولت بوش و دولت احمدی نژاد، کمتر از امروز نبود. با این همه روسیه در همان سال ۲۰۰۷ علیرغم بستن قرارداد فروش اس ۳۰۰، از تحویل آن به ایران سر باز زد.

چه عاملی باعث تصمیم اخیر کرملین شد؟

ضمن اینکه تمامی عوامل فوق، از جمله مقابله با غرب در ارتباط با مسئله اوکراین و تأمین امنیت ایران به عنوان یک شریک بالقوه استراتژیک در محاسبات روسیه گنجانده شده است، باید عامل اصلی این اقدام روسیه را در این مقطع، در جای دیگری جستجو کرد. این عامل چیزی نیست مگر حصول تفاهم در لوزان و افزایش جدی احتمال رسیدن به یک توافق نهائی هسته ای بین ایران و ۵+۱، خارج شدن آن کشور از انزوای سیاسی و اقتصادی، و در نهایت باز شدن بازار ایران بر روی بازیگران بین المللی. به گفته محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران این اقدام یکی از نقاط مشکل ساز در روابط با روسیه را از میان بر می دارد.

لئونید ایواشف، مدیر اندیشکده مرکز تحلیل های ژئوپلیتیک مسکو در مورد تصمیم اخیر روسیه می گوید: اگر تأخیر کنیم و ایران را در انتظار بگذاریم، فردا، زمانی که تحریم ها برداشته شود واشنگتن و متحدانش بازار ایران را خواهند ربود. تنها در صنعت نفت و گاز صدها میلیارد دلار پروژه و معامله در انتظار برداشته شدن تحریم ها است. در این زمینه روسیه یکی از پیشخانان در جهان است. به گزارش مجله فوربز، «روس نفت» در سال ۲۰۱۳ به عنوان بزرگترین شرکت نفت و گاز غیر خصوصی در جهان، اکسون موبیل آمریکا را پشت سر گذاشت. در تفاهم نامه اقتصادی ۷۰ میلیارد یورویی که بین ایران و روسیه در شهریور ماه گذشته به امضا رسید و تاکنون اجرایی شدن آن به دلیل وجود تحریم ها به تعویق افتاده است، مبادلات بازرگانی در زمینه نفت و گاز، احداث نیروگاه های برق، صنعت، معدن، و محصولات کشاورزی گنجانده شده است. وزیر روسی امضانکننده قرارداد گفت بازار نفت و گاز ایران برای روسیه بسیار جالب است... روسیه می تواند حرکت عظیمی در صنعت نفت ایران ایجاد کند. در ضمن ایران قراردادی با روسیه در مورد احداث دو نیروگاه اتمی با احتمال افزایش به ۸ واحد نیز امضا کرده است.

متخصصین کسب و کار معتقدند زمانی که درهای یک کشور در حال توسعه بر روی بازار های جهانی باز می شود حضور در آن بازار به عنوان اولین بازیگر، برای کسب سهم بیشتر، حائز نهایت اهمیت است. روسیه نمی توانست در حالی که با ایران در دادگاه ژنو مشغول جدال است جای پای اقتصادی محکمی در ایران باز کند. لغو تحریم فروش اس ۳۰۰، با توجه به فشاری که تحریم های غرب بر اقتصاد روسیه وارد می کند، دریچه جدیدی را بر روی روسیه باز خواهد کرد.

و مسلح ظهور کرده و اوج می گیرند. یک ایران بی ثبات، با توجه به خطر همیشگی و واقعی اسلام گرایان تندرو چچن که هم اینک بخش عمده ای از نیروهای داعش را تشکیل می دهند، تهدیدی جدی برای امنیت ملی روسیه به شمار می رود. علیرغم این واقعیت که به دلایل ذکر شده امنیت و ثبات ایران برای روسیه حائز اهمیت است، توجیه روسیه که به خاطر تحولات یمن - و در واقع خطر درگیر شدن عربستان با ایران - دست به چنین تصمیمی زده است چندان منطقی به نظر نمی رسد.

کمتر ناظری را می توان یافت که معتقد باشد عربستان به تنهایی می تواند برای ایران یک تهدید نظامی به حساب بیاید. فراموش نباید کرد که حتی اسرائیل هم با توان نظامی به مراتب بالاتر از عربستان، نهایتاً حاضر نشد بدون مشارکت آمریکا دست به حمله نظامی به ایران بزند. بنابراین تنها در صورت همراهی آمریکاست که عربستان قادر به انجام اقدام نظامی علیه ایران خواهد بود. اما این فرض هم بسیار دور از ذهن به نظر می رسد. در حالی که دولت آمریکا روند تشنج زلانی را با ایران در پیش گرفته و بی وقفه در تلاش برای خاتمه دادن به بحران هسته ای ایران است تغییر دفتی و ۱۸۰ درجه این سیاست و حمله نظامی به ایران منطقی به نظر نمی رسد. در ضمن خطر حمله آمریکا به ایران در

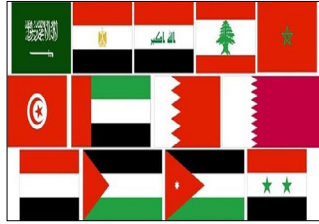
نشال ایتروست بررسی کرد؛

عدم توانایی آمریکا و اعراب برای کاهش تأثیر گذاری ایران در منطقه

یک رسانه غربی در گزارشی به بررسی ائتلاف گسترده کشورهای عربی برای مقابله با نفوذ و تأثیر گذاری ایران در تحولات منطقه و ناکارآمدی تلاش‌های آنها در این زمینه پرداخت.

تحولات اخیر در منطقه از عراق و سوریه گرفته تا یمن، بار دیگر عمق نفوذ و تأثیر گذاری ایران در خاورمیانه را به خوبی به تصویر کشید. در همین رابطه نشریه «نشال ایتروست» به بررسی موضوع ائتلاف کشورهای عربی برای مقابله با ایران پرداخت و موفقیت این ائتلاف را «نامویتی غیر ممکن» خواند با وجود این که توافق هسته نهایی میان ایران و ۱+۵، مسأله هسته‌ای ایران را برای همیشه حل و فصل می‌کند اما این بدان معنا نیست که نفوذ و تأثیر گذاری گسترده ایران در خاورمیانه کم‌رنگ خواهد شد زیرا ایران بسیار قدرتمندتر از آن است که کشوری بتواند در مقابل آن ایستاده و نفوذش را مهار کند.

تلاش‌های گسترده خارجی برای جلوگیری از دستیابی ایران به توافق هسته‌ای نهایی با کشورهای غربی، در نهایت به تشکیل یک ائتلاف غیر قابل پیش بینی علیه تهران منجر شد عربستان سعودی در پشت پرده با صهیونیست‌ها در زمینه همکاری با تل آویو برای جلوگیری از هرگونه توافق هسته‌ای میان



مقابله با خطرات و تهدیدات داعش عاجز مانده اند ایران با قدرت و نشاط وارد میدان نبرد شده و تاکنون در مبارزه با این گروه تروریستی به طور کامل موفق بوده است کابوس کشورهای منطقه ای از اینکه شاید آمریکا روزی آنها را رها کند چیز جدیدی نیست و تنها پس از سخن گفتن از احتمال امضای توافق هسته‌ای میان ایران و ۱+۵ که واشنگتن هم عضوی از آن است به صورت آشکارا مطرح شده است.

از سوی دیگر تل آویو نیز از امضای توافقنامه هسته‌ای میان ایران و ۱+۵ بسیار خشمگین است، بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی بارها از مقامات واشنگتن خواسته است تا از امضای چنین توافقی خودداری کنند وی در کنگره مدعی شد این توافق ممکن است راه را برای ایران در دستیابی به بمب اتم هموار کند اما این استراتژی برای تل آویو، یک استراتژی ناکارآمد به شمار می‌رود و تقریباً هیچ سودی برای صهیونیست‌ها ندارد تنها استواری که این استراتژی با خود به همراه داشته است وجود تنش‌های گسترده در روابط تل آویو و واشنگتن بوده است.

در حالی که کشورهای حوزه خلیج فارس، دستپاچه تلاش می‌کنند تا از امضای هرگونه توافق هسته‌ای میان ایران و غرب جلوگیری

کنند ایران قدرت خود در منطقه را روز به روز بیشتر به نمایش می‌گذارد. نباید اینگونه تصور کرد که توافق هسته ایران و غرب، جایگاه منطقه‌ای ایران را تحکیم می‌کند زیرا با توجه به اینکه ایران در حال حاضر - بدون اینکه توافقی وجود داشته باشد - یک قدرت برجسته در منطقه به شمار می‌رود، این دیدگاه کاملاً نادرست است. ایران یک کشور بزرگ با منابع طبیعی گسترده بوده و از همه مهم‌تر کانون ثبات در منطقه‌ای آشفته و بی ثبات تلقی می‌شود. در ایران همچنین جمعیتی دو برابر آنچه که در عربستان سعودی وجود دارد زندگی می‌کنند اما آنچه که از هر چیز دیگری مهم‌تر به نظر می‌رسد این است که ایران قادر به پیگیری یک سیاست منسجم در منطقه و خارج از آن است. یکی از نمونه‌های بارز برجستگی سیاست‌های ایران، تحولات عراق و حمله داعش به این کشور است. ایران از جمله اولین کشورهایی بود که برای کمک به عراق در مبارزه با تروریسم شتافت و هر اقدامی را برای مهار اعضای داعش انجام داد. در دیگر کشورهای منطقه نیز وضعیت به همین صورت است و ایران نقش تأثیرگذار و مثبتی را در برخی از آنها دارد. به طور کلی، با توجه به شرایط کنونی و تحولات منطقه، ایران احتیاجی به توافق هسته‌ای برای تحکیم جایگاه خود در منطقه ندارد. در حالی که امروز، کشورهای منطقه برای ضربه زدن به توافق هسته‌ای ایران و غرب، شبانه روز تلاش میکنند، این کشور همچنان از همان نفوذ و تأثیر گذاری سابق خود در منطقه برخوردار است.

مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا:

مصوبه کنگره غیر منطقی است/ پذیرش توافق داخل ایران و آمریکا مهم است

گفتگو: عبدالحمید بیانی

اقدام کمیته روابط خارجی سنای آمریکا در تصویب طرحی که به موجب آن اختیارات رئیس جمهور آمریکا در مورد لغو تحریم‌های ایران محدود می‌شود موجب شد تا بار دیگر غیر قابل اطمینان بودن آمریکائی‌ها ثابت شود پس از حصول تفاهم لوزان تفاسیر مختلفی از آنچه که در سوئیس میان ایران و کشورهای ۱+۵ مورد موافقت قرار گرفته منتشر شده که هر یک از آنها بازتاب‌های گسترده‌ای را در طرف مقابل موجب شده‌اند. در همین راستا برای اطلاع از وضعیت حاکم در آمریکا در خصوص تفاهم لوزان و توافق جامع هسته‌ای با پروفسور «دانیل سرور» مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا به گفتگو نشستیم. پروفسور دانیل سرور از معروف ترین کارشناسان حاضر در میح مدیریت جنگ، و از کارشناسان ارشد موسسه روابط دو سوی آن‌لاتینیک و از اساتید دانشگاه جان هاپکینز که سابقه فعالیت گسترده در مورد جنگ‌های عراق، افغانستان و بالکان را دارد و از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ به عنوان نماینده ویژه آمریکا در امر میانجیگری میان مسلمانان و کروات‌های یوگسلاوی فعالیت کرده است. متن کامل این مصاحبه به شرح زیر است:

|| شما تفاهم بدست آمده در لوزان سوئیس را چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا این تفاهم می‌تواند منجر به توافق جامع هسته‌ای شود؟

اگر بخواهیم از نقطه نظر آمریکایی‌ها به این تفاهم نگاه کرده و در مورد آن قضاوت کنیم باید بگویم این تفاهم یا چارچوبی که کشورها در مورد آن توافق کرده‌اند یک پیشرفت شفاف بود اما من مطمئن نیستم که توافق نهایی وجود داشته باشد به ویژه بعد از اظهارات اخیر رهبر عالی ایران به نظر می‌رسد که این تفاهم ابتدایی است و نمی‌تواند توافق نهایی باشد.

|| شما به اظهارات حضرت آیت الله خامنه‌ای اشاره کردید، سناتور «جان مک کین» با استناد به فرمایشات رهبر انقلاب مدعی شده بود که این اظهارات نشان می‌دهد که ایران و آمریکا در دو صفحه متفاوت هستند (اختلافات زیادی با هم دارند)، نظر شما در این رابطه چیست؟

مطمئنم که مادر صفحات متفاوتی هستیم اما

مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا معتقد است توافق جامع هسته‌ای باید به گونه‌ای باشد که بتواند هم در داخل آمریکا و هم در داخل ایران مورد قبول همه گروه‌ها قرار بگیرد.

گذشته کمیته روابط خارجی سنا طرحی را در مورد محدود کردن اختیارات رئیس جمهور آمریکا در مورد توافق هسته‌ای با ایران تصویب کرد، هر چند پیش از تصویب این طرح کاخ سفید با آن مخالف بود اما بعد از تصویب شدن، اعلام شد که ممکن است اوپاما این مصوبه را امضا کند، به نظر شما آیا چنین اقدامات و مصوبه‌هایی به تفاهم سوئیس ضربه می‌زند؟

ممکن است ما شاهد تصویب طرحی در کنگره باشیم که رئیس جمهور اوپاما بتواند با آن کنار بیاید موضوع سیاست‌های داخلی و پذیرش هر توفیقی در داخل کشور در هر دو طرف یعنی ایران و آمریکا مهم است. این مشکل خواهد بود به توفیقی برسیم که بتواند جمهوری خواهان و دموکرات‌ها را در مورد اینکه ایران به تعهد خود پایبند است متقاعد سازد همچنین تصور می‌کنم در ایران نیز غیر ممکن است که اصول گرایان و لیبرال‌ها را راضی به توفیقی کرد که به موجب آن تحریم‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران لغو شوند این نکته مهم است که به یاد داشته باشیم حتی اگر توافق جامع هسته‌ای حاصل شود ایران و آمریکا در بسیاری از مسائل همچون اسرائیل حزب الله یمن و حماس با یکدیگر اختلاف خواهند داشت ماباری علی‌سازي روابط راه‌درازی را در پیش داریم.

سوال اینجاست که آیا این صفحات مختلف در یک کتاب قرار دارند یا خیر. تفاهم بدست آمده هر دو طرف را تا حدی راضی کرده است اگر به تعهدات عمل شود آنگاه فکری کم که هر دو کشور (ایران و آمریکا) نزدیک کتاب باشند

|| چرا ایران و کشورهای غربی همچون آمریکا و فرانسه تحلیل‌های متفاوتی از تفاهم سوئیس دارند؟

تصور می‌کنم این بخاطر آن باشد که ما هنوز در نیمه راه هستیم. هنوز موارد زیادی از چارچوب اعلام شده وجود دارند که مورد بحث قرار نگرفته‌اند از همین رو حصول پیشرفت در این رابطه ممکن است.

|| سناتور مک کانل یکی از منتقدین اصلی اوپاما در مورد ایران محسوب می‌شود به نحوی که وی اخیراً اعلام کرده آمریکائی‌ها می‌توانند به اهدافی که اوپاما برای آن تعیین کرده برسد، نظر شما در این مورد چیست؟

اگر منظور شما این فرصت یک ساله است فکر می‌کنم که در این مدت اوپاما بتواند به اهداف خود برسد البته در مورد ایران شخصاً اعتقاد دارم که غیر واقعی است اگر قبول کنیم که ایران تمام توانائی‌های غنی سازی خود را متوقف می‌کند.

|| همانطور که مطلع هستید سه شنبه

نماینده پارلمان ترکیه:

مواضع اردوغان در تهران درک برخی واقعیتها از سوی وی رانسان داد

نماینده مردم استانبول از حزب جمهوری خلق معتقد است که دو کشور ایران و ترکیه برای حل بحران های منطقه ای به یکدیگر احتیاج دارند و با تکرار در این موارد نمی توان به نتایج دلخواه و پایدار دست یافت.

در این خصوص هنوز در ترکیه دادگاههای مختلفی در حال برگزاری است. به عنوان مثال، پیدا شدن اسلحه در کامیون های

هر چند که ایران و ترکیه از سال ۲۰۱۲ به این سو در برخی از مسائل منطقه ای دارای اختلاف نظرهایی بوده اند و روابط دو کشور همسایه نیز دستخوش تغییر و تحولاتی بوده است اما در طی این مدت ایران و ترکیه اجازه نداده اند که اختلاف بر سر موضوعات مختلف از جمله بحران سوریه بر روابط میان دو کشور تأثیرات منفی شدیدی داشته باشد که این خود از ویژه و استراتژیک بودن روابط میان ایران و ترکیه خبر می دهد.

از سوی دیگر رئیس جمهور ترکیه رجب طیب اردوغان در سفر یک روزه ای که در ۱۸ فروردین ماه سال جاری به ایران داشت به دیدار و گفتگو با مسئولین کشورمان پرداخت و در نشست مشترک مطبوعاتی از احتمال میانجیگری ترکیه در بحران یمن خبر داد. انتخابات ۷ ژوئن (۱۷ خرداد) ترکیه نیز از رویدادهای بسیار مهمی است که ترکیه در ماه های آتی شاهد آن خواهد بود. گفتگویی در رابطه با سوگیری ترکیه در مورد بحران های منطقه ای، سفر اخیر اردوغان به ایران و نیز انتخابات پارلمانی پیش روی این کشور، با علی اوزگوندوز نماینده مردم استانبول از حزب جمهوری خلق در پارلمان ترکیه و رئیس گروه دوستی پارلمانی ترکیه-ایران و همچنین دادستان سابق استانبول انجام گرفته که به شرح زیر است.

آقای اوزگوندوز، در سال های اخیر شاهد اختلاف نظر بین ایران و ترکیه در برخی مسائل منطقه ای بوده ایم که این مورد در قضیه سوریه آشکار تر بوده است. یعنی در حالی که ایران به راه حل سیاسی و گفتگو برای حل بحران سوریه معتقد بوده، در نقطه مقابل ترکیه سیاست متفاوتی را در پیش گرفته است. تحلیل شما از این مسئله چیست؟

رئیس جمهور ترکیه رجب طیب اردوغان و حکومت عدالت و توسعه، از سال ۲۰۱۲ به خصوص در مورد مساله سوریه، سیاست متفاوتی در قبال روابط خود با جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته است. حزب عدالت و توسعه، در راستای خواسته خود مبنی بر سقوط دولت بشار اسد و روی کار آمدن اخوان المسلمین، از هرگونه گروه تروریستی افراطی سلفی و وهابی حمایت کرد. این حمایت تنها محدود به باز کردن مرزها نبود و شامل انواع حمایت های تسلیحاتی، لجستیک و اطلاعاتی نیز می شد.

رئیس جمهور ترکیه اردوغان در روزهای گذشته سفری را به ایران داشت و در این دیدار با عقب نشینی نسبی از دیدگاه های قبلی خود در مورد سوریه و یمن از احتمال میانجیگری ترکیه در این گونه مسائل سخن گفت، دلیل این امر چه چیزی بوده است؟

رجب طیب اردوغان که بنا بر دعوت پادشاه عربستان ملک سلمان به ریاض رفته بود، تنها ۱۰ روز پس از این دیدار، خبر حمایت ترکیه از نیروهای مسلح عرب به رهبری عربستان سعودی برای حمله به یمن را داد و یک هفته پس از اعلام این خبر نیز به ایران سفر کرد. به شخصه

کند. به همین دلیل منافع ایران و ترکیه مشترک است. رقابت های از روی غبطه بین دو ایران و ترکیه نیز در جهت پیشرفت دو کشور مفید است.

هر دو کشور در زمان جنگ جهانی اول آسیب دیده و قدرت های استکباری از این قضیه بهره برده بودند. ایجاد روابط دوستانه و بسیار دقیق توسط دو کشور، برای جلوگیری از تکرار تاریخ ضروری است. مذهب و نظام، مربوط به همان کشور است و روابط بین دو کشور، به جای تکیه بر موضوعات مذهبی، باید بر اساس منافع متقابل تنظیم شده باشد. امیدوارم سفر رجب طیب اردوغان به ایران، واسطه ای در جهت



تغییر سیاست خارجی مبتنی بر مذهب حکومت ترکیه و همکاری های جدید بین دو کشور باشد.

انتخابات پارلمانی در ترکیه نزدیک است و در ۷ ژوئن مردم ترکیه برای انتخاب نمایندگان مجلس و متعاقب آن نیز حکومت جدید به پای صندوق های رای خواهند رفت. پیش بینی ها در مورد نتایج انتخابات پیش رو در ترکیه چگونه است؟

در صورتی که حزب دموکراتیک خلق ها در انتخابات پارلمانی ۷ ژوئن موفق به کسب ۱۰ درصد آرا شود، دیگر یک حزب به تنهایی به عنوان حزب حاکم فعالیت نخواهد کرد. یعنی احتمالا در دوره ای آتی حکومتی ائتلافی تشکیل خواهد شد. اما اگر حزب دموکراتیک خلق ها موفق به عبور از سد ۱۰ درصد و کسب اجازه ورود به مجلس نشود، معتقدم پارلمان نمی تواند فعالیت خود را به این شکل ادامه دهد و در طی ۱ و یا حداکثر ۲ سال و با کاهش میزان حداقل آرا، انتخابات زودرس برگزار می شود.

بابت این سفر نگرانی هایی داشتیم و احتمال می دادم وی با ایجاد یک بحران آگاهانه، سعی در تقویت جبهه سازی سنی داشته باشد. اما با موفقیت مذاکرات هسته ای میان ایران و گروه ۵+۱، اردوغان برخلاف اظهارات خود در ترکیه، در خصوص بحران سوریه نظراتی نزدیک به نظر ایران و نقش میانجی گری ترکیه ارائه کرد. اردوغان همچنین در خصوص مساله یمن نیز تاکید به ایجاد آتش بس کرد که این موارد حاکی از درک یک سری واقعیت ها از سوی اردوغان و همچنین در راستای تفکرات مطرح شده از سوی حزب جمهوری خلق ترکیه در خصوص ایجاد روابط دوستانه و در چارچوب احترام و مبنی بر منافع دوجانبه است.

با توجه به موارد همگرا کننده و واگرا کننده میان ایران و ترکیه تحلیل کلی شما از روابط میان دو کشور چیست؟

ایران و ترکیه، به دلیل تطابق منافع ملی در خصوص حکومت متمرکز و تمامیت ارضی، دو کشور نیازمند به یکدیگر هستند. هرگونه برخورد میان این دو کشور، علاوه بر آسیب دیدن هر دو کشور، تنها منافع نیروهای استکباری و صهیونیستی را تأمین می

مربط به تشکیلات اطلاعاتی ملی ترکیه که در شهر آدانا متوقف شده بود، به شکل کاملاً آشکاری توسط دادگاه مربوطه مورد بررسی قرار گرفت.

مشکلات حزب عدالت و توسعه تنها محدود به سوریه نبود و حکومت ترکیه در روابط خود با دولت مرکزی عراق و در راس آن با نوری المالکی نیز مشکلاتی داشت. حکومت ترکیه به جای حکومت مرکزی عراق، روابط خود را با حکومت محلی کردستان عراق و رئیس اقلیم کردستان مسعود بارزانی گسترش داد و به وسیله این رابطه، گامهایی در خصوص فروش نفت شمال عراق برداشته شد. تمامی این گام ها در اصل تلاش هایی در راستای تشکیل اتحاد سنی علیه ایران بود. در روزهای گذشته رجب طیب اردوغان و نخست وزیر ترکیه احمد داوودوğlu به صورت غیر مستقیم اتهاماتی متوجه ایران کرده بود و حتی رجب طیب اردوغان در یکی از سخنرانی های خود با بیان این که چگونه کسانی که از دولت بشار اسد حمایت می کنند خود را مسلمان می نامند سخنان تحریک آمیزی علیه ایران به کار برده بود. اینگونه سخنان علیه ایران، تنها مصرف سیاست داخلی نداشته و برای حکومت های سنی-عربی نیز حاوی پیامی بود.



گفتگو: جواد حیران نیا

استاد حقوق دانشگاه آلاباما آمریکا:

تفاهم لوزان الزام حقوقی ندارد/ لغو یک جای تحریم‌ها موضوعی سیاسی است

استاد حقوق بین الملل دانشگاه آلاباما معتقد است که تفاهم لوزان الزام حقوقی برای طرفین ندارد و شورای امنیت می‌تواند با تصویب قطعنامه‌ای، قطعنامه‌های قبلی درباره برنامه هسته‌ای ایران را لغو کند.

منشور ملل متحد به تصویب برسد تا الزام حقوقی آن برای تمام دولتها لازم‌الاجرا باشد و از سوی دیگر با گذراندن قطعنامه‌ای در این شورا قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت تحت فصل هفتم منشور در خصوص برنامه هسته‌ای ایران ملغی شود.

پروفسور جویئر معتقد است برای گذراندن این قطعنامه نیازی به ارجاع از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت نیست و این شورا می‌تواند مستقلاً این قطعنامه را به سادگی تصویب کند. به اعتقاد وی شورای امنیت به سادگی می‌تواند قطعنامه‌های قبلی علیه ایران را برچیند و آن را با قطعنامه‌ای جدید که دربرگیرنده شرایط جدید باشد جایگزین کند.

جویئر همچنین معتقد است که برداشته شدن یک جای تحریم‌های ایران بعد از توافق جامع موضوعی سیاسی است تا حقوقی. او معتقد است این موضوع واقعاً سیاسی است و جنبه سیاسی دارد.

وی می‌گوید این اعتقاد در طرف غربی وجود دارد که تحریم‌ها به تدریج برداشته شوند تا بتوان بر اساس آن ایران را مجبور کرد تا به تعهداتش عمل نماید.

آمریکایی سعی دارد با آن ایران را تحت فشار قرار دهد استفاده از ابزار کنگره است. اگرچه طرف مقابل ایران در مذاکرات «دولت» این کشور است ولی نظر به تصویب معاهدات بین‌المللی این کشور (برخی معاهدات) توسط کنگره، دولت اوباما سعی دارد تا ضمن استفاده پنهان از ابزار کنگره به ریزنی با آنها برای تصویب توافق هسته‌ای بپردازد.

آنچه این معاهدات را الزام آور می‌سازد اراده سیاسی متعهدان برای پیشبرد و تحقق اهداف معاهده است و نه الزام و اجبار حقوقی

در طرف مقابل، ایران برای آنکه توافق صورت گرفته را از جنبه حقوقی برای تمام دولتها (از جمله دولت آینده آمریکا) الزام آور سازد این راهکار را مطرح کرده که توافق احتمالی جامع در قالب قطعنامه‌ای تحت فصل هفتم

حالی است که گروه ۵+۱ تفسیر دیگری دارد و معتقد است که نتایج حاصل از مذاکرات لوزان دارای الزام حقوقی است. در خصوص معاهدات بین‌المللی تقریباً این نگاه وجود دارد آنچه این معاهدات را الزام آور می‌سازد اراده سیاسی متعهدان برای پیشبرد و تحقق اهداف معاهده است و نه الزام و اجبار حقوقی.

در واقع این تفسیر ناشی از این برداشت است که نظام بین‌الملل دارای رکن قضایی مافوق ملی نیست. این در حالی است که در صحنه داخلی تابعان حقوق می‌توانند احقاق حق کنند چرا که یک مرجع مافوقی وجود دارد که رسیدگی کند و حق را به صاحب حق بدهد. اما در صحنه بین‌الملل، مسئله، بده بستان است.

پروفسور «دانیل جویئر» استاد حقوق بین الملل دانشگاه آلاباما آمریکا در خصوص الزام آور بودن یا نبودن نتایج حاصل از مذاکرات لوزان گفت: تمام توافقات بین ایران و کشورهای گروه ۵+۱ در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران در خلال سال گذشته الزام حقوقی ندارد.

در واقع دیدگاه جویئر در خصوص جنبه حقوقی تفاهم لوزان با آنچه ایران بدان معتقد است همسو است.

یکی دیگر از موضوعاتی که به ویژه طرف

از آنجا که بیانیه سوئیس مقدمه‌ای است برای انجام تعهدات بین‌المللی در آینده، توجه به اهمیت ابعاد حقوقی آن به عنوان یک ضرورت مطرح است. این بیانیه تا مرحله نهایی، طبق تحلیل برخی کارشناسان حقوقی الزام‌آور نیست ولی دارای آثار حقوقی در سطح بین‌المللی است؛ به گونه‌ای که در صورت پایبند نبودن هریک از طرفین به اصول این بیانیه، طرف نقض کننده در سطح جهانی دیگر قابل اعتماد نخواهد بود بنابراین، این مسئله می‌تواند به اعتبار کشور لطمه وارد کند.

به عبارتی از تاریخی که بیانیه سوئیس قرائت شد، ایران و تمامی کشورهای طرف مذاکره با ایران وارد یک رژیم حقوقی در روابطشان شدند که نمی‌توانند آن را به سادگی متوقف کنند. تنها شاخصه بارز این مذاکرات، مسئله برداشتن یا ادامه تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران است که ایران امر اهمیت طرح جامعی که قرار است تبدیل به یک سند بین‌المللی بشود را دوچندان می‌کند؛ طرحی که می‌تواند بسیاری از مسائل بین‌المللی را از منظر حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل، به واسطه بیانیه لوزان سوئیس حل کند.

از جنبه حقوقی ایران معتقد است که نتایج حاصل از مذاکرات اخیر میان این کشور و گروه ۵+۱ الزام آور نیست. این در

نشان می دهند ایران و آمریکا در دو صفحه مختلف هستند آیا شما با نظر ایشان موافقت می کنید؟

به نظر می رسد که سناتور مک کین ماهیت اصلی دیپلماسی بین الملل را درک نکرده و متوجه این قضیه نشده که طرف ایرانی و آمریکا هر دو در حال توضیح یک چیز هستند. مواردی که در تفاهم لوزان توافق شده اند و هر یک از آنها از دید خود آنها را تفسیر می کنند.

|| همانطور که مطلع هستید سه شنبه گذشته کمیته روابط خارجی سنا طرحی را در مورد محدود کردن اختیارات رئیس جمهور آمریکا در مورد توافق هسته ای با ایران تصویب کرد، هر چند پیش از تصویب این طرح کاخ سفید با آن مخالف بود اما بعد از تصویب شدن، اعلام شد که ممکن است اواما این مصوبه را امضا کند، به نظر شما آیا چنین اقدامات و مصوبه هایی به تفاهم سوئیس ضربه نمی زند؟

این نکته قابل درک است که قانونگذاران آمریکایی می خواهند بر سیاست خارجی امریکا نفوذ داشته و بر آن تأثیر بگذارند اما پیش نویسی که توسط سناتور کراکر ارائه شد و در کمیته روابط خارجی سنا به تصویب رسید یک مسیر غیر ضروری است که کمکی به قانونگذاران در این راه نمی کند. در حقیقت برای آنکه تحریم های ایران بصورت دائمی لغو شوند کنگره نقشی کلیدی خواهد داشت. البته لغو تحریم ها زمانی خواهد بود که ایران به تهددات خود در برنامه اقدام مشترک (توافق ژنو) پایبند بوده و آنها را انجام بدهد.

من با این نظر رئیس جمهور اواما که می گوید طرح ابتدایی ارائه شده از سوی سناتور کراکر بطور غیر ضروری موجب پیچیده شدن شرایط می شود و اگر به تمامی موجب تغییر استراتژی فعلی ایران که از سوی آمریکا و دیگر اعضای شورای امنیت پیگیری می شود نگردد تأثیری منفی بر آن خواهد داشت.

کاخ سفید پس از تصویب این طرح اعلام کرد که رئیس جمهور آن را امضا می کند و با توجه به این موضوع به نظر می رسد که موارد منفی موجود در آن کاهش یافته باشند چون در غیر این صورت اواما آن را وتو می کرد.

نکته آخر آنکه تفاهم و توافق با ایران که هم اکنون در دسترس است یک پیشرفت بزرگ برای امنیت آمریکا و امنیت بین الملل خواهد بود. ما به عنوان انجمن کنترل سلاح به همراه دیگر شهروندان و سازمان های آمریکایی از کنگره می خواهیم تا این توافق را بجای آنکه از بین ببرد قدرتمندتر کند.

گفتگو با مدیر انجمن کنترل سلاح آمریکا:

هیچ اختلافی بین تعریف ظریف و کری از تفاهم نامه نیست/توصیه به کنگره



گفتگو: عبدالحمید بیانی

«داریل کیمبال» مدیر اجرایی انجمن کنترل سلاح آمریکا، معتقد است تفاوت در تفسیرهای موجود از تفاهم لوزان طبیعی است. در واقع طرف ایرانی و آمریکایی هر دو از یک تفاهم مشترک که تفاوتی در اصل آن نیست سخن می گویند.

گویند. بخش زیادی از انتقادهایی که از تفاهم بدست آمده میان ایران و کشورهای ۵+۱ انجام می شود از طرف اعضای حزب جمهوری خواه آمریکا و سیاستمدارانی که علاقه ای به رئیس جمهور آمریکا ندارند شکل می گیرد. علاوه بر آن بسیاری از بیانیه ها و انتقادهای از تفاهم لوزان غیر منطقی بوده و بر امنیت ملی آمریکا تأثیر منفی دارند.

|| سناتور مک کانل یکی از منتقدین اصلی اواما در مورد ایران محسوب می شود به نحوی که وی اخیراً اعلام کرده آمریکا نمی تواند به اهدافی که اواما برای آن تعیین کرده برسد. نظر شما در این مورد چیست؟

تعدادی از رهبران آمریکایی هستند که این حقیقت را که در هر مذاکره ای بین دو گروه بویژه گروه هایی که با یکدیگر دشمن هستند- در این مورد منظور ایران و کشورهای ۵+۱ است- طرفین برای رسیدن به جواب «بله» باید مصالحه کنند درک نکرده اند. به همین دلیل تفاهم لوزان اهداف منع گسترش را که جزو سیاست های اصلی آمریکاست و در ابتدای این روند بر آن تأکید شده بود دربر می گیرد.

|| سناتور مک کین نیز به عنوان یکی دیگر از منتقدان سیاست های اواما، با اشاره به اظهارات مقامات ایرانی در مورد تفاهم لوزان گفته بود که این اظهارات

وزیر امور خارجه آمریکا، ارائه شد، هر دو درست هستند و من هیچگونه اختلافی میان آنها ندیدم. علاوه بر این هیچ یک از این دو طرف در مورد همه بندهای موجود در تفاهم و اینکه آنها چگونه اجرا می شوند توضیحی ارائه نکرده اند و در نتیجه برخی تعاریفی که از این تفاهم می شود متفاوت است. این موضوع (اختلاف تفسیر از تفاهم لوزان) در این مرحله نباید موجب شگفتی شود زیرا ما با مذاکرات پیچیده ای مواجه هستیم. علاوه بر این موارد، در روزها و هفته های آینده دو طرف باید در مورد این صحبت کنند که موارد فنی و قانونی چگونه اجرا شده و اینکه هر گامی در این رابطه بطور برداشته می شود. اینکه محدودیت های مرتبط بر برنامه هسته ای ایران و رصد آنها چگونه انجام می شود و اینکه بازرسی ها به چه شکل خواهد بود باید دقیقاً روشن شود.

|| باراک اواما در انتقاد از جمهوری خواهان و دیگر منتقدانی که به تفاهم ایجاد شده با ایران و همچنین سیاست خارجی کاخ سفید اعتراض دارند عنوان داشت که این افراد قصد تضعیف دولت و کم رنگ کردن پیشرفت های حاصل شده را دارند، آیا شما موافق این موضع رئیس جمهور آمریکا هستید؟

به نظر من رئیس جمهور درست می

با وجود تفاسیر مختلف از تفاهم لوزان و مطرح شدن اظهار نظرهایی گوناگون از سوی مقامات آمریکایی و ایرانی در مورد زمان و نحوه لغو تحریم ها، ایران و کشورهای ۵+۱ دور جدید مذاکرات خود را برای رسیدن به توافقی جامع هسته ای از سر می گیرند.

در این میان اظهارات متناقض رئیس جمهور و وزیر امور خارجه آمریکا در مورد توافق، تحریم و اینکه هنوز همه گزینه ها روی میز هستند موجب شده تا تردیدهای زیادی در مورد حسن نیت طرف آمریکایی در مذاکرات شکل بگیرد. از این رو با «داریل کیمبال» مدیر انجمن کنترل سلاح آمریکا که از نزدیک تحولات مربوط به گفتگوهای هسته ای ایران را دنبال می کند به گفتگو نشستیم.

کیمبال از سال ۲۰۰۱ تا کنون مدیر اجرایی انجمن تحقیقاتی کنترل سلاح آمریکاست و در سال ۲۰۰۴ میلادی توسط نشنال ژورنال به عنوان یکی از ۱۰ چهره تأثیرگذاری که نظریات آنها به شکل گیری سیاست های آتی در مورد آینده تسلیحات هسته ای کمک می کند معرفی شده است. متن کامل این گفتگو به شرح زیر است:

|| شما تفاهم بدست آمده در لوزان سوئیس را چطور ارزیابی می کنید؟ آیا این تفاهم می تواند منجر به توافق جامع هسته ای شود؟

اعلامیه دوم آوریل در مورد اینکه ایران و کشورهای ۵+۱ در مورد یک چارچوب سیاسی برای رسیدن به توافق جامع تفاهم کرده اند واقعا یک اتفاق تاریخی بود. یک توافق برد-برد که پرسش های جامعه جهانی درباره برنامه هسته ای ایران را پوشش می دهد. آمریکا می گوید این چارچوب سیاسی یک فرمول موثر و قوی برای مسدود کردن راه های دسترسی ایران به سلاح هسته ای و همچنین لغو و برچیده شدن تحریم های بین المللی مرتبط با برنامه هسته ای ایران را فراهم می کند. تفاهم لوزان یک دیپلماسی موثر و قوی برای هر دو طرف فراهم می کند اما این فقط اولین قدم از یک سفر طولانی است. مذاکره کنندگان ۵+۱ و ایران باید جزئیات فنی باقیمانده را تکمیل کنند و سیاست گذاران در پایتخت ها باید به گونه ای عمل کنند که از تفاهم لوزان حمایت کنند نه اینکه آن را از بین ببرند.

|| چرا ایران و کشورهای غربی همچون آمریکا و فرانسه تحلیل های متفاوتی از تفاهم سوئیس دارند؟

دلیل اینکه ایران و مقامات غربی بندهایی مختلفی از تفاهم لوزان را تعریف می کنند این است که آنها اینگونه می خواهند! زیرا آنها برای جلب حمایت داخلی از این تفاهم نیاز دارند بر روی بندهایی تکیه کنند که به نفع آنهاست. تعریفی که از تفاهم لوزان توسط «محمد جواد ظریف» وزیر امور خارجه ایران، و همچنین «جان کری»



خاورمیانه و شمال آفریقا

دبیر: سمیه خمار باقی

انصارالله یمن چیست؟ آیا انقلابیون انصارالله که از قدرت و سلاح هم برخوردار هستند مانند تروریست‌های تکفیری داعش و اربابان صهیونیست آنها سر بریدند و مردمان بی‌دفاع را زنده زنده سوزاندند؟ به نظر می‌رسد کینه آل سعود از مردم یمن موجب شده تا مقامات سعودی تحت هیچ شرایطی حاضر به دست کشیدن از دخالت در امور داخلی این کشور دست بکشند. به اعتقاد تحلیلگران عربستان سعودی به فتنه‌انگیزی، خونریزی و سرکوب نهضت‌های مردمی در منطقه عادت کرده است. آنها همچنین براین باورند که سعودی‌ها هرگاه برنامه‌ای برای ضربه زدن به کشوری طرح‌ریزی می‌کنند از توهم وجود درگیری‌های فرقه‌ای در آنجا سخن به میان می‌آورند. درست همانگونه که در بحرین عمل کرده و با این جبهه وارد شدند و در نهایت نیز سیاست تغییر بافت جمعیت این کشور را در پیش گرفتند. سیاستی که از جمعیت شیعیان در آن کاسته و پیروان دیگر ادیان را در آنجا افزایش می‌دهد.

|| ترس آمریکا و غرب از انصارالله

آمریکا، غرب و دولت‌های عربی از یمن می‌ترسند، زیرا پس از گذشت سال‌ها رؤیای خود را بر باد رفته می‌بیند؛ رؤیای سلطه بر یمن و تحت استعمار در آوردن آن. آنها شاهد آن هستند که یمن خواهان آزادی است، خواهان استقلال و حاکمیت مستقل است. آنها شعارهای انقلابی مردم یمن را می‌شنوند؛ شعارهایی که بیش از هرچیزی رژیم صهیونیستی و سیاست‌های ایالات متحده آمریکا را هدف قرار داده‌اند از سوی دیگر، فریادهایی در یمن شنیده می‌شود که مخالف سیاست‌های توسعه‌طلبانه آل سعود در این کشور است؛ سیاست‌هایی که آمریکا بر روی آنها سرپوش می‌نهد. اعراب و غربی‌ها از تکرار تجربه حزب‌الله لبنان در یمن می‌ترسند. آنها بیم آن دارند که همچون در لبنان که یک جنبش شیعی به پاخاست و فریاد آزاده‌خواهی سر داد در یمن نیز جنبش انصارالله پرچمدار آزاده‌خواهی باشد در این میان اما آنچه بیش از هرچیزی دیگری موجب نگرانی آمریکا، غرب و برخی از دولت‌ها عربی را فراهم کرده، به خطر افتادن امنیت صهیونیست‌ها است؛ صهیونیست‌هایی که با وجود حزب‌الله خواب راحت به چشم خود نمی‌بینند و به انصارالله به چشم حزب‌اللهی دیگر می‌نگرند.

اما مکتبی که انصارالله یمن بدان تعلق دارد، مکتبی عمیق‌تر از تفکرات سیاسی است. این مکتب، مکتبی با تاریخی ریشه‌دار و سیاستی اصیل است که آمریکا و هیپایله‌هایش به آن به عنوان مرکز توطئه و کینه می‌نگرند و تمام تلاش خود را انجام می‌دهند تا پیش از تبدیل شدن آن به حزب‌اللهی دیگر، آن را برای همیشه نابود کنند. باید منتظر ماند و دید که سرانجام انقلاب یمن به کجا می‌انجامد؟ آیا آمریکا و همپیمانانش به شکست خود در مقابل مردم یمن اعتراف می‌کنند و یا به توطئه‌های روزافزون شان همچنان ادامه خواهند داد؟

همیشه به بهانه مبارزه با تروریسم صورت می‌گیرد. در موارد ذیل خلاصه کرد: ۱- نزدیک شدن واشنگتن به مرکز بحران‌ها در کشورهای مختلف منطقه برای سوء استفاده از این شرایط به منظور استقرار پایگاه‌های نظامی در این کشورها ۲- رقابت با روسیه و اروپا در داشتن پایگاه‌های نظامی در منطقه ۳- تلاش برای سیطره بر گذرگاه‌های آبی در خلیج فارس، خلیج عدن و دریای سرخ، زیرا این سه آبراهه از گذرگاه‌های اصلی برای رساندن کمک‌های آمریکا به صهیونیست‌ها و دولت‌های غربی به شمار می‌روند.

۴- فراهم کردن زمینه برای طبیعی جلوه دادن حملات هوایی به یمن بوسیله هواپیماهای بدون سرنشین به بهانه مبارزه با تروریسم و با نیت هدف قرار دادن زیرساخت‌های یمن و تضعیف انصارالله. این در حالی است که هم‌اکنون واشنگتن از توافقتنامه امنیتی سابق که میان وزرای دفاع آمریکا و یمن امضا شده برای انجام حملات هوایی در برخی شهرهای یمن سوء استفاده می‌کنند.

ه‌جدا کردن استان‌های واقع در جنوب یمن از این کشور به منظور استفاده از

غربی‌ها در آن سوی میدان تلاش می‌کنند دولت اوکراین را دست‌نشانده خود کرده و آن را مقابل روسیه قرار دهند و در این سوی میدان نیز سرکوب ملت‌های بی‌دفاع بحرین و یمن که خواسته‌ای فراتر از تحقق مطالبات مشروع خود ندارند را در دستور کار خود قرار داده‌اند

آنها به عنوان پایگاه‌های نظامی و تقویت وجود نظامی آمریکا در یمن. در این زمینه آمریکایی‌ها با حمایت رسانه‌های وابسته به آل سعود تلاش می‌کنند جنایت‌های القاعده در یمن را بزرگ جلوه داده و آن را دستاویزی برای تقویت وجود نظامی خود در یمن به بهانه مبارزه با تروریسم قرار دهند

|| مخالفت آل سعود با انصارالله و انقلابیون یمنی

به راستی علت مخالفت آل سعود با



اقدامات تروریستی در یمن؛

توطئه آمریکا و آل سعود علیه انصارالله

به دنبال دو حمله انتحاری به مساجدی در پایتخت یمن طی روز گذشته که در پی بیش از ۱۴۰ نفر از حامیان انصارالله شهید شدند، مقامات این جنبش انگشت اتهام را به سمت عربستان و آمریکا نشانه رفتند.

آل سعود درباره یمن را به فراموشی نسپرده است. وی صراحتاً اعلام کرد که قدرت یمن یعنی ضعف عربستان و ضعف یمن یعنی قدرت عربستان امروز، آمریکا و همپیمانانش که در رأس آنها رژیم صهیونیستی و سپس عربستان قرار دارند تلاش می‌کنند تا همچون بحرین، لبنان، عراق و سوریه به تحولات یمن هم رنگ و بوی طایفه‌ای بدهند، زیرا یمن نیز مانند این کشورها حاضر نیست با رژیم صهیونیستی بر سر یک سفره بنشیند.

از سوی دیگر مطرح شدن موضوع انتقال گفتگوها میان احزاب و جریان‌های یمنی به ریاض برای برون‌رفت از وضعیت فعلی نشان از دخالت‌های آشکار عربستان در امور داخلی این کشور دارد. عربستان سعودی تلاش می‌کند تا یمن را همچون بحرین تحت استعمار خود درآورد و جنبش انصارالله را که خواهان حفظ استقلال و حاکمیت کشور خود است، از صحنه سیاسی یمن حذف کند. از سوی دیگر مواضع دولت‌های غربی و عربی در قبال تحولات یمن و انقلاب مردمی در این کشور، یکی دیگر از بی‌آبرویی‌های سیاسی این دولت‌ها است. غربی‌ها در آن سوی میدان تلاش می‌کنند دولت اوکراین را دست‌نشانده خود کرده و آن را مقابل روسیه قرار دهند و در این سوی میدان نیز سرکوب ملت‌های بی‌دفاع بحرین و یمن که خواسته‌ای فراتر از تحقق مطالبات مشروع خود ندارند را در دستور کار خود قرار داده‌اند. گویی آنها می‌خواهند دموکراسی مد نظر خود در سوریه را در دیگر کشورهای منطقه از جمله یمن هم برقرار کنند!

|| اهداف آمریکا از دخالت‌های گسترده در یمن

می‌توان اهداف آمریکا از دخالت‌های گسترده آمریکا در یمن را - که مانند

سلسله اقدامات تروریستی در یمن پس از خلع «علی عبدالله صالح» که در اغلب موارد مراکز وابسته به جنبش حوثی انصارالله و یا حامیان آن را هدف قرار داده است روز گذشته به اوج خود رسیده زمانی که دو عامل انتحاری مساجدی در شهر صنعاء پایتخت یمن را هدف قرار داده و بیش از ۱۴۰ نفر را شهید و ۳۵۰ تن دیگر را مجروح ساختند. در این میان مقامات جنبش انصارالله، عربستان و آمریکا را از عاملان این جنایت معرفی کردند که در این خصوص ذکر برخی از نکات قابل تأمل است.

|| توطئه فراگیر علیه انصارالله

رسانه‌های وابسته به آمریکا، غرب و رژیم صهیونیستی که به شدت از نقش فعال و تأثیرگذار جنبش انصارالله در صحنه سیاسی یمن آزرده خاطرند تلاش می‌کنند تا این جنبش ریشه‌دار در تاریخ یمن را وابسته به طرف‌های خارجی جلوه دهند. هدف رسانه‌ها از این اقدام القای این موضوع به افکار عمومی جهان است که انصارالله به خود خود نقش مهمی در تحرکات یمن ندارد.

پاسخ این شبهات واضح است. اگر جنبش انصارالله از نقش بسزایی در تحولات یمن برخوردار نبوده و از مدیریت انقلاب این کشور عاجز است، پس به چه علت همواره مورد شدیدترین حملات تروریستی تکفیری‌ها قرار گرفته و می‌گیرد؟ شهادت حدود ۱۴۰ نفر از طرفداران این جنبش و زخمی شدن بیش از ۳۵۰ نفر در یکی از کم‌نظیرترین حملات تروریستی در منطقه که رد پای عربستان سعودی در آن دیده می‌شود، تنها این موضوع را به آذهنان متبادر می‌کند که انصارالله یک جنبش قوی و مستقل بوده و این حملات در جهت تضعیف آن صورت می‌گیرد. تاریخ هنوز سخنان ملک عبدالعزیز اولین پادشاه

آینده رژیم صهیونیستی /

از تداوم اشغالگری تا پایان اسرائیل



رژیم صهیونیستی به لحاظ تعارضات ساختاری و بافت تصنعی خود که منجر به بحران دولت ملت در این رژیم شده با نوعی گسست اجتماعی و سیاسی مواجه است که آینده آنرا به عنوان یک نظام جعلی تهدید می کند. صرف نظر از اینکه چه کسی یا چه گروهی قدرت را در رژیم صهیونیستی به دست خواهد گرفت، شش سناریوی محتمل برای آینده رژیم صهیونیستی ذکر می شود.

گزارش: سید عبدالمجید زواری

داخلی خود پیدا می کنند. از سوی دیگر میانه روها و طرفداران صلح هم اگرچه در ظاهر فعال هستند اما نقش حاشیه ای ایفا می کنند. در این سناریو جامعه بین المللی هم از فعالیت های طرفداران صلح حمایت خواهد کرد و بودجه هایی برای بازسازی فلسطین اختصاص خواهد یافت.

اسرائیل اکنون در نسل سوم خود است و با توجه به عملکرد رهبران نسل اول که شارون نمونه ای از آنها بود، و یا نسل دوم رهبران همچون اولمرت و نتانیا هو رسیدن به سازش رویایی بیش نیست

سناریوی ۴: زمین سوخته؛ بدترین سناریو
در این حالت در هر دو طرف فلسطینی و اسرائیلی شاهد دولت هایی ضعیف هستیم که از دستیابی به هرگونه توافق ناتوان هستند. از سوی دیگر با ادامه خشونت و

همچون اولمرت و نتانیا هو رسیدن به سازش رویایی بیش نیست.

سناریو ۳: شهر قلعه ها؛ وضعیتی میان جنگ و صلح

در این حالت اگرچه شاهد دو دولت قدرتمند هستیم، اما دو طرف نتوانسته اند به توافقی جامع برای حل اختلافات دست یابند. بر اساس این طرح دو طرف فلسطینی و اسرائیلی که از سالها جنگ و خشونت علیه یکدیگر خسته شده اند با انعان به عدم کارایی نظامی گری، به دنبال راهی برای رسیدن به صلح در چارچوب نقشه راه هستند. با این حال با توجه به اراده اسرائیل برای سلطه بر دریای مدیترانه تارود اردن، این رژیم تمایل کمتری به مذاکرات سازش دارند و این موضوع مانع از دستیابی به توافقی جامع و جدول زمان بندی مشخص می شود.

در چنین وضعیتی طرف اسرائیلی می پذیرد که برای پیشگیری از وخامت اوضاع، به محدوده مرزهای ۱۹۶۷ عقب نشینی کند. به همین دلیل هرچند اسرائیل سلطه خود بر سرزمین های اشغالی را حفظ خواهد کرد، اما فلسطینی ها در بیت المقدس دارای استقلال محدودی خواهند بود و مسئولیت حفظ امنیت در برخی مناطق را بر عهده می گیرند. بر همین اساس خشونت به میزان قابل توجهی کاهش یافته و هر دو طرف فلسطینی و اسرائیلی فرصت بیشتری برای تمرکز بر مسایل

دارند. در چنین حالتی سازمان های مردم نهاد هم علاوه بر حفاظت از دستاوردهای صلح، در زمینه توسعه روابط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و خدماتی دو جانبه برنامه ریزی می کنند. جامعه بین المللی نیز با استقبال از توافق های دو جانبه بر چگونگی اجرای موافقتنامه ها و همچنین توسعه فلسطین و اسرائیل نظارت می کند. به همین دلیل با گسترش همکاری های فرامرزی شاهد افزایش رفاه در میان دو طرف فلسطینی و اسرائیلی خواهیم بود. از آنجا که به دلیل اهمیت بیت المقدس برای هر دو طرف، هرگونه توافقی در گرو مشخص شدن وضعیت این شهر است، در این طرح شهر به دو قسمت فلسطینی و اسرائیلی تقسیم می شود. بر همین اساس دو شهرداری مستقل برای توسعه زیرساخت ها و حفظ بافت قدیمی شهر برنامه ریزی می کنند و بدین ترتیب بیت المقدس به مرفه ترین و توسعه یافته ترین شهر منطقه بدل خواهد شد.

رسیدن به چنین وضعیتی در شرایط فعلی دور از ذهن به نظر می رسد و احتمالاً در نسل چهارم اسرائیل و یا پس از آن به وقوع خواهد پیوست. اسرائیل اکنون در نسل سوم خود است و با توجه به عملکرد رهبران نسل اول که شارون نمونه ای از آنها بود، و یا نسل دوم رهبران

سناریو ۱: تداوم اشغالگری

در این حالت که استمرار وضعیت موجود است، اسرائیل اگر چه سلطه خود بر سرزمین های اشغالی را حفظ کرده است، اما پیش بینی مشخصی از آینده و وضعیت نهایی خود در مناقشه با فلسطینیان ندارد. در این حالت رژیم اشغالگر قدس همچنان به لحاظ ظاهری نسبت به طرف فلسطینی از قدرت بیشتری برخوردار خواهد بود و شاهد ادامه فعالیت یک تشکیلات خودگردان ضعیف خواهیم بود. از سوی دیگر با ادامه بحران اقتصادی و همچنین تبعیض های میان گروه های مختلف یهودی، شاهد مهاجرت گسترده نخبگان، نابودی طبقه متوسط و از بین رفتن ساختارهای مدنی و اجتماعی خواهیم بود. در این میان هرچند جامعه بین المللی هنوز از اقدامات صهیونیست ها حمایت می کند اما از مداخله مستقیم اجتناب خواهد کرد. در موضوع صلح هم یکجانبه گرایی اسرائیل در مورد تامین منافع خود، و همچنین ناتوانی تشکیلات خودگردان از خلع سلاح گروه های مسلح مانع بزرگی بر سر این موضوع ایجاد می کند.

سناریو ۲: شهر پل ها؛ بهترین سناریو (به زعم طرف غربی)

در این حالت شاهد تشکیل دو دولت قوی و مستقل خواهیم بود که با حل و فصل همه اختلافات تعامل سازنده ای با یکدیگر

تهاجمی تری به خود گرفته و سازمان ملل هم در آستانه انحلال قرار گرفته است. این نبرد احتمالی با حمله کره شمالی به کره جنوبی آغاز خواهد شد. هدف از این اقدام تلاش برای اتحاد مجدد دو کره اعلام می شود. چین از این اقدام به شدت حمایت می کند و آمریکا هم به سرعت واکنش نشان می دهد و سرانجام با اعلام جنگ ناتو منطقه عملاً درگیر جنگی تمام عیار می شود.

در خاورمیانه هم با تحریک اسرائیل، عربستان به ایران اعلام جنگ می دهد و همزمان اسرائیل هم با مساعد دیدن اوضاع، جنگ علیه حماس، حزب الله و سوریه را آغاز می کند. در واکنش به اقدام اسرائیل ایران موشک قاره پیمای خود را آزمایش می کند. اسرائیل با جنجال آفرینی از آمریکا و متحدان غربی خود طلب کمک می کند و پیمانی نظامی علیه ایران شکل می گیرد تا از طریق حملات هوایی تاسیسات کلیدی کشور را نابود کنند. با این حال به دلیل قرار گرفتن بخش زیادی از این تاسیسات در زیر زمین و کوه ها حملات موفقیت چندانی پیدا نمی کنند. نتایج جنگ جامعه اسرائیل را به شدت متزلزل کرده است. بخش قابل توجهی از شهرک نشینان صهیونیست با هدف فرار از کانون بحران به اروپا و آمریکای شمالی و دیگر مناطق امن مهاجرت می کنند و عده زیاد دیگری هم از کشورها و سازمان های بین المللی می خواهند تا آنها را به مناطقی امن منتقل کنند. با فرو ریختن شاکله جامعه اسرائیل، دولت آن نیز رسماً سقوط کرده و تغییراتی در مرزهای سیاسی منطقه پدیدار می شود که برآیند آن ظهور قدرت ها و کشورهای جدیدی است که مسیر دستیابی به صلح را هموار می کند.

لاتین پناهنده شوند. با این حال مساله اسرائیل و دولت یهودی همچنان به عنوان یکی از عوامل تنش زا باقی خواهد ماند. بنابراین همزمان با تلاش های سازمان ملل برای معرفی مذاکره به عنوان بهترین روش ممکن، احتمالاً شاهد نوعی تروریسم یهودی محلی و بین المللی با هدف احیای رژیم اسرائیل خواهیم بود.

هرچند این سناریو در ظاهر بسیار ساده و دور از باور به نظر می رسد، اما بررسی تاریخ خاورمیانه نشان می دهد که هر غیر ممکن محتمل است و دولت های بسیاری که در مقطعی برپایه قتل و غارت شکل گرفته اند، پس از مدتی به راحتی از بین رفته اند و نشانی از آنها باقی نمانده است. سناریو جنگ جهانی سوم عراق آشفته است و به علت ضعف حکومت مرکزی جنگ داخلی در کل کشور در جریان است. ایران هم علیرغم فشارهای جهانی توانسته است از نظر فناوری هسته ای کاملاً به خودکفایی برسد و نیازهای متنوع خود را پاسخ بدهد. آمریکا با هدف سرکوب گروه های افراطی درگیر جنگ در منطقه شده است و طرف اسرائیلی هم به علت هسته ای شدن ایران به شدت روحیه خود را از دست داده است. به نظر می رسد نوعی سناریوی عذاب در خاورمیانه در حال اجرا است که یک طرف آن آمریکا و طرف دیگر ایران است. سایه شوم جنگ مناطق زیادی از جهان را در بر گرفته و تقریباً همه جا غیر از قطب جنوب و بخش هایی از آفریقا نگران شروع جنگ هستند.

علل بحران عموماً بر درگیری های مرزی سوریه و ترکیه متمرکز است و دولت آنکارا که رویای احیای امپراتوری عثمانی را در سر می پروراند به دنبال افزایش نفوذ خود بر همسایه غربی است. البته چین حالت

اسرائیل شکست خورده و اطراف اسرائیل را کشورهای با رابطه خصمانه محاصره خواهند کرد.

در همین حال ایران نیز به دلیل ناکامی گروه های تندرو در سرنگونی دولت های سوریه و عراق، به شدت قدرتمند شده و نفوذ خود در منطقه را افزایش خواهد داد. همچنین افزایش توان موشکی و قدرت نظامی ایران شرایط را بیش از پیش برای ساکنان سرزمین های اشغالی دشوار خواهد کرد و مهاجرت معکوس افزایش می یابد. بنابراین حدود یک میلیون نفر در اسرائیل (بیست درصد کل جمعیت) که پاسپورت آمریکایی، اروپایی یا تابعیت یکی از کشورهای غربی را دارند به این مناطق مهاجرت کرده و کشورهای میزبان نیز به راحتی آنها را می پذیرند.

با کاهش جمعیت اسرائیل، این رژیم باز هم کوچک تر از قبل خواهد شد و برای حفظ کنترل و مدیریت خود، ممکن است ناچاراً با تجدید نظر در مرزهای خود از برخی مناطق عقب نشینی کند. بنابراین در کمتر از چند هفته رژیم اسرائیل عملاً نابود خواهد شد و با وجودی که حدود چهار میلیون یهودی همچنان در منطقه باقی خواهند ماند، این رژیم به صورت چندین اجتماع از هم گسسته بدل خواهد شد. عمده افرادی هم که در منطقه باقی خواهند ماند خانواده های فقیری هستند که امکان مهاجرت به دیگر مناطق را ندارند. این افراد که بیشتر به مناطقی همچون روسیه و اتیوپی مربوط می شوند، جامعه جهانی را با مشکلی نظیر پناهندگان فلسطینی در سال ۱۹۴۸ مواجه می کنند. در مرحله بعد با ادامه بحران احتمالاً بین یک تا دو میلیون نفر با حمایت های بین المللی در اروپا، آمریکا، کانادا، استرالیا و آمریکای

اشغال گری نوعی پاکسازی قومی در حال جریان است. در چنین وضعیتی گروه های میانه رو و فعالان صلح هم به عنوان خائن تلقی شده و افراطیون و گروه های تندرو به پیشران فعالیت های اجتماعی بدل شده اند. از سوی دیگر جامعه بین الملل هم با انفعال در برابر رویدادهای منطقه، از انجام هر اقدام بازدارنده ناتوان است.

به لحاظ اقتصادی و اجتماعی نیز وضعیت به شدت بغرنج خواهد بود و با بدتر شدن وضعیت اقتصادی و شکاف طبقاتی، زیرساخت ها و فرصت های لازم برای رشد و توسعه از بین رفته و شاهد کمبود مواد غذایی، سوخت و مختل شدن ارائه خدمات عمومی خواهیم بود. بروز هرج و مرج و عدم نگرانی خلافکاران از ارتکاب به جرایم سازمان یافته، وضعیت زندگی را برای همه چه فلسطینی و چه اسرائیلی خطرناک خواهد کرد.

|| سناریو ۵: پایان اسرائیل، تشکیل جوامع ساده یهودی

با وقوع بیداری اسلامی کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۱۰، بسیاری از کشورهای منطقه شاهد اعتراض های گسترده و در برخی مواقع سقوط دیکتاتوری ها چند ده ساله بودند. هرچند با دخالت های قدرت های فرامنطقه ای این جریان تا حدودی متوقف و یا منحرف شد، اما با توجه به شرایط ویژه خاورمیانه، اکثر کارشناسان اعتقاد دارند این منطقه هر زمان پتانسیل وقوع رویدادهای مشابه و وسیع تر را دارد. بر اساس این سناریو با سقوط حکومت های مصر، اردن، عربستان و یمن عملاً اسرائیل دوستان خود در منطقه را از دست خواهد داد. به همین دلیل گفتگوهای صلح و ابتکارهای اتحادیه عرب برای عادی سازی روابط با



جاسوسی از مذاکرات؛

اسرائیل و ایجاد بحران های پی در پی برای آمریکا



افشای جاسوسی رژیم صهیونیستی از مذاکرات هسته ای ایران و همکاری این رژیم با جنگ طلبان امریکایی برای کارشکنی در روند مذاکرات تهران و ۵+۱، موجب بروز بحرانی جدید در مناسبات تل آویو-واشنگتن شده است.

توافقی هستند که «برنامه هسته ای ایران را به طور کامل متوقف نکنند». بونر از پاسخ دادن به پرسشی درباره توان بالقوه اسرائیلی ها در زمینه انتقال اطلاعات محرمانه مذاکرات هسته ای به اعضای کنگره آمریکا خودداری کرد و تنها گفت: «من مطمئن نیستم که چه اطلاعاتی بوده، اما از آن گزارش شگفت زده شده ام».

|| سندی برای اثبات جاسوسی اسرائیل از آمریکا

لیبرمن در حالی مدعی ممنوع بودن جاسوسی از آمریکایی ها برای سرویس های امنیتی رژیم صهیونیستی شده که پیشتر نیز خبرهایی در مورد جاسوسی این رژیم از مقامات آمریکایی بویژه وزیر خارجه این کشور منتشر شده بود.

برای مثال در مرداد ماه سال گذشته یک رسانه آلمانی از جاسوسی رژیم صهیونیستی از وزیر امور خارجه آمریکا و شنود مکالمات تلفنی وی در جریان مذاکرات سازش خبر داد.

بر اساس گزارش اشپیگل، مکالمات تلفنی جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، در هنگام سفرهای وی به خاورمیانه برای پیشبرد مذاکرات سازش بصورت مرتب از سوی نهادهای اطلاعاتی اسرائیل شنود می شد. جان کری در طول یک سال گذشته برای به نتیجه رساندن مذاکرات سازش سفرهای متعددی را به خاورمیانه داشته و بصورت مرتب با مقامات تشکیلات خودگردان و همچنین تل آویو در ارتباط بود.

به نوشته اشپیگل، فاش شدن جاسوسی اسرائیل از وزیر امور خارجه آمریکا بدون شک موجب افزایش تنش های موجود میان واشنگتن و تل آویو می شود.

صهیونیستی، نیز در واکنش به گزارش وال استریت جورنال گفته است که «آمریکا هرگز درباره موضوع ادعایی جاسوسی که در این گزارش مطرح شده، شکایتی به اسرائیل نکرده است».

|| شگفتی مقامات آمریکا

با این وجود رییس مجلس نمایندگان آمریکا می گوید که انتشار گزارشی درباره جاسوسی اسرائیل از مذاکرات هسته ای ایران و شش قدرت جهانی وی را شگفت زده کرده است. «جان بونر» دیروز سه شنبه در جمع خبرنگاران گفت که وی اطلاعی درباره اینکه آیا اطلاعات اسرائیل به دست قانونگذاران آمریکایی رسیده باشد، ندارد. روزنامه وال استریت جورنال روز دوشنبه گزارش داد که اسرائیل نه تنها از مذاکرات فوق محرمانه ایران و شش قدرت جهانی جاسوسی می کرده، بلکه جزئیات این مذاکرات را در اختیار برخی قانونگذاران آمریکایی قرار داده که هدف آن خرابکاری در مسیر ممانعت از رسیدن به توافق هسته ای با ایران بوده است.

بونر که قرار است در روزهای آینده و به دنبال پیروزی بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی در انتخابات پارلمانی به سرزمین های اشغالی سفر کند، اظهار داشت: «صمیمانه بگویم که مقداری شگفت زده شدم، چون اطلاعاتی که گفته می شود اسرائیل به نمایندگان منتقل کرده است، هنوز به خود من نرسیده است».

وی درباره «شت آشکار اطلاعات» به نمایندگانی که نامی از آن ها برده نشده است، گفت که من کلا از این موضوع اطلاع ندارم. این گزارش می افزاید که بسیاری از جمهوریخواهان مخالف هرگونه

به نوشته این روزنامه، این جاسوسی زمانی برملا شد که آژانس های اطلاعاتی آمریکا پیام هایی را ردگیری کردند که بین مقام های اسرائیلی رد و بدل می شد و محتوای این پیام ها تنها می توانست از گفت و گوهای هسته ای که پشت درهای بسته برگزار می شود درز کرده باشد.

به گزارش وال استریت جورنال، مقام های کاخ سفید به ویژه از این موضوع ناراحت شده اند که اسرائیل این اطلاعات را در اختیار برخی اعضای کنگره گذاشته تا بتوانند پرونده های علیه روند مذاکرات هسته ای تشکیل دهند. گروهی از قانونگذاران جمهوری خواه آمریکایی همواره همصدا با اسرائیل نسبت به آن چه «توافق بد» با ایران می دانند هشدار می دهند.

|| تکذیب صهیونیست ها

اما کمی پس از آن که روزنامه آمریکایی وال استریت جورنال گزارشی با مضمون «جاسوسی اسرائیل» از جلسات مذاکره هسته ای با ایران منتشر کرد، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی این خبر را تکذیب کرد. او یگدور لیبرمن، گفته است که «این گزارش صحت ندارد، همان طور که معلوم است اسرائیل منافع امنیتی دارد که باید از آنها حفاظت کند و ما هم فعالیت های اطلاعاتی خود را داریم، اما از ایالات متحده جاسوسی نمی کنیم».

وی افزود: ما اطلاعات مان را از دیگر منابع گرفته ایم، نه از ایالات متحده. دهه ها است که در این مورد دستورالعمل واضحی صادر شده: از ایالات متحده جاسوسی نکنید، چه مستقیم، چه غیرمستقیم. ژنرال موشه یعلون، وزیر جنگ رژیم

روزنامه وال استریت ژورنال روز دوشنبه، سوم فروردین، در وبسایت خود از قول «مقامات ارشد کاخ سفید» گزارش داده بود که اسرائیل از سال گذشته «به منظور تلاش برای جلوگیری از توافق احتمالی هسته ای قدرت ها با ایران» اقدام به جاسوسی از مذاکرات اتمی کرده است.

این روزنامه نوشته بود که «جاسوسی» اسرائیل از مذاکرات با ایران شامل شنود و کسب اطلاعات از جلسات محرمانه مقامات آمریکایی، و تماس اسرائیلی ها با خبرنگار ها و دیپلمات ها می شود. در این رابطه اما، روز سه شنبه یک مقام ارشد در دفتر نخست وزیری اسرائیل نیز که نام او فاش نشده به شبکه خبری سی ان ان با تأکید بر این که اسرائیل اقدام به جاسوسی از آمریکا و دیگر هم پیمانان اسرائیل نکرده گفت که «این اتهامات بالکل نادرست است».

در همین روز شبکه بی بی سی نیز خبر داد که یک مقام رسمی در دفتر نخست وزیری اسرائیل که نام او نیز فاش نشده به این شبکه گفته است: اسرائیل از ایالات متحده و دیگر متحدان اسرائیل جاسوسی نمی کند. آشکار است که هدف از انتشار این اتهامات ضربه زدن به روابط مستحکم بین ایالات متحده اسرائیل و ضربه زدن به امنیت و همکاری های اطلاعاتی ماست.

وال استریت جورنال از قول «یک مقام ارشد آمریکایی» نوشته بود اطلاعاتی که اسرائیل از این «جاسوسی ها» به دست آورده در اختیار قانونگذاران آمریکایی و دیگران گذاشته شده تا با استفاده از آن بتوانند در جریان دستیابی به توافق نهایی اتمی با ایران کارشکنی کنند.

متصور باشد چیست؟ چگونه قادر خواهد بود گروه‌های تندرو را مهار و کنترل کند؟

آمریکایی‌ها اخیراً متوجه شدند که خلا قدرت بعد از اسد خطرناک است و منطقه را بسوی آینده‌ای مبهم می‌برد لذا به نظر می‌رسد ممکن است تن به قبول دولت ائتلافی بین اسد و مخالفین لیبرال غیر مسلح بدهند. تجربه داعش شکست سختی برای سیاست‌های غربیها و دول ارتجاعی عرب منطقه بود. در حال حاضر گروه‌هایی مانند النصر در خیال خام به دست گرفتن قدرت در سوریه هستند این گروه‌های تروریستی اگر در سوریه به قدرت برسند، تروریسم آنها دامنگر منطقه می‌شود و به اروپا نیز سرایت می‌کند و بیش از همه کشورهایمانند اسپانیا، فرانسه و انگلستان که قبلاً نیز شاهد حملات تروریستی بوده‌اند قربانی خواهند شد. ایران مخالف هر گونه اقدام تروریستی در خاورمیانه و اروپا است. از این رو به غرب هشدار می‌دهد اشتباهی را که در مورد افغانستان مرتکب شد، بلکه این شبکه تروریستی به یک پدیده جهانی تبدیل شده و خطرش افزایش یافته است. باید توجه داشت که سوریه به کنترل غرب در نخواهد آمد. سیاست‌های نظامی غرب در سوریه شکست خورده است. روسیه قویاً با سرنگونی حکومت بشار اسد و دخالت نظامی ناتو در سوریه مخالف است، بدون شک روسیه از جهت سیاسی با حمله نظامی به سوریه مخالفت جدی خواهد کرد. سوریه پایگاه اصلی روسیه در خاورمیانه است لذا سقوط فرضی حکومت متحدر روسیه اسباب تضعیف موقعیت او در خاورمیانه خواهد شد البته چنین فرضی با وجود شرایط میدانی به نفع حکومت اسد ضعیف است.

آینده تحولات سوریه را چگونه می‌بینید؟

با توجه به شکست‌های نظامی اخیر تروریست‌ها در سوریه و بر ملا شدن ماهیت افراط‌گرایانه آنها برای غرب، تغییر نگرش غربی‌ها در مورد توسل جستن به روش‌های تروریستی و نظامی در سوریه محتمل به نظر می‌رسد. در این صورت فضا برای مصالحه بین مخالفین لیبرال و حکومت سوریه فراهم می‌شود. در صورت تشکیل حکومت ائتلافی در سوریه هیچ یک از بازیگران بحران سوریه برنده و بازنده مطلق نخواهند بود. بدون شک مهم‌ترین آسیب دیدگان بحران سوریه مردم مظلوم سوریه هستند که تحت تأثیر این بحران متحمل خسارت‌های فراوانی شده‌اند و متأسفانه در کوتاه مدت نیز قابل جبران نیست. نقش سوریه در میان مدت در جنبش مقاومت تضعیف شده است. ایران نیز باید به تجدید محاسبه در رابطه با جریان‌های اسلام‌گرا نظیر حماس که با دولت اسد در بحران اخیر جنگیدند، اقدام کند. جنگ داخلی سوریه آزمون سختی برای بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای بود.



هدف ماجراجویی عربستان در منطقه ایجاد نظم هماهنگ با منافع غرب است

رئیس مرکز بین‌المللی مطالعات صلح با اشاره به اینکه هدف سعودیها از ماجراجویی در منطقه ایجاد نظم منطقه‌ای هماهنگ با منافع غرب است گفت: منافع سعودیها تحت تأثیر تحولات جاری در خاورمیانه صدمه دیده است.

گفتگو: جواد حیران نیا

لبنان می‌تواند تکرار شود. به هر حال سقوط اسد به زبان ایران، روسیه و چین است اما به نفع موازنه قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد شد، که البته این امر به خروجی بحران و نیروی حاکمه جدید بستگی دارد. اما بدون شک خوش بینی غرب و ارتجاع عرب به تأسیس حکومتی متحد خود سرایی بیش نخواهد بود.

چرا آمریکا در حال حاضر ترجیح می‌دهد صحبت از حمله محدود به سوریه کند؟

بحران سوریه تحت تأثیر بهار عربی و تغییر موازنه قدرت برای تضعیف ایران و جنبش مقاومت به سرعت تبدیل به یک منازعه بین‌المللی شد. این بحران مقاطع مختلفی را طی کرد و اکنون پس از فراز و نشیب‌های متعدد و زورآزمایی بازیگران مختلف با یکدیگر در حال ورود به مرحله نوینی است. امکان بررسی حمله گسترده در تعارض با سیاست‌های اوپاما است اما از سوی دیگر همزمان با امکان پیشرفت مصالحه هسته‌ای بین ایران و آمریکا، مطرح شدن حمله محدود به سوریه متحد ایران در منطقه بخاطر راضی نگه داشتن دشمنان منطقه‌ای ایران و هم چنین باز گذاشتن مذاکره با ایران راجع به وضع آینده منطقه است.

اگر این حمله صورت بگیرد آیا می‌توان آنرا سرآغاز حمله گسترده بعدی دانست؟

امکان حمله گسترده حداقل در دوره دولت اوپاما وجود ندارد. مردم آمریکا از لشکرکشی‌های دولت بوش خسته شدند و به اوپاما رای دادند در آستانه انتخابات جدید ریاست جمهوری در آمریکا حزب دمکرات در تعارض با سیاست‌های جمهوری خواهان مخالف هزینه کردن مالیات‌های مردم آمریکا در راستای منافع شرکت‌های اسلحه‌سازی هستند و با تمسک به این شعار امیدوار حذب آرای مردم آمریکا هستند.

طرح آمریکا برای فردای بعد از اسد(در صورتی که چنین امری

یعنی غرب و ارتجاع عرب و به سود محور مقاومت در حال تغییر بود. این شرایط جدید اسباب وحشت دواضلع دیگر شد و آنها متحدان با تقسیم کار، بی‌محابا وارد بازی خطرناک براندازی حکومت بشار اسد به عنوان قلب ژئواستراتژیک محور مقاومت شدند. تضعیف ایران و جنبش مقاومت علیه غرب و صهیونیسم در خاورمیانه هدف غرب و ارتجاع عرب است و از آن رو که سوریه بشار اسد از یک سو حلقه مهم اتصال ایران به حزب الله و فلسطین است و از سوی دیگر دارای ضعف‌های ساختاری متعددی است، به عنوان پاشنه آشیل ایران و روسیه مورد تهاجم قرار گرفته است. غرب به مداخله در سوریه ادامه می‌دهد، زیرا برآیندشان این است که شکست یا تضعیف بشار اسد، در هر دو صورت به نفع غرب خواهد بود. ارتجاع عرب که شاهد رشد نفوذ ایران در لبنان، سوریه، عراق و یمن است می‌خواهد از طریق سرنگون کردن حکومت بشار اسد، مانع عمده‌ای برای ادامه رشد نفوذ ایران فراهم آورد. هدف سعودی ایجاد نظم جدید منطقه‌ای هماهنگ با منافع غرب است. در حال حاضر منافع سعودی تحت تأثیر تحولات جاری در خاورمیانه به شدت آسیب دیده است.

در صورت به قدرت رسیدن اخوان المسلمین در سوریه، محور سوریه و ترکیه که دولت‌های اخوانی دارند شکل می‌گیرد که به زبان سعودی و امارات خواهد بود. این امر تقریباً با نیازهای فعلی غرب هماهنگ است، زیرا بدین ترتیب سوریه برای مدتی از محور مقاومت خارج می‌شود. در صورت به قدرت رسیدن سکولارها و برقراری دموکراسی در سوریه سعودی زبان خواهد کرد. تنها در صورتی که سلفی‌ها قدرت را به دست گیرند، موازنه قدرت به سود سعودی خواهد شد، که البته در این صورت اروپا و اسرائیل مورد تهدید حملات بی‌حساب رادیکال‌ها قرار می‌گیرند که پی آمدهای آن در دناک و خطرناک خواهد بود. در صورت تشکیل حکومت ائتلافی شبیه لبنان، غرب در کوتاه مدت برنده این بازی خواهد بود، اما در میان مدت سرنوشت

تحولات اخیر یمن و حمله عربستان سعودی به این کشور نشان از ناخشنودی سعودیها از تحولات و نظم منطقه خاورمیانه و زیرسیستم تابع آن حوزه خلیج فارس است. سیاست خارجی ماجراجویانه عربستان متعاقب شکست این سیاست‌ها در سوریه و عراق ابعاد جدیدی در یمن گرفته و در تجاوزی آشکار که نقض اصول حقوق بین‌الملل است به دنبال تحمیل نظم مورد توجه خود است.

آنچه در ادامه می‌آید بررسی سیاست ماجراجویانه عربستان در منطقه و به ویژه سوریه در گفتگو با دکتر سلمان صفوی است. سیاست‌های ماجراجویانه‌ای که دامنه آن به یمن نیز کشیده شد دکتر سید سلمان صفوی نویسنده و کارشناس برجسته مسائل بین‌الملل و به ویژه خاورمیانه است. وی رئیس مرکز بین‌المللی مطالعات صلح لندن و سررئیس فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه است. کتاب «دیپلماسی و امنیت ملی در خاورمیانه بزرگ» از جمله آثار صفوی به شمار می‌رود.

چه گروه‌ها و بازیگرانی از حمله آمریکا به سوریه منتفع خواهند شد؟ و این حمله چه تبعاتی برای آمریکا دارد؟

دشمنان امت اسلامی و در رأس آنها حکومت تل آویو اولین منتفعین سقوط اسد هستند پس از آن دشمنان و رقبای منطقه‌ای ایران و در رأس آنها حکومت ریاض و سپس ترکیه منتفع می‌شوند. درک محل نزاع در بحران سوریه برای فهم آن نقش کلیدی دارد. غربی‌ها و دول محافظه کار عربی آن را جنگ بین آزادی و دیکتاتوری معرفی می‌کنند. اما واضح است که این ادعا دروغ بزرگ آنهاست. چگونه دول محافظه کار عرب که خود سمبل دیکتاتوری هستند و کمترین حقوق انسان‌ها نظیر حق رائدگی خاتم‌ها در برخی از کشورهای آنها رعایت نمی‌شود مدعی مخالفت با دیکتاتوری و دفاع از آزادی شده‌اند؟ غربی‌ها چگونه راجع به بحران بحرین تنها در حد برخی انتقادهای لفظی اکتفا کرده‌اند اما در بحران سوریه تمام قدرت برای سرنگونی حکومت آن ایستاده‌اند؟

واقعیت این است که در بحران سوریه صرفاً با یک جنبش مردمی یا اسلامی مستقل علیه حکومت بشار اسد رو به رو نیستیم، بلکه ریشه‌های بحران منبث از اوج گیری منازعه بالانس قدرت بین محور مقاومت و بلوک غرب تحت تأثیر بهار عربی و جنبش بیداری اسلامی است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، بالانس قدرت در خاورمیانه تغییر یافت و نیروی جدیدی به نام انقلاب اسلامی در صحنه خاورمیانه پدیدار شد که اساساً ماهیت ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی دارد پس از سقوط نظام اتحاد جماهیر شوروی بالانس قدرت چهار ضلعی خاورمیانه شامل محور مقاومت (به رهبری ایران و عضویت سوریه، حزب الله و جنبش فلسطین)، بلوک غرب به رهبری آمریکا، شوروی و ارتجاع عرب (به محوریت سعودی و مصر مبارک) به سه ضلع کاهش یافت.

با پدیدار شدن بهار عربی و گسترده شدن جنبش بیداری در جهان عرب و سقوط سران و حکومت‌های تونس، مصر، یمن و لیبی موازنه قدرت در خاورمیانه به زبان دواضلع دیگر

که مصر بطور گسترده ای در درگیری های قومیتی یمن وارد شد، مداخله ای که برای مصر هزینه بسیاری در پی داشت و نهایتاً نیروهای نظامی مصر بطور مفتضحانه ای مجبور به خروج از یمن شد. بعد از دوران عبدالناصر هم مصر سعی کرد در خلیج فارس حضور یابد و سنگری برای خود ایجاد کند که موفق نبوده است. امروز هم دیکتاتورهای نظامی مصر در وضعیتی نیستند که بتوانند حضور نظامی گسترده و پایداری در خارج از این کشور داشته باشند. موفقیت مداخله نظامی در کشوری مثل یمن جای تردید دارد و می تواند تبعاتش به مصر برگردد و موجب بی ثباتی دیکتاتوری نظامی حاکم بر این کشور شود. تنها چیزی که مصر در حال حاضر از مداخله در یمن به دنبالش است این است که بتواند نظام مورد حمایت سعودی ها را به این کشور برگرداند تا از این طریق پول های خاندان سعودی به دیکتاتوری نظامی این کشور تزریق شوند.

نیازی نیست که گفته شود چنین اقدامی در تضاد آشکار با حقوق و مقررات بین الملل است. سکوت سازمان ملل در این خصوص نیز بیانگر ریاکاری و استانداردهای دوگانه در این خصوص است که این روزها تبدیل به رویه این سازمان شده است

آینده تحولات یمن را چگونه ارزیابی می کنید و این تحولات چه آثاری بر نظم های منطقه خاور میانه و خلیج فارس خواهد داشت؟

اقدام نظامی عربستان سعودی در یمن بی تردید موجب قوت گرفتن بسیاری از نیروهایی خواهد شد که بی ثباتی در منطقه را افزایش می دهند. اما پیش بینی دقیق تبعات ناشی از اقدام عربستان در یمن خیلی قابل پیش بینی نیست اما آنچه که تاریخ به ما یاد داده است این است که آب رفته به جوی برنمی گردد.



شکست متجاوزان

تجاوز عربستان به یمن نقض آشکار حقوق بین الملل است

استاد علوم سیاسی دانشگاه آلابامای جنوبی آمریکا سازمان ملل را به ریاکاری درباره تحولات یمن متهم کرده و گفت موفقیت نظامی در یمن جای تردید دارد.

گفتگو: پیمان یزدانی

جهان عرب و به ویژه در حوزه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس دور شده است مجدداً نقش خود را احیا کند. البته من در خصوص موثر و کار آمد بودن این نیرو در درازمدت تردید دارم ولی در کوتاه مدت این نیرو موجب پوشش اختلافات کشورهای عربی خواهد شد و موجب وحدت آنها.

مصر وارد بحران یمن شده است. از سوی دیگر این کشور همواره امنیت منطقه خلیج فارس را امنیت خود قلمداد کرده و همواره در قالبهای مختلف از جمله بیانیه دمشق سعی کرده نظم امنیتی خلیج فارس را شکل دهد. در مورد یمن چه نظامی مورد توجه مصر است و نقش آفرینی مصر در این نظم چگونه خواهد بود؟

مداخلات مصر در یمن سابقه ای طولانی دارد و در زمان نظام عبدالناصر در مصر بود

نظامی علیه سوریه نیاز به توان نظامی زیادتر و توان لجستیکی قوی تری داشت اما یمن یک همسایه ضعیف بود. بنا بر این توسل به گروه های تروریستی در قبال سوریه برای عربستان کم هزینه تر و راحت تر بوده است. البته این نکته را باید در ذهن داشته باشیم تروریست هایی که در سوریه توسط سعودی ها حمایت شدند امروز علیه سعودی ها شده اند.

اتحادیه عرب تشکیل نیروی مشترک عربی را مورد بررسی قرار داد که مورد استقبال مصر و عربستان بود. این نیرو آیا بازوی نظامی سیاست خارجی عربستان و مصر خواهد بود؟

ایجاد یک چنین نیرویی این امکان را به عربستان سعودی خواهد داد تا با در هم تنیدن اهداف خود با اهداف دیگر کشورهای عربی سیاست خارجی خود را «عربی» کند. همچنین ایجاد این نیرو باعث خواهد شد تا مصر که سال ها است از نقش خود در

حملات گسترده هوایی عربستان سعودی و کشورهای متحد آن به یمن و سکوت سازمان های بین المللی در این خصوص و حمایت آمریکا و کشورهای غربی از این اقدام سعودی ها در تضاد آشکار با موازین بین المللی است. هدف از حمله به یمن تحمیل نظم مورد نظر عربستان و حامیان غربی آن است.

موضوعی که سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان در سخنرانی اخیر خود به آن اشاره کرده است. نصرالله همچنین تأکید کرده است که عربستان ده ها سال است که بر یمن سیطره دارد و در هر موضوعی دخالت می کند، پس رفاه و ثبات در یمن کجاست؟ پیوستن یمن به شورای همکاری خلیج فارس را رد کردید و با مردم این کشور با استکبار و خواری برخورد کردید، آیا شما ۶ جنگ علیه انصارالله یا به قول شما، حوثی های محاصره شده در صنعاء به راه نینداختید؟ و پس از آن از آن ها خواستید تا نزد شما بیایند و با شما به گفتگو و بنشینند، شما در یمن جز حمایت از جماعت تکفیری و تغییر مذاهب چه کار دیگری انجام دادید؟

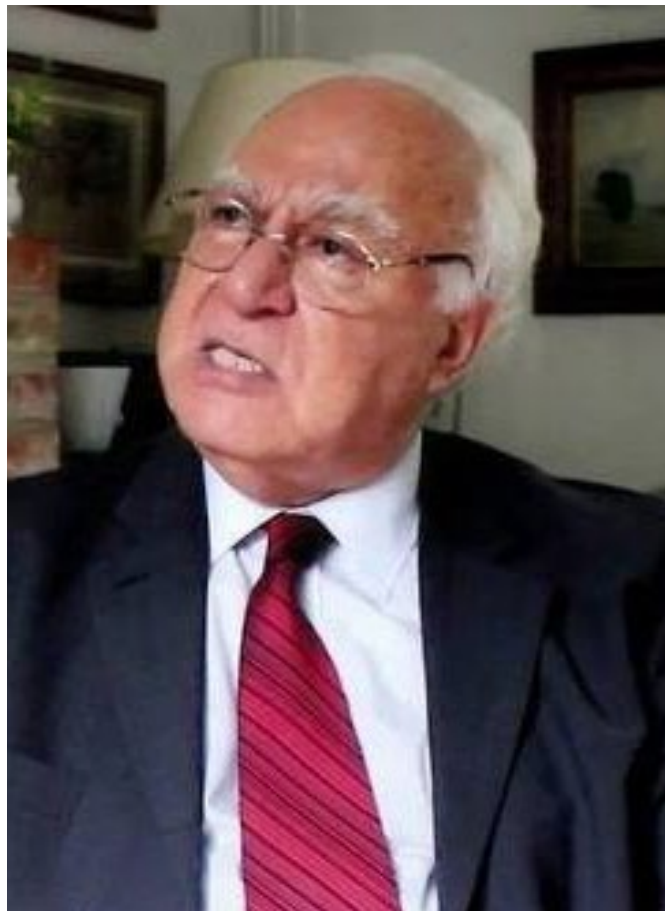
در این خصوص گفتگویی با پروفسور «نادر انتصار» استاد و رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلابامای جنوبی آمریکا انجام شده است که مشروح آن در زیر آمده است:

عربستان به یمن حمله هوایی کرد. دلایل این امر چه بود و به چه پشتوانه ای این اقدام و تجاوز را برای خود مشروع دانست؟

بنا بر اطلاعات موجود که علنی شده تصمیم عربستان برای حمله به یمن بعد از آن اتخاذ شده است که حوثی ها در عدن پیشروی کردند و این تصمیم سعودی ها به آمریکا اعلام شده است. با وجود اینکه مقامات آمریکایی اظهارات ضد و نقیضی در این خصوص دارند اما گفته می شود دولت اوپاما با حمله عربستان به یمن موافقت کرده است. نیازی نیست که گفته شود چنین اقدامی در تضاد آشکار با حقوق و مقررات بین الملل است. سکوت سازمان ملل در این خصوص نیز بیانگر ریاکاری و استانداردهای دوگانه در این خصوص است که این روزها تبدیل به رویه این سازمان شده است.

چرا عربستان در خصوص یمن دست به حمله هوایی زد و برای نمونه در خصوص سوریه مستقیماً وارد عمل نشد و از طریق گروه های تروریستی اهداف خود را پیش برد؟

یمن سال های طولانی حیطا خلوت عربستان سعودی بوده است در حالیکه سوریه یک بازیگر مستقل و بدون وابستگی به عربستان بوده است، علاوه بر این اقدام



گفتگو: پیمان یزدانی

بازی عربستان با آتش

تحولات یمن تهدیدی جدی برای کل منطقه است

پروفسور «فرهنگ جهان پور» استاد دانشگاه آکسفورد گفت تحولات یمن می تواند تبدیل به فاجعه ای برای منطقه شود که تبعات آن دامن خود عربستان را هم خواهد گرفت.

مردم یمن را از بین بردند مسئول شناخته نشده اند.

حوثی ها در آگوست ۲۰۱۴ وارد صنعاء شدند و بعد هادی منصور را بازداشت خانگی کردند. بعد از اینکه وی به عدن گریخت حوثی ها به جنوب حمله کردند و فرودگاه عدن را به تصرف خود درآوردند. سپس منصور هادی به عربستان گریخت و از آنجا برای شرکت در نشست سران اتحادیه عرب در ۲۸ مارس ۲۰۱۵ به شرم الشيخ مصر رفت. در پی فرار منصور هادی از عدن، عربستان سعودی با حمایت شورای همکاری خلیج فارس، اردن و مصر با هدف برگرداندن منصور هادی به قدرت در یمن به صنعا حمله کرد.

|| چرا عربستان در یمن مداخله مستقیم نظامی کرد ولی در سوریه چنین کاری را نکرد و سعی کرد با تونسل به گروه های تروریستی اهداف خود را در سوریه دنبال کند؟
دلیل اینکه عربستان سعودی و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس برای مقابله با حوثی ها به تروریست ها متوسل نشدند این است که حوثی ها ۳۵ تا ۴۰ درصد جمعیت یمن را تشکیل می دهند و این کار امکان پذیر نبود لذا اقدام نظامی مستقیم کردند. وضعیت یمن بسیار پیچیده است. به غیر از حوثی ها برخی گروه های دیگر هم در جنوب این کشور فعال هستند که خواهان جدایی هستند، همچنین حدود ۲ تا ۳ هزار عضو القاعده در جنوب و

در ژانویه ۲۰۱۱ به یمن هم رسید و این انقلاب هزاران تلفات بر جای گذاشت و نهایتا موجب شد تا علی عبدالله صالح رئیس جمهور یمن به عربستان فرار کند و معاون او عبدربه منصور هادی جای او را بگیرد. منصور هادی در سال ۲۰۱۲ در انتخاباتی که فقط یک کاندیدا داشت شرکت کرد و به مدت ۲ سال رئیس جمهور یمن شد و دوره ریاست جمهوری وی یکسال قبل به پایان رسید. بنا بر این وی در حال حاضر رئیس جمهور یمن محسوب نمی شود در همین زمان عبدالله صالح با گرفتن مصونیت از پارلمان این کشور به یمن برگشت.

منصور هادی وعده یک قانون اساسی جدید و یک دولت فدرال را داده بود. کنفرانس گفتگوهای ملی شکل گرفت و در ۲۱ ژانویه ۲۰۱۴ به پایان رسید. حوثی ها رئیس جمهور منصور هادی را به اجرایی نکردن نکات توافق شده در گفتگوهای ملی متهم کردند. شبیه جنبش جوانان که در انقلاب شرکت داشتند حوثی ها معتقد هستند که مشروعیت خود را از خواسته های انقلابی مردم کسب کرده اند. آنها بر این باورند که در سیستم قضایی هیچ تغییرات و انتقالاتی صورت نگرفته است و هیچ یک از سیاستمداران و نظامیانی که متهم به نقض حقوق بشر در جریان انقلاب بودند محاکمه نشده اند. همچنین هیچ یک از افرادی که سرمایه ها و ثروت خصوصی و عمومی

بسیار پیچیده است. مداخلات عربستان و مصر در یمن تاریخی طولانی دارد. مصری ها مسئولیت کنترل یمن در برابر رویاهای سعودی ها را از سوی امپراطوری عثمانی عهده دار بودند. یمن شمالی در سال ۱۹۱۸ از امپراطوری عثمانی استقلال یافت اما انگلیسی ها در قرن ۱۹ در عدن یک کشور تحت الحمایه خود را به وجود آوردند. انگلیسی ها در سال ۱۹۶۷ از منطقه ای که بعدا یمن جنوبی نامیده شد خارج شدند. در دهه ۱۹۶۰ یمن صحنه جنگ نیابتی سعودی ها و جمال عبدالناصر رئیس جمهوری مصر بود. جمال عبدالناصر همزمان با اینکه به تبلیغ ناسیونالیسم عربی می پرداخت در سال ۱۹۶۷ یک توافق نامه با دولت یمن جنوبی که گرایش های کمونیستی داشت امضاء کرد. این امر موجب شد تا عربستان به حمایت از حوثی ها که با یمن جنوبی می جنگیدند روی آورد و نهایتا نیروهای مصر با بر جا گذاشتن هزاران تلفات در سال ۱۹۶۷ از یمن عقب نشینی کردند که در همان سال شکست مصر در جنگ با اسرائیل هم موجب تمسخر ارتش مصر شد.

در سال ۱۹۹۰ یمن شمالی و جنوبی بطور رسمی با هم متحد شدند و جمهوری یمن را تشکیل دادند. درگیری بین نیروهای دولتی یمن و حوثی ها که شیعه زیدیه هستند در سال ۲۰۰۴ آغاز شد و در سال ۲۰۱۰ بین آنها آتش بس برقرار شد. بهار عربی که در تونس و مصر آغاز شد

تجاوز و حملات گسترده هوایی عربستان سعودی و کشورهای متحد آن به یمن و سکوت سازمان های بین المللی در این خصوص و حمایت آمریکا و کشورهای غربی از این اقدام سعودی ها در تضاد آشکار با موازین بین المللی است. هدف از حمله به یمن تحمیل نظم مورد نظر عربستان و حامیان غربی آن است.

در همین راستا گفتگویی با پروفسور «فرهنگ جهان پور» انجام شده که مشروح آن در ادامه آمده است. جهان پور استاد پیشین دانشگاه و رئیس دانشکده زبان های دانشکده اصفهان که در حال حاضر به تدریس در دانشگاه های کمبریج و آکسفورد مشغول بوده و استاد دوره های آنلاین دانشگاه های آکسفورد، ییل و استنفورد است. وی بورس یک ساله فرصت مطالعاتی در دانشگاه هاروارد را داشته و طی ۲۸ سال گذشته به تدریس در رشته سیاست های خاورمیانه در بخش تحصیلات تکمیلی دانشگاه آکسفورد مشغول بوده است.

|| عربستان به یمن حمله هوایی کرد. دلایل این امر چه بود و به چه پشتوانه ای این اقدام و تجاوز را برای خود مشروع دانست؟

برای فهم بهتر اهمیت تحولات یمن لازم است نگاهی به تاریخ اخیر این کشور که یکی از کهن ترین کشورهای خاورمیانه است ضروری است. تاریخ روابط این کشور با همسایگان عربش طولانی و

قومیتی بین شیعه و سنی کردند. این بازی بسیار خطرناک است که می‌تواند کل منطقه را تحت الشعاع قرار دهد و هرج و مرج و جنگ‌های منطقه‌ای طولانی مدت به وجود آورد از جمله خود عربستان را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

با شروع بهار عربی و نزدیک شدن قیام‌های مردمی به کشورهای حاشیه خلیج فارس حاکمان سعودی با هدف از بین بردن خواسته‌های عمومی برای آزادی‌های اجتماعی بیشتر و دموکراسی سعی کردند این انقلاب‌ها را درگیری‌های قومیتی جلوه دهند. این کاری است که آنها در بحرین و داخل عربستان انجام دادند و الان در یمن می‌کنند.

به هر حال اگر درگیرها و تنش‌های قومیتی در منطقه تشدید شود شرایطی در منطقه ایجاد خواهد شد که برای کشورهای منطقه قابل پیش‌بینی نخواهند بود. ظهور گروه‌های تروریستی مثل القاعده، طالبان، النصره و داعش بیانگر این است که تروریسم مرز نمی‌شناسد و می‌تواند به تمامی کشورهای منطقه از فارس هم که از حمایت‌های مردمی کمی برخوردار هستند تسری پیدا کند.

برای جلوگیری از یک فاجعه در منطقه رهبران تمامی کشورهای منطقه باید به سمت گفتگو و آشتی گام بردارند و از شعله‌ور کردن درگیری‌ها و اختلافات خودداری کنند.

مصر بزرگترین کشور عربی از نظر جمعیت است و این در حالی است که ثروت عظیم ناشی از نفت کشورهای کوچک حاشیه خلیج فارس را بسیار ثروتمند کرده است به همین دلیل مصر تمایل دارد از کمک‌های مالی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بهره‌مند شود و این کشورها هم برای ایجاد توازن قوا در برابر همسایه‌های بزرگ خود مثل ایران، عراق و ترکیه به مصر نیاز دارند.

|| ارزیابی شما از تحولات یمن چیست و به نظر شما این تحولات چه اثری در خاورمیانه به ویژه در منطقه خلیج فارس خواهند داشت؟ ||

به نظر من اوضاع در یمن برای تمامی همسایگان بسیار خطرناک است و سعودی‌ها در حال بازی با آتش هستند. سعودی‌ها سالیان دراز سعی کرده‌اند در مسایل منطقه ورود مستقیم نداشته باشند و اهداف خود را با حمایت‌های مالی پیگیری کنند ولی پادشاه جدید عربستان که پسرش هم وزیر دفاع است برای اولین بار ورود پرخطر مستقیمی در یمن داشته است که می‌تواند ضربه مهلک جدی را متوجه خاندان سعودی کند. مهم نیست که نتیجه این درگیری چه باشد ولی قطعاً به نفع عربستان سعودی نخواهد بود. متأسفانه سعودی‌ها تحولات خاورمیانه را تبدیل به نزاع‌های

همگرایی اعضاء بود که بعد از تجاوز سال ۱۹۹۰ عراق به کویت این شورا غیرفعال شد. اتحادیه عرب هم مدت‌های طولانی با ایده تشکیل ارتش واحد عربی پرداخته بود اما اختلافات بین کشورهای عربی مانع از محقق شدن این ایده شده بود. بعد از کودتای نظامی در مصر و روی کار آمدن ژنرال عبدالفتاح السیسی مصر بطور گسترده‌ای به کمک‌های مالی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس وابسته شد که تا الان ۱۴ میلیارد دلار بوده است.

نتیجه این شد که عربستان در تاکتیکی جدید با همگرا کردن مصر و شورای همکاری خلیج فارس اقدام به بهره‌برداری از توان نظامی و جمعیتی مصر در منطقه در راستای دستیابی به اهداف خود کرده است. برای مواجهه با مشکلات داخلی در عربستان و مصر ماجراجویی خارجی بهترین راه برای منحرف کردن افکار عمومی است.

|| مصر وارد بحران یمن شده است. از سوی دیگر این کشور همواره امنیت منطقه خلیج فارس را امنیت خود قلمداد کرده و همواره در قالب‌های مختلف از جمله بیانیه دمشق سعی کرده نظم امنیتی خلیج فارس را شکل دهد. در مورد یمن چه نظمی مورد توجه مصر است و نقش آفرینی مصر در این نظم چگونه خواهد بود؟ ||

شرق این کشور فعالاند. بسیاری از اعضای ارتش یمن هم که در انقلاب سال ۲۰۱۱ شرکت داشتند وفاداری خود را به حوثی‌ها تغییر داده‌اند. همچنین حوثی‌ها از حمایت طرفداران رئیس‌جمهور سابق یمن علی عبدالله صالح نیز برخوردار هستند. این دلایل موجب شد تا عربستان، شورای همکاری خلیج فارس و مصر به این نتیجه برسند که بر گه‌های محلی زیادی برای بازی کردن ندارند.

|| اتحادیه عرب تشکیل نیروی مشترک عربی را مورد بررسی قرار داد که مورد استقبال مصر و عربستان بود. این نیرو آیا بازوی نظامی سیاست خارجی عربستان و مصر خواهد بود؟ ||

ایده تشکیل نیروهای مسلح متحد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی سال گذشته توسط سعودی‌ها ارائه شد که این امر با مخالفت بسیاری از این کشورها مواجه شد زیرا این کشورها معتقد بودند این امر موجب سلطه عربستان بر آنها خواهد شد چون عربستان بسیار بزرگتر از آنها است.

در سال ۱۹۸۹ در پاسخ به تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، یمن شمالی، با پیوستن به عراق، اردن و مصر شورای همکاری عرب را تشکیل دادند که هدف از آن گسترش همکاری‌های اقتصادی و

دلایل تجاوز عربستان به یمن

حرف‌های اردوغان علیه ایران مضحک است

گفتگو: امید شمیزی

کارشناس مسائل خاورمیانه و سردبیر سایت خاور نزدیک ترکیه معتقد است اظهارات ضد ایرانی اردوغان برای خوشایند عربستان و آمریکا و خوش خدمتی به آن برای منافع خود است.



ای آنها برای مهندسی انقلاب مردم یمن بود که با روی کار آوردن عبدربه منصور هادی معاون عبدالله صالح تا حدودی توانستند موفقیتی‌هایی نیز در این خصوص به دست آورند.

نکته‌ای که در جریان کنارکشیدن عبدالله صالح حائز اهمیت بود، دخالت غرب و همکاران منطقه

و دریافتن این نکته که در مقابل جنبش مردمی به وجود آمده نه عربستان سعودی و نه هیچ قدرت خارجی یارای کمک به وی را ندارد، مجبور به استعفا شد.

مردم یمن پس از به راه افتادن موج بیداری اسلامی و بهار عربی و با الهام گرفتن از مردم دیگر کشورهای عربی همچون، تونس، لیبی و مصر که به سقوط دیکتاتورهای همچون بن علی، قذافی و مبارک انجامید، دست به قیام علیه علی عبدالله صالح زدند. عبدالله صالح که در ابتدا بر کمک و مساعدت سعودی‌ها و دیگر شیخ‌نشین‌های حوزه خلیج فارس حساب ویژه‌ای باز کرده بود، پس از چندی

|| چرا برخی از کشورهای منطقه و رهبران حاکم بر این کشورها در صدد القای این موضوع هستند و به شکلی کامل یک حرکت مذهبی جلوه دهند؟ و نیز موضع گیری دولت ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه را در رابطه با حملات عربستان به یمن می پرسیم.

سعد حریری در لبنان، عبدالفتاح السیسی در مصر و رجب طیب اردوغان در ترکیه همگی از یک مجرا سخن می گویند و آن مجرا نیز زبان سعودی هاست. اردوغان که تا حالا نتوانسته است کلمه ای و حرفی بر علیه معمار و طراح کودتای مصر که سعودی ها بوده اند، بگوید ولی حالا به همراه سیسی که وی را کودتاگر نیز می نامد، دو نفری تبدیل به سرباز داوطلب سعودی ها برای تهاجم به یمن شده اند!

یعنی اردوغان با هدف قرار دادن ایران در رابطه با یمن، فقط در پی تطمیع سعودی ها نیست، بلکه تماس تلفنی رئیس جمهور آمریکا یعنی باراک اوباما درست نیم ساعت بعد از سخنرانی ضد ایرانی اردوغان با وی، به نظر بنده تصادفی نیست و بلکه بیانگر یک حقیقت دیگر است. اردوغان در فکر این است که پس از انتخابات عمومی ژوئن سیستم ریاستی را در ترکیه به وجود بیاورد و با هدف قرار دادن ایران و دست تکان دادن برای آمریکا، می خواهد تا حمایت واشنگتن را برای ایجاد سیستم ریاستی جلب نماید.

در حالی که وزیر امور خارجه حکومت منصوهرادی ادعا می کند که ایران تازه دیروز (جمعه) به یمن نیرو اعزام کرده است، اردوغان دو روز قبل ادعا می کند که ایران باید نیروهای خود را از یمن بیرون بکشد! این اظهارات و ادعاها به نظر بنده اینقدر از سر درماندگی و بیچاره گی هستند که حتی نمی توان به آنها خندید.

اردوغان از سال ۲۰۱۰ به این سو دائما شعار در کنار مظلوم بودن، بر علیه رژیم ها و در کنار مردم بودن و همچنین شعارهای ضد امریکایی و اسرائیلی داده است. اما کسانی که اکنون نتایج سیاستهای منطقه ای اردوغان را می بینند به این شعارها فقط می خندند. اردوغان که حمایت از گروه های مسلح در عراق و سوریه را با شعار بر علیه رژیم ها و در کنار مردم بودن توجیه می کرد، اکنون اعلام می کند که از بیماران مردم یمن توسط سعودی ها حمایت می کند. آیا این تکیذ دروغ خودش توسط دروغی دیگر نیست؟

این بار نیز سعودی ها راجت ننشستند و قیلا که با مجبور کردن هادی به استعفاء شرایط یمن را به هم ریخته بودند، این بار هم با مجبور کردن وی به باز پس گرفتن استعفاء، باز هم اوضاع سیاسی این کشور را متشنج تر ساختند. مردم انقلابی یمن هم در پاسخ به این مسئله و نیز در پاسخ به حملات

در رابطه با تحولات

اخیر یمن و حمله

هوایی عربستان

سعودی با همراهی

برخی کشورهای

دیگر منطقه که با

چراغ سبز آمریکا

صورت گرفته است

و همچنین موضع

گیری دولت ترکیه

در این خصوص،

مصاحبه ای با

«آلپتکین دورسون

اوغلو» کارشناس

مسائل خاورمیانه

و سردبیر سایت

خاور نزدیک ترکیه

انجام شده است که

مشروح آن در زیر

آمده است. «جنگ

جهانی چهارم و

خاورمیانه»، «جنگ

نیابتی سوریه و نتیجه

صفر در سوریه» از

جمله آثار دورسون

اوغلو به شمار می

رود.

تروریستی دو هفته پیش به دو مسجد در صنعا تا عدن پیشروی کردند. منصور هادی هم با درخواست مداخله نظامی از سعودی ها، از عدن گریخت.

و در آخر اینکه، عربستان سعودی قصد دارد تا سلسله شکست های خود در میدان سیاسی یمن را با مجازات مردم یمن با حملات نظامی تلافی نماید و به نوعی از آنها انتقام بگیرد. اما سعودی ها این نکته را باید بدانند که این روش که اسرائیل نیز پیش از این در جنوب لبنان تجربه کرده است، بی نتیجه خواهد بود.

ای بود که تمامی گروه های سیاسی یمن آن را امضاء کرده بودند. اما منصوهرادی که وابستگی شدیدی به عربستان سعودی داشت، سعی کرد تا با عدم اجرای این توافقنامه، به عملکرد رژیم سابق یمن ادامه دهد. اما در نقطه مقابل، دیگر گروه های سیاسی یمنی و در راس آنها جنبش انصارالله نیز اعلام نمودند که با تداوم سیاست های رژیم گذشته این کشور و تجزیه یمن به ۶ ناحیه مخالف هستند. در ماه آگوست سال ۲۰۱۴ میلادی نیز برای تشکیل دولت وفای ملی دست به تظاهرات و اعتراض زدند. ژنرال علی محسن الحمر که از مهره های رژیم سابق یمن بود، با به کارگیری زور سعی کرد تا تظاهرات و اعتراضات مردمی را سرکوب نماید، اما در نهایت با شکست در مقابل معترضین مجبور شد تا از یمن متواری شود و در نهایت نیز ما شاهد بودیم که جنبش انصارالله در ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۴ پایتخت یمن یعنی صنعا را به کنترل خود درآورد. اما متأسفانه نقشه های منصوهرادی و سعودی ها تمامی نداشت. در ماه ژانویه نیز طرح گارد ریاست جمهوری که می خواست با تجهیز قبایل، از آنها بر علیه جنبش انصارالله استفاده نماید، به شکست انجامید و این بار نیروهای انصارالله در واکنش به این طرح کاخ ریاست جمهوری را به کنترل خود درآوردند. پس از این مرحله جنبش انصارالله باز هم بر انجام مذاکرات و اجرای توافقنامه صلح و مشارکت تأکید داشت، اما منصوهرادی به جای تلاش برای حل مشکل، با استغفای خود عملاً باعث به وجود آمدن مشکل بزرگتری گشت.

|| استغفای منصوهرادی برای به وجود آوردن خلاء قدرت به نظر می رسد زمینه حملات هوایی عربستان را تسهیل کرد؟

در حالی که انصارالله بر بازپس گیری استغفای منصوهرادی تأکید می کرد، اما مسئله این بود که تصمیم اصلی را برای استعفاء نه منصوهرادی، بلکه سعودی ها گرفته بودند، چرا که بدین ترتیب می خواستند با نشان دادن جنبش انصارالله به عنوان یک کودتاگر هم در سطح داخلی و هم بین المللی نگاه ها را به انقلاب مردم یمن بدین نمایند. اما سعودی ها در این طرح خود هم با شکست مواجه شدند، چرا که جنبش انصارالله برای پر کردن خلاء مدیریت در کشور دست به ایجاد شورای ریاستی زد و از دیگر گروه های سیاسی کشور نیز خواست تا به این شورا ملحق شوند. در تاریخ ۶ فوریه در حالی که توافق گروه های سیاسی یمنی برای رسیدن به یک توافق جامع قریب الوقوع به نظر می رسید این بار نیز منصوهرادی کار خود را کرد و با ترک صنعا و رفتن به عدن اعلام کرد که استغفای خود را پس گرفته است.

مردم یمن و در راس آنها حوثی های این کشور که خواستار روی کار آمدن حکومتی کاملاً مردمی بودند که خواسته های آنها را تأمین کند، در ابتدا با تظاهرات مسالمت آمیز خواستار حرکت منصور هادی در راستای انقلاب مردمی یمن شدند اما با گذشت زمان و نمایان شدن این نکته که منصور هادی نه در جهت منافع ملی یمن بلکه در جهت تأمین منافع حامیان غربی و عربی خود حرکت می کند طی مدت کوتاهی منصور هادی را ولدار به عقب نشینی کردند.

اما از سوی دیگر رژیم سعودی که با ادامه یافتن انقلاب مردمی یمن، منافع خود را در خطر می دید، دست به مداخله نظامی و بمباران مردم یمن زد که تا به حال به شهادت تعداد زیادی از مردم این کشور منجر شده است. در این میان حمایت و پشتیبانی کشورهایی همچون آمریکا، فرانسه، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و ترکیه از حملات هوایی عربستان سعودی به یمن که نقض آشکار قوانین و حقوق بین الملل است، در نوع خود جالب توجه است!

در رابطه با تحولات اخیر یمن و حمله هوایی عربستان سعودی با همراهی برخی کشورهای دیگر منطقه که با چراغ سبز آمریکا صورت گرفته است و همچنین موضع گیری دولت ترکیه در این خصوص، مصاحبه ای با «آلپتکین دورسون اوغلو» کارشناس مسائل خاورمیانه و سردبیر سایت خاور نزدیک ترکیه انجام شده است که مشروح آن در زیر آمده است. «جنگ جهانی چهارم و خاورمیانه»، «جنگ نیابتی سوریه و نتیجه صفر در سوریه» از جمله آثار دورسون اوغلو به شمار می رود.

|| آقای دورسون اوغلو، چرا عربستان سعودی در قبال جنبش مردم یمن که بدون در نظر گرفتن دین و مذهب خود علیه حکومت وابسته این کشور که با حمایت آمریکا و سعودی ها در چندین دهه گذشته ظلم و ستم فراوانی را به مردم یمن وارد نموده بود، ساکت بماند و دست به حمله نظامی به یمن زد؟ آیا جنبش انصارالله بنابر ادعاهای عربستان و متحدانش واقعا یک کودتا بود؟ و یا یک جنبش و انقلاب؟

ناتوانی سعودی ها برای مقابله با جنبش انصارالله در میدان مبارزه سیاسی، اصلی ترین دلیل روی آوردن عربستان به حمله نظامی علیه یمن بوده است. جنبش انصارالله هیچگاه ادعای قبضه حاکمیت در یمن را نداشته و پیوسته خواستار اجرای کامل توافقنامه صلح و مشارکت ملی بوده است. از سوی دیگر این جنبش همیشه بر مشارکت تمامی بازیگران سیاسی یمن در ساختار حکومت تأکید داشته است.

توافقنامه صلح و مشارکت ملی، موافقتنامه

گفتگو: مریم خرمانی

اهداف تشکیل ارتش مشترک عربی

هراس سعودیها از حکومت مستقل در یمن

پروفسور شیرین طهماسب هانتر استاد دانشگاه جورج تاون آمریکا معتقد است سعودی ها نسبت به ظهور هر دولتی در یمن که تحت کنترل آنها نباشد بدگمان هستند به ویژه اگر قرار باشد شیعیان نیز در آن نقشی ایفا کنند.

توسعه طلب بوده و با قرار دادن خود در جایگاه رهبری اعراب جهان خواهان کنترل خلیج فارس و دریای سرخ است. لازم به ذکر است که این بخش از سیاست عربستان سعودی به سالهای دهه ۱۹۷۰ باز می گردد.

تجاوز و حملات گسترده هوایی عربستان سعودی و کشورهای متحد آن به یمن و سکوت سازمان های بین المللی در این خصوص و حمایت آمریکا و کشورهای غربی از این اقدام سعودی ها در تضاد آشکار با موازین بین المللی است. هدف از حمله به یمن تحمیل نظم مورد نظر عربستان و حامیان غربی آن است.

در گفتگو با پروفسور شیرین طهماسب هانتر استاد دانشگاه جورج تاون آمریکا به بحث در خصوص این موضوعات نشستیم که در ادامه می آید.

|| عربستان به یمن حمله هوایی کرد. دلایل این امر چه بود و به چه پشتوانه ای این اقدام و تجاوز را برای خود مشروع دانست؟

ترکیبی از ترس، عصبانیت و جاه طلبی در پشت پرده حمله عربستان سعودی به یمن نهفته است. سعودی ها نسبت به ظهور هر دولتی در یمن که تحت کنترل آنها نباشد بدگمان هستند به ویژه اگر قرار باشد شیعیان نیز در آن نقشی ایفا کنند. ترس آنها از این است که مبادا دست یافتن شیعیان یمن به چنین توفیقی منجر به آن شود که جمعیت شیعه عربستان نیز سهم سیاسی بیشتری را مطالبه کنند. علاوه بر این، سعودی ها همواره نسبت به ایران و نقش آن در منطقه بدگمان بوده اند و این مطلب حتی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی هم صدق می کرد. اما، در آن زمان به دلیل تهدید ناشی از اتحاد جماهیر شوروی سابق و اعراب رادیکال، سعودی ها چاره ای جز تحمل ایران نداشتند حال آنکه سعی می کردند تا به طور همزمان از نفوذ این کشور در منطقه خلیج فارس و حتی کشورهایی چون پاکستان و افغانستان بکاهند.

در حال حاضر، سعودی ها فکر می کنند که پررنگ تر شدن نقش شیعیان در دولت یمن به افزایش نفوذ ایران در این کشور دامن می زند. علاوه بر این سعودی ها از توفیق ایران در عراق به ویژه در امر مهار داعش عصبانی هستند. به این ترتیب قصد عربستان از حمله به یمن این است که به ایرانیان بفهماند حضور آنها را در یمن بر نمی تابد. در نهایت، دولت پادشاهی عربستان همواره

|| اتحادیه عرب تشکیل نیروی مشترک عربی را مورد بررسی قرار داد که مورد استقبال مصر و عربستان بود. این نیرو آیا بازی نظامی سیاست خارجی عربستان و مصر خواهد بود؟

ایده تشکیل ارتشی متشکل از همه کشورهای عرب در صورتیکه جامه عمل به خود ببوشاند- به عنوان یکی از ابزارهای سیاسی عربستان سعودی تلقی می شود چرا که این سعودی ها هستند که باید هزینه آن را بپردازند در این میان، ضعف دولت قاهره نیز یک نقش جانبی را ایفا می کند. مصر بخش اعظم نیروی انسانی این ارتش را تأمین خواهد کرد. مصر در حال حاضر از قدرت سیاسی واقعی در سطح منطقه برخوردار نیست. صحبت های مصر درباره خلیج فارس علاوه بر اینکه منعکس کننده احساسات به شدت ضد ایرانی بسیاری از اعراب و عقاید دوره اینتولوزی ناصری (منسوب به جمال عبدالناصر) است، حاکی از هدف این کشور به جلب حمایت مالی عربستان سعودی و



|| ارزیابی شما از تحولات یمن چیست و به نظر شما این تحولات چه اثری در خاورمیانه به ویژه در منطقه خلیج فارس خواهند داشت؟

خیلی دشوار است که اوضاع یمن را پیش بینی کنیم. چنانچه جامعه بین الملل با هدف ایجاد دولتی که شیعیان را نیز در خود سهیم کند قدمی برای آشتی بر ندارد و تلاشی برای توقف حملات هوایی سعودی ها و دیگر کشورهای عرب از خود نشان ندهد، خطر وقوع یک جنگ داخلی طولانی مدت در یمن که احتمالاً دامنه آن به دیگر کشورهای منطقه نیز می رسد قابل ملاحظه خواهد بود. اگر سعودی ها موفق شوند عبدالربه منصور هادی را مجدداً به قدرت بازگردانند، جسارت آن را خواهند یافت که در امور داخلی دیگر کشورها نیز دخالت کنند.

بسیاری از کشورهای عرب منطقه نیز هست. مصر دیگر یک بازیگر مستقل در صحنه حوادث منطقه خاورمیانه نیست.

سوریه در مقایسه با یمن از ارزش امنیتی مشابهی برای عربستان سعودی برخوردار نیست. به همین دلیل است که سعودی ها مداخله نظامی مستقیم در سوریه را ضروری نمی بینند |

|| چرا عربستان در یمن مداخله مستقیم نظامی کرد ولی در سوریه چنین کاری را نکرد و سعی کرد با توسل به گروه های تروریستی اهداف خود را در سوریه دنبال کند؟

سوریه در مقایسه با یمن از ارزش امنیتی مشابهی برای عربستان سعودی برخوردار نیست. به همین دلیل است که سعودی ها مداخله نظامی مستقیم در سوریه را ضروری نمی بینند. علاوه بر این ممکن است سعودی ها در موضع گیری خود در قبال سوریه با مخالفت هایی از جانب چین و روسیه مواجه شده باشند. در نهایت، سوریه به مراتب از یمن دورتر است و مشکلات لجستیکی جدی را بر عربستان سعودی تحمیل می کند.

گفتگو با فعال سیاسی ترک:

هیچ بمبی توانایی غلبه بر نیروی مردم یمن را ندارد



سر راه توسعه کشورها امپریالیسم است. منطقه خاورمیانه دارای نمونه های بسیار خوبی برای این موضوع می باشد بنده معتقد هستم که انقلاب مردمی یمن با وجود تمامی موانع، همچنان به راه خود ادامه خواهد داد و پیروز خواهد شد چرا که هیچ بمبی توانایی غلبه بر نیروی مردم را ندارد ملتی که به کاری که انجام می دهد ایمان دارد دارای قدرتی بسیار بیشتر از هر بمبی است و این بمب ها نخواهد توانست تا رژیم های وابسته را از خطر سقوط نجات دهد

|| آیا جنبشی که در یمن به وجود آمده است مانند آنچه غرب و متحدین منطقه ای آن ادعا می کنند صرفاً یک حرکت قومی و مذهبی است؟ یعنی چرا آمریکا، عربستان سعودی و سران حزب عدالت و توسعه ترکیه سعی دارند تا جنبش مردم یمن را صرفاً یک حرکت مذهبی معرفی نمایند؟

آمریکا و متحدین منطقه ای آن بسیاری مواقع نسبت به رژیم و نظام هایی که در راستای منافع قدرتهای امپریالیستی حرکت نمی کنند از حربه مذهب و نشان دادن این نظام ها به شکل رژیم هایی صرفاً مذهبی اقدام نموده اند اما در اصل کسی که قصد دارد تا با دامن زدن به اختلافات مذهبی آتش نفاق و دشمنی را در منطقه شعله ور کند خود آمریکا و متحدین منطقه ای آن هست. بهترین نمونه این موضوع را هم در عراق و سوریه شاهد هستیم

یعنی اینها به دنبال این هستند تا در یمن نیز سناریوی سوریه و عراق را تکرار کنند یعنی می خواهند تا نظام و حرکتی را که به در دشان نمی خورد را صرفاً به عنوان حرکتی مذهبی معرفی کنند. اما اگر انقلابی که در یمن در جریان است در راستای منافع غرب

سرمقاله نویس روزنامه آیدینلیک و فعال سیاسی ترک، دلیل اصلی مداخله نظامی عربستان سعودی در یمن، که با حمایت های آمریکا و دیگر کشورهای غربی صورت پذیرفته، جلوگیری از پیوستن یمن به جبهه مقاومت دانست.

انقلابی مردم یمن بلکه مداخله نظامی عربستان سعودی است.

اگر حکومتی که بعد از انقلاب مردمی انصارالله بر روی کار می آمد، قرار بود که حکومتی طرفدار آمریکا باشد، آنموقع آمریکایی ها بدون لحظه ای تردید و با شور و شوق خاصی بر عکس آنچه یزی که اکنون در جریان است، به طرفداری از این جنبش می پرداختند و تحت عنوان دموکراسی و غیره تبلیغات عظیمی را به راه می انداختند. اما بر علیه نظام و جنبش هایی که به کارشان نمی آید چنین وحشیانه وارد عمل می شوند و مداخله نظامی می کنند. یعنی متأسفانه وضعیت کنونی نظام جهانی این چنین است.

|| اگر آنچنان که غربی ها و عربستان ادعا می کنند، این حوادث، وقایع داخلی یمن است، پس چرا اجازه نمی دهند تا خود مردم یمن همه کاره باشند؟

مردم یمن به خوبی می توانند بد و خوب را برای خود و کشورشان تشخیص دهند و همچنین دارای رهبران مردمی فهمیده و توانایی نیز هستند. اگر انقلاب مردمی یمن به طور کامل پیروز شود، من مطمئن هستم که این کشور قدم بزرگی را در راه توسعه بر خواهد داشت. یمن تا زمانیکه نتواند به تمام معنا مستقل شود، قادر به توسعه نیز نخواهد بود چرا که مهمترین مانع بر

کشورهای حوزه خلیج فارس بر علیه یمن، حمایت برخی کشورهای دیگر همچون فرانسه، انگلستان، ترکیه و مصر از این تهاجم هوایی بوده است که در نوع خود جالب توجه است. در این رابطه و موضع گیری ترکیه در مورد تهاجم هوایی عربستان سعودی بر علیه یمن گفتگویی با «رجان دولاچی» روزنامه نگار و محقق در موضوع انقلاب های مردمی انجام شده است که مشروح آن در زیر می آید.

|| آقای دولاچی، انقلاب مردم یمن بر علیه حکومت وابسته این کشور به رژیم سعودی و آمریکا و مداخله نظامی این کشورها بر علیه انقلاب مردمی یمن را چگونه می بینید؟

متأسفانه یمن تا به حال نتوانسته است تا عقب ماندگی و فقر خود را که بیشتر آن نیز به خاطر بر روی کار بودن حکومت های دست نشانده و وابسته بوده است را از بین ببرد و به خاطر همین هم کشور فقیر و توسعه نیافته ای باقی مانده است. یمن سالیان متمادی را زیر فشار عربستان سعودی و آمریکا سپری نموده است. بهترین راه حل برای پاره کردن زنجیر وابستگی و رهایی از فقر نیز بدون شک انقلاب مردمی است. طبیعتاً مداخله نظامی عربستان سعودی و آمریکا بر علیه انقلاب مردم یمن نادرست می باشد و در اصل چیزی که یک کودتا است، نه عمل

نیروهای مردمی یمن به رهبری جنبش انصارالله طی ماه های گذشته پس از آنکه متوجه شدند تلاشهای سیاسی برای متقاعد کردن منصور هادی برای فاصله گرفتن از سعودی ها و آمریکایی ها و همچنین شرکت دادن تمامی گروه های سیاسی یمنی در ساختار قدرت بی نتیجه خواهد بود، با پیشروی به سوی صناعا، کنترل پایتخت کشور را به دست گرفتند.

اما نکته ای که جالب توجه هست، تاکید جنبش انصارالله چه پیش از کسب پیروزی های نظامی و چه پس از آن بر روی مشارکت تمام گروه های یمنی در ساختار قدرت بوده است. عربستان سعودی و دست نشانده داخلی آن عیده ربه منصور هادی که می خواستند از حوثی ها و جنبش انصارالله چهره ای خشن و غیر دموکراتیک ترسیم نمایند، هیچ موقع به دعوت جنبش انصارالله جواب مثبت ندادند و منصور هادی نیز با استعفا ی خود به مشکلات کشور دامن زد.

در نهایت نیز آمریکا و عربستان سعودی که چشم دیدن تشکیل حکومتی جدید و غیر وابسته در یمن را نداشتند و با بهانه قرار دادن درخواست حقارت بار رئیس جمهور مستعفی یمن، دست به حمله نظامی بر علیه یمن زدند که این بمباران ها تاکنون به شهادت صدها یمنی منجر گشته است. نکته جالب توجه دیگر در تهاجم هوایی عربستان سعودی و دیگر

اگر حکومتی که بعد از انقلاب مردمی انصارالله بر روی کار می آمد، قرار بود که حکومتی طرفدار آمریکا باشد، آنموقع آمریکایی ها بدون لحظه ای تردید و با شور و شوق خاصی بر عکس آنچه یزی که اکنون در جریان است، به طرفداری از این جنبش می پرداختند

حرکت می کرد آنموقع حوثی ها تبدیل به قهرمانان دموکراسی می شدند اما مگر آنهایی که سوریه و عراق را به خاک و خون کشیده اند، همیشه از حمله و دروغی به نام مذهب استفاده نکرده اند؟ و اینها کسانی هستند که بزرگترین ضربه ها را به اسلام زده اند.

کرد و همیشه تلاش داشت تا بیشتر به عنوان میانجی میان طرفین درگیر عمل نماید. ما اکنون نیز امیدواریم تا اردوغان از این سیاست اشتباه خود صرف نظر نماید و به روابط ترکیه با ایران آسیبی وارد نکند. یعنی به خاطر سیاستهای آمریکایی حزب عدالت و توسعه رابطه ترکیه با تمام همسایه هایش به هم خورده است. و در این مقطع نیز امیدواریم تا به خاطر مسئله یمن رابطه ترکیه با ایران نیز به هم نخورد چرا که در این وضعیت ترکیه بسیار منزوی خواهد شد. در آخر نیز می خواهیم بگویم که مقاومت مردم یمن، بازیهایی کیفی را که در منطقه در جریان است را به هم خواهد زد. از سوی دیگر نیز کسانی که بر روی مردم مظلوم یمن بمب می ریزند و آنها را به خاک و خون می کشند نیز روزی محاکمه خواهند شد.

اما متأسفانه سران حزب عدالت و توسعه نیز به هواخواهی نیروهای امپریالیستی برخاسته اند چرا که به حمایت آمریکا و پول و سرمایه سعودی ها احتیاج دارند. حزب عدالت و توسعه با این سیاستهای اشتباه خود ترکیه را در گردابی از بدهی فرو برده است. قیمت دلار در طی دو سال گذشته از ۱۶ لیر به ۲۶ لیر افزایش یافته است. و به خاطر اینکه کمکهایی آمریکا را جلب کنند در قضیه یمن طرف آمریکا را می گیرند ولی ملت ترکیه چنین اجازه ای را به حزب عدالت و توسعه نخواهد داد. از سوی دیگر نیز با سوء استفاده از مسئله یمن به دنبال دامن زدن به ایران هراسی هستند و این نیز به سیاست خارجی ستی ترکیه که بر مبنای احترام به دیگر ملت ها و دوستی به دیگر کشورها می باشد، در تضاد است. ترکیه تا قبل از به روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه نسبت به وقایع منطقه موضع بیطرفی مثبت را اتخاذ می

جهان اسلام با بزرگترین فتنه تاریخ خود روبرو می باشد. نیروهای امپریالیستی به دنبال این هستند تا با استفاده از حربه مذهب نقشه های شوم خود را در منطقه اجرا نمایند. اینکه بر علیه منطقه و جغرافیای ما جنگی تمام عیار آغاز شده است یک حقیقت کاملاً واضح و مشخص می باشد. و در این مبارزه کم کم صف طرفین مشخص تر می شود. در یک سو جبهه مقاومت که متشکل از ایران، سوریه، لبنان و عراق می باشد. از سوی دیگر دلیل اصلی مخالفت غرب و دوستان منطقه ای آن با جنبش مردم یمن آن است که نمی خواهند تا یمن هم به جبهه مقاومت بپیوندد. البته باید بگویم که ملت ترکیه هم در این جبهه قرار دارد حتی با وجود حزب عدالت و توسعه، به زودی به این جبهه مقاومت، ترکیه نیز اضافه خواهد شد و کسی نیز نخواهد توانست تا مانع پیوستن ترکیه به جبهه مقاومت شود چرا که این مسئله بودن و یا نبودن است.

آیا عربستان در با تلاق یمن تنها رها شده است؟

با آغاز هفته سوم عملیات «طوفان کوبنده» سعودی ها علیه یمن، پارلمان پاکستان مخالفت خود با مشارکت این کشور در این عملیات را اعلام کرد.



برای پایان دادن آبرومندانه به این جنگ ببینند. آنها تصور می کردند که به فاصله ۳ روز می توانند یمنی ها را سرکوب و از پای در آورند اما هنگامی که با مقاومت گسترده مردم این کشور رو به رو شدند، غافلگیر شدند. از سوی دیگر برگزاری تظاهرات گسترده مردمی در سراسر جهان در حمایت از مردم یمن و محکومیت تجاوز به این کشور، چیزی بود که سعودی ها اصلاً انتظار آن را نداشتند. برآورد آنچه ذکر شد حاکی از شکست کامل عربستان در یمن را نشان می دهد علاوه بر شورای امنیت، به نظر می رسد مقامات عربستان سعودی از کانالهای دیپلماتیک دیگری نیز به دنبال پایان دادن به جنگ یمن هستند سخنان اخیر وزیر خارجه ترکیه نشان می دهد که رازی نمی بیند میان ریاض و آنکارا در این خصوص صورت گرفته است. «احمد چاووش اغلو» در این زمینه گفت: با مقامات ایران و عربستان رازینی هایی انجام داده ام و می توانم بگویم که ایران، ترکیه و عربستان خواهان پایان این جنگ هستند انصاریا پیش از این اعلام کرده بود که شاید این عربستانی ها باشند که تجاوز علیه یمن را آغاز کنند اما بدون شک مردم یمن به این تجاوز پایان خواهند داد نه سعودی ها. با این حال آنچه که محرز است، این است که حملات کنونی عربستان سعودی که گاه و بی گاه تشدید می شود تنها با هدف کشتار هرچه بیشتر مردم مقاوم یمن صورت می گیرد. سعودی ها که از یک سو از مقاومت غیر قابل پیش بینی مردم یمن و از سوی دیگر به دلیل تنها ماندن در عرصه نظامی علیه این کشور به شدت خشمگین اند اکنون تنها به فکر عقده گشایی هستند.

ایران؛ مخالف سرسخت عملیات «طوفان کوبنده» در یمن

ایران یکی از مخالفان بزرگ عملیات نظامی در یمن به شمار می رود. آنها بر این باورند که مخالفت تهران به دلیل مواضع آن طی حدود ۲۰ سال گذشته قابل پیش بینی بود. به گفته تحلیلگران شدیدترین انتقادات از عملیات نظامی سعودی ها در یمن توسط آیت الله خامنه ای مطرح شد. به اعتقاد آنها جملاتی نظیر یمنی سعودی ها در یمن به خاک مالیده خواهد شد، آنها اشتباه بزرگی را مرتکب شدند و ... از جمله شدیدترین انتقادهای از اقدام نظامی در یمن بود.

حمایت آمریکا از عملیات سعودی ها تنها در حد حمایت لجستیکی و اطلاعاتی است

از زمان آغاز عملیات «طوفان کوبنده» در یمن به رهبری سعودی ها، مواضع آمریکایی ها تنها در حد چند اظهار نظر بوده است. واشنگتن تا کنون تنها به ارائه کمک های لجستیکی و اطلاعاتی به ائتلاف ضد یمن اکتفا کرده است. جان کری وزیر خارجه آمریکا در چند نوبت اعلام کرد که واشنگتن هیچگاه از حمایت همپیمانان خود دست نخواهد کشید سخنان جنرل کری در حالی مطرح می شود که با وجود گذشت ۸ روز آغاز جنگ علیه یمن، کاخ سفید کمک ملموسی به سعودی ها ارائه نکرده است.

تلاش عربستان برای پایان دادن آبرومندانه جنگ یمن پس از ناکامی مفتضحانه در تحقق اهداف خود

مقامات عربستان سعودی پس از ناکامی در تحقق اهداف خود در یمن تلاش می کنند تا از طریق شورای امنیت راه حلی

پارلمان این کشور در خصوص دخالت عدم دخالت نظامی در یمن حائز اهمیت به نظر می رسد. محمد جواد ظریف در جریان این سفر با همتای پاکستانی خود دیدار و نسبت به عواقب وخیم بحران یمن برای تمامی کشورهای منطقه هشدار داد. ظریف در جریان این دیدار ضمن دعوت از پاکستان و دیگر کشورها برای خودداری از دخالت در امور داخلی یمن، تأکید کرد: بمباران بیمارستان ها، پل ها، تأسیسات حیاتی و زیرساخت های یمن توسط جنگنده های سعودی هر چه سریعتر باید متوقف شود.

آیا مصر برای بار دوم در جنگ علیه یمن وارد عمل می شود؟

عبدالفتاح السیسی رئیس جمهور مصر چندی پیش در رابطه با دخالت نظامی مصر در یمن و مشارکت در ائتلاف عربستان سعودی گفت: تعدادی از مردم مصر نسبت به مشارکت قاهره در ائتلاف ضد یمن نگران هستند. وی در عین حال تأکید کرد: ما در صورت لازم از برادران و هم پیمانان خود در حوزه خلیج فارس حمایت خواهیم کرد.

رئیس جمهور مصر همچنین تأکید کرد که قاهره خواهان یافتن راه حلی سیاسی برای پایان یافتن بحران یمن است

البته در این خصوص بسیاری از تحلیلگران معتقدند، بسیاری از تکرار تجربه سابق مصر در یمن نگران هستند زیرا مصر در دهه ۶۰ قرن گذشته دست به دخالت نظامی در یمن زد که به دنبال آن بر اساس آمارهای اولیه منتشر شده در رسانه های مصری این دخالت منجر به کشته شدن ۱۵ هزار مصری شد.

«عادل الجبیر» سفیر عربستان سعودی در واشنگتن در ۲۶ مارس از آغاز عملیات نظامی علیه یمن تحت عنوان «طوفان کوبنده» به رهبری کشور خود خبر داد. الجبیر در توضیح جزئیات این عملیات مدعی شد: عربستان به همراه هم پیمانان خود عملیات نظامی را علیه شبه نظامیان حوثی به منظور حمایت از مشروعیت رئیس جمهور قانونی یمن آغاز کرده است. وی همچنین در تبیین دیگر اهداف - غیر واقعی - عربستان از انجام این حمله، ادعا کرد: ما به دنبال ایجاد ثبات و امنیت در یمن هستیم. پس از آغاز رسمی عملیات نظامی عربستان سعودی علیه یمن، ۸ کشور عربی از جمله امارات، قطر، بحرین، کویت، مصر، اردن، سوئد و مغرب به ائتلاف سعودی ها پیوستند.

مخالفت پاکستان با مشارکت در ائتلاف ضد یمن

نمایندگان پارلمان پاکستان روز جمعه هفته گذشته با دخالت نظامی این کشور در جنگ یمن مخالفت و اعلام کردند: اسلام آباد در قبال تحولات یمن موضع بی طرفانه اتخاذ خواهد کرد. در مضمون این پارلمان آمده است: اسلام آباد از اوضاع وخیم انسانی و امنیتی در یمن بسیار نگران بوده و نسبت به پیامدهای ناگوار آن برای ثبات و امنیت منطقه هشدار می دهد. نمایندگان پارلمان پاکستان با پافشاری بر رأی مخالف خود به دخالت نظامی در یمن تأکید کردند: ما به دنبال آن هستیم تا اسلام آباد با استفاده از نقش دیپلماتیک خود به بحران کنونی یمن پایان دهد. در همین ارتباط سفر وزیر خارجه ایران به پاکستان درست ۲ روز پیش از رأی گیری

بسیاری میان داعش و عربستان سعودی است. وجه مشترک میان دو کشور یمن و سوریه این است که مردم آنها به دنبال داشتن استقلال و زندگی عزتمندانه هستند اما در مقابل، کودکان آنها با بی رحمی تمام توسط متجاوزان کشته می شوند. وجه مشترک دیگر در این دو کشور، تخریب زیرساخت های آنها از سوی دشمنان است. به آتش کشیده شدن خانه ها، تخریب بیمارستان ها، مساجد و مراکز امنیتی از جمله اتفاقاتی است که هم در یمن و هم در سوریه اتفاق می افتند.

با این وجود کارشناسان می پرسند که عربستان سعودی چگونه می تواند از باتلاقی که خود را در آن گرفتار کرده است، نجات دهد؟ به گفته کارشناسان عربستان سعودی هر کاری که لازم بود برای تحقق اهداف خود در یمن انجام دهد را انجام داد اما در نهایت موفق به تحقق هیچیک از اهداف خود نشد. این درحالی است حمایت های گسترده مردمی در سراسر جهان از مردم یمن و جنبش انصارالله رو به افزایش است. عربستان سعودی علاوه بر شکست

در یمن، متحمل شکست دیگری نیز شد. مقامات این کشور موفق نشدند آنگونه که انتظار داشتند ارتش های دیگر کشورها را نیز به طور گسترده در تجاوز به یمن با خود همراه کنند. آل سعود قصد داشت با همراه کردن ارتش های دیگر کشورها در این اقدام نظامی، به تدریج پای خود را از یمن بیرون کشیده تا دیگر کشورها به نمایندگی از آن در این کشور مشغول جنگ شوند.

می توان گفت تنها دستاوردی که با حمله آل سعود به یمن برای مقامات سعودی حاصل شد، آشکار شدن چهره جنایتکارانه آنها برای افکار عمومی جهان است. دستاورد دیگری که برای مقامات سعودی به دست آمد در متحد شدن بیش از پیش گروه های مختلف یمنی با یکدیگر به شمار می رود. دستاورد دیگر و مهمترین دستاورد، افزایش اعتماد به نفس مردم یمن به گزینه مقاومت در برابر تجاوز بود.

تحلیلگران معتقد که سعودی ها در شرایط کنونی تنها می توانند به یک حمله زمینی چشم داشته باشند که آن هم با توجه به تحولات میدانی اخیر بدون شک به شکست خواهد انجامید. این شرایط پس از اشتباه محاسباتی سعودی ها برای آنها پیش آمد. آنها هیچگاه موضع پاکستان در مخالفت با مشارکت در ائتلاف ضد یمن را پیش بینی نمی کردند. آنها حتی موضع ترکیه که خواهان یافتن راه حل سیاسی برای بحران یمن شده است را پیش بینی نمی کردند. مقامات سعودی هیچگاه تصور نمی کردند که مصر برای کمک به آنها در جنگ علیه یمن، پول مطالبه کند.

با این حال تمامی تحولات میدانی کنونی حاکی از شکست قریب الوقوع آل سعود در یمن است. شکستی که به نظر می رسد دیری نمی کشد که خود سعودی ها به آن اعتراف خواهند کرد تا حد اقل از باتلاقی که هر روز بیشتر در حال غرق شدن در آن هستند، نجات یابند.



عربستان سعودی و تروریسم؛ دوروی یک سکه

عربستان سعودی از اولین کشورهایی بود که با آغاز آنچه «بهار عربی» خوانده می شود، تصمیم به مشارکت در جنایات های آمریکا در منطقه گرفت.

این موضوع آنجا آشکار شد که جنگنده های ارتش عربستان سعودی در طول دو هفته حمله گسترده به نقاط مختلف یمن، کارخانه ها، مراکز تجاری - بازرگانی، بنادر و سواحل، نهادهای رسانه ای، فرودگاه ها، مساجد، بیمارستانها در این کشور را به شدت بمباران کردند. آنها سعی کردند از این طریق از یک سو زیرساخت های یمن را تخریب و از سوی دیگر خسارت های مالی هنگفتی را به اقتصاد این کشور تحمیل کنند.

عربستان سعودی در گام اول تجاوز خود به یمن، تمامی موازین و قوانین بین المللی به ویژه قوانین مربوط به حقوق بشر را زیر پا گذاشته و اقدام به کشتار غیر نظامیان یمن و نقض حاکمیت ملی این کشور کرد

تشابه گسترده اقدامات عربستان در یمن با جنایات های تروریست ها در سوریه - مقایسه تجاوز عربستان به یمن و تجاوز گروه های تروریستی با حمایت های غربی - عربی به سوریه حاوی تشابهات

بدون شک در تجاوز امروز عربستان آمریکا به یمن، اهداف بسیاری نهفته است چه در زمینه نظامی - امنیتی و در چه در زمینه سیاسی - اقتصادی. صرف نظر از اهدافی که سعودی ها در توجیه تجاوز نظامی خود به یمن اعلام کردند و - هیچگاه این اهداف اثبات نشدند - باید به نتایج این تجاوز که شاید حاکی از اهداف حقیقی سعودی ها از این اقدام باشد سخن گفت.

عربستان سعودی در گام اول تجاوز خود به یمن، تمامی موازین و قوانین بین المللی به ویژه قوانین مربوط به حقوق بشر را زیر پا گذاشته و اقدام به کشتار غیر نظامیان یمن و نقض حاکمیت ملی این کشور کرد. مقامات این کشور همچنین دخالت در امور داخلی یمن را در دستور کار خود قرار داده و تلاش کردند تا نظر و دیدگاه خود را به مردم این کشور تحمیل کنند.

بسیاری از تحلیلگران معتقدند که هدف اصلی سعودی ها از تجاوز نظامی آشکار به یمن، نابودی جنبش انصارالله در این کشور بوده است. این اقدام سعودی ها با هدف تقویت قدرت گروه های تروریستی در یمن از جمله داعش و القاعده صورت گرفت؛ گروه هایی که جنبش حوثی انصارالله همواره با آنها در حال جنگ بوده و هست. هدف دیگر سعودی ها از انجام این اقدام نظامی در یمن، تضعیف ارتش این کشور است. آنها سعی کردند تا از این طریق یکی از ارتش های عربی را ناکارآمد کنند. در همین راستا نمی توان از یکی دیگر از اهداف سعودی ها که تخریب زیرساخت های یمن است، به سادگی عبور کرد.

از زمان آغاز آنچه از آن به عنوان «بهار عربی» در کشورهای عربی یاد می شود، ایالات متحده آمریکا به منظور سوء استفاده از شرایط و انتقام گیری از محور مقاومت دست به ماهیگیری از آب آلوده زد. پس از آن، گروه های مسلح مختلفی آمادگی خود را برای مشارکت در جنایات های واشنگتن در منطقه اعلام کردند که دو گروه تروریستی داعش و جبهه النصره از جمله آنها به شمار می روند. عربستان سعودی نیز که همواره تلاش کرده و می کند تا حرف اول و آخر را در منطقه بزند و به نوعی ابتکار عمل در تمامی تحولات سرنوشت ساز را در دست داشته باشد، تصمیم گرفت تا در کنار آمریکا ایستاده و صدای مقاومت را خاموش کند.

امروز دیگر کسی شک ندارد که عربستان سعودی درست گام در مسیر گروه تروریستی داعش گذاشته است و در راستای نابودی تمامی جنبش های آزادی خواهانه در منطقه - به صورت مخفیانه یا آشکارا - تلاش می کند. تجاوز نظامی آشکار به ملت بی دفاع یمن نمونه بارز این دست از اقدامات سعودی ها است. مقامات آل سعود، کشتار مردم بی گناه یمن، آواره کردن آنها، تخریب خانه های آنها، وادار کردن آنها به مهاجرت و ... را در دستور کار خود قرار داده اند و گمان می کنند که از این طریق می توانند «خار مقاومت» که در چشمشان فرو رفته است را خارج کنند. آنها ادعا می کنند که به منظور حمایت از مردم یمن در مقابل بیگانگان یعنی حوثی ها دست به چنین اقدام ظالمانه ای زده اند. اما عربستان سعودی کجا و حمایت از مظلومان کجا؟!

چراغ سبز برای حمله

آمریکا برای عربستان در یمن دام گسترده است

گفتگو: محمد مظہری

امین محمد حطیط سر تیپ باز نشستہ ارتش لبنان معتقد است کہ تجاوز عربستان بہ یمن با چراغ سبز آمریکا صورت گرفت و این دامی از سوی ایالات متحدہ برای فرسودن سعودیہا است.



در کنار نیاز پادشاه آن به خلق یک دشمن خارجی تا بتواند رقابیش در خاندان سدیری را ساکت کند. در خلال این تجاوز کہ پیش بینی می شود طولانی ہم شود ملک سلمان و فرزندانیش بہ تثبیت خاندان خودش در حکومت در برابر برادران و فرزندانیشان می پردازد کہ رقیب او بہ شمار می روند.

پنجم، سنگین تر شدن وزن استراتژیک ترکیہ در میان کشورہای اہل سنت و ترس عربستان از پر رنگ شدن نقش ترکیہ کہ حامی اخوان المسلمین ہم بشمار می آید. لذا سعودیہا معتقدند از طریق بازسازی جایگاہ راہبردی شان با حمله بہ یمن و استفادہ از زور می توانند شکست ہایشان در سوریہ و عراق را پنهان کنند و بار دیگر با کنار زدن مصر و ترکیہ تبدیل بہ کشور پیشگام جہان عرب شوند. در ہمین راستا عربستان تشکیل یک ائتلاف بہ فرماندهی خودش را برای تثبیت راہبری اش در جہان عرب سودمند ارزیابی کردہ است و از آنجایی کہ این شرایط در مواقع دیگری یکجا جمع نشدہ بودند عربستان ہم قبل از حمله بہ یمن تلاشی برای تشکیل ائتلافی نظیر این از خود بروز ندادہ بود.

|| آیا دخالت نظامی مستقیم عربستان در یمن بہ دلیل تہدید امنیت و جایگاہ منطقہ ای اشی بودہ و یا صرفا تلہ امریکایی ہا برای درگیر کردن سعودی ہا در یک جنگ فرسایشی است؟

از نگاہ خود سعودی ہا این حمله بہ مثابہ دفاع از جایگاہ راہبردی شان در منطقہ است. اما بہ نظر می رسد در واقع این تلہ امریکا بہ همان سبک تلہ ای است کہ برای صدام حسین در جریان تجاوز عراق بہ کویت در سال ۱۹۹۱ گذاشتہ بودند و بہ نظر من عربستان نخواہد توانست بہ این زودی ہا خود را از این دام رها سازد و نہایتا ہم

تجاوز عربستان بہ یمن از روز ششم فروردین ماہ سال جاری آغاز شدہ است. شمار زیادی از مردم یمن در این حملات شہید و زخمی شدہ اند. این حمله بیش از ہر چیز نشان دہندہ اہمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک یمن برای سعودی ہا است. دلایل این تجاوز را در گفتگو با دکتر امین محمد حطیط سر تیپ باز نشستہ ارتش لبنان و استاد دانشگاہ در امور نظامی و راہبردی مورد بررسی قرار دادہ ایم کہ در ادامہ از نظر می گذرد.

|| اهداف عربستان از تشکیل ائتلافی از کشورہای عربی برای راہ انداختن جنگ در یمن چیست و چرا این ائتلاف قبلا در موارد دیگر تشکیل نشد؟

انگیزہ ہای عربستان از آغاز تجاوز بہ یمن علاوہ بر تشویق ہای امریکا و اسرائیل را می توان در پنج عامل خلاصہ کرد: اول، تلاش برای بازسازی فضای راہبردی منطقہ پس از رسوخ فرسایش و ضعف در شاکلہ سیاسی و جایگاہ منطقہ ای عربستان در دہہ اخیر و بہ ویژہ طی چہار سالی کہ از خزان عربی! می گذرد. عربستان در این دورہ جایگاہ پدرانہ و مقتدرانہ خود در جہان عرب و اسلام را از دست داد و میدان عمل راہبردی اش منحصراً بہ شورایی ہمکاری خلیج فارس و نفوذی کہ با پول نفت و خریدن یا اجارہ کردن مواضع سیاسی برخی دولت ہا بہ دست آوردہ بود محدود شد کہ البتہ ہر زمان بذل و بخشش ہای مالی عربستان قطع شود این نفوذ ظاہری ہم از میان خواہد رفت. اما عربستان خیال می کند بازسازی این فضای راہبردی مستلزم شمشیر کشیدن و اعلام جنگ علیہ یمن است کہ آن را حیاط خلوت خود می داند.

دوم، ترس عربستان از تضعیف جایگاہش نزد امریکا و سست شدن رابطہ تاریخی دو کشور در پی ظہور متغیرہای جدید در منطقہ کہ بہ نوعی طی ہفتاد سال گذشتہ بی سابقہ بودہ است. ہدف عربستان از تشکیل ائتلاف برای حمله بہ یمن اثبات توانایی اش در ایفای نقش موثر در منطقہ برای امریکا است کہ البتہ نہایتا ہم چیزی جز منافع امریکا و اسرائیل را تأمین نمی کند.

سوم، تفرقہ در جہہ و ہابیت کہ عامل اصلی مشروعیت بخشی بہ حکومت آل سعود بودہ و تشکیل یک جہہ جدید و ہابی - تکفیری کہ دارای توان عملیاتی بودہ و برخی مناطق سوریہ و عراق را ہم در کنترل خود دارد در حالیکہ حکومت عربستان را مشروع نشناختہ و آن را تہدید بہ سرنگونی می کند داعش کہ شاخہ ای از و ہابیت جدید است حکومت آل سعود را مشروع نمی داند و علنا اعلام می کند کہ قصد پیشروی بہ حجاز و بہ دست گرفتن کنترل مکہ و مدینہ و پس گرفتن عنوان خادم الحرمین از آل سعود را دارد. لذا عربستان از سوی دیگر سعی دارد قدرتش را بہ داعش ہم نشان دہد و ثابت کند کہ توانایی و جرأت مقابلہ با گروہہایی کہ این نظام را تہدید کنند را دارد. چہارم، نزاع و کشمکش داخل خاندان حاکم و توطئہ چینی امیران آل سعود برای یکدیگر

پس از حصول توافق بین ایران و ۵+۱ کہ منجر بہ لغو تحریم ہا علیہ ایران می شود بسر می برد و از بہبود روابط ایران و غرب نگران است. بطوری کہ خود را بیرون بازی روابط با غرب احساس می کند. لذا می خواہد پیشاپیش ثابت کند کہ هنوز صاحب قدرت و قاطعیت است و می تواند خودش را اثبات کردہ و جایگاہش را در منطقہ از طریق ہمراہ کردن تعدادی زیادی از کشورہای عربی با خودش در حمله بہ یمن بہ غرب نشان دہد. اما تلاش ہای عربستان پس از فرسایشی شدن جنگ و شکست سعودی ہا نتایج عکس بہ ہمراہ داشتہ و امکان تحقق اہداف عربستان در یمن چیزی شبیہ بہ محال است.

|| آیا یمنی ہا می توانند پاسخ نظامی متقابل و در حد و اندازہ عربستان و ہم پیمانانش دادہ و یا حداقل ضربات خسارت باری بہ منافع سعودی ہا وارد سازند؟

اگر این جنگ بہ طریق حمله ہوایی ادامہ یابد یمنی ہا چیز زیادی برای عرضہ نخواہند داشت بہ جز احتمال درگیری ہای مرزی بہ شکلی کہ امنیت داخلی عربستان را تا عمق محدودی مختل سازد و یا شلیک موشک بہ برخی مناطق جنوبی عربستان اما اگر این تہاجم وارد مرحلہ استفادہ از نیروہای زمینی شود برای یمنی ہا این فرصت ایجاد خواہد شد کہ پوزہ دشمن را بہ خاک بماند و سطح خسارت ہای وارہ بہ عربستان را بہ بالاترین و شدیدترین حد ممکن برسانند. اما تصور تہدید منافع عربستان در خارج از کشور آن ہم از نوع عملیات ترورستی توسط یمنی ہا بہ نظر بعید می رسد.

|| با توجہ بہ ہشدارہایی کہ اخیرا برخی ہا در بارہ گسترتش نفوذ ایران یا تشیع در منطقہ دادہ اند، نقش ایران را در اتفاقات اخیر منطقہ بہ ویژه جنگ علیہ یمن را چگونه ارزیابی می کنید؟

ایران در سیاست خارجی اش کشوری ژرف نگر و خواستار تقویت امنیت منطقہ و وحدت مسلمانان است و بہ خوبی ماہیت اتفاقاتی کہ در منطقہ در حال رخ دادن است را درک می کند. از جملہ اینکہ حمله ای با این سطح و گستردگی و نقض قوانین بین المللی بہ این صراحت مطمئنا بدون چراغ سبز امریکا ممکن نبودہ است. لذا بہ درستی باید انگشت اتهام را بہ طرف امریکایی ہا گرفت و ایالات متحدہ را مسئول مستقیم این جنایت ہا دانست.

اما ایران با ہوشیاری تمام از اقتدان در دومین دام بزرگی کہ امریکایی ہا (پس از بحرین) برایش گسترہ بوند رھید و از درگیری مستقیم با عربستان خودداری کرد تا نقشہ امریکا برای درگیر کردن دو کشور در یک جنگ فرسایشی و بی حاصل و شعلہ ور شدن آتش جنگ بین شیعیہ - سنی و عرب - عجم تحقق نیابد و در ہمین راستا ایرانی ہا روی گفتگو و راہ حل ہای صلح آمیز در یمن تکیہ کردہ اند. ہمین منش عقلاست بر خلاف خوی وحشی و خونریز سعودی ہا.

|| حمله اخیر عربستان بہ یمن را با توجہ بہ معادلات قدرت در منطقہ بہ ویژه رقابت ایران و عربستان و نگرانی ہای کشورہای حاشیہ خلیج فارس از مذاکرات ہستہ ای چگونه ارزیابی می کنید؟

عربستان در وحشت از شرایط آتی منطقہ



گفتگو: پیمان یزدانی

گفتگو با نورای مرت روزنامه نگار ترک

آثار تفاهم لوزان بر منطقه/سیاست خارجی ایران منطق قابل دفاعی دارد

«نورای مرت» استاد علوم سیاسی دانشگاه استانبول با اشاره به اینکه منطق سیاست خارجی ایران قابل دفاع است گفت: ایران منطقی ترین بر خور در ابعاد تحولات سال های اخیر در منطقه داشته است.

سعی کرد بین ایران و غرب در موضوع هسته ای میانجیگری کند. اگر ترکیه می توانست این کار را بکند بسیار به نفعش بود زیرا ترکیه متحد غرب و دوست قدیمی ایران است. در این صورت این توافق می توانست کمک کند تا ترکیه بر مشکلات ناشی از این مطلب که از یک سو متحد غرب است و از سوی دیگر روابط ویژه ای با ایران که دشمن دیرینه غرب است دارد، غلبه کند.

متأسفانه ترکیه در این سال ها از یکسو روابط خود با غرب را به سمتی پیش برده است که موجب انزوای ترکیه شده و از سوی دیگر روابطش با ایران هم تیره شده است. این وضعیت نتیجه سیاست های قومیت گرایانه ترکیه در منطقه و به ویژه سوریه بوده است. این سیاست غلط در حال تسری یافتن به داخل ترکیه هم است. بطوریکه دولت حاکم ترکیه سعی می کند تمامی اقدامات تروریستی و امثال آنرا به علویان ترکیه نسبت دهد که سیاستی بسیار خطرناک برای ترکیه است.

پی تحولات ناشی از انقلاب های عربی منطقه بی ثبات تر از قبل شد. تحولات منطقه طوری پیش رفت که حتی قدیمی ترین متحد غرب در منطقه که ترکیه است درگیر سیاست های قومیتی در سوریه شد.

|| فکر می کنید تعامل غرب با ایران چه نتایجی برای منطقه در پی داشته باشد؟

با وجود اختلافات ایران و غرب، جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود نسبت به غرب سیاست منطقی و قابل دفاعی را از خود نشان داده است. هر روز بیشتر از روز قبل در منطقه نیاز به برگشت به راهکارهای دیپلماتیک برای مشکلات خاورمیانه احساس می شود و گفتگو و تعامل با ایران گامی اجتناب ناپذیر برای دستیابی به راه حل های دیپلماتیک است.

|| تاثیر توافق هسته ای بر روابط ایران و ترکیه چه خواهد بود؟

در حقیقت دولت فعلی ترکیه در گذشته

که کشوری زیبا و دارای فرهنگی بزرگ است هستیم. تفاهم لوزان به صلح و ثبات منطقه کمک خواهد کرد. کار انجام شده معقول ترین و واقع بینانه ترین کاری بود که می شد انجام داد. در سال ۲۰۱۲ هم وقتی هم مشاور سیاست خارجی پارلمان اتحادیه اروپا نظر من را درباره نحوه برخورد با بحران سوریه را خواستار شد به آنها توصیه کردم که بهترین راه تعامل سیاسی با ایران است.

|| ارزیابی شما از سیاستهای غرب پس از آنچه بهار عربی در منطقه خوانده می شود چیست؟

سیاست های غرب از زمان انقلاب اسلامی در ایران در قبال ایران خصمانه بوده است و هیچ نتیجه ای هم برای آنها نداشته و تنها موجب افزایش ناآرامی ها در خاورمیانه و افزایش درد و رنج مردم منطقه شده است. در سال های اخیر با وقوع انقلاب های عربی سیاست حمایت غربی ها از کشورهای عربی مورد حمایت غرب با شکست مواجه شد و دیری طول نکشید که در

انتشار بیانیه لوزان که نتیجه سالها مذاکرات هسته ای ایران و گروه ۵+۱ بود امید به دستیابی به توافق هسته ای جامع بین ایران و قدرت های جهانی را افزایش داده است.

امیدها برای دستیابی به توافق هسته ای دائم تا آخر ماه ژوئن واکنش های متفاوتی را در بین کشورها منطقه و کارشناسان و تحلیلگران منطقه ای داشته است. در این میان گفتگویی با خانم دکتر «نورای مرت» کارشناس و تحلیلگر ترکیه ای مسائل منطقه و استاد علوم سیاسی دانشگاه استانبول انجام شده است که مشروح آن در زیر آمده است.

|| شما بیانیه لوزان را چگونه ارزیابی می کنید؟ تاثیر توافق هسته ای احتمالی بین ایران و غرب بر منطقه چه خواهد بود؟ تفاهم بسیار خوبی بود. این تفاهم موجب خوشحالی و خرسندی است. همیشه طرفدار راه حل های دیپلماتیک بوده ام و علاوه بر این همواره از دوستداران ایران

به صراحت گفت: باعث افتخار من است که می توانم به این گروه (داعش) و رهبران آنها درود بفرستم و از آنها بخاطر اقداماتشان قدردانی کنم. بسیاری از تحلیلگران معتقدند که عزت الدوری از زمان حمله داعش به عراق، با این گروه تروریستی همکاری می کرده است. در همین ارتباط یک منبع امنیتی عراق که نخواست نامش فاش شود خبر داد: پس از هلاکت عزت الدوری طی روز گذشته، دستگاه موبایل وی را کشف و ضبط کردیم. پس از انجام تحقیقات لازم، اطلاعات زیادی را در رابطه با روابط گسترده الدوری و گروه های تروریستی از جمله داعش به دست آوردیم. این مقام عراقی ادامه داد: ما در نهایت

عزت الدوری؛ آیا مرد شماره دو رژیم صدام به هلاکت رسیده است

پس از انتشار اخبار ضد و نقیض درباره هلاکت مرد شماره دو رژیم صدام دیکتاتور سابق عراق از سال ۲۰۰۵ میلادی، برخی منابع خبری از کشته شدن «عزت الدوری» خبر دادند.

کرده بود همواره مورد تمسخر مردم عراق به بازداشت وی به علت ارتکاب جنایات



به این نتیجه رسیدم که الدوری در تماس دائم با اعضای حزب منحله بعث، تروریست های داعش و گروه تروریستی نقشبنديه بوده است. منابع خبری در روزهای گذشته نیز اخبار ضد و نقیضی از کشته شدن وی در استان صلاح الدین خبر دادند. این اخبار در حالی منتشر می شود که رژیم منحله بعث کشته شدن عزت الدوری را تکذیب کرده است. مقامات دولت عراق هنوز به طور رسمی این موضوع را تایید نکرده اند. برخی خبرها نیز حاکی از آن است که جسد عزت ابراهیم الدوری برای انجام آزمایشات نهایی در سفارت آمریکا در بغداد قرار دارد.

«رغد صدام» دختر صدام دیکتاتور سابق عراق نیز اخیرا اعلام کرده که حاضر است در مقابل دریافت جسد الدوری، میلیاردها دلار پرداخت کند. این در حالی است که رغد صدام بارها و بارها حمایت خود از تروریست های داعش را اعلام و حتی برای پیوستن به این گروه نیز اعلام آمادگی کرده است.

از سال ۲۰۰۵ میلادی تا کنون اخبار ضد و نقیض بسیاری درباره به هلاکت رسیدن عزت الدوری به گوش می رسد. حزب بعث عراق در ۱۱ نوامبر ۲۰۰۵ از هلاکت وی خبر داد اما همین حزب با گذشت زمان، این خبر را تکذیب کرد

جنگی و ضدبشری است، از این کشور بازگشت. الدوری در سال ۲۰۱۴ با انتشار یک فایل صوتی، ضمن اعلام حمایت خود از گروه تروریستی داعش از این گروه به عنوان قهرمان یاد کرد. وی در این فایل صوتی

بود به گونه ای که گفتن لطیفه درباره وی کاری روزمره برای عراقی ها بوده و هست. وی تحصیلات خود را در نیمه راه رها کرده و به یخ فروشی روی آورد و همواره به مانند یک احمق تمام عیار در خیابان های عراق ظاهر می شد تا جایی که عراقی ها او را اصطلاحا «طرطور» یعنی «بی دست و پا» می نامیدند.

از عزت الدوری می توان به عنوان نسخه جدیدی از صدام یاد کرد. وی به دلیل روحیه شیعه ستیزی که داشت در نزد شیعیان عراق به شکنجه های وحشیانه ای که علیه آنها انجام می داد معروف بود. در همین رابطه وی به صراحت گفته است: دشمنی با شیعیان جزو وظایف و تکالیف بر دوش ماست.

الدوری در سرکوب انتفاضه شعبانیه در سال ۱۹۹۱ که از سوی شیعیان و کردها سازماندهی شده بود، حضور فعال داشت و در طول جنگ عراق با ایران نیز عامل اصلی استفاده از سلاح های شیمیایی بود. وی در سال ۱۹۹۹ میلادی برای درمان بیماری سرطان خون عازم اتریش شد اما پس از آنکه متوجه شد پلیس بین الملل در

عزت الدوری متولد سال ۱۹۴۲ میلادی و مرد شماره دو عراق در رژیم صدام حسین به شمار می رفت و پست های زیادی را در این رژیم بر عهده داشت که از جمله آنها معاونت رئیس شورای موسوم به رهبری انقلاب عراق، وزیر کشور و وزیر کشاورزی بود. وی همچنین به عنوان یکی از فرماندهای اصلی عملیاتی تروریستی داعش در عراق محسوب می شد. پس از اشغال عراق توسط آمریکا الدوری متواری شد و حزب منحله بعث پس از اعدام صدام، وی را به عنوان دبیر کل این حزب اعلام کرد. نظامیان آمریکایی در عراق، جایزه های به ارزش ۱۰ میلیون دلار برای کسی بتواند آنها را در بازداشت الدوری کمک کند، تعیین کردند. آنها حتی تصاویر عزت الدوری را به عنوان یکی از اصلی ترین افراد تحت تعقیب خود در عراق در بسیاری از مناطق منتشر کردند.

از سال ۲۰۰۵ میلادی تا کنون اخبار ضد و نقیض بسیاری درباره به هلاکت رسیدن عزت الدوری به گوش می رسد. حزب بعث عراق در ۱۱ نوامبر ۲۰۰۵ از هلاکت وی خبر داد اما همین حزب با گذشت زمان، این خبر را تکذیب کرد.

انتصاب عزت الدوری به عنوان دبیر کل حزب بعث پس از اعدام صدام، موجب ایجاد شکاف های عمیقی در این حزب شد و به نوعی این حزب را به حزبی دو قطبی تبدیل کرد که برخی اعضای آن حامی الدوری بودند و برخی دیگر مخالف وی. در اواخر سال ۲۰۰۹ میلادی حزب بعث عراق مدعی شد که عزت الدوری جبهه ای را تحت عنوان «جبهه جهاد و آزادسازی» تأسیس کرده است. این جبهه همان مجموعه ای است که مقدمات تشکیل گروه تروریستی خطرناکی به نام «نقشبندیه» را فراهم آورد.

عزت الدوری طی سال های اخیر همواره تلاش کرده است تا مواضع خصمانه خود علیه مردم عراق و دولت این کشور را به هر نحوی به تصویر بکشد. وی در سال ۲۰۱۰ با انتشار یک فایل ویدیویی سالروز روی کار آمدن حزب بعث در عراق را گرمی داشت و از نقش خود در سلسله مبارزات این حزب برای به قدرت رسیدن سخن گفت. وی در جایی دیگر حمایت قاطعانه و همه جانبه خود از آشوبگران و تروریست ها در سوریه را اعلام کرد. در سال ۲۰۱۳ نیز شبکه العربیه یک فایل صوتی از آخرین اظهارات عزت الدوری منتشر کرد. وی در این فایل صوتی با اشاره به تحصن مردم الانبار، حمایت خود از این اقدام را اعلام و ادامه آن را از مردم خواستار شد. این در حالی است که تحصن استان الانبار، راه تروریست ها برای نفوذ به این استان را هموارتر از پیش کرده بود و تروریست های داعش از تحصن مردم به عنوان سنگری برای خود استفاده می کردند. به عبارت دیگر می توان گفت که هجوم غافلگیرانه داعش به عراق از استان الانبار و تحصن که عزت الدوری از آن حمایت کرد، آغاز شد.

مرد شماره دو رژیم صدام به دلیل ویژگی های شخصیتی و شرایط زندگی که تجربه

می شوند. بنابراین، کاملاً متقاعد کننده به نظر می آید که عربستان سعودی و ترکیه از اهداف ایدئولوژیک خود به امید پیگیری اهداف راهبردی مشترک صرف نظر کنند. اما صادقانه بگویم که من شک دارم این اهداف راهبردی مشترک حول تمایل ترکیه به پیوستن محور ضد ایرانی بچرخد.

|| گفته می شود که عربستان سعودی سعی دارد تا با میانجی گری خود روابط میان ترکیه و مصر را ترمیم کند. با توجه به اختلافات موجود میان دولت آنکارا و قاهره، آیا این امکان وجود دارد که عربستان سعودی بتواند این دو کشور تاثیر گذار و در عین حال سنی جهان را با یکدیگر آشتی دهد؟

دیدار صورت گرفته بین اردوغان و ملک سلمان نباید به خودی خود تا به این حد بزرگ شود که از آن به عنوان نشانه ای از تمایل ترکیه در پیوستن به محور ضد ایرانی تعبیر شود

بله این امکان وجود دارد. عربستان سعودی نهایت تلاش خود را به کار بسته است تا مجدداً مصر را با دیگر جوامع منطقه و جهان پیوند دهد و گفته می شود که در پشت پرده حل اختلافات موجود میان مصر و قطر نیز پای وساطت دولت ریاض در میان بوده است. بنابراین، من از اینکه عربستان سعودی در اندیشه میانجی گری برای پایان دادن به درگیری ها میان ترکیه و مصر باشد متعجب نخواهم شد.

|| در ترکیه، بسیاری بر این باور هستند که پیوستن احتمالی این کشور به محور ضد ایرانی به زبان دولت آنکارا است چرا که این امر خطر رقابت با ایران را افزایش می دهد. نظر شما در این باره چیست؟

من با این نظر موافق هستم. ترکیه تا کنون دقت بسیاری به خرج داده است تا علیرغم اختلاف های سیاسی عمیق در باب سوریه، ارتباط نزدیک خود را با ایران حفظ کند. ترکیه و ایران هر دو می دانند که به یکدیگر احتیاج دارند و مراقب هستند که مبادا به گونه ای آشکار موجب خشم طرف مقابل شوند. این به نفع ترکیه نخواهد بود که به یک محور ضد ایرانی بپیوندد.



گفتگو: مریم خرمایی

ترکیه به ائتلاف ضد ایرانی از سوی عربستان نمی پیوندد

پروفسور «مهران کامرو» آشتی میان ترکیه و عربستان را برای نیل به اهداف راهبردی مشترک امکان پذیر می داند. اما به عقیده وی دولت آنکارا منطقی تر از آن است که به دعوت ریاض برای دشمنی با ایران پاسخ مثبت دهد.

به گروه هایی چون «اخوان المسلمین» و «حماس» وجود دارد، آیا اصولاً آشتی پذیری بین ترکیه و عربستان سعودی در جهت ساختن اتحاد ضد ایرانی امکان پذیر است؟

البته، از آنجا که منافع ملی اغلب بر منافع ایدئولوژیک برتری می یابد، این کاملاً امکان پذیر است که هر کشوری مواضع فعلی خود را به منظور مقابله با یک تهدید بزرگتر تغییر دهد. هر کشوری منافع راهبردی و دیدگاه های ایدئولوژیک خود را دارد. گاهی اوقات این منافع راهبردی و دیدگاه های ایدئولوژیک با یکدیگر همگرایی دارند و گاهی اوقات نیز در تقابل با هم قرار گرفته و یکدیگر را دفع می کنند. به طور معمول وقتی این دو در تقابل با یکدیگر قرار می گیرند، منافع راهبردی هستند که بر منافع ایدئولوژیک پیروز

میان ایران و ترکیه تحت تاثیر پویایی، افت و خیز و جریانات مختص به خود است و در این میان عربستان سعودی تنها یکی از عوامل تعیین کننده خواهد بود. بنابراین، من برداشت منفی از دیدار اردوغان و ملک سلمان به آن نحوی که گفته می شود ندارم. البته ایران نمی تواند ترکیه را نادیده بگیرد چرا که این کشور یک بازیگر مهم در مسائل کلیدی و منطقه ای است. اما، دیدار صورت گرفته بین اردوغان و ملک سلمان نباید به خودی خود تا به این حد بزرگ شود که از آن به عنوان نشانه ای از تمایل ترکیه در پیوستن به محور ضد ایرانی تعبیر شود.

|| با در نظر گرفتن تفاوت هایی که میان دولت آنکارا و ریاض به ویژه بر سر مواضع آنها نسبت

ترکیه و عربستان سعودی به عنوان کشور خاورمیانه همواره تاریخی طولانی در رقابت های منطقه ای داشته اند. رابطه میان این دو کشور اگرچه در ظاهر رنگ خصوصیت به خود ندیده، در باطن تحت الشعاع جنگ سردی بوده است که از تفاوت اهداف ایدئولوژیک آنها نشأت می گیرد. اقدام دولت ریاض به جای دادن گروهی مانند «اخوان المسلمین» در شمار سازمان های تروریستی و در مقابل، اعلام حمایت قاطع دولت آنکارا از این گروه، به تنهایی نشانه ای از اختلاف نظر عمیق ترکیه و عربستان درباره چگونگی به اوج رساندن قرانت خود از اسلام است. از سوی دیگر، این دو کشور منطقه منافع مشترکی نیز دارند که یکی از آنها براندازی دولت «بشار اسد» و اصولاً مقابله با همه متحدان ایران است.

|| ایران به عنوان کشور مهم خاورمیانه در قطب مخالف ترکیه و عربستان سعودی قرار می گیرد. حال سؤال این است که آیا دولت های ریاض و آنکارا حاضر می شوند برای مقابله با گسترش هژمونی اسلام شیعه - که نمایندگی آن را ایران بر عهده دارد - اختلافات داخلی خود را کنار گذاشته و با یکدیگر متحد شوند؟ سفر اخیر رئیس جمهور ترکیه به ریاض و دیدار وی با پادشاه عربستان سعودی، به شایعه پیوستن دولت آنکارا به محور ضد ایرانی دامن زده است تا آنجا که سوالات زیادی درباره امکان آشتی میان آنکارا - ریاض و پیامد های آن مطرح می شود. پاسخ این سؤالات را در گفتگو با پروفسور «مهران کامرو» جویا شدیم که مشروح آن در ادامه آمده است. کامرو رئیس مرکز مطالعات بین المللی و منطقه ای دانشگاه جرج تاون در قطر است. وی دکترای خود را در علوم اجتماعی و علوم سیاسی از دانشگاه کمبریج اخذ کرده و صاحب مقالات و کتابهای زیادی است. کتابهای «قطر: کشور کوچک»، «سیاست بزرگ»، «خاورمیانه مدرن: تاریخ سیاسی پس از جنگ جهانی اول» و «انقلاب فکری ایران» از جمله آثار وی به شمار می رود.

|| با توجه به سفر اخیر «رجب طیب اردوغان» رئیس جمهور ترکیه به ریاض، برخی بر این باور هستند که «ملک سلمان» پادشاه جدید عربستان سعودی در تلاش برای جلب رضایت دولت آنکارا برای پیوستن به محور ضد ایرانی است. نظر شما در این باره چیست؟

من فکر می کنم که پادشاه جدید عربستان سعودی درصدد است تا بار دیگر دوام رهبری عربستان را در منطقه خاورمیانه تضمین کند. اما این لزوماً به معنای کوشش دولت ریاض به ترغیب ترکیه در پیوستن به محور ضد ایرانی نیست. روابط



اسپا

دبیران: فاطمه درخشان - فریدون ناعمی

بی بی سی تحلیل کرد؛

چین و میانجیگری میان طالبان و دولت افغانستان

چین در حال حاضر تلاش دارد تا میان دولت افغانستان و گروه طالبان میانجیگری کند. دلایل داخلی و خارجی چندی برای ایفای این نقش از سوی چین وجود دارد.

از سوی دیگر طالبان نگران ادامه حمایت پاکستان، مهمترین و اصلی ترین حامی خود است. مقامات اسلام آباد بویژه پس از حمله اعضای طالبان به مدرسه‌ای در پیشاور، بر عزم خود برای مبارزه با افراطیان در هر نوع شکل و با هر عنوانی تاکید می‌کنند و عملیات نظامی خود علیه آنها را براه انداخته‌اند. این کشور اخیراً هم ارتباطات تازه‌تری با افغانستان و در چارچوب همکاری‌های دو کشور برای مقابله با تروریسم برقرار کرده‌اند. در همین ارتباط نثارعلی خان، وزیر داخله پاکستان، چند روز پیش گفته بود که همکاری میان پاکستان و افغانستان در مبارزه با تروریسم معجزه خواهد کرد. او گفته بود، روابط پاکستان و افغانستان هیچ زمانی تا این حد خوب نبوده است. با این احتساب اشتباه نخواهد بود که بگوییم طالبان می‌تواند نگران ادامه حمایت پاکستان باشد که در این صورت بدین مفهوم است که آنها جاپای خود در افغانستان را متزلزل خواهند دید. این نکته از آنجا مهم است که اخیراً گزارش‌هایی مبنی بر فعال شدن نیروهای طالبان در افغانستان منتشر شده است که در حال جذب نیرو هستند. این خطری است که بر تضعیف مواضع طالبان در افغانستان می‌تواند منجر شود. حبیب الله استانکز، رئیس شورای ولایتی لوگر، جایی که در آن اخیراً عده‌ای به خانه‌های مردم حمله کرده‌اند گفته است که اعضای این گروه برای داعش تبلیغات می‌کنند و به مردم می‌گویند «هبر شما از این پس بغدادی است و نه ملا عمر». چنین تلاش‌هایی در عمل به مفهوم تضعیف طالبان و رهبر آن می‌تواند تعبیر شود؛ چیزی که شاید نه طالبان و نه حامیان آن تمایلی به آن داشته باشند.

|| پاکستان

در این تصویر که به نوعی به مفهوم افزایش بالقوه نقش هند می‌تواند باشد، منطقی به نظر می‌رسد که چین بخواهد به نقش خود و قدرتش در چانه‌زنی و میانجیگری تاکید کند. در عین حال در این رایزنی‌ها و تلاش برای میانجیگری در قضایای افغانستان، چین از وجهه بهتری در مقایسه با آمریکا برخوردار است. از سوی دیگر این کشور ارتباط نزدیکی با پاکستان دارد که در عمل می‌تواند به نقش این کشور در احتمال به سرانجام رساندن تلاش‌های میانجیگری کمک کند. هند به رغم نقش بسیار مثبتش در افغانستان و وجهه «خوبش» در بین بسیاری از مردم و نخبگان این کشور، از این موقعیت چین برخوردار نیست؛ به عبارتی هم با افراطیان منطقه از جمله طالبان مشکلاتی عمیق دارد و هم با پاکستان که از حامیان اصلی طالبان است. نکته جالب توجه در این مطلب نیز شاید این باشد که گروه طالبان و شبکه حقانی بسیاری از اهداف هند در افغانستان را بارها مورد حمله قرار داده‌اند ولی شاید با اطمینان بتوان گفت که حمله به اهداف چین در افغانستان به مراتب کمتر بوده است.

|| طالبان نگران است

در این تلاش‌های میانجیگری، نگاه شاید مثبت‌تر و تلاش‌های طالبان نیز از اهمیت برخوردار است. با خارج شدن نیروهای ائتلاف از افغانستان (اگرچه حدود ۱۰ هزار نفر از نیروهای آمریکایی هنوز در این کشور هستند)، اما در عمل یکی از مهمترین خواسته‌های طالبان، به نوعی برآورده شده است.

مقامات پکن برای حفظ نوعی ارتباط با تروریست‌های فعال در منطقه، در این چارچوب می‌تواند ارزیابی شود. از سوی دیگر چین حضور اقتصادی فعال و قوی در افغانستان دارد و هرگونه بی‌ثباتی بویژه با خروج نیروهای ائتلاف و آمریکا بر منافع چین در افغانستان بویژه در بخش صنعت و معدن، می‌تواند ضربه بزند. افغانستان و چین در عرصه‌های مختلف به ویژه اقتصادی روابط تنگاتنگ دارند و شرکت‌های چینی در استخراج معادن افغانستان فعال هستند. شرکت‌های چینی برای استخراج مس عینک، بزرگترین معدن مس افغانستان، پروژه استخراج نفت در شمال افغانستان و اجرای برنامه‌های راه سازی پول‌های زیادی سرمایه گذاری کرده‌اند.

|| رقابت‌های استراتژیک منطقه‌ای

رقابت‌های استراتژیک منطقه‌ای بویژه با هند را می‌توان از دیگر دلایل بارزتر شدن فعالیت چین در تلاش برای میانجیگری بین اعضای طالبان و دولت افغانستان نامید. مقامات آمریکایی پیشتر و به صراحت عنوان کرده‌اند که خواهان فعالیت‌های هند در منطقه و بویژه در مسایل مربوط به افغانستان هستند. نزدیک‌تر شدن دهلی‌نو به واشنگتن در سالهای اخیر و تغییرات استراتژیک در سیاست خارجی آمریکا را می‌توان در پشت صحنه این دیدگاه دید. مقامات آمریکایی عنوان کرده‌اند که آنها در نظر دارند تا چند سال آینده تمرکز خود را بویژه در مورد نیروهای رزمی خارج از این کشور، بر منطقه اقیانوس هند متمرکز کنند. به گفته ناظران برخی از اقدامات چین در این منطقه از جمله دلایل اصلی این تغییرات می‌تواند باشد.

منابعی از گروه طالبان افغانستان روز یکشنبه ۳ اسفند گفتند که هیاتی از نمایندگان این گروه به اسلام‌آباد پایتخت پاکستان، رفته است. بر اساس گزارش‌های قاری دین محمد که قبلاً در راس هیاتی از گروه طالبان به چین رفته بود، رهبری این هیات را به عهده داشته است. همزمان این منابع گفتند که چین نیز در جریان سفر هیات طالبان به اسلام‌آباد قرار دارد. سالهاست که گفته می‌شود پکن تماس‌هایی را با عناصری در داخل گروه طالبان حفظ کرده است، اما ظاهراً این تلاش‌ها بویژه در چند ماه گذشته بارزتر شده است. این تلاش‌های چین در مقایسه با دیگر بازیگران صحنه سیاسی و منازعات در افغانستان شاید کمتر دیده شده باشد و در همین چارچوب شاید این سوال را ایجاد کند که چه دلایلی باعث این تلاش‌های روبه افزایش چین شده است؟ چین سالهاست که با مشکل در استان سین کیانگ خود مواجه است. عمده جمعیت استان سین کیانگ را اوغورهای مسلمان تشکیل می‌دهند و این استان بارها صحنه اعتراضات آنان به محدودیت‌ها و تبعیض‌های قومی و همچنین بروز درگیری‌های خشونت‌بار بوده است. اوغورها معتقدند چین کمونیستی، سرزمین مستقل آنها را اشغال کرده است. چین اما ادعا می‌کند مردم اوغور از آمدن ارتش خلق چین استقبال و از آن حمایت کرده‌اند. در استان سین کیانگ بیش از ۳۰ هزار نفر فارسی‌زبان تاجیک هم زندگی می‌کنند که بیشتر آنها در شهر تاش قرغان و اطراف آن در نزدیکی مرز تاجیکستان ساکنند. مقامات چین از احتمال ارتباط عناصری در این استان با افراط‌گرایان بویژه در مناطق آسیای مرکزی و طالبان افغانستان همواره نگران بوده و به گفته تحلیلگران تلاش

گفتگو با عضو برجسته طالبان:

هیچ کدام از اعضای داعش در افغانستان فعال نیست

عضو برجسته طالبان با اشاره به اینکه هیچ کدام از اعضای داعش در افغانستان فعال نیست گفت: طرح حضور داعش در افغانستان برای لطمه زدن به گفتگوهای صلح است.



اکنون در سوریه و عراق درگیر جنگ است و به دلیل مشکلات ناشی از جنگ، اساساً نمی‌تواند در حوزه افغانستان فعالیت داشته باشد. بوی تأکید کرد که زمزمه های حضور داعش در افغانستان، دسیسه ای برای مختل کردن روند صلح است.

وی حضور نیروهای خارجی را مهمترین عامل جنگ و درگیری در منطقه دانست و گفت که با آمدن نیروهای خارجی به افغانستان و عراق، جنگ و گرفتاری به مردم این کشورها تحمیل شده و آنچه که در سوریه، لیبی و سایر کشورهای اسلامی روی می‌دهد نیز به همین دلیل است.

این عضو ارشد طالبان در بخش دیگری از سخنان خود، یاد آور شد که پس از پایان سال ۲۰۱۴ به عنوان آخرین سال حضور نیروهای خارجی در افغانستان، اوضاع این کشور تغییر کرده و انتظار می‌رود که پاکستان نیز با این تغییر اوضاع، در صدد تغییر سیاست‌های خود باشد.

وی گفت که امنیت افغانستان و پاکستان به هم مرتبط و به هم تنیده است و به همین دلیل، می‌توان تا حدی به همکاری پاکستان در حمایت از روند صلح در افغانستان امیدوار بود.

صلح، در یک انتخابات آزاد و شفاف شرکت خواهند کرد. سید اکبر آغا گفت که چنانچه طالبان در قالب یک توافق و با گرفتن چند وزارتخانه وارد بدنه حکومت شوند، طرفداران شان از آنها خواهند پرسید که جنگ‌های گذشته آنها به چه دلیلی بوده است؟ و به همین دلیل ورود به بدنه حکومت، از سوی طالبان امکان‌پذیر نیست؛ اما در صورت برگزاری یک انتخابات عادلانه و شفاف که همه مردم افغانستان و از جمله طرفداران طالبان در آن حضور داشته باشند، در ساختار سیاسی افغانستان حضور خواهند یافت.

وی، بار در حضور گروه داعش در افغانستان گفت که اصلاً هیچ فردی تحت عنوان داعش در افغانستان فعالیت ندارد و شایعه‌های حضور داعش در افغانستان، توسط برخی از کشورهای خارجی با هدف لطمه زدن به روند گفتگوهای صلح صورت می‌گیرد.

این مقام پیشین طالبان افزود که ملا عبدالرؤف که حدود دو هفته قبل به عنوان والی خراسان داعش در افغانستان کشته شد، علیرغم داشتن اختلافاتی با برخی مقامات طالبان، به ملا محمد عمر رهبر طالبان وفادار بوده و هیچ ارتباطی با داعش نداشته است.

وزیر عدلیه حکومت طالبان گفت که گروه داعش هم

عبدالله عبدالله رئیس‌اجرائی دولت افغانستان در اظهاراتی در جمع وزرای دولت وحدت ملی افغانستان گفته بود که مذاکره با طالبان می‌تواند از چند روز دیگر آغاز شود و این مذاکرات به سود منافع افغانستان است. همچنین محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهور افغانستان در سخنانی تصریح کرده بود که شرایط برای صلح در افغانستان در طی ۳۶ سال گذشته تا این اندازه آماده نبوده است. سید اکبر آغا از اعضای برجسته طالبان گفت که همه کشورهای منطقه از خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان استقبال می‌کنند و طالبان نیز در صورتی که آمریکا به روند خروج خود از افغانستان ادامه دهد، آمادگی دارد تا حضور فعال در گفتگوهای صلح داشته باشد.

این عضو طالبان افزود که شوراهایی همچون هند و چین نیز حضور آمریکا در افغانستان را مشکل خود می‌دانند و به همین دلیل همزمان با کاهش نیروهای آمریکایی در خاک افغانستان، به عنوان میانجی صلح، وارد عمل شده‌اند.

وی، ضمن استقبال از میانجیگری هند و چین برای گفتگوهای صلح تأکید کرد که طالبان حاضر نیستند وارد بدنه حکومت فعلی شوند، اما در صورت پیش رفت روند

ریشه گرفتن داعش در افغانستان؛ هشدار برای جامعه بین‌الملل

چندی است که زمزمه‌های نفوذ داعش در افغانستان موج جدیدی از نگرانی را برانگیخته است به ویژه که تجارت پر رونق مواد مخدر در این کشور می‌تواند منبع درآمدی خوبی برای این گروه تلقی شود.

حضور این گروه و احتمال گسترش حوزه عملیاتشان به شمال کشور، ابراز نگرانی نمودند.

سپس هشدارها از جانب فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان و در پی آن رئیس‌دایره مبارزه با مواد مخدر روسیه ابراز شد. در مورد اخیر، ویکتور ایوانوف اظهار داشت که داعش در حال حاضر سالانه یک میلیارد دلار سود از طریق محموله‌های هروئینی که از افغانستان وارد قلمرو تحت کنترلش می‌شود دریافت می‌کند و این سود می‌تواند همزمان با گسترش دایره نفوذ این گروه در افغانستان بیشتر شود.

در نهایت نباید فراموش کرد که گسترش حضور داعش در افغانستان راه را برای نفوذ آنها در کشور مجاور یعنی پاکستان نیز هموار خواهد نمود - کشوری که در حال حاضر نیز میزبان ترکیب خطرناکی از گروه‌های تروریستی مختلف نظیر القاعده و شبکه حقانی و حتی شبه نظامیانی از کشمیر، ازبکستان و تاجیکستان است.

لازم به ذکر است که توفیقات داعش در افغانستان صرفاً جنبه نظامی ندارد بلکه ایشان به مانند طالبان با دستیابی به بخشی از بازار مواد مخدر می‌توانند محصولات به دست آمده را از طریق بخش‌هایی از عراق که در کنترل آنهاست به غرب ارسال نمایند. این برای داعش سود سرشاری دارد به ویژه در این برهه از زمان که درآمد ایشان از فروش نفت حاصل از چاه‌های تصرف شده که تا مدتی پیش به یک میلیون دلار در روز می‌رسید به واسطه حملات گروه ائتلاف مورد تهدید قرار گرفته است.

ضمناً، بخشی از درآمد داعش نیز که از راه فروش آثار باستانی عراق حاصل می‌شد با رویکرد جدید رهبران گروه مبنی بر تخریب مظاهر تمدن باستان رو به کاهش است.

در هر صورت، مدتی طول کشید تا مقامات محلی و بین‌المللی نسبت به تهدید داعش علیه افغانستان شناخت پیدا کنند و هشدار نیز برای نخستین بار از جانب رهبران محلی استان هلمند عنوان شد که از



خارج کرده و به تدریج تبدیل به یک بازیگر کلیدی در عرصه تجارت تریاک، سودآورترین دارایی افغانستان، می‌شد. به این ترتیب، در بخشی از استان هلمند پرچم سیاه داعش رفته رفته جایگزین پرچم سفید طالبان شد و روستاهای اطراف شهرستان «سنگین» که زمانی سنبل مقاومت طالبان بود عرصه حضور داعش گردید.

ناگفته نماند که اقدام ماه گذشته گروه تروریستی بوکوحرام در بیعت با داعش به محبوبیت این گروه دامن زد. علاوه بر این، هشدارهایی نیز در خصوص ریشه گرفتن داعش در لیبی وجود دارد اما به هر حال در مقام مقایله با این جریان تمرکز بیشتر بر روی منطقه عراق و سوریه بوده است و متأسفانه گسترش دامنه داعش به افغانستان از سوی جامعه بین‌الملل نادیده گرفته شده است.

وقتی در ژانویه گذشته داستانهایی بر سر زبانها افتاد مبنی بر اینکه در افغانستان شخصی به اسم ملا عبدالرؤف به نیابت از گروه داعش عهده‌دار سربرازگیری از میان هم‌رزمی‌های طالبان خود شده است، بسیاری متحیر ماندند چرا که وی سابقه درخشانی در گروه طالبان داشت که قدرتمندترین شبه‌نظامیان افغان هستند و کارنامه وی از جراحت سنگین در نبرد با روسها، تحمل شکنجه‌های زندان گوانتانامو و سپس بازگشت به میدان کارزار حکایت می‌نمود.

اگر چه رؤف یک ماه بعد از انتشار این گزارش در حمله‌هایی پهلای آمریکایی کشته شد، اما گروه داعش که فعالیتش را در این کشور از پاییز گذشته آغاز نموده بود به پیشروی خود ادامه داده و همزمان بخشهایی را از جنگ طالبان و حتی دولت

گفتگو با نماینده پارلمان افغانستان:

تحول اساسی در نظام انتخاباتی افغانستان ایجاد می کنیم



نماینده پارلمان افغانستان گفت: ما قصد داریم یک تحول بنیادین در نظام انتخاباتی افغانستان ایجاد کنیم تا بتوانیم اعتماد از دست رفته مردم را دوباره جلب کنیم.

خانم شکریه بارکزی، نماینده پارلمان افغانستان گفت: اصلاحات همه جانبه و بنیادی در ساختار انتخاباتی افغانستان ایجاد خواهد شد. وی افزود: کمیسیون اصلاحات انتخاباتی افغانستان به عنوان یک ضرورت و برای اعتبار انتخابات افغانستان ساخته شده است؛ البته نباید فراموش کرد که نمی توان گفت با ایجاد این کمیسیون همه مشکلات انتخاباتی کشور حل خواهد شد، زیرا اصلاح ساختار نظام انتخاباتی یک پروسه زمان گیر است.

نماینده پارلمان افغانستان اظهار داشت: ما قصد داریم یک تحول بنیادین در نظام انتخاباتی افغانستان ایجاد کنیم؛ برای اینکه می خواهیم انتخابات یک پروسه شفاف و ملی برای

تعیین زعامت سیاسی مردم افغانستان باشد و بتوانیم اعتماد مردم را دوباره جلب کنیم.

بارکزی افزود: راه حل هایی که ما باید به رئیس جمهور و رئیس اجرایی کشور ارائه کنیم دارای سه مرحله است. کوتاه مدت برای انتخابات شوراهای ولایتی و پارلمان، میان مدت برای انتخابات ریاست جمهوری و دراز مدت برای انتخاباتی که در مجموع برای افغانستان ضرورت دارد.

وی گفت: مکانیزمی که ما برای اصلاح ساختار انتخاباتی افغانستان ارائه می کنیم باید همه جانبه و عملی باشد و بتواند اعتماد از دست رفته مردم را دوباره جلب کند و آنها را دوباره با بحث انتخابات آشتی دهد.

نماینده پارلمان افغانستان در خصوص برگزاری انتخابات پارلمان این کشور گفت: متأسفانه انتخابات پارلمان به موقع انجام نخواهد شد.



گفتگو با نماینده پارلمان افغانستان؛

اختلاف نظر اشرف غنی و عبدالله بر سرمسئولین کمیسیون اصلاح انتخابات

کنند، اما با گذشت زمانی طولانی هنوز این مساله سرو شکل درستی به خود نگرفته است و حتی مسئولین کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان نیز در برابر اصلاحات و تغییر در این نهاد مقاومت می کنند.

با توجه به نزدیک شدن انتخابات پارلمانی، بسیاری از نخبگان افغانستان ایجاد کمیسیون اصلاح انتخابات را از ضروریات فوری این کشور می دانند.

وی اظهار داشت: هنوز جنجال های زیادی در خصوص اصلاح ساختار انتخاباتی افغانستان باقی مانده است و اظهارات ضد و نقیضی از سوی مسئولین دولت وحدت ملی صورت می گیرد.

پس از جنجال های انتخاباتی یک سال اخیر افغانستان، دولت جدید و اعضای پارلمان تصمیم گرفته اند تا تحول اساسی در ساختار انتخاباتی افغانستان ایجاد

و سابقه تقلب و جانبداری از یک جریان خاص را نداشته باشند.

وی در مورد اختلاف نظر میان اشرف غنی و عبدالله عبدالله در خصوص مسئولین این کمیسیون گفت: یکی از معیارهایی که برای مسئولین کمیسیون انتخابات لازم است، بی طرفی آنها است که همه احزاب بتوانند به او اعتماد کنند.

فوزیه کوفی، نماینده پارلمان افغانستان گفت: یکی از معیارهایی که برای مسئولین کمیسیون انتخابات لازم است، بی طرفی آنها است که همه احزاب بتوانند به آنها اعتماد کنند.

فوزیه کوفی، نماینده مردم بدخشان در پارلمان افغانستان گفت: کسانی که در راس کمیسیون اصلاح انتخابات قرار می گیرند باید کاملاً بی طرف باشند

اژدها پشت دروازه هند؛ فرصت ها و تهدیدهای موجود برای پاکستان

سفر رئیس جمهور چین به پاکستان، با توجه به رقابت و تنش هایی که این دو کشور با هند دارند بدون شک فصل جدیدی را در مناسبات شرق و غرب آسیا خواهد گشود.

«شی جینپینگ» رئیس جمهور چین، پیش از ظهر دوشنبه وارد اسلام آباد شد و مورد استقبال «نواز شریف» نخست وزیر پاکستان قرار گرفت. بر اساس اخبار موجود، رئیس جمهور چین در سفر به اسلام آباد بالغ بر ۴۶ میلیارد دلار در پاکستان سرمایه گذاری خواهد کرد. نزدیک شدن چین به پاکستان و افزایش مناسبات پکن با اسلام آباد، می تواند زنگ هشدار برای هند باشد که هم با چین در رقابت است و هم با پاکستان اختلافات گسترده ای دارد.

دلایل اهمیت پاکستان برای چین

به اعتقاد کارشناسان، چین و پاکستان در سالیان گذشته دارای روابط ممتازی بودند و سفر رئیس جمهوری چین به این کشور می تواند ضمن تحکیم این مناسبات، در تقویت و ثبات منطقه نیز اثر گذار باشد. پاکستان، به لطف حسن همجواری با چین، توانسته در سالیان گذشته روابط ممتازی در زمینه های مختلف با دومین قدرت اقتصادی جهان برقرار کند و دولت کنونی اسلام آباد نیز یکی از اصلی ترین رویکردهای خود را در عرصه اقتصاد و سیاست خارجی، گسترش بیش از پیش روابط با پکن قرار داده است.

بدون شک این سفر علاوه بر پاکستان برای چین نیز خالی از دستاورد نخواهد بود و شاید بتوان گفت که یکی از مهمترین دستاوردهای این سفر برای چین، تلاش پکن برای ورود به طرح های مهم زیربنایی در پاکستان از جمله طرح توسعه بنادر و مساعدت به پاکستان برای حل معضل کمبود انرژی باشد.

به همین سبب چین قصد دارد با تامین ۸۵ درصد از دو میلیارد دلار منبع مالی مورد نیاز برای احداث خط لوله صلح در خاک پاکستان به انتقال گاز ایران به اسلام آباد کمک کند. روابط چین و پاکستان همیشه گرم بوده و در همین راستا است که «وانگ یی» وزیر امور خارجه چین روابط دوستانه دو کشور را به «برادری اهنین» توصیف کرد.

او گفت که پکن و اسلام آباد نسبت به یکدیگر درک متقابل دارند.

قرار است طرح مهم جاده ابریشم چین که بخشی از آن با عنوان کریدور اقتصادی چین و پاکستان شناخته می شود و پاکستان را هم در بر می گیرد مطرح شود و این برای هر دو طرف سودمند خواهد بود. این کریدور به ساختارهای زیربنایی چون جاده، راه آهن، خط لوله و بنادر نیاز دارد و باعث خواهد شد تا پاکستان به سرمایه های بیشتری دست یابد.

طرح احداث این کریدور به عنوان شریان حیاتی آینده اقتصاد چین، از حدود سه سال پیش کلید خورد. این کریدور که

مبداء آن بندر گوادر در جنوب غربی ترین نقطه پاکستان در ایالت بلوچستان این کشور و مقصد آن شهر کشگر (چینی ها به آن کاشی می گویند) واقع در استان سین کیانگ در غرب چین است، شامل سه بخش مهم و مواری خطوط حمل و نقل جاده ای، ریلی و خط لوله های انتقال انرژی است و عملیات احداث خطوط جاده ای در بخش های از شمال پاکستان از سوی شرکت های چینی آغاز شده است.

تکمیل این طرح عظیم که می تواند دستاوردهای فراوان از جمله توسعه اقتصادی و اشتغال و بدنبال آن بهبود وضعیت امنیت را برای پاکستان به دنبال داشته باشد، دست کم ۱۰ تا ۱۵ سال زمان خواهد برد و حداقل به ۴۵ میلیارد دلار سرمایه گذاری نیازمند است. چینی ها قرار است بعد از تکمیل طرح توسعه بندر گوادر، که بخشی از کریدور چین - پاکستان خواهد بود، مدیریت این بندر کلیدی را به مدت ۴۰ سال در اختیار بگیرند و این به معنای حضور پر قدرت چین در جنوب آسیا و آبهای دریای عرب و اقیانوس هند خواهد بود. گزارش هایی نیز منتشر شده است که حکایت از تصمیم چین برای ایجاد پایگاه دریایی در سواحل جنوب پاکستان دارد.

از آن سو چین قصد دارد برای ساخت یک نیروگاه برق هسته ای در کراچی به ارزش بیش از شش میلیارد دلار به اسلام آباد کمک کند. دو کشور از زمانی که توافقنامه تجارت آزاد را در سال ۲۰۰۶ میلادی امضا کردند، شاهد گسترش روابط بوده اند و در یک دهه گذشته ارزش مبادلات تجاری آنها هشت برابر شده و به حدود ۱۵ میلیارد دلار رسیده است. چین نگاه به آینده دارد و برای حفظ توان و قدرت خود، به پاکستان کمک های بیشتری خواهد کرد. چین برای تامین منافع خود قدم های بزرگی برای تثبیت پاکستان برداشته است و این مسیر را ادامه خواهد داد. از سوی دیگر، چین به مرزهای خود با پاکستان و افغانستان اهمیت زیادی می دهد و طبیعتاً یکی از مهمترین خواسته هایش این است که پاکستان در تامین امنیت و مبارزه با تروریسم کوتاهی نکند.

رقابت با آمریکا بر سر پاکستان

در حالی که هند روابط رو به گسترشی را با آمریکا تجربه می کند، این طبیعی است که چین بخواهد پاکستان مانند یک متحد برایش در منطقه عمل کرده و ضمن بهره برداری از کمک های اقتصادی، در زمینه های امنیتی و مبارزه با تروریسم هم کمک حال چین باشد.

سفر جینپینگ به اسلام آباد و قصد چین برای سرمایه گذاری ۴۶ میلیارد دلاری در پاکستان در حالی است که این کشور (پاکستان) سال هاست به عنوان هم پیمان

آمریکا در منطقه به شمار می رود و واشنگتن برای نگه داشتن اسلام آباد در کنار خود سالانه میلیاردها دلار به پاکستان کمک می کند. علاوه بر آن حضور در پاکستان به آمریکا این امکان را می دهد که استراتژی جدید نظامی خود یعنی تمرکز بر آسیا را با دستان بازتری انجام بدهد اما حضور چین در این کشور و سرمایه گذاری گسترده در زیر ساخت های پاکستان، اسلام آباد را به نوعی وام دار چین می کند.

فراموش نکنیم که چین از سال ۲۰۱۳ حضور در بنرهای مهم پاکستان را نیز آغاز کرده و بر اساس قراردادی که میان دو کشور به امضا رسید چین به مدت ۴۰ سال اداره بندر «گوادر» در استان بلوچستان پاکستان که در دریای عرب قرار دارد را برعهده دارد.

به نوشته روزنامه اکسپرس تریبون حضور چین در بندر گوادر علاوه بر آنکه ارتباط با کشورهای حاشیه خلیج فارس را برای پکن ساده تر می کند به چین این امکان

را می دهد که اقدام به دایر کردن یک پایگاه نظامی دریایی در دریای عرب کند. و این یعنی به وجود آمدن یک میدان جدید برای رقابت میان آمریکا و چین. بر همین اساس حضور آرام و بی سر و صدای چین در پاکستان می تواند اسلام آباد را رفته رفته از جمع همپیمانان آمریکا جدا کرده و آن را در صف متحدان چین قرار دهد.

فرصت مناسب برای بازی با کارت چین

همانطور که اشاره شد آمریکا روابط گسترده ای با پاکستان دارد و آمریکا برای آنکه حضور خود در منطقه بویژه در نزدیکی مرزهای ایران را حفظ کند به داشتن رابطه با کشورهای همچون پاکستان نیازمند است.

علاوه بر آن آمریکا در دهه گذشته هزینه زیادی را در مورد افغانستان کرده و با وجود صرف میلیاردها دلار و کشته شدن تعداد زیادی از نظامیان ایالات متحده، واشنگتن توانست به اهداف خود در افغانستان برسد از همین رو حفظ اسلام آباد برای واشنگتن در راستای پگیری سیاست های ایالات متحده در قبال افغانستان ضروری به نظر می رسد. بر اساس همین دلایل آمریکا علاقه ای به این موضوع ندارد که پاکستان به آغوش چین پناه ببرد از همین رو سفر جینپینگ به اسلام آباد این فرصت را برای مقامات پاکستان بوجود می آورد که با توجه به رقابت موجود میان واشنگتن و پکن، و با بکارگیری یک دیپلماسی و با

توجه به نیاز چین و آمریکا به اسلام آباد، منافع زیادی را کسب کند

عاملی برای تشدید تنش ها

همانطور که اشاره شد سفر رئیس جمهور چین به پاکستان می تواند به عنوان زنگ هشدار برای هند باشد. هند هم اکنون نزدیکترین رقیب چین در آسیا محسوب می شود و دو کشور رقابت تنگاتنگی را در عرصه های مختلف با یکدیگر دارند. علاوه بر این، هند اختلافات گسترده ای را نیز با پاکستان دارد و نزدیک شدن دو رقیب به یکدیگر یعنی آنکه هند باید در سیاست های منطقه ای و حتی بین المللی خود تجدید نظر کند.

این وضعیت فرصت مناسبی برای آمریکا خواهد بود تا با افزایش مناسبات با هند حضور خود در مرزهای چین را افزایش بدهد از سوی دیگر هر چند «نارندرا مودی» نخست وزیر هند، در آغاز دوره نخست وزیری خود اعلام کرده که در پی کاهش



تنش میان دهلی با پکن و اسلام آباد است اما به نظر می رسد با توجه به اتفاقاتی که در یک سال اخیر رخ داده این موضوع در مورد پاکستان صدق نمی کند چون حکومت راستگرای هند در مقایسه با حکومت های گذشته این کشور سیاست تهاجمی تر را علیه پاکستان اختیار کرده بطوریکه مودی چندی قبل بالحنی هشدار گونه به پاکستان گفت که زمان تغییر کرده و عملکرد قدیمی پاکستان دیگر قابل تحمل نیست.

در این میان چین که با پاکستان رقیب دیرینه هند یک اتحاد سیاسی را ایجاد کرده، روابط اقتصادی خود را با دیگر کشورهای جنوب آسیا مانند سریلانکا، مالدیو، و نپال را نیز گسترش داده است.

نتیجه آنکه با توجه به وضعیت موجود در منطقه و همچنین سیاست های آمریکا در آسیا، افزایش مناسبات چین با پاکستان می تواند موجب تحریک هند برای گسترش مناسبات با آمریکا و دیگر مخالفان منطقه ای چین از جمله ژاپن و کره جنوبی شده و حتی ائتلاف جدیدی را علیه چین در شرق آسیا شکل بگیرد.

بدون شک افزایش تنش میان چین و هند، بیش از هر کسی به نفع آمریکایی خواهد بود که از سال ۲۰۱۰ میلادی استراتژی نظامی خود را بر پایه افزایش حضور در آسیا و کنترل چین بنا نهاده و این وضعیت فرصتی مناسب را نیز برای پاکستان فراهم خواهد کرد تا با توجه به رقابت چین و آمریکا از یک سو و چین و هند از سوی دیگر، و حفظ رابطه هم با واشنگتن و هم با پکن منافع زیادی را برای اسلام آباد کسب کند

گفتگو با نماینده پارلمان افغانستان:

دولت وحدت ملی اختلافات داخلی خود را حل کند/ راهکار مشکلات امنیتی

وطن مشغول درگیری در برابر گروه های تروریستی هستند و رهبران دولت به آنها بی توجهند. این نماینده پارلمان افغانستان اظهار داشت: مشکلات امنیتی افغانستان باید به طور اساسی حل و فصل شود و من گمان نمی کنم در صورت معرفی وزیر دفاع، این ناامنی ها پایان یابد. برای حل این مشکلات باید بسیج عمومی مردم علیه دشمنان ملی صورت گیرد. وی با انتقاد از اشرف غنی و عبدالله گفت رهبران دولت باید اقدامات قاطع تری داشته باشند و مسائل داخلی خودشان را حل نمایند.

نماینده مردم بلخ در پارلمان افغانستان با انتقاد از رهبران دولت وحدت ملی گفت: دولت در هشت ماه گذشته هیچ دستاوردی نداشته و ما هر روز شاهد بحران و ناآرامی در کشور هستیم. احمد شاه رمضان، نماینده مردم بلخ در پارلمان افغانستان با انتقاد از رهبران دولت وحدت ملی گفت: دولت در هشت ماه گذشته هیچ دستاوردی نداشته و ما هر روز شاهد بحران و ناآرامی در کشور هستیم. وی با اشاره به ناامنی های اخیر ولایت های شمالی افغانستان گفت: اشرف غنی و عبدالله هیچ توجهی به این مسائل ندارند و این مایه شرمساری است که سربازان



گفتگو با نماینده پارلمان افغانستان:

ناامنی های اخیر افغانستان ناشی از اختلافات داخلی ریاست جمهوری است



محدودیت اختیارات وزرا است؛ به طوری که مثلاً وزیر کشور نمی تواند مسئولین امنیتی کشور را مواخذه و جا به جا کند و در عین حال وزرا نیز درگیر تقسیم قدرت در ارگ شدند و از مسائل داخلی تقریباً بی اطلاع هستند. وی در مورد وزارت دفاع ملی که بعد از گذشت هفت ماه از استقرار دولت افغانستان هنوز نامشخص است، گفت: هنوز چالش های فراوانی میان رهبران دولت در این خصوص وجود دارد که ممکن است افغانستان را به فاجعه ببرد. گفتنی است که چندی پیش افضل لودین از سوی اشرف غنی به عنوان وزیر پیشنهادی دفاع ملی به پارلمان این کشور معرفی شد اما اختلافات داخلی میان وی و عبدالله عبدالله سبب شد تا لودین از گرفتن این پست انصراف دهد.

نماینده مردم کابل در پارلمان افغانستان گفت: در شرایط فعلی رهبران دولت وحدت ملی درگیر تقسیم قدرت هستند و همین مساله موجب شده تا ناامنی هادر کشور افزایش یافته و اقتصاد افغانستان نیز ضربه ببیند. فاطمه نظری، نماینده مردم کابل در پارلمان افغانستان گفت: ناامنی های اخیر در کشور ناشی از اختلافات داخلی در ارگ ریاست جمهوری است. وی گفت: در شرایط فعلی هر دو رهبر دولت وحدت ملی درگیر تقسیم قدرت هستند و همین مساله موجب شده تا ناامنی ها در کشور افزایش یافته و حتی اقتصاد افغانستان را نیز با چالش جدی مواجه کرده است. نماینده مردم کابل در پارلمان افغانستان با انتقاد از تاخیر بیش از حد دولت در تشکیل کابینه گفت: یکی دیگر از مشکلات کشور،

مهار چین؛ دغدغه اصلی وزیر دفاع آمریکا در سفر به توکیو

کرده و گفته من هرگز فراموش نمی کنم که توان نظامی ما بر پایه یک اقتصاد پویا، رو به رشد و بی بدیل بنا شده است. روزنامه واشنگتن تایمز نیز به انتشار بخشی از سخنان دیروز اشتون کارتر پرداخت که در آن بر اهمیت استفاده از فناوری های جدید و تحکیم همکاری با کشورهای منطقه اقیانوس آرام در راستای حفاظت از امنیت ملی آمریکا و مهار کشورهای نظیر چین تاکید شده بود. اشتون کارتر که پیش از سفر به ژاپن در موسسه «مک کین» دانشگاه ایالتی آریزونا سخنرانی داشت در بخشی از اظهارات خود آسیا را منطقه ای مهم برای آینده مردم آمریکا توصیف کرده و گفت: ایالات متحده آمریکا و چین با یکدیگر هم پیمان نیستند، اما این به معنای دشمنی این دو با یکدیگر نیست، بلکه روابط قوی و سازنده میان واشنگتن - پکن برای امنیت جهان ضروری است اما هرچه که پیشتر می رویم این روابط نیز که بر پایه همکاری و در عین حال رقابت است به نوبه خود پیچیده تر می شود.

وزیر دفاع آمریکا با تاکید بر حل مناقشات منطقه آسیا - پاسیفیک از راه های غیر نظامی، بر لزوم تحکیم روابط اقتصادی و نظامی آمریکا با کشورهای این منطقه برای مقابله با قدرت چین تاکید کرد. «اشتون کارتر» که در راستای تحکیم روابط نظامی با کشورهای منطقه اقیانوس آرام به توکیو سفر کرده، در دیدار با «نرال ناگاتانی» همتای ژاپنی خود از اقدامات ژاپن به ایفای نقش نظامی گسترده تر در سطح منطقه آسیا - پاسیفیک به عنوان مانعی برای قدرت طلبی چین استقبال کرد. وی در عین حال بر حل اختلافات مرزی منطقه آسیا - پاسیفیک از راه های غیر نظامی تاکید کرد و ژاپنی علاقه ای به آمریکا به جذب ژاپن به یک کشور خاص در حل مناقشات منطقه ای سخن گفت. اشتون کارتر پیش از آغاز سفر خود به توکیو نیز با اشاره به لزوم همکاری بین ۱۱ کشور منطقه اقیانوس آرام به ویژه استرالیا بر اهمیت پیمان های تجاری با این کشورها تاکید



بدون شک این سفر علاوه بر پاکستان برای چین نیز خالی از دستاورد نخواهد بود و شاید بتوان گفت که یکی از مهمترین دستاوردهای این سفر برای چین، تلاش پکن برای ورود به طرح های مهم زیربنایی در پاکستان از جمله طرح توسعه بنادر و مساعدت به پاکستان برای حل معضل کمبود انرژی باشد.

به همین سبب چین قصد دارد با تامین

پاکستان، به لطف حسن همجواری با چین، توانسته در سالیان گذشته روابط ممتازی در زمینه های مختلف با دومین قدرت اقتصادی جهان برقرار کند و دولت کنونی اسلام آباد نیز یکی از اصلی ترین رویکردهای خود را در عرصه اقتصاد و سیاست خارجی، گسترش بیش از پیش روابط با پکن قرار داده است.

زنگ هشدار برای هند باشد که هم با چین در رقابت است و هم با پاکستان اختلافات گسترده ای دارد.

دلایل اهمیت پاکستان برای چین به اعتقاد کارشناسان، چین و پاکستان در سالیان گذشته دارای روابط ممتازی بودند و سفر رییس جمهوری چین به این کشور می تواند ضمن تحکیم این مناسبات، در تقویت و ثبات منطقه نیز اثر گذار باشد.

«شی جینپینگ» رئیس جمهور چین، پیش از ظهر دوشنبه وارد اسلام آباد شد و مورد استقبال «نواز شریف» نخست وزیر پاکستان قرار گرفت. بر اساس اخبار موجود، رئیس جمهور چین در سفر به اسلام آباد بالغ بر ۴۶ میلیارد دلار در پاکستان سرمایه گذاری خواهد کرد.

نزدیک شدن چین به پاکستان و افزایش مناسبات پکن با اسلام آباد، می تواند

واشنگتن پست تحلیل کرد

گسترش روابط چین با پاکستان/عوامل همگرایی و واگرایی



روزنامه واشنگتن پست در گزارشی به ابعاد تأمل برانگیز گسترش روابط چین با پاکستان از جنبه های مختلف پرداخته است.

روزنامه واشنگتن پست در گزارشی به ابعاد تأمل برانگیز گسترش روابط چین با پاکستان از جنبه های مختلف پرداخته است.

با نگاهی به نوشته های انگلیسی و چینی بیلبردهای مرتبط با سفر رییس جمهور چین به پاکستان و شعارهای رمانتیک از قبیل «روابط دو کشور بلندتر از کوه، عمیق تر از دریا و شیرین تر از عسل» در کشور پاکستان، تمایل زیاد این کشور به گسترش روابط دوجانبه با چین بیش از پیش آشکار می شود.

«شی جینپینگ» رئیس جمهور چین نیز پیش از ورود به پاکستان ضمن ابراز علاقه به توسعه روابط با پاکستان در مقاله ای که روزنامه های پاکستانی آن را منتشر کردند درباره سفر خود گفت: این اولین سفر من به پاکستان است، اما احساس من از این سفر این است که گویا به خانه برادر خود سفر می کنم.

شاید بتوان این سخنان را در قالب الفاظ زیبای دیپلماتیک برشمرد اما با نگاهی عمیق تر دست کم روابط فرهنگی این دو کشور رانمی توان بر خورار جایگاه مطلوبی داشت.

سرمایه گذاری ۴۶ میلیاردی چین در پاکستان در بخش انرژی و زیرساخت با سفر دو روز گذشته شی برای اقتصاد متزلزل این کشور وعده چشم گیری به حساب می آید قطع گسترده برق در پاکستان و کمبود شدید انرژی در این کشور که به وعده انتظاتی نواز شریف در سال ۲۰۱۳ تبدیل شده بود سالهاست که به معضلی برای این کشور جنوب آسیا تبدیل شده و همین امر توجه پاکستان به این سرمایه گذاری را بیشتر کرده است.

طرح مهم جاده ابریشم چین که بخشی از آن با عنوان

کریدور اقتصادی چین و پاکستان شناخته می شود برای هر دو طرف سودمند به نظر می رسد. این کریدور به ساختارهای زیربنایی چون جاده، راه آهن، خط لوله و بنادر نیاز دارد و باعث خواهد شد تا پاکستان به سرمایه های بیشتری دست یابد. از طرفی طرح احداث این کریدور از مبدأ آن در بندر گوادر در جنوب غربی پاکستان تا مقصد آن در شهر کشگر واقع در استان سیگینگ در غرب چین است شامل سه بخش مهم و موازی خطوط حمل و نقل جاده ای، ریلی و خط لوله های انتقال انرژی است و عملیات احداث خطوط جاده ای است. این سرمایه گذاری از مزایای مالی زیادی برای اقتصاد چین برخوردار است. با این وجود دلایل واقعی برای نگرانی در خصوص روابط دوجانبه این دو کشور وجود دارد.

بیشتر پروژه های عمرانی در منطقه گسترده ای در ایالت نآرام بلوچستان انجام می شود. ارتش پاکستان هنوز هم در این منطقه با جدایی طلبان شورشی در مبارزه است و این امر خطرپذیری سرمایه گذاری در این ناحه را بالاتر خواهد برد.

از سوی دیگر تعداد پروژه های اعلامی از سوی چین در مقایسه با مبالغی که تا کنون در پاکستان سرمایه گذاری خارجی انجام شده است، تریدیهایی را درباره اغراق آمیز بودن آن ایجاد می کند.

نکته شایان توجه دیگر عدم توان در برقراری این رابطه است.

چین یکی از شرکاء تجاری پاکستان محسوب می شود. اما کفه این تراز تجاری همواره به نفع چین بوده است. از طرفی، نگاه چین به پاکستان از دیدگاه مبارزه با تروریسم است. چین بر این باور است که تعدادی از گروه های افراطی در پاکستان با وابستگی های منطقه سین کیانگ

در ارتباط بوده و این امر خود بر گسترش روابط تأثیر گذار خواهد بود.

همچنین حضور بازیگران دیگری در عرصه مناسبات چین و پاکستان مانند هند و آمریکا را نیز نمی توان نادیده گرفت. چین و پاکستان پیشتر با هند منازعات جنگی داشته و تا کنون نیز درباره منطقه مورد مناقشه سلسله جبال هیمالیا اختلافاتی را تجربه کرده اند.

چین به عنوان عامل اصلی کمک به پاکستان در دست یابی به زرادخانه تسلیحات هسته ای محسوب شده و به عنوان بزرگترین تأمین کننده سلاح برای اسلام آباد جایگاه خود را حفظ کرده است.

در حالیکه چین، شرق آسیا را به عنوان حیاط خلوت خود می داند، بازاری متفاوتی را نیز با غرب به آغاز کرده است. پیشنهاد چین برای میانجیگری و مذاکره با طالبان در افغانستان نشانی از کنار گذاشتن سیاست های بی طرفانه این کشور مبنی بر عدم دخالت در امور داخلی کشور های دیگر در دهه های گذشته است.

اکنون که آمریکا بخشی از نظامیان خود را از افغانستان خارج کرده است، چین دیگر نمی تواند صرفاً تماشاچی بوده و باید نقش برجسته تری را در منطقه ایفا نماید. در این میان حرکت چین به سمت برقراری ثبات در افغانستان می تواند اعمال اهرم فشاری برای پاکستان محسوب شود که دارای ارتباط پیچیده ای با طالبان افغانستان می باشد.

بر این سلسله برخی تحلیلگران روابط چین با پاکستان را در قالب تسهیل کننده نقش آفرینی چین به عنوان قدرت بزرگ در منطقه و استفاده از پاکستان به عنوان یک کریدور قلمداد می کنند.

ممکن است دایره نفوذ پکن را در دریای چین جنوبی افزایش داده و این کشور را به استقرار رادارهای دوربرد و سیستم های موشکی پیشرفته در مناطق مورد مناقشه ترغیب کند.

در ادامه، لاکلیر با برشمردن خطراتی که هژمونی آمریکا را در منطقه پاسیفیک تهدید می کند بر ادعای زیاده خواهی دولت پکن تأکید کرد و گفت: اقدامات اخیر چین

حضور روسیه و چین در منطقه پاسیفیک؛ تضعیف موقعیت هژمونیک آمریکا

رئیس ستاد فرماندهی آمریکا در منطقه آسیا - پاسیفیک درباره افزایش تحرکات نظامی مسکو و پکن و خطرات آن برای آمریکا هشدار داد.

شمار پرواز بمب افکن های دوربرد خود را در حریم هوایی منطقه آسیا - پاسیفیک افزایش داده و بر شمار رزمایش های خود نیز افزوده است.

علاوه بر این، دریادل لاکلیر درباره تلاش مسکو به بهبود توانمندی های بازدارندگی هسته ای خود در ساحل شرقی روسیه اشاره کرد که از لحاظ جغرافیایی در شمال اقیانوس آرام قرار دارد.

دریادل «ساموئل لاکلیر» رئیس ستاد فرماندهی آمریکا در منطقه اقیانوس آرام، به کمیته نیروهای مسلح مجلس سنای آمریکا هشدار داد که تحرکات نظامی روسیه و نیروی هسته ای راهبردی این کشور تا حدی افزایش یافته که قابل مقایسه با آرایش نظامی مسکو در دوره جنگ سرد است.

به گفته وی، طی چند ماه گذشته روسیه



نشال ایتروست تحلیل کرد

نکته مهم در بررسی برنامه هسته‌ای هند

هند یکی از بزرگترین قدرت‌های نوظهور در منطقه با بیش از یک میلیون نیروی نظامی به شمار می‌آید. این کشور توان تسلیحات هسته‌ای خود را جزء لاینفک چشم انداز دستیابی به جایگاه یک قدرت بزرگ محسوب می‌کند.



رهبری آسیا به رقابت بپردازد

از سوی دیگر، با تشدید تنش‌ها میان هند و پاکستان، تحلیل گران اهمیت بهره‌مندی هند از توان هسته‌ای را به عنوان قدرت بازدارنده‌ای برای این کشور در جهت تأمین امنیت خود ضروری تلقی می‌کنند.

۲) روند تاریخی دستیابی هند به تسلیحات هسته‌ای

تحقیقات هسته‌ای هند در موسسه تحقیقات بنیادین (آی اف آر) این کشور در سال ۱۹۴۴ آغاز و پس از آن با دسترسی این کشور به برخی مجلات علمی کشورهای غربی ادامه یافت تا جاییکه در این مسیر از سایر کشورهای هم‌تراز خود در آن زمان پیشی گرفت. علاوه بر توانمندی این کشور در غنی‌سازی پلوتونیوم و اورانیوم که نقش برجسته‌ای در ساخت بمب هسته‌ای دارند مؤلفه منحصر به فرد هند در فعالیت‌های هسته‌ای، وجود ۲۵ درصد از ذخایر توریم جهان در این کشور است. توریم مستقیماً برای ساخت بمب هسته‌ای به کاربرده نمی‌شود بلکه کاربری آن در تولید انرژی با مقاصد غیرنظامی موجب می‌شود تا تمام اورانیوم و پلوتونیوم مورد نیاز هند در کاربری نظامی تأمین شود.

در سال ۱۹۶۲ و پس از شکست هند از چین، تلاش برای ساخت سلاح اتمی در سال ۱۹۶۵ با هدایت دکتر هومی بهل‌ها دانشمند برجسته هسته‌ای این کشور آغاز و در زمان نخست وزیر ایندیرا گاندی سرعت گرفت. گاندی در این مسیر هم در پی افزایش محبوبیت خود بود و هم از حضور چین و آمریکا در جنگ ۱۹۶۷ خود با پاکستان احساس خطر می‌کرد.

اگرچه هند با صلح آمیز خواندن اولین انفجار هسته‌ای خود در سال ۱۹۷۴ توانست از بخش عظیمی از انتقادهای علیه خود جلوگیری کند بعضی از دانشمندان هند در محافل خصوصی خود آن را در راستای تداوم برنامه تسلیحات هسته‌ای این کشور تأیید کردند.

از سال ۱۹۷۴ به بعد هند با آزمایش‌های مختلف دیگر به توسعه توان اتمی خود پرداخت تا اینکه در سال ۱۹۹۸ با انجام ۵ آزمایش هسته

کشور هند امروزه یکی از بزرگترین قدرت‌های نوظهور در منطقه با بیش از یک میلیون نیروی نظامی به شمار می‌آید هند توان تسلیحات هسته‌ای خود را جزء لاینفک چشم انداز دستیابی به جایگاه یک قدرت بزرگ محسوب می‌کند به نحوی که ارتقاء برنامه اتمی‌اش را هم برای اعتبار و هم دکترین امنیتی‌اش حیاتی می‌داند البته تداوم برنامه هسته‌ای در هند با انتقادهایی نیز مواجه بوده است. این کشور نه تنها عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان پی تی) نیست حتی جزء ۵ کشوری هم که این معاهده آنها را به عنوان برخوردار از توان تسلیحات هسته‌ای می‌شناسد محسوب نمی‌شود. به علاوه آزمایش‌های هسته‌ای هند در سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۹۸ به اعتراضات شدید و حتی اعمال برخی تحریم‌ها علیه این کشور منتهی گردید.

اگرچه تحریم‌های اعمال شده بر ضد این کشور مدتی بعد لغو شد و آمریکا به شرط عدم تکرار آزمایش هسته‌ای، برخورداری هند از این توان را به رسمیت شناخته ایالات متحده این کشور را به عنوان دولتی بهره‌مند از تسلیحات هسته‌ای به رسمیت نشناخته است. با این وجود چراغ سبز آمریکا به تأمین کنندگان مواد مورد نیاز در تأسیسات هسته‌ای هند اهمیت راهبردی این کشور برای غرب جلب اعتماد غرب توسط هند و بالاخره معیارهای نوگانه آمریکا در خصوص سلاح‌های هسته‌ای را به اثبات می‌رساند.

این سایت تحلیلی آمریکایی در ادامه به ۵ نکته درخور تأمل درباره برنامه هسته‌ای هند اشاره کرده و به تحلیل آنها می‌پردازد:

۱) چرایی ساخت تأسیسات هسته‌ای هند

رهبران ملی گرای هند حتی پیش از کسب استقلال این کشور سواولی دستیابی به توان هسته‌ای را در ذهن می‌پروراندند چنانچه لعل نهر و اولین نخست وزیر این کشور در توجیه این آرمان گفته مادمیکه اوضاع جهان به این صورت باشد، هند نیز برای دفاع از تمامیت ارضی و حفظ شأن و اقتدار خود به ابزارهای نوین نیازمند است. بی تردید هند روزی با اتکا به تحقیقات علمی خواهد توانست قدرت اتمی خود را در جهت اهداف سازنده‌ای به کارگیرد تا صورتی که در معرض تهدید قرار گرفته بتواند از تمامی وسایل در اختیار استفاده کند.

آزمایش هسته‌ای چین در سال ۱۹۶۴، مهمترین مشوق هسته‌ای شدن هند به حساب می‌آید. دو سال قبل از این ماجرا، چین توانسته بود در یک درگیری مرزی کوتاه اما تعیین کننده هند را مغلوب کرده و بخشی از اراضی آن را نیز به تصرف خود درآورد که در نهایت به تیزگی روابط این دو کشور منتهی شد. رهبران هندی نیز با هدف دفاع از سرزمین خود به فکر افتادند تا با ایجاد و توسعه توان هسته‌ای به مقابله تلافی با چین بپردازند.

از آنجاییکه هر دو کشور مذکور تمایلی به استفاده از بمب اتم در گام اول را نداشته و برای اختلافات غیرمملوای مرزی خطرپذیری به کارگیری این گونه تسلیحات را تجربه نمی‌کنند این سوال به اذهان متبادر می‌شود که چرا هندی‌ها مشکلات مرزی خود با چین احساس می‌کند به گسترش تسلیحات هسته‌ای نیازمند است؟ هند بیش از اینکه برای غلبه بر چین به اتم نیاز داشته باشد به توازن قدرت خود در منطقه با آن کشور می‌اندیشد تا این رهگذر بتواند با چین در

به یک قدرت هسته‌ای نقش آفرینی کرده بود. این امر همراه با تهاجمات پیشین پاکستان به هند توانست توجیه خوبی را برای تلاش هند در دستیابی به این سلاح در پاسخ به ماجراجویی‌های چین و پاکستان به همراه داشته باشد. در مجموع، اختلاف نظر در اینکه آیا هند توانسته است با دانش فنی تسلیحات هسته‌ای به تأمین امنیت خود کمک کند تا کنون فاقد جواب متقاعد کننده‌ای بوده است.

۴) توانمندی‌های هسته‌ای هند

هند با برخورداری از ۱۱۰ بمب هسته‌ای و با اختلاف اندکی در مقایسه با ۱۲۰ کلاهک هسته‌ای پاکستان توانی را با مقدار پلوتونیوم غنی شده خود ایجاد کرده است.

هند همگام با چین، آمریکا و روسیه دارای توانمندی‌های کامل سه گانه هسته‌ای در دریا، هوا و زمین است. جنگنده‌های قادر به حمل کلاهک هسته‌ای شمل سوخو-۲۷، میکویان-۲۹ و جنگنده چند منظوره میراژ ۲۰۰۰ تنها نمونه‌هایی از این دست محسوب می‌شوند.

زیردریاه‌های هسته‌ای هند نیز علیرغم برد محدود موشک‌های آن، رو به پیشرفت و تکامل است. زیردریایی هسته‌ای بومی کلاس آری هانتنشان از قابلیت هند در این عرصه می‌باشد. زرادخانه موشکی این کشور نیز به زودی موشک‌های بین قاره‌ای بالستیک را نیز در فهرست توانمندی‌های خود جای خواهد داد.

برد موشک‌های هند و سیستم توان حمل تسلیحات آنها در مقایسه با توانمندی‌های مشابه در پاکستان بسیار بالاتر است و لذا برنامه هسته‌ای هند بیشتر در برابر تهدیدات چین مدنظر می‌باشد.

۵) آینده هند

چون هند به حداقل تسلیحات هسته‌ای بازدارنده مورد نیاز خود دست یافته است، ولی پاکستان ممکن است استفاده از سلاح اتمی خود را برای اهداف تهاجمی و در میلان مبارزه در نظر داشته باشد. هند نمی‌تواند با سرعت پاکستان به توسعه ابزارهای تسلیحات هسته‌ای خود اقدام نماید.

به علاوه، اتکا به هند به استفاده از سلاح اتمی برای تأمین امنیت خود در مقایسه با پاکستان کمتر بوده و در اندیشه بالابردن توان نظامی خود در دریا و در مناطق هیمالا است. از طرفی تمرکز اصلی هند بر رشد اقتصادی می‌باشد و تهدید جدی را برای تمامیت ارضی خود متصور نیست. با توجه به عواملی مانند توان هسته‌ای بالای هند و غنی‌سازی اورانیوم و پلوتونیوم، پیمان هسته‌ای با آمریکا و امکان واریات مایحتاج ساخت بیشتر بمب اتم و بالاخره سرمایه‌گذاری این کشور در تحقیقات جهت استفاده از توریم در راکتورهای هسته‌ای، توان تسلیحاتی این کشور نمایان تر می‌گردد. چالش پیش روی هند در آینده، چگونگی به کار بستن بازدارندگی هسته‌ای این کشور است. واقعیت برخورداری هم زمان پاکستان از سلاح اتمی، اقدامات تلافی جویانه هند در صورت تعرض پاکستان به کشورش را با دشواری مواجه می‌سازد بنابراین، رهبران هند از یک سو به دنبال آغاز جنگ هسته‌ای در جنوب آسیا بوده و از سوی دیگر مایل هستند تا شرایطی را برای احتمال پاکستان بی پاسخ بماند.

لذا جنوب آسیای مجهز به تسلیحات هسته‌ای، محور بحث‌های آینده درباره این منطقه بوده و ترسیم راهبردی برای حل و فصل معمایی آن بر عهده دولت هند می‌باشد.

ای (۴) فیسین یا شکافت هسته‌ای و فزونی با همجوشی هسته‌ای) رسماً خود را یک کشور هسته‌ای اعلام کرد پاکستان نیز با انجام آزمایش‌های مشابه در واکنش به این بیانیه، هسته‌ای شدن منطقه جنوب آسیا را در عمل به اثبات رساند.

۳) تأمین امنیت هند و بحث‌های پیرامونی آن

در حالیکه برنامه هسته‌ای پاکستان با انتقادهای زیادی مواجه است، سوال‌های منطقی و معقولی نیز مطرح می‌شود مبنی بر اینکه آیا برنامه تسلیحات هسته‌ای هند به ثبات و امنیت منطقه جنوب آسیا کمک کرده یا آن را متزلزل ساخته است؟

این نکته در همین پایگاه خبری در سال ۲۰۱۳ در مجموعه مقالات منتشره توسط زاجاری کک و زرو جاشینکار مورد مناظره قرار گرفت.

کک معتقد است کشور هند با تجسم یک تهدید قریب الوقوع به ساخت بمب هسته‌ای مبادرت ورزید اما از آنجاییکه نامناسب بودن این سلاح در تأمین امنیت به اثبات رسیده و از طرفی نیز تلاش هند برای دستیابی به دانش هسته‌ای موجب رقابت پاکستان در این مسیر شده اقدامات هند در خصوص ساخت و گسترش سلاح هسته‌ای نتیجه مطلوبی را به همراه نداشت. از سوی دیگر استفاده از این تسلیحات برای بازدارندگی در مناقشه‌های گسترده متصور می‌باشد در حالیکه اختلاف مرزی کوچک چین با هند توجیه مناسبی برای هند محسوب نشده و لذا مجموعه تلاش‌های این کشور نه تنها تضمین کننده امنیت خود نبوده است بلکه جایگاه هند را نیز در مقایسه با پیش از رقابت‌های اتمی تنزل داده است.

جاشینکار با رد اظهارات کک اهداف چین را بسیار گستره‌تر از اختلاف کوچک مرزی با هند می‌داند و بر این باور است که چین مدت‌ها پیش از آزمایش هسته‌ای سال ۱۹۹۸ و با هدف مهار هند به هسته‌ای شدن پاکستان کمک کرده بود. درواقع چین با کمک به آزمایش هسته‌ای پاکستان به طور موثری در تبدیل این کشور



واشنگتن در آستانه جنگ سرد؛ رویکرد جمهوریخواهان در تعامل با قدرت هژمونیک چین

آینده سیاسی آمریکا در گرو تامین منافع این کشور در منطقه آسیا-پاسفیک است، اما با توجه به مواضع جنگ طلبانه حزب جمهوریخواه بعید به نظر می آید که واشنگتن راه همواری را در رسیدن به این هدف طی کند.

بود و وجهه آمریکا را در جهان تخریب کرد با این حال از قدرت بلامنازع این کشور نکاست، اما در مورد آسیا وضع به چه صورت خواهد بود؟ البته که هیچ یک از موارد بالا در مورد آسیا صادق نیست. رفتار جمهوریخواهان آمریکا زمانی نگران کننده می شود که بخواهند همین رویکرد متکبران را در حل مسائل آسیا-پاسفیک به خرج دهند. با این حال برای کشوری مثل چین نمی توان همان نسخه ای را پیچید که برای حل مسائل خاورمیانه، کوبا، ونزوئلا یا حتی روسیه تجویز شد. آمریکا در رویارویی با مسائل آسیا بیش از هر جای دیگر دنیا ضعیف است و این هشدار است برای واشنگتن تا قدم هایش را آهسته کرده و از در ملایمت و دیپلماسی وارد شود، رویکردی که قطعاً حزب نومحافظه کار آمریکا با آن آشنایی ندارد.

با این تفاسیر رفتار حزب جمهوریخواه در منطقه آسیا-پاسفیک کاملاً قابل پیش بینی است. آنها به دشمن درجه یک چین بدل خواهند شد. مانع از تعامل هسته ای با کره شمالی می شوند و حتی دوستان آمریکا نظیر کره جنوبی و ویتنام را نیز به ترس و وحشت می اندازند. این در حالی است که اغلب کشورهای آسیایی طالب دموکراسی هستند اما نه به شکلی که جمهوریخواهان عرضه می کنند. در پایان باید گفت تصویری از تهدید، خودبینی اخلاق گرایانه

دیگری است. در واقع، تولید ناخالص داخلی کشورهای حاکم بر خاورمیانه عمدتاً ناچیز است. قوای نظامی شان ضعیف و معمولاً تشریفاتی است و نهاد های غیر قانونی از فعالیت گسترده ای در آنها برخوردار هستند. گروه های تروریستی نظیر داعش هم به نسبت ضعیف تلقی می شوند چرا که تا رویای تبدیل به یک دولت رسمی فاصله زیادی دارند.

ادعا می شود که تل آویو با تنها ۸ میلیون نفر جمعیت بزرگترین قدرت نظامی خاورمیانه است و این مسئله برای توضیح این مطلب کفایت می کند که هژمونی آمریکا خیالش از بابت ضعف دولت های منطقه راحت است. خلاصه کلام آنکه آمریکا از توانمندی خود در منطقه لذت می برد و همین نامتقارن بودن قدرت است که موجب شیطنت هایی نظیر ارسال نامه سرگشاده به رهبران ایران می شود. با استناد به این قدرت، آمریکا می تواند از عهده پرداخت هزینه بی مسئولیتی ها و درگیری های داخلی خود برآید، ظاهر خصمانه به خود بگیرد و نسبت به هر توافقی عهد شکنی کند.

شاید توانمندی ایالات متحده، هزینه ای را که باید در خاورمیانه بپردازد کاهش دهد. مانند جنگ عراق و افغانستان که نمونه بارزی از هژمونی این قدرت نامتوازن است، این جنگ ها به منزله یک اشتباه محض

مشاهده این اقدام سوال برانگیز شد عواقب احتمالی چنین اقدامی در شرایط نسبتاً متفاوت مانند رویکرد نو محافظه کاران آمریکایی نسبت به آسیا است.

به نظر می رسد جماعت نومحافظه کار دست واشنگتن را در چرخش سیاسی به سمت آسیا بسته اند و در حالی که منطقه آسیا در آینده سیاسی ایالات متحده به مراتب مهمتر است، تمام هم و غم سیاسی دولتمردان آمریکا به ویژه در جناح راست همچنان به خاورمیانه معطوف است. در اثبات این ادعا کافی است نگاهی به تبلیغات انتخاباتی نامزدهای جمهوریخواه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ ببینیم. حتی بهتر است کمی به عقب برگردیم و انتخابات دوره قبل را مثال بزنیم. از گذشته تا حال، تمام سیاست خارجی جمهوریخواهان حول محور مسائل مرتبط با خاورمیانه چرخیده و در حال حاضر هم تمام توجه آنها بر سوریه، اسرائیل و داعش متمرکز است.

این رویکرد اگرچه در دید مردم جهان بسیار خسته کننده و کسالت آور شده است، اما به لحاظ سیاسی کاملاً توجیه پذیر است چرا که دشمنان خاورمیانه ای آمریکا به مراتب ضعیف تر از دشمنان آسیایی آنها به شمار می روند. البته این به معنای نادیده گرفتن خطری نیست که از جانب آنها متوجه منافع آمریکا می شود بلکه مسئله چیز

حزب جمهوریخواه آمریکا که معمولاً از دریچه بدبینی به مسائل حاکم بر جهان نگاه می کند اتکا به قدرت نظامی را مهمترین عامل پیروزی خود تصور کرده و از همین روی است که بی محبا بر طبل جنگ می کوبد. رویکرد جمهوریخواهان که شامل تحریم، تعرض نظامی و دخالت در امور دیگر کشورها است تا به امروز در برخی از نقاط جهان به ویژه خاورمیانه جواب داده است، اما سوال این است که آیا آنها در منطقه آسیا-پاسفیک هم می توانند با چنین رویکردی یک تازی کنند.

در پاسخ به این سوال، «شنال اینترست» در مقاله ای به قلم «رابرت ای. کلی» به تحلیل رفتار های سنسجید حزب جمهوریخواه آمریکا پرداخته و عواقب آن را در ناکام گذاشتن چرخش سیاسی ایالات متحده به سمت منطقه آسیا-پاسفیک مورد ارزیابی قرار داده است. در این تحلیل می خوانیم:

ماه گذشته ۴۷ سناتور آمریکایی در نامه ای سرگشاده خطاب به رهبران ایران بر عزم خود برای جلوگیری از حصول هرگونه توافق هسته ای با ایران هشدار دادند. این اقدام جمهوریخواهان آمریکا نه تنها نشانه ای از عزم آنها برای ناکام گذاشتن تلاش های دولت «باراک اوباما» بود بلکه بر جسارتشان به تخطی از حدود قانونی خود نیز دلالت داشت. اما آنچه که پس از



دبیر: عبدالحمید بیاتی

دیدار تاریخی مرکل و چپیراس / تلاش برای حفظ یونان در منطقه یورو



در واقع دیدار مرکل و چپیراس که برخی از آن با عنوان دیدار سال صدراعظم آلمان با یک مقام خارجی یاد می کنند، آخرین تلاش یکی از اعضای اصلی و بنیانگذار اتحادیه اروپا برای نگاه داشتن یک عضو نه چندان مطلوب در منطقه یورو به شمار می رود. این دیدار به ویژه در زمان اوج تنش های سیاسی و مشاجرات لفظی بین مقامات برلین و آتن برگزار می شود.

طی هفته های اخیر مقامات آتن بارها آلمانی ها را به باد انتقاد گرفته و عباراتی را به کار بردند که خشم مقامات برلین از جمله «ولفگانگ شوبیل» وزیر اقتصاد را برانگیخت. این تنش با مشاجره «یانیس واروفاکیس» وزیر اقتصاد یونان با همتای آلمانی اش به اوج خود رسید. در ادامه نیز انتشار ویدیوی توهین واروفاکیس به آلمانی ها به این وضعیت دامن زد هر چند وزیر اقتصاد یونان اتهامات وارد شده به خود را رد کرده و خواستار

عصر دوشنبه «آنگلا مرکل» صدراعظم آلمان در برلین میزبان «الکسیس چپیراس» نخست وزیر یونان خواهد بود. این دیدار ۵۷ روز پس از انتخاب چپیراس پیگیرا به نخست وزیری یونان انجام می گیرد. این در حالی است که مقامات برلین معمولاً دعوت از یک همپیمان اروپایی به برلین را تا این حد به تأخیر نمی اندازند. شاید یکی از دلایل این تأخیر محسوس تردیدهایی است که آلمان همچنان در مورد مواضع یونان دارد.

انتظار می رود مرکل در مراسم استقبال از چپیراس آداب کامل میزبانی را به جای آورده و دست دوستی کشورش را بار دیگر به سمت یونان دراز کند اما تضمینی وجود ندارد که یونانی ها باز هم آن را پس نزنند. به اعتقاد مقامات برلین، یونان به ویژه پس از روی کار آمدن چپ ها مسیر اشتباهی را در پیش گرفته که در نهایت منجر به خروج این کشور از منطقه یورو می شود.

با این حال مشخص نیست آلمانی ها تا چه زمان و تحت چه شرایطی حاضر به پرداخت این کمک برای بهبود چهره کشورشان در بین یونانی ها باشند. آنچه که در شرایط کنونی برای آلمانی ها مهم است، نگاه داشتن یونان در منطقه یورو است و این که در آتن به این کمک ها چه عنوانی داده می شود، اهمیتی ندارد. در بین دولتمردان آلمانی این باور وجود دارد که پیش از پذیرش هر گونه شکستی، باید تمام راه های ممکن را آزمود.

توقف «جازی رسانه ای» آلمان شده است اکنون سوالی که مطرح است این است که آیا سفر نخست وزیر یونان به آلمان خواهد توانست یخ روابط این دو همپیمان اروپایی را آب کرده و به اختلافات نهان و آشکار آنها پایان دهد؟ چنین به نظر می رسد که یونانی ها همچنان به آلمان به چشم قدرت متجاوز جنگ جهانی دوم و به کمک های مالی دریافت شده از اتحادیه اروپا نیز که بخش اعظم آن توسط این کشور پرداخت می شود، به چشم غرامت می نگرند.

گفتگو با استاد دانشگاه گالاتاسرای ترکیه: ترکیه خواهان توازن در روابط با شرق و غرب است



پروفسور «علی فایق دیمیر» علت افزایش همکاری انرژی ترکیه با روسیه را ایجاد توازن در روابط این کشور با غرب و شرق خواند.

سفکوویچ در مراسم افتتاحیه تاناب، از تصمیم اتحادیه اروپا برای افزایش روابط خود در خصوص انرژی با ترکیه خبر داده بود. به خصوص صحبت های اتحادیه اروپا در مورد اهمیت ترکیه در استراتژی انرژی این اتحادیه، پاسخ بسیاری از پرسش ها و سیاست ها را می دهد.

نخست وزیر ترکیه، با وجود اختلافات شدید و تاریخی بین دو کشور، در ماه های گذشته همتای یونانی خود را به کشورش دعوت کرده بود. این دعوت از سوی برخی به عنوان تلاشی برای ایجاد همکاری میان روسیه، ترکیه و یونان و همچنین ایجاد فشار بر روی اتحادیه اروپا تلقی شد. نظر شما در خصوص این دعوت چیست؟

در هفته های گذشته نشانه هایی از گرایش ترکیه به افزایش همکاری با روسیه به ویژه در زمینه انرژی نمایان شد. این در حالی است که اتحادیه اروپا خواهان همکاری ترکیه با این اتحادیه در خصوص اجرایی شدن تحریم های این اتحادیه علیه روسیه است. امری که موجب شده تا مقامات این اتحادیه از افزایش همکاری ترکیه و روسیه ابراز نگرانی کنند. در پی سفر ماه های گذشته پوتین رئیس جمهور روسیه و ترکیه که نقطه عطفی در همکاری انرژی دو کشور به شمار می رود وی دستور ایجاد خط لوله انتقال گاز روسیه به اروپا از خاک ترکیه را داد که در هفته های گذشته مطالعات آن اجرایی شده است. در همین راستا گفتگویی با پروفسور «علی فایق دیمیر» استاد دانشگاه گالاتاسرای ترکیه و تحلیلگر مسائل منطقه انجام شده که در زیر مشروح آن آمده است.

رئیس کمیسیون انرژی اتحادیه اروپا، در سفر خود به آنکارا، نگرانی اتحادیه اروپا در مورد انتقال گاز روسیه از خاک ترکیه را اعلام کرده بود. دلایل اصلی نگرانی اتحادیه اروپا از این اتفاق چیست؟

برای اتحادیه اروپا، افزایش تعداد کشورهای تأمین کننده انرژی و به خصوص گاز در برابر روسیه اهمیت بسیاری دارد. درخواست روسیه در سال ۲۰۱۴ مبنی بر انتقال گاز به اتحادیه اروپا از خاک ترکیه به جای بلغارستان، نقطه عطفی در این خصوص بود. افتتاح پروژه تاناب یا همان انتقال گاز آذربایجان به اروپا که در تاریخ ۱۷ مارس ۲۰۱۵ و در شهر کارس ترکیه صورت گرفت، بُعد جدیدی از روابط بین ترکیه و اتحادیه اروپا را آشکار کرد. ماروس سفکوویچ، معاون رئیس کمیسیون اروپا، که در این مراسم افتتاحیه شرکت کرده بود، اظهاراتی در خصوص اهمیت امنیت انرژی و افزایش گزینه های تأمین کننده انرژی برای کشورهای اتحادیه اروپا که سالانه ۴۰۰ میلیارد یورو صرف انرژی می کنند، بیان کرده بود. پروژه تاناب، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. همکاری شرکت های غربی چه در مرحله تولید و چه در مرحله انتقال این پروژه، قطعاً برای اتحادیه اروپا نکته مهمی است.

حتی با تغییر حکومت در یونان، نمی توان توقع بهبود روابط بین دو کشور در یک دوره زمانی کوتاه را داشت. یونان درگیر مسائل داخلی بسیار مهمی است و ترکیه نیز یکی از اولویت های سیاست خارجی این کشور است. اختلاف دو کشور در مورد قبرس، شاید مهمترین و اصلی ترین موضوع مورد اختلاف را تشکیل می دهد. بدون شک دعوت نخست وزیر ترکیه از همتای یونانی خود، از نظر روابط دو جانبه تأثیر زیادی دارد. روابط میان روسیه با یونان، قبرس جنوبی و ترکیه، برای طرفین اهمیت بالایی دارد و سیاست های روسیه، دارای اهمیت راهبردی است. ترکیه و یونان، به دلایل مختلفی با اتحادیه اروپا روابط تیره و تاری دارند به همین دلیل روسیه را به عنوان یک گزینه جایگزین می بیند. هم اروپا و هم روسیه، برای ترکیه و یونان اهمیت راهبردی و غیر قابل چشم پوشی دارند.

به نظر شما فعالیت های ترکیه در قبال منطقه اوراسیا، تنها از جنبه راهبردی اهمیت دارد؟ آیا ترکیه در صدد است از این فعالیت ها به عنوان ابزار جدیدی برای فشار علیه اروپا استفاده کند؟

ترکیه پس از فروپاشی شوروی، سیاست های ترک محور و با تمرکز بر منطقه اوراسیا اتخاذ کرد. این سیاست ها با توجه به حرکت های منطقه ای و روابط بین المللی تنظیم و تقویت شد. سیاست های اوراسیا، با توجه به روابط ترکیه با روسیه و برخی از کشورهای تأثیرگذار، روز به روز ارزش بیشتری برای ترکیه پیدا می کند. از بدو تنظیم سیاست خارجی ترکیه، توجه و تأکید بر روابط با کشورهای غربی و ایجاد تعادل در روابط اهمیت بالایی داشته است. موقعیت ژئوپلیتیک غربی-شرقی ترکیه، باعث شده است تا تمامی طرفها سعی در بهره برداری از ترکیه داشته باشند. ترکیه نیز از این موقعیت خود، برای تنظیم روابط، موقعیت و ظرفیت های قیما بین استفاده می کند.

گفتگو با نماینده پارلمان ترکیه:

بیانیه لوزان فرصت عظیمی برای منطقه/ لزوم حمایت ترکیه از آن



این نماینده پارلمان ترکیه گفت: از سوی دیگر این بیانیه مشترک برای همگان درستی انتخاب و به کارگیری راه حل های دیپلماتیک و ترجیح گفتگو بر جنگ و راه حل های نظامی را یک بار دیگر ثابت کرد. بر همین مبنا نیز یک بار دیگر ثابت شده است که تمام مشکلات موجود در منطقه می تواند تا با راه حل های دیپلماتیک حل و فصل شود. وی تاکید کرد: فضای مثبتی که پس از این بیانیه مشترک بر منطقه حاکم شده است، فرصت بزرگی است و همه باید از این فرصت عظیم به خوبی استفاده کنند. ترکیه باید به دفعات حمایت خود را از این توافقنامه اعلام نماید. به همین دلیل هم سفر روزهای آتی رئیس جمهور اردوغان به ایران از این جهت که می تواند به روابط میان این دو کشور مهم منطقه تاثیر مثبتی داشته باشد بسیار مهم است. منطقه خاورمیانه به همکاری، همگرایی و دوستی این دو کشور بزرگ منطقه احتیاج دارد.

فاروق لوغ اوغلو» نماینده پارلمان ترکیه بیانیه هسته ای لوزان را موجب رسیدن ایران به جایگاه واقعی خود در نظم جهانی و منطقه ای دانست و بر لزوم حمایت ترکیه از آن تاکید کرد.

«عثمان فاروق لوغ اوغلو» عضو پارلمان ترکیه و منتقد سیاست های دولت این کشور در یادداشتی ارسالی بیانیه لوزان را برای آینده منطقه بسیار تاثیر گذار و مثبت خواند. نماینده حزب جمهوری خلق این کشور در پارلمان با استقبال از بیانیه هسته ای لوزان بین ایران و گروه ۵+۱ گفت: این بیانیه مشترک برای منطقه خاورمیانه که در سالهای اخیر شاهد افزایش روز افزون خشونت و درگیری ها بوده است، روندی بسیار تاثیر گذار و مثبت خواهد بود. وی همچنین گفت توافق هسته ای بین ایران و گروه ۵+۱ موجب خواهد شد تا پنجره ای برای ایران برای به دست آوردن جایگاه واقعی خود در نظم جهانی و همچنین حل و فصل بهتر مسائل یمن، سوریه و عراق باز شود.

گفتگو با کارشناس مرکز مطالعات استراتژیک قفقاز جنوبی آنکارا

ترکیه نگران تبدیل یونان به هاب انرژی اروپاست

ترکیه شود و این موضوع برای ترکیه مشکلات بسیاری به همراه خواهد داشت. همچنین این کارشناس ترک درباره اهمیت گرایش های مقامات ترکیه به سمت شرق و اوراسیا و اینکه آیا این اقدام از سوی ترکیه یک حرکت استراتژیک است یا تاکتیکی گفت: ترکیه در دهه گذشته سیاست های خارجی خود را از جهات مختلفی گسترش داده است. با کشورهای اوراسیا، روابط دوجانبه و سه جانبه ایجاد کرده است. همچنین روابط خود با ایران و آذربایجان و همچنین نهادها و سازمان های منطقه ای را گسترش داده است.

وی در ادامه افزود: اتحادیه اروپا، همچنان استراتژی مهم سیاست خارجه ترکیه است. بیش از ۵۰ درصد صادرات ترکیه به اتحادیه اروپا صورت می گیرد. روابط سیاسی و اقتصادی بین دو طرف، سالیان دراز است که ادامه دارد و روابط نظامی در چارچوب ناتو همچنان پابرجاست. تمام این روابط، به معنی نبود مشکل میان دو طرف نیست. گاهی اوقات سیاسیون ترکیه در حرف اولویت اصلی خود را سازمان همکاری های شانگهای اعلام می کنند، اما در واقعیت اهمیت اتحادیه اروپا بسیار بیشتر از اهمیت این سازمان است. ممکن است گاهی اوقات بین ترکیه و اتحادیه اروپا چالش های تاکتیکی مطرح گردد، اما اتحادیه اروپا انتخاب راهبردی و استراتژیک ترکیه است. با این وجود ترکیه همچنان خواهان گسترش روابط خود با سازمان همکاری های شانگهای است.

بالایی دارد. آنکارا می خواهد با جلب توجه ژئوپلیتیکی، یک فضای رقابتی ایجاد کند. ترکیه همچنین قصد دارد به کمک این برنامه ها، وابستگی انرژی کشورش به روسیه را کاهش داده و خود را تبدیل به یک هاب انرژی کند. وی تاکید کرد: اتحادیه اروپا این موضوع را به خوبی درک می کند، اما می خواهد بر روی سیاست های انرژی ترکیه نظارت داشته باشد و ترکیه هم تا به حال با این موضوع مخالفتی نداشته است. اروپا همچنین علاوه بر ترکیه، باید بر نظارت ها و تاثیر خود را بر روی رومانی، صربستان، مجارستان و یونان افزایش دهد. زیرا این کشورها هم حداقل به اندازه ترکیه اهمیت دارند.

غفرالی همچنین با اشاره به دعوت مقامات ترکیه از رئیس دولت جدید یونان برای دیدار از این کشور با وجود اختلافات بین دو کشور، در خصوص هدف چنین اقدامی از سوی دولت ترکیه گفت: اروپایی ها بر این باورند که سه کشور ترکیه، روسیه و یونان، سیاست های مشخصی در پیش گرفته اند و نسبت به سیاست های اتحادیه اروپا نگرانند.

وی تاکید کرد: نزدیک شدن ترکیه و یونان، باعث ایجاد فضای رقابت در ژئوپلیتیک انرژی خواهد شد. به همین دلیل بهبود روابط ترکیه و یونان را نمی توان تنها به دید یک نزدیکی تاکتیکی پذیرفت. علاقه یونان برای تبدیل شدن به مرکز انتقال انرژی، ممکن است باعث سقوط اهمیت

انرژی به ویژه بعد از تصمیم روسیه برای توقف ساخت خط لوله ساوت استریم از طریق دریای سیاه و احداث آن از طریق خاک ترکیه گفت: اتحادیه اروپا تمایل دارد مسیر های انرژی که از اروپای شرقی وارد اروپای مرکزی می شود را کنترل کند. این اتحادیه همچنین مایل است نسبت به توفیق و امنیت صادرات انرژی از روسیه به اروپا و دیگر مسیرهای جایگزین اطمینان حاصل کند.

وی تصریح کرد: امروزه به دلیل مسیرهای انتقال انرژی ترکیش استریم و ساوترن گاز کریدور بر سر ترکیه رقابت شدید شکل گرفته است. روسیه قصد دارد در خصوص تاسیس خطوط انتقال انرژی، اتحادیه اروپا را به شک بیاندازد. رقابت موجود بر سر ترکیش استریم و ساوترن گاز کریدور، ادامه رقابت بر سر خطوط نوباکو و ساوت استریم است. هر چند که اسم ها و مسیرهای انتقال عوض شده باشد، اما رقابت بر سر انتقال انرژی به اروپای شرقی و مرکزی همچنان ادامه دارد.

وی در ادامه گفت: اتحادیه قصد دارد با استفاده از اوکراین و ساوت استریم، روسیه را تحت فشار قرار داده و اقدام به احداث یک خط انتقال انرژی جدید از جنوب کند. هدف ساوترن انرژی کریدور، انتقال گاز ترکمنستان، آذربایجان، ایران، عراق و در آینده مدیترانه شرقی به اروپای شرقی است.

این کارشناس در ادامه افزود: در کنار تمامی این اتفاقات، سیاست های ترکیه نیز اهمیت



در هفته های گذشته نشانه هایی از گرایش ترکیه به افزایش همکاری با روسیه به ویژه در زمینه انرژی نمایان شد. این در حالی است که اتحادیه اروپا خواهان همکاری ترکیه با این اتحادیه در خصوص اجرایی شدن تحریم های این اتحادیه علیه روسیه است. امری که موجب شده تا مقامات این اتحادیه از افزایش همکاری ترکیه و روسیه ابراز نگرانی کنند.

در پی سفر ماه های گذشته پوتین رئیس جمهور روسیه و ترکیه که نقطه عطفی در همکاری انرژی دو کشور به شمار می رود وی دستور ایجاد خط لوله انتقال گاز روسیه به اروپا از خاک ترکیه را داد که در هفته های گذشته مطالعات آن اجرایی شده است. دکتر «لورخان غفرالی» کارشناس مسایل سیاسی در مرکز مطالعات استراتژیک قفقاز جنوبی آنکارا در گفتگویی در خصوص ابراز نگرانی های اتحادیه اروپا از افزایش همکاری های ترکیه و روسیه در زمینه

گفتگو: امید شمیزی

گفتگو با دانشگاه مرمره ترکیه:

ترکیه از بهبود روابط ایران و غرب حمایت می کند

بهلول اُزکان معتقد است که همسایگی ایران برای ترکیه بسیار متفاوت تر از همسایگی کشورهای همچون سوریه، عراق و بلغارستان است.

با غرب بر سر موضوع برنامه هسته ای چه تاثیری بر روابط ایران و ترکیه خواهد داشت؟ آیا ترکیه از چنین توافقی حمایت می کند؟

طبیعتاً بهبود روابط میان ایران و غرب مسئله ای است که ترکیه به شدت از آن حمایت می کند. چرا که این موضوع باعث خواهد شد تا تولید و صادرات نفت ایران به شدت افزایش یابد و طبیعتاً درآمد ایران هم بیشتر خواهد شد و این برای ترکیه خوب است. از سوی دیگر اگر با عادی شدن روابط ایران و غرب قرار باشد که خط لوله انتقال گاز طبیعی از ایران به اروپا تأسیس شود، طبیعتاً بهترین گذرگاه ترکیه خواهد بود و این باز به نفع ترکیه است و غیره. حتی به نظر من یکی از مهمترین دلایل سفر سه شنبه گذشته اردوغان به تهران هم همین موضوع بود. در مورد اقتصاد روابط ایران و ترکیه شبیه روابط ترکیه با روسیه است. یعنی در حالی که دو

گروه های سیاسی که در کنگره حزب عدالت و توسعه شرکت کرده بودند در قدرت نیستند. یعنی النهمه در آخرین انتخابات تونس شکست خورد، محمد مرسی در زندان است، مخالفان بشار اسد دیگر آن قدرت قبل را ندارند و جای آن را گروه هایی مثل داعش گرفته اند و طارق هاشمی هم در تبعید به سر می برد. به این ترتیب رویاها و فانتزی های حزب عدالت و توسعه در رابطه با سیاست خارجی

در منطقه و مخصوصاً روابط میان ایران و ترکیه را نمی توان بر مبنای عنصر مذهب تفسیر کرد.

|| شما از مفید بودن عدم دخالت مذهب در مواجهه با رویدادها و مسائل جاری منطقه سخن گفتید، اما در سال های اخیر شاهد تاثیر بسیار زیاد مذهب در سوگیری های ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه هستیم، و این موضوع را به خوبی در رفتار ترکیه در مقابله با بحران های سوریه و یمن شاهد هستیم، نظرتان در این مورد چیست؟

مشکلی که امروزه در سیاست منطقه ای ترکیه شاهد آن هستیم به خاطر این است که پس از آنکه در سال ۲۰۱۱ میلادی جنبش های عربی و بهار عربی در منطقه شروع شد، سران حزب عدالت و توسعه فکر می کردند که حرکت هایی مانند اخوان المسلمین در کشورهای تونس، لیبی، سوریه و مصر بر روی کار خواهند آمد و سیاست خارجی ترکیه را بر این مینا برنامه ریزی کردند. یعنی فکر می کردند که اخوان المسلمین در مصر و سوریه، النهمه در تونس و حماس هم در فلسطین بر سر کار خواهد بود. حزب عدالت و توسعه هم به عنوان یک حرکت اسلام گرا در اندیشه رهبری این جریان ها بود.

این مطلب را اردوغان و داود اوغلو بارها علناً تکرار کردند و حتی در کنگره حزب عدالت و توسعه که در سپتامبر ۲۰۱۲ در آنکارا برگزار شد، محمد مرسی که آن موقع رئیس جمهور مصر بود، الغنوشی هم که حزب متبوعش النهمه پیروز انتخابات تونس شده بود و همچنین مخالفین بشار اسد که آن موقع بسیار قوی بودند و به همراه طارق هاشمی از عراق و خالد مشعل به عنوان نماینده حماس در این کنگره شرکت کردند. به همین خاطر هم در آن دوره حزب عدالت و توسعه سعی می کرد که خود را به عنوان رهبر جهان اسلام نشان دهد.

در آن روزها هم اردوغان و هم داود اوغلو ترکیه را به مانند رهبر جهان اسلام تصور می کردند و این نیز بسیار اشتباه بود. اما مسئله این است که الان با این که تقریباً دو سال از این وقایع گذشته است، دیگر هیچ کدام از آن افراد و

رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه در حالی سه شنبه گذشته به تهران آمد که روابط دو کشور در هفته های اخیر تحت تاثیر اظهارات و سخنان تند وی و طرح اتهام دخالت ایران در امور داخلی کشورهای منطقه، قرار گرفته بود. با این حال اردوغان در سفر یک روزه خود به تهران علاوه بر دیدار با دکتر حسن روحانی، به ملاقات رهبر انقلاب نیز رفت و همچنین در جریان این سفر ۸ سند همکاری میان ایران و ترکیه به امضاء رسید.

در همین رابطه گفتگویی را با دکتر بهلول اُزکان استاد دانشکده علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه مرمره انجام شده که در ادامه از نظر می گذرد.

|| درباره پیشینه روابط ایران و ترکیه و اهمیت این روابط برای ما توضیح دهید؟

ایران و ترکیه دارای خط مرزی تقریباً مشخصی از قرن ۱۷ میلادی هستند. یعنی از معاهده قصرشیرین به این سو و این مرز میان دو کشور را به یکی از قدیمی ترین مرزهای سیاسی جهان تبدیل کرده است. حتی زمانی که ایالات متحده آمریکا و بسیاری از دولت-ملت های اروپایی هنوز در صحنه بین الملل وجود نداشتند، مابین ایران و ترکیه مرز سیاسی وجود داشت و این مرز تاکنون نیز کم و بیش ثابت مانده است. از سوی دیگر هم ایران و ترکیه دارای تاریخ و تمدن طولانی و غنی هستند و به این دلیل هم دیدگاهی که از درون هر یک از کشورهای ایران و ترکیه به دیگری وجود دارد این است که نیاز است که در کنار یکدیگر به حیات خود در منطقه ادامه دهیم.

علت این است که این دو کشور همسایگان مهمی برای یکدیگرند و از طرف دیگر هم همسایگی ایران و ترکیه یک همسایگی بسیار خاص است. یعنی همجواری ایران برای ترکیه با همسایگی کشورهایی همچون سوریه، عراق و بلغارستان متفاوت است. این مسئله مربوط به امروز نیست و در طول چند قرن گذشته نیز اینگونه بوده است. یعنی روابط خاص میان ایران و ترکیه حاصل یک تجربه تاریخی طولانی مدت است. مثلاً امروز بعضی ها در تلاش هستند تا تمامی وقایعی که در منطقه در جریان است را بر مبنای عنصر دینی و مذهبی تفسیر نمایند که این موضوع درست نیست. بهترین نمونه برای این موضوع جنگ میان عراق و ایران است. در آن موقع ترکیه جزء معدود کشورهایی بود که بیطرفی کامل خود را در جنگ حفظ کرد و به خاطر ندارم که در آن زمان کسی در ترکیه گفته باشد الان ایران شیعی و عراق سنی یا حاکمیت صدام حسین در حال جنگ با یکدیگرند و بیا باید ما هم در کنار عراق قرار بگیریم. اصلاً چنین چیزی مطرح نبود و این نشان می دهد که همه وقایع جاری



کشور در موضوعات سیاسی و منطقه ای دارای اختلاف نظرهای عمیقی هستند، اما با بی اعتنایی به این مسائل باز سعی دارند تا روابط دو جانبه خود را در بالاترین سطح نگاه دارند.

|| به نظر شما سفر هفته گذشته اردوغان چه تاثیری می تواند بر روابط دو جانبه ایران و ترکیه داشته باشد؟

همانطور که گفتیم، دو کشور باید سعی کنند که مسائل مختلف منطقه را نه با متهم کردن یکدیگر بلکه با گفتگو و رایزنی با یکدیگر حل و فصل نمایند. اگر چه میان دو کشور در برخی موضوعات و مخصوصاً سوریه اختلاف نظرهایی وجود دارد اما ترکیه و ایران نمی توانند از یکدیگر عبور کنند و یکدیگر را نادیده بگیرند. که البته بعضاً اردوغان هم سخنانی مانند اینکه ایران باید از عراق و سوریه خارج شود و غیره را بر زبان می آورد که این حرف ها هم خیلی واقعگرایانه نیستند. در آخر تأکید می کنم که ایران و ترکیه برای یکدیگر بدون جایگزین هستند.

نقش بر آب شد. توجه بکنید که الان ترکیه در چند کشور خاورمیانه سفیر ندارد که عبارتند از، مصر، سوریه، یمن و اسرائیل.

|| آیا به نظر شما ترکیه خواهد توانست که در سیاست های منطقه ای خود تجدید نظر کند و مثلاً در موضوع یمن میانجیگری نماید؟

در شرایط فعلی اصلاً گمان نمی کنم که ترکیه بتواند در یمن و یا هر کجای دیگری در خاورمیانه نقش میانجی را بازی کند. چونکه هم اکنون ترکیه خود بخشی از مشکل شده است و حزب عدالت و توسعه در مصر، سوریه و یمن خود یکی از طرف های درگیر است. مهمترین دلیل این هم این است که حزب عدالت و توسعه مسائل منطقه را با دیدگاه غلطی می بیند.

|| همانطور که می دانید در روزهای گذشته بیانیه لوزان میان ایران و گروه ۵+۱ منتشر شد، توافقی ایران

ایجاد «موازنه قوا» در منطقه باشد. دو کشور ایران و ترکیه باید دارای روابطی مبتنی بر همکاری در راستای ایجاد صلح، ثبات و امنیت و آسایش برای مردم خود و کل منطقه باشند این دو قدرت پیشرو در منطقه باید درایت و منابع خود را در راستای منافع منطقه با هم یکی کنند. ۵۰۰ سال است که منطق توازن قوا بین ایران و ترکیه حاکم بوده است. اما دیگر زمان آن رسیده است تا فضای جدیدی ایجاد کنند و الگوها و مکانیسم های جدید همکاری منطقه ای و همبستگی منطقه ای تشکیل دهند

|| در روزهای اخیر برخی رسانه ها در داخل ترکیه اردوغان رئیس جمهور ترکیه را به «دونکیشوت» تشبیه کردند. نظر شما در این باره چیست؟
افراد در رسانه های ترکیه هستند که منتقد اردوغان و سیاست های او هستند و همچنین وجود دارند کسانی که از شیوه رهبری او تقدیر می کنند و برای او کف میزنند و هورا می کشند. اما همه این اتفاقات در فضایی اتفاق می افتد که محدودیت آزادی بیان وجود دارد.

گفتگو: پیمان یزدانی

گفتگو با نماینده پارلمان ترکیه:

۵۰۰ سال منطق توازن قوا بین ایران و ترکیه حاکم بوده است

«فاروق لوغ اوغلو» نماینده حزب جمهوری خلق در پارلمان ترکیه تاکید کرد که سطح همکاری های دو کشور قدرتمند ایران و ترکیه باید فراتر از سیاست ۵۰۰ ساله «توازن قوا» در قبال یکدیگر برود

که درباره یمن متوجه ایران کرد. لغو این دیدار می توانست تنش های جدیدی بین ایران و ترکیه ایجاد کند هر چند نتایج دیدار اردوغان از تهران چندان قابل توجه نبودند. تنها دستاورد این سفر این بود که دو طرف از ظهور شکاف های جدید و بیشتر در روابطشان جلوگیری کردند.

|| سیاست خارجی ترکیه در قبال ایران ایجاد «موازنه قوا» بوده است. این سیاست تا چه حدی موفق بوده است؟
روابط ایران و ترکیه باید فراتر از سیاست

|| طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه قبل از سفرش به ایران را متهم به مداخله در امور کشورهای منطقه از جمله یمن کرد. به نظر شما چرا قبل از سفر به ایران چنین اتهاماتی را متوجه ایران کرد؟

سفر رئیس جمهور اردوغان به ایران از مدتی قبل برنامه ریزی شده بود و به همین دلیل واقعا لغو آن برای هر دو طرف امکان پذیر نبود و یا کار آسانی نبود؛ حتی بعد از اینکه اردوغان در اظهاراتی به انتقاد از ایران پرداخت به خصوص انتقادهایی



رجب طیب اردوغان» رئیس جمهور ترکیه قبل از دیدار هفته گذشته خود از ایران و همزمان با آغاز حملات ائتلاف سعودی آمریکایی به یمن در اظهاراتی ایران را متهم به مداخله در امور کشورهای منطقه از جمله یمن کرد.

اظهارات وی در این خصوص با انتقادهای و واکنش هایی در داخل ایران و ترکیه در پی داشت بطوریکه حتی گروهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران خواستار لغو سفر اردوغان به ایران شدند.

در همین خصوص گفتگویی با «عثمان فاروق لوغ اوغلو» نماینده حزب جمهوری، بزرگترین حزب مخالف دولت ترکیه در پارلمان این کشور داشته ایم که مشروح آن در زیر آمده است.

گفتگو: جواد حیران نیا

گفتگو با استاد حقوق بین الملل دانشگاه آلاباما:

تفاهم لوزان الزام حقوقی ندارد/

لغو یکجای تحریمها

موضوعی سیاسی است

از آنجا که بیانیه سوئیس مقدمه ای است برای انجام تعهدات بین المللی در آینده، توجه به اهمیت ابعاد حقوقی آن به عنوان یک ضرورت مطرح است. این بیانیه تا مرحله نهایی، طبق تحلیل برخی کارشناسان حقوقی الزام آور نیست ولی دارای آثار حقوقی در سطح بین المللی است؛ به گونه ای که در صورت پایبند نبودن هریک از طرفین به اصول این بیانیه، طرف نقض کننده در سطح جهانی دیگر قابل اعتماد نخواهد بود؛ بنابراین، این مسئله می تواند به اعتبار کشور لطمه وارد کند.

به عبارتی از تاریخی که بیانیه سوئیس قرائت شد، ایران و تمامی کشورهای طرف مذاکره با ایران وارد یک رژیم حقوقی در روابطشان شدند که نمی توانند آن را به سادگی متوقف کنند.

تنها شاخصه بارز این مذاکرات، مسئله برداشتن یا ادامه تحریمها علیه جمهوری اسلامی ایران است که این امر اهمیت طرح جامعی که قرار است تبدیل به یک سند بین المللی بشود را دوچندان می کند؛ طرحی که می تواند بسیاری از مسائل بین المللی را از منظر حقوق بین الملل و روابط بین الملل، به واسطه بیانیه لوزان سوئیس حل کند.

از جنبه حقوقی ایران معتقد است که نتایج حاصل از مذاکرات اخیر میان این کشور و گروه ۵+۱ الزام آور نیست، این در حالی است که گروه ۵+۱ تفسیر دیگری دارد و معتقد است که نتایج حاصل از مذاکرات لوزان دارای الزام حقوقی است.

در خصوص معاهدات بین المللی تقریباً این نگاه وجود دارد آنچه این معاهدات را الزام آور می سازد اراده سیاسی متعهدان برای پیشبرد و تحقق اهداف معاهده است و نه الزام و اجبار حقوقی.

در واقع این تفسیر ناشی از این برداشت است که نظام بین الملل دارای رکن قضایی مافوق ملی نیست. این در حالی است که در صحنه داخلی تابعان حقوق می توانند احقاق حق کنند چرا که یک مرجع مافوقی وجود دارد که رسیدگی کند و حق را به صاحب حق بدهد. اما در صحنه بین الملل، مسئله، بده بستان است.

پروفسور «دانیل جوبنر» استاد حقوق بین الملل دانشگاه آلابامای آمریکا در گفتگویی در خصوص الزام آور بودن یا

هفتم منشور ملل تحد به تصویب برسد تا الزام حقوقی آن برای تمام دولتها لازم الاتباع و لازم الاجرا باشد و از سوی دیگر با گذراندن قطعنامه ای در این شورا قطعنامه های قبلی شورای امنیت تحت فصل هفتم منشور در خصوص برنامه هسته ای ایران ملغی شود.

پروفسور جوبنر معتقد است برای گذراندن این قطعنامه نیازی به ارجاع از سوی آژانس بین المللی انرژی اتمی به شورای امنیت نیست و این شورا می تواند مستقلا این قطعنامه را به سادگی تصویب کند.

به اعتقاد وی شورای امنیت به سادگی می تواند قطعنامه های قبلی علیه ایران را برچیند و آن را با قطعنامه ای جدید که دربرگیرنده شرایط جدید باشد جایگزین کند. جوبنر همچنین معتقد است که برداشته شدن یک جای تحریمهای ایران بعد از توافق جامع موضوعی سیاسی است تا حقوقی. او معتقد است این موضوع واقعا سیاسی است و جنبه سیاسی دارد.

وی می گوید این اعتقاد در طرف غربی وجود دارد که تحریمها به تدریج برداشته شوند تا بتوان بر اساس آن ایران را مجبور کرد تا به تعهداتش عمل نماید.



استاد حقوق بین الملل دانشگاه آلاباما معتقد است که تفاهم لوزان الزام حقوقی برای طرفین ندارد و شورای امنیت می تواند با تصویب قطعنامه ای، قطعنامه های قبلی دربار بر نامه هسته ای ایران را لغو کند.

نبودن نتایج حاصل از مذاکرات لوزان گفت: تمام توافقات بین ایران و کشورهای گروه ۵+۱ در ارتباط با برنامه هسته ای ایران در خلال سال گذشته الزام حقوقی ندارد. در واقع دیدگاه جوبنر در خصوص جنبه حقوقی تفاهم لوزان با آنچه ایران بدان معتقد است همسو است.

یکی دیگر از موضوعاتی که به ویژه طرف آمریکایی سعی دارد با آن ایران را تحت فشار قرار دهد استفاده از ابزار کنگره است. اگرچه طرف مقابل ایران در مذاکرات «دولت» این کشور است ولی نظر به تصویب معاهدات بین المللی این کشور (برخی معاهدات) توسط کنگره، دولت اوباما سعی دارد تا ضمن استفاده پنهان از ابزار کنگره به ریزنی با آنها برای تصویب توافق هسته ای بپردازد.

در طرف مقابل، ایران برای آنکه توافق صورت گرفته را از جنبه حقوقی برای تمام دولتها (از جمله دولت آینده آمریکا) الزام آور سازد این راهکار را مطرح کرده که توافق احتمالی جامع در قالب قطعنامه ای تحت فصل

یمن نیز تاکید به ایجاد آتش بس کرد که این موارد، حاکی از درک یک سری واقعیت ها از سوی اردوغان و همچنین در راستای تفکرات مطرح شده از سوی حزب جمهوری خلق ترکیه در خصوص ایجاد روابط دوستانه و در چارچوب احترام و مبنی بر منافع دوجانبه است.

|| با توجه به موارد همگرا کننده و واگرا کننده میان ایران و ترکیه تحلیل کلی شما از روابط میان دو کشور چیست؟

ایران و ترکیه، به دلیل تطابق منافع ملی در خصوص حکومت متمرکز و تمامیت ارضی، دو کشور نیازمند به یکدیگر هستند. هرگونه برخورد میان این دو کشور، علاوه بر آسیب دیدن هر دو کشور، تنها منافع نیروهای استکباری و صهیونیستی را تأمین می کند. به همین دلیل منافع ایران و ترکیه مشترک است. رقابت های از روی غبطه بین دو ایران و ترکیه نیز در جهت پیشرفت دو کشور مفید است.

هر دو کشور در زمان جنگ جهانی اول آسیب دیده و قدرت های استکباری از این قضیه بهره برده بودند. ایجاد روابط دوستانه و بسیار دقیق توسط دو کشور، برای جلوگیری از تکرار تاریخ ضروری است. مذهب و نظام، مربوط به همان کشور است و روابط بین دو کشور، به جای تکیه بر موضوعات مذهبی، باید بر اساس منافع متقابل تنظیم شده باشد. امیدوارم سفر رجب طیب اردوغان به ایران، واسطه ای در جهت تغییر سیاست خارجی مبتنی بر مذهب حکومت ترکیه و همکاری های جدید بین دو کشور باشد.

|| انتخابات پارلمانی در ترکیه نزدیک است و در ۷ ژوئن مردم ترکیه برای انتخاب نمایندگان مجلس و متعاقب آن نیز حکومت جدید به پای صندوق های رای خواهند رفت. پیش بینی ها در مورد نتایج انتخابات پیش رو در ترکیه چگونه است؟

در صورتی که حزب دموکراتیک خلق ها در انتخابات پارلمانی ۷ ژوئن موفق به کسب ۱۰ درصد آرا شود، دیگر یک حزب به تنهایی به عنوان حزب حاکم فعالیت نخواهد کرد. یعنی احتمالاً در دوره ی آتی حکومتی ائتلافی تشکیل خواهد شد. اما اگر حزب دموکراتیک خلق ها موفق به عبور از سد ۱۰ درصد و کسب اجازه ورود به مجلس نشود، متعقدم پارلمان نمی تواند فعالیت خود را به این شکل ادامه دهد و در طی ۱ و یا حداکثر ۲ سال و با کاهش میزان حداقل آرا، انتخابات زودرس برگزار می شود.



گفتگو با نماینده پارلمان ترکیه:

مواضع اردوغان در تهران درک برخی واقعیتها از سوی وی را نشان داد

نماینده مردم استانبول از حزب جمهوری خلق معتقد است که دو کشور ایران و ترکیه برای حل بحران های منطقه ای به یکدیگر احتیاج دارند و با تکرار در این موارد نمی توان به نتایج دلخواه و پایدار دست یافت.

|| رئیس جمهور ترکیه اردوغان در روزهای گذشته سفری را به ایران داشت و در این دیدار با عقب نشینی نسبی از دیدگاه های قبلی خود در مورد سوریه و یمن از احتمال میانجیگری ترکیه در این گونه مسائل سخن گفت، دلیل این امر چه چیزی بوده است؟

رجب طیب اردوغان که بنا بر دعوت پادشاه عربستان ملک سلمان به ریاض رفته بود، تنها ۱۰ روز پس از این دیدار، خبر حمایت ترکیه از نیروهای مسلح عرب به رهبری عربستان سعودی برای حمله به یمن را داد و یک هفته پس از اعلام این خبر نیز به ایران سفر کرد. به شخصه بابت این سفر نگرانی هایی داشتیم و احتمال می دادم وی با ایجاد یک بحران آگاهانه، سعی در تقویت جبهه سازی سنی داشته باشد. اما با موفقیت مذاکرات هسته ای میان ایران و گروه ۵+۱، اردوغان برخلاف اظهارات خود در ترکیه، در خصوص بحران سوریه نظراتی نزدیک به نظر ایران و نقش میانجی گری ترکیه ارائه کرد. اردوغان همچنین در خصوص مساله

مشکلات حزب عدالت و توسعه تنها محدود به سوریه نبود و حکومت ترکیه در روابط خود با دولت مرکزی عراق و در راس آن با انوری المالکی نیز مشکلاتی داشت. حکومت ترکیه به جای حکومت مرکزی عراق، روابط خود را با حکومت محلی کردستان عراق و رئیس اقلیم کردستان مسعود بارزانی گسترش داد و به وسیله این رابطه، گامهایی در خصوص فروش نفت شمال عراق برداشته شد. تمامی این گام ها در اصل تلاش هایی در راستای تشکیل اتحاد سنی علیه ایران بود. در روزهای گذشته رجب طیب اردوغان و نخست وزیر ترکیه احمد داوودغلو به صورت غیر مستقیم اتهاماتی متوجه ایران کرده بود و حتی رجب طیب اردوغان در یکی از سخنرانی های خود با بیان اینکه چگونه کسانی که از دولت بشار اسد حمایت می کنند خود را مسلمان می نامند، سخنان تحریک آمیزی علیه ایران به کار برده بود. اینگونه سخنان علیه ایران، تنها مصرف سیاست داخلی نداشته و برای حکومت های سنی-عربی نیز حاوی پیامی بود.

هر چند که ایران و ترکیه از سال ۲۰۱۲ به این سو در برخی از مسائل منطقه ای دارای اختلاف نظرهایی بوده اند و روابط دو کشور همسایه نیز دستخوش تغییر و تحولاتی بوده است اما در طی این مدت ایران و ترکیه اجازه نداده اند که اختلاف بر سر موضوعات مختلف از جمله بحران سوریه بر روابط میان دو کشور تأثیرات منفی شدیدی داشته باشد که این خود از ویژه و استراتژیک بودن روابط میان ایران و ترکیه خبر می دهد.

از سوی دیگر رئیس جمهور ترکیه رجب طیب اردوغان در سفر یک روزه ای که در ۱۸ فروردین ماه سال جاری به ایران داشت به دیدار و گفتگو با مسئولین کشورمان پرداخت و در نشست مشترک مطبوعاتی از احتمال میانجیگری ترکیه در بحران یمن خبر داد.

انتخابات ۷ ژوئن (۱۷ خرداد) ترکیه نیز از رویدادهای بسیار مهمی است که ترکیه در ماه های آتی شاهد آن خواهد بود.

در رابطه با سوگیری ترکیه در مورد بحران های منطقه ای، سفر اخیر اردوغان به ایران و نیز انتخابات پارلمانی پیش روی این کشور، با علی اوزگوندوز نماینده مردم استانبول از حزب جمهوری خلق در پارلمان ترکیه و رئیس گروه دوستی پارلمانی ترکیه-ایران و همچنین دادستان سابق استانبول گفتگویی انجام شده که به شرح زیر است.

|| آقای اوزگوندوز، در سال های اخیر شاهد اختلاف نظر بین ایران و ترکیه در برخی مسائل منطقه ای بوده ایم که این مورد در قضیه سوریه آشکارتر بوده است. یعنی در حالی که ایران به راه حل سیاسی و گفتگو برای حل بحران سوریه معتقد بوده، در نقطه مقابل ترکیه سیاست متفاوتی را در پیش گرفته است. تحلیل شما از این مسئله چیست؟

رئیس جمهور ترکیه رجب طیب اردوغان و حکومت عدالت و توسعه، از سال ۲۰۱۲ به خصوص در مورد مساله سوریه، سیاست متفاوتی در قبال روابط خود با جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته است. حزب عدالت و توسعه، در راستای خواسته خود مبنی بر سقوط دولت بشار اسد و روی کار آمدن اخوان المسلمین، از هرگونه گروه تروریستی افراطی سلفی و وهابی حمایت کرد. این حمایت تنها محدود به باز کردن مرزها نبود و شامل انواع حمایت های تسلیحاتی، لجستیک و اطلاعاتی نیز می شد. در این خصوص هنوز در ترکیه دادگاههای مختلفی در حال برگزاری است. به عنوان مثال، پیدا شدن اسلحه در کامیون های متعلق به تشکیلات اطلاعاتی ملی ترکیه که در شهر آدانا متوقف شده بود، به شکل کاملاً آشکاری توسط دادگاه مربوطه مورد بررسی قرار گرفت.



آمریکا

دبیر: پیمان یزدانی

ادامه تنش ها با رژیم صهیونیستی

در ماه گذشته نیز همانند چند ماه اخیر شاهد ادامه تنش میان کاخ سفید و تل آویو بودیم. دلیل اصلی این تنش ها در فرودین ماه اظهارتی بود که «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی، بعد از پیروزی در انتخابات کنیست به زبان جاری ساخت. این اظهارات با واکنش هایی همراه بود که مهمترین مورد آن به شرح زیر است: آمریکا خواستار پایان اشغالگری رژیم صهیونیستی در کرانه باختری شد

کاخ سفید با اشاره به گفته های اخیر نخست وزیر رژیم صهیونیستی در مورد تشکیل نشدن کشور فلسطینی تازملی که قدرت در دست اوست گفت: شغل کرانه باختری که ۵۰ سال بعد از کشیده باید ختمه پیدا کند رسانه های اسرائیلی مانند هارتز، گفته های «نیس مک دانا» رئیس دفتر کاخ سفید را نشانه ای داشته اند که «بحران دیپلماتیک» میان واشنگتن و تل آویو هنوز به پایان نرسیده است

مک دانا به سخنان نخست وزیر رژیم صهیونیستی در مورد تشکیل نشدن کشور فلسطینی مدامی که او رهبری کابینه اسرائیل را در دست دارد اشاره کرده و گفت: نمی توانیم این طور وانمود کنیم که این سخنان هرگز زده نشده اند

او در عین حال به کابینه آینده اسرائیل هشدار داد که به الحاق بیشتر بخش هایی از کرانه باختری نیاندیشد، چرا که چنین کاری «هم غلط و هم غیرقانونی است». سازمان ملل متحد و نیز دیوان بین المللی دادگستری، اشغال کرانه باختری و بیت المقدس شرقی را از سال ۱۹۶۷ (نزدیک به ۵۰ سال پیش) غیرقانونی می دانند. کاخ سفید پس از پیروزی حزب لیکود به رهبر نتانیاهو، در انتخابات اسرائیل، تاکید کرده بود بهترین راهکار برای حل بحران فلسطین و اسرائیل، تشکیل کشور مستقل فلسطین است اما نخست وزیر اسرائیل پس از انتخابات گفت سخنان او، به معنی عقب نشینی اش از گفته های قبلی نیست و صرفاً بر این پلورست که «هنوز شرایط برای این کار مهیا نیست» پیش از این مقامات ارشد سازمان ملل متعهد نیز از دیگر کسانی بودند که به گفته های نتانیاهو واکنش نشان داده بودند از جمله بان گی مون، دبیر کل سازمان ملل متحد، که ۲۹ اسفند ماه، در تماسی تلفنی با نتانیاهو، از او خواست تا تعهد اسرائیل را به راه حل دو کشوری، به معنی تشکیل کشور فلسطین، مجدداً احیا کند.

جاسوسی از مذاکرات؛ اسرائیل و ایجاد بحران های پی در پی برای آمریکا

افشای جاسوسی رژیم صهیونیستی از مذاکرات هسته ای ایران و همکاری این رژیم با جنگ طلبان آمریکایی برای کارشکنی در روند مذاکرات تهران و ۵+۱، موجب بروز بحرانی جدید در مناسبات تل آویو-واشنگتن شده است.

روزنامه وال استریت جورنال روز دوشنبه، سوم فروردین، در وبسایت خود از قول «مقامات ارشد کاخ سفید» گزارش داده بود که اسرائیل از سال گذشته «به منظور تلاش برای جلوگیری از توافق احتمالی هسته ای قدرتها با ایران» اقدام به جاسوسی از مذاکرات اتمی کرده است.

این روزنامه نوشته بود که «جاسوسی» اسرائیل از مذاکرات با ایران شامل شوند و کسب اطلاعات از جلسات محرمانه مقامات آمریکایی و، تماس اسرائیلی ها با خبرچین ها و دیپلمات ها می شود. در این رابطه اما، روز سه شنبه یک مقام ارشد در دفتر نخست وزیر اسرائیل نیز که نام او فاش نشده به شبکه خبری سی ان ان با تاکید بر این که اسرائیل اقدام به جاسوسی از آمریکا و دیگر هم پیمانان اسرائیل نکرده گفت که «بن اتهامات بالکل نادرست است».

در همین روز شبکه بی بی سی نیز خبر داد که یک مقام رسمی در دفتر نخست وزیر اسرائیل که نام او نیز فاش نشده به این شبکه گفته است: اسرائیل از ایالات متحده و دیگر متحدان اسرائیل جاسوسی نمی کند. آشکار است که هدف از انتشار این اتهامات ضربه زدن به روابط مستحکم بین ایالات متحده اسرائیل و ضربه زدن به امنیت و همکاری های اطلاعاتی ماست.

وال استریت جورنال از قول «یک مقام ارشد آمریکایی» نوشته بود اطلاعاتی که اسرائیل از این «جاسوسی ها» به دست آورده در اختیار قانون گذاران آمریکایی و دیگران گذاشته شده تا با استفاده از آن بتوانند در جریان دست یابی به توافق نهایی اتمی با ایران کارشکنی کنند. به نوشته این روزنامه، این جاسوسی زمانی بر ملا شد که آژانس های اطلاعاتی آمریکا

پيام هایی را ردگیری کردند که بین مقام های اسرائیلی ردوبدل می شد و محتوای این پیام ها تنها می توانست از گفت و گوهای هسته ای که پشت درهای بسته برگزار می شود درز کرده باشد

به گزارش وال استریت جورنال، مقام های کاخ سفید به ویژه از این موضوع نالزاحت شده اند که اسرائیل این اطلاعات را در اختیار برخی اعضای کنگره گذاشته تا بتوانند پرونده ای علیه روند مذاکرات هسته ای تشکیل دهند

گروهی از قانون گذاران جمهوری خواه آمریکایی همواره همصدا با اسرائیل نسبت به آن چه «توافق بد» با ایران می دانند هشدار می دهند.

تکذیب صهیونیست ها

اما کمی پس از آن که روزنامه آمریکایی وال استریت جورنال گزارشی با مضمون «جاسوسی اسرائیل» از جلسات مذاکره هسته ای با ایران منتشر کرد، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی این خبر را تکذیب کرد

آوگدور لیبرمن، گفته است که «این گزارش صحت ندارد همان طور که معلوم است اسرائیل منافع امنیتی دارد که باید از آنها حفاظت کند و ما هم فعالیت های اطلاعاتی خود را داریم، اما از ایالات متحده جاسوسی نمی کنیم»

وی افزود: ما اطلاعات مان را از دیگر منابع گرفته ایم، نه از ایالات متحده. ده ها است که در این مورد دستور العمل واضحی صادر شده: از ایالات متحده جاسوسی نکنید، چه مستقیم، چه غیر مستقیم.

ژنرال موشه یعلون، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی، نیز در واکنش به گزارش وال استریت جورنال گفته است که «آمریکا

هرگز درباره موضوع ادعایی جاسوسی که در این گزارش مطرح شده، شکایتی به اسرائیل نکرده است».

شگفتی مقامات آمریکا

با این وجود رییس مجلس نمایندگان آمریکا می گوید که انتشار گزارشی درباره جاسوسی



اسرائیل از آمریکا

لیبرمن در حالی مدعی ممنوع بودن جاسوسی از آمریکا برای سرویس های امنیتی رژیم صهیونیستی شده که بیشتر نیز خبرهایی در مورد جاسوسی این رژیم از مقامات آمریکایی بویژه وزیر خارجه این کشور منتشر شده بود.

برای مثال در مرداد ماه سال گذشته یک رسانه آلمانی از جاسوسی رژیم صهیونیستی از وزیر امور خارجه آمریکا و شنود مکالمات تلفنی وی در جریان مذاکرات سازش خبر داد

بر اساس گزارش اشپیگل، مکالمات تلفنی جان کری وزیر امور خارجه آمریکا در هنگام سفرهای وی به خاورمیانه برای پیشبرد مذاکرات سازش بصورت مرتب از سوی نهادهای اطلاعاتی اسرائیل شنود می شد

جان کری در طول یک سال گذشته برای به نتیجه رساندن مذاکرات سازش سفرهای متعددی را به خاورمیانه داشته و بصورت مرتب با مقامات تشکیلات خودگردان و همچنین تل آویو در ارتباط بود.

به نوشته اشپیگل، فاش شدن جاسوسی اسرائیل از وزیر امور خارجه آمریکا بدون شک موجب افزایش تنش های موجود میان واشنگتن و تل آویو می شود.

اسرائیل از مذاکرات هسته ای ایران و شش قدرت جهانی وی را شگفت زده کرده است. «جان بونر» دیروز سه شنبه در جمع خبرنگاران گفت که وی اطلاعاتی درباره اینکه آیا اطلاعات اسرائیل به دست قانون گذاران آمریکایی رسیده باشد، ندارد.

روزنامه وال استریت جورنال روز دوشنبه گزارش داد که اسرائیل نه تنها از مذاکرات فوق محرمانه ایران و شش قدرت جهانی جاسوسی می کرده بلکه جزئیات این مذاکرات را در اختیار برخی قانون گذاران آمریکایی قرار داده که همان خریکی در مسیر مملعت ارسیدن به توافق هسته ای با ایران بوده است.

بونر که قرار است در روزهای آینده به دنبال پیروزی بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی در انتخابات پارلمانی به سرزمنی های اشغالی سفر کند اظهار داشت: «همیشه بگویم که مقصدی شگفت زده شدم، چون اطلاعاتی که گفته می شود اسرائیل به نمایندگان منتقل کرده است هنوز به خود من نرسیده است».

وی درباره «هشت آشکار اطلاعات» به نمایندگانی که نامی از آن ها برده نشده است گفت که من کلاً از این موضوع اطلاع ندارم. این گزارش می افزاید که بسیاری از جمهوری خواهان مخالف هر گونه توافقی هستند که «برنامه هسته ای ایران را به طور کامل متوقف نکند».

آمریکا از حمله به یمن حمایت «اطلاعاتی و لجستیکی» می کند



آمریکا در واکنش به حمله عربستان به یمن اعلام کرد: ما از عربستان سعودی در عملیات نظامی علیه یمن و برای حمایت از هم پیمانان و منافع خود، از این حمله حمایت اطلاعاتی و لجستیکی می کنیم. «برنات میهان» سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا، با صدور بیانیتهای گفت: رئیس جمهور اوباما، اجازه تدارک حمایت لجستیک و اطلاعاتی از عملیات نظامی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را صادر کرده است.

این گفتهها ساعاتی پس از آن مطرح شده که عادل الجبیر، سفیر عربستان سعودی در واشنگتن، در یک نشست خبری گفت نیروهای سعودی برای بازگرداندن قدرت به دولت برکنار شده یمن، دست به عملیات هوایی علیه شورشیان حوثی، زده اند.

در کنار این کشور قطر، کویت، بحرین و امارات متحده عربی - اعضای شورای همکاری خلیج فارس منهای عمان - با انتشار بیانیهای اعلام کردند که به درخواست رئیس جمهوری یمن پاسخ مثبت داده و قصد دارند «از یمن و مردم آن دفاع کنند».

میهان ضمن محکوم کردن آنچه جنبش انصارالله در یمن انجام داده اند، گفت: واشنگتن از نزدیک با آقای هادی (رئیس جمهور فراری) در ارتباط بوده است.

در حال حاضر، بنا بر گزارش ها، رئیس جمهوری سرنگون شده یمن که به شهر جنوبی عدن رفته بود، با پیشروی های اخیر شورشیان، از کشور خود گریخته است.

برنات میهان تاکید کرده است که ایالات متحده به طور مستقیم در عملیات نظامی کشورهای عربی در یمن دخالت نمی کند.

سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا در ادامه گفت: ما قویا به حوثی ها هشدار می دهیم که عملیات نظامی خود را که به بی ثباتی می انجامد، متوقف کرده و به عنوان بخشی از گفت و آمو سیاسی، پای میز مذاکره بازگردند.

به گفته این سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا جامعه جهانی هم از طریق شورای امنیت سازمان ملل و هم از طریق دیگر مجامع، اعلام کرده است که سرنگونی خشونت بار قدرت در یمن با دست بردن به اسلحه، غیر قابل قبول است. و یک گذار سیاسی مشروع که مدت هاست مردم یمن خواهان آن هستند تنها از طریق گفت و آموهای سیاسی و اجماع تمام احزاب، به دست می آید.



آمریکا نظامیان خود را از جنوب یمن خارج کرد

پایگاه العند به مکانی نامعلوم منتقل شدند. این منبع افزود: واحدهای مبارزه با تروریسم که نیروهای آمریکایی مسئولیت آموزش آنها را بر عهده داشتند نیز از جنوب یمن خارج شدند.

گفتنی است، پس از فرار عبد ربه منصور هادی رئیس جمهور مستعفی یمن به شهر عدن و کارشکنی های وی در مسیر گفت و آموهای سیاسی برای حل بحران کنونی، یمن بیش از پیش شاهد اقدامات تروریستی در نقاط مختلف این کشور است.

ایالات متحده آمریکا نیروهای مستقر خود در پایگاه هوایی «العند» واقع در جنوب یمن را به دلایل امنیتی از این پایگاه بیرون کشید.

در پی وقوع درگیری های شدید میان نیروهای امنیتی یمن و تروریست های القاعده در نزدیکی پایگاه هوایی «العند» واقع در جنوب یمن، ایالات متحده آمریکا اقدام به خارج کردن نیروهای مستقر خود در این پایگاه کرد.

در همین ارتباط یک منبع نظامی آگاه که نخواست نامش فاش شود گفت: نیروهای آمریکایی پس از خروج از

پنتاگون با نیروی مشترک عربی همکاری خواهد کرد

باشد همکاری خواهد کرد. اشتون کارتر روز گذشته در جریان بازدید از یک پایگاه نظامی در نیویورک در گفتگو با خبرنگاران افزود: فرماندهان نظامی آمریکا ابراز عقیده کرده اند که بهتر است کشورهای منطقه عضو نیروی مشترک عربی را که در خصوص تشکیل آن در نشست سران عرب در شرم الشیخ توافق شد تشویق کنند.

وزیر دفاع آمریکا در سخنانی اعلام کرد که پنتاگون با نیروی مشترک عربی همکاری خواهد کرد.

اشتون کارتر وزیر دفاع آمریکا از طرح تشکیل نیروی مشترک عربی برای مقابله با آنچه تهدید امنیتی در خاورمیانه خوانده می شود حمایت کرد.

وی گفت: وزارت دفاع آمریکا با نیروی مشترک عربی در زمینه هایی که همسو با منافع آمریکا



خاورمیانه؛ آینه عبرت آمریکادر مواجهه با بحران یمن



پیرامون این کشور می گذرد به گونه ای عمیق از نگاه مانوی و ثنویت گرای دولتمردان واشنگتن ریشه می گیرد ثنویت گرای باعث می شود که آمریکایی ها در قضاوت خود هرگز حد وسط را نگه ندارند به این معنی که اگر در جایی از جهان درگیری رخ بدهد یکی از طرفین «بد مطلق» و دیگری «خوب مطلق» است. با چنین دیدی، آمریکا خود را مجاب به صدور حکم قطعی برای حمایت از آن گروهی می کند که طبق پیش فرض اولیه «خوب» تلقی می شود. این همان دیدی است که «جرج دبلیو بوش» رئیس جمهور پیشین آمریکا را به گفتن این جمله معروف واداشت که «شما یا با ما هستید، یا با تروریست ها» و گزینه سوم وجود ندارد. اما جالب است که «باراک اوباما» رئیس جمهور فعلی آمریکا سعی خود را برای فاصله گرفتن از این نگاه -که هر چیزی را مطلقا سیاه و سفید می بیند- به کار بسته است. با این حال، حتی دولت وی هم نمی تواند به طور کامل خود را از قید محدودیت هایی که عادت دیرینه ثنویت گرایی بر آن تحمیل می کند رها سازد. با تن دادن به همین عادت قدیمی است که دولت اوباما هم دست به اقداماتی می زند که بهتر بود انجام نمی داد.

«باراک اوباما» رئیس جمهور آمریکایی داشته است تا در سال های اخیر رویکرد نسبتا مثبتی را نسبت به مسائل خاورمیانه داشته باشد و در حل بحران های این منطقه تا حد امکان از موضع جنگ طلبانه وارد نشود. تصمیم وی در خاتمه دادن به جنگ عراق، خروج تدریجی نیروهای آمریکایی از افغانستان، همکاری غیرمستقیم با دولت ایران برای مهار داعش و در نهایت موافقت با الحاق حکومت «بشار اسد» در سوریه نشانه ای از باروی به این حقیقت بود که منافع آمریکا در یک خاورمیانه ناآرام تأمین نمی شود. اما، رویکردی که اوباما در قبال بحران یمن اتخاذ کرد و جانبداری دولت واشنگتن از عربستان سعودی در تضاد کامل با سیاست های اخیر اوباما بوده است. به همین دلیل، سایت خبری -تحلیلی «تشنال اینترست» در مقاله ای به قلم «پیل پیار» استاد دانشگاه جرج واشنگتن و کارشناس مبارزه با تروریسم به نقد مضرات حتمی و منافع احتمالی آمریکا در حمایت از جنگ یمن پرداخته است. وی در این مقاله دولت واشنگتن را به عبرت گرفتن از حوادثی دعوت می کند که در گذشته سیاسی خاورمیانه اتفاق افتاده است.

در ادامه به تحلیل وی از رویکرد آمریکا نسبت به بحران یمن می پردازیم. درک ایالات متحده آمریکا از آنچه در دنیای

|| نقض ثنویت گرایی آمریکادر مواجهه با حوادث خاورمیانه

در فضای سیاسی خاورمیانه نمونه های متعددی وجود دارد که ناقض نگاه سیاه و سفید دولت واشنگتن به حوادث جهان است. برای تأیید این مطلب کافی است نگاهی به عراق بیاندازیم و ببینیم که آمریکا و ایران به امید مهار داعش در یک جبهه مشترک می جنگند.

سوریه مثال دیگری از نقض ثنویت گرایی دولت واشنگتن است. این بار، آمریکا شورشیان میانه رویی را زیر پر و بال خود گرفته است که با دولت بشار اسد مخالفند و جالب آنکه بر حسب طنز روزگار دولت اسد هم با داعش و القاعده سر جنگ دارد.

این نمونه ها مثال خوبی است در توجیه این تئوری که بهتر است دولت واشنگتن حداقل در رویدادهای مرتبط با خاورمیانه جانب احتیاط را نگه دارد و به جانب داری از یک گروه خاص نپردازد. اما از قرار معلوم حوادثی که در گذشته سیاسی خاورمیانه روی داده است به حد کفایت آموزنده نبوده تا آمریکا را به عدم جانبداری از سعودی ها در مواجهه با بحران یمن وادارد. در مجموع، سه ویژگی بارز شرایط حاکم بر یمن را به گونه ای متمایز می کند که لزوم احتیاط آمریکا را می طلبد و دولت واشنگتن را به تأمل هر چه بیشتر در انتخاب رویکرد درست دعوت می کند.

|| چرایی لزوم احتیاط آمریکادر مواجهه با بحران یمن

نخست آنکه بحران یمن بسیار پیچیده است و در مواجهه با آن جانبداری محض یا مخالفت محض با یک گروه خاص معقول به نظر نمی آید. یکی از وجوه پیچیدگی بحران یمن حضور خطرناکترین شاخه القاعده در شبه جزیره عربستان است که از قضا دشمنی دیرینه ای با حوثی های یمن دارند و جالب آنکه همین حوثی ها از جانب «علی عبدالله صالح» حمایت می شوند که بیش از سه دهه بر یمن حکومت داشته و زمانی متحد کلیدی آمریکا محسوب می شد. اکنون دولت واشنگتن باید تصمیم بگیرد که دشمنی اش با حوثی ها به نفع القاعده تمام می شود و آیا این به راستی در جهت منافع آمریکاست؟

دوم آنکه جنگ یمن بیش از هر چیز از اختلافات داخلی این کشور ریشه می گیرد و این حقیقت از سوی آنهایی که تمایل دارند حوثی ها را بازوی عملیاتی ایران در مناقشات منطقه ای جلوه دهند نادیده گرفته می شود. قضیه اصلا به این نحو نیست. حوثی ها از مدت ها پیش تحت سلطه بوده اند و توقیفات اخیر آنها هم ناشی از همراهی دیگر گروه های ضعیف یمنی است که مطالبات سیاسی مشترکی دارند سوم آنکه انگیزه عربستان سعودی و دیگر کشورهای درگیر در جنگ یمن در همسویی با منافع آمریکا نیست. یکی از دلایل اعراب برای تحمیل جنگ به یمن دامن زدن به آتش اختلافات فرقه ای بوده است و اصلا به نفع دولت واشنگتن نیست که با جانبداری از آنها خود را مخالف یا موافق یکی از فرقه های جهان اسلام معرفی کند.

انگیزه دیگر دولت ریاض، تصرف مناطقی از یمن به امید تحقق رویای تسلط محض بر شبه جزیره عربستان است. اعراب دلمناقش ایران را در حوادث یمن پررنگ می کنند اما واقعیت آن است که دلخوری آنها بیشتر از خود حوثی ها است که هرگز سر تسلیم در برابر عربستان خم نکردند البته تسلط عربستان سعودی بر همسایگانش نیز به نفع آمریکان نیست.

|| توافق هسته ای با ایران؛ بهانه آمریکادر برای رضایت دادن به جنگ یمن

اکنون این سؤال وجود دارد که چرا آمریکا علیرغم آگاهی از پیچیدگی های حاکم بر شرایط یمن دست به حمایت از عربستان سعودی زده است. گفته می شود که دولت اوباما برای فرونشاندن خشم اعراب از توافق هسته ای با ایران به فکر حمایت از آنها در جنگ یمن افتاده است. اگر این موضوع واقعیت داشته باشد و به ثمر رساندن مذاکرات هسته ای و در نهایت تغییر دیپلماسی آمریکا در خاورمیانه در گرو همراهی با اعراب باشد شاید بتوان امینوار بود که رویکرد آمریکا علیرغم همه زبان های قابل پیش بینی، در نهایت نتایج مثبتی را به بار بیورد. با این حال، بحران یمن با همه پیچیدگی هایی که به آن اشاره شد به منزله درسی برای واشنگتن است مبنی بر اینکه شاید بهتر است آمریکا جانب احتیاط را نگه دارد و این بار هم اقدام به طرفداری از یک گروه خاص نکند.

آمریکا آمادہ سوخت رسانی به جنگنده های سعودی برای حمله به یمن است



از عملیات های سوخت رسانی ارتش آمریکا بر فراز آسمان یمن انجام نخواهد گرفت تا از هرگونه احتمال هدف قرار گرفتن هواپیماها و به اسارت درآمدن خلبانان آمریکایی اجتناب شود. سخنگوی پنتاگون درباره اینکه چه تجهیزاتی برای سوخت رسانی به هواپیماهای سعودی تهیه شده است توضیحی ارائه نداد اما گفت که هنوز تجهیزات جدیدی برای پیگیری عملیات سوخت رسانی در منطقه مستقر نشده است. ارتش آمریکا علاوه بر سوخت رسانی به هواپیماهای سعودی به انجام عملیات امداد و نجات نیروهای ائتلاف نیز در حمایت از جنگ اعراب علیه یمن مبادرت می ورزد.

سخنگوی پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) از آمادگی نیروی هوایی آمریکا برای سوخت رسانی به هواپیماهای سعودی در جنگ علیه یمن خبر داد. «استیو وارن» سخنگوی پنتاگون اعلام کرد هواپیماهای سوخت رسان ارتش آمریکا آمادہ سوخت رسانی به جنگنده های عربستان سعودی و متحدان این کشور در حمله به یمن هستند. استیو وارن در ادامه اظهارات خود تأکید کرد: مجوز سوخت رسانی به هواپیماهای ائتلاف عربی صادر شده است و هواپیماها نیز در حالت آمادہ باش هستند اما از آنجا که عربستان سعودی و متحدانش تا کنون درخواست کمک نکرده اند عملیات سوخت رسانی به تأخیر افتاده است. علاوه بر این استیو وارن تصریح کرد که هیچ یک

بگیرند. به همین دلیل است که علیرغم باور کلی به عدم موفقیت رند پل، بسیاری شیوه وی را در تلاش برای به دست آوردن دل رای دهندگان آمریکایی مورد تمجید قرار داده و آن را الگوی خوبی برای دیگر نامزدهای حزب جمهوری خواه تلقی می کنند.

به گفته یک کارشناس، در این دور از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا همه نامزدهای جمهوری خواه می بایست تلاش کنند تا خود را به عنوان بخشی از ائتلاف راست میانه رو معرفی کنند. اگر یک نامزد جمهوری خواه موفق به اخذ ۵۰ درصد از رای سفید پوستان شود، بالطبع به ۳۰ درصد از رای رنگین پوستان نیز برای موفقیت در انتخابات ریاست جمهوری و ورود به کاخ سفید احتیاج خواهد داشت.

لازم به ذکر است که بنابر گزارش خبرگزاری فرانسه، در میان نامزدهای جمهوری خواهی که احتمالاً در این دور از رقابت ها حضور خواهند داشت، «جب بوش» برادر رئیس جمهور اسبق آمریکا طبق نظرسنجی ها از محبوبیت بیشتری برخوردار است اما وی تا کنون نامزدی رسمی خود را برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری اعلام نکرده است.

«رند پل» هم وارد گود انتخابات ریاست جمهوری آمریکاشد

سناتور رند پل دومین جمهوری خواهی است که به طور رسمی نامزدی خود را برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا اعلام کرد.

مواد مخدر، تحقیقات بیشتر پیرامون تخلفات آژانس های اطلاعاتی آمریکا و کاهش حضور نظامی در دیگر کشورهای جهان اشاره کرد.

لازم به ذکر است که توفیق سناتور رند پل در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا از سوی بسیاری از هم حزبی های وی زیر سوال رفته است. اما، با توجه به وسعت طیف جمهوری خواه و اختلاف نظرهایی که در میان اعضای وابسته به شاخه های متفاوت این حزب وجود دارد، اتفاق نظر کلی بر آن است که محافظه کاران می بایست در جلب آراء اقشار متفاوت مردم رویکرد جدیدی را انتخاب کرده و از رویکرد قدیمی خود که حزب جمهوری خواه را به عنوان یک حزب سفید و مرفه مطرح می کند، فاصله

وی به حزب لیبرتارین، شاخه آزادی خواه حزب جمهوری خواه و در مقابل عضویت وی در تی پارتی، شاخه افراط گرای حزب جمهوری خواه اشاره کرد

وابستگی رند پل به حزب لیبرتارین که رهبری آن را پدر وی «ان پل»، سیاستمدار پیشکسوت و نامزد دو دوره از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، بر عهده دارد، به وی این فرصت را می دهد که نظر مساعد قشر جوان و اقلیت های رنگین پوست آمریکا را به خود جلب کند. از سوی دیگر، عضویت رند پل در تی پارتی نیز به وی در جذب آراء جمهوری خواهان محافظه کارتر کمک می کند.

از شعارهای انتخاباتی سناتور رند پل می توان به کاهش دوره محکومیت مجرمان



سناتور «رند پل» به طور رسمی نامزدی خود را در دور مقدماتی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا اعلام کرد. به این ترتیب، وی که یک محافظه کار «لیبرتارین» و یکی از اعضای پیشرو «تی پارتی» است، پس از سناتور «تد کروزر» دومین جمهوری خواهی است که رسماً نامزدی خود را برای حضور در رقابت های ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ ایالات متحده آمریکا اعلام کرده است. از جنبه های مثبت رند پل، سناتور جوان ایالت کنتاکی، می توان به گرایش همزمان

سناتور «تد کروزر» رسماً نامزد انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکاشد

سناتور «تد کروزر» به عنوان جدی ترین نامزد حزب جمهوری خواه آمریکا، نامزدی خود را برای شرکت در رقابت های انتخابات ریاست جمهوری آمریکا اعلام کرد.

با وجود آنکه بیش از یک سال به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا باقی مانده اما از مدتی قبل رقابت ها برای حضور در این انتخابات آغاز شده و از حزب جمهوری خواه خبر می رسد که «جب بوش» برادر رئیس جمهور سابق آمریکا، اصلی ترین نامزد این حزب برای شرکت در انتخابات سال آینده خواهد بود اما این وجود وی هنوز نامزدی خود را بطور رسمی اعلام نکرده است.

در چنین وضعیتی آسوشیتدپرس، به نقل از توفیتر سناتور تد کروزر، از نامزدی رسمی وی برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا خبر داده است.

به نوشته این رسانه کروزر جدی ترین نامزدی است که از حزب جمهوری خواه تا کنون نامزد شرکت در انتخابات ۲۰۱۶ شده است. این سناتور جمهوری خواه حمایت جنبش «تی پارتی» را نیز دارد. در صورتی که تعداد نامزدهای هر یک از دو حزب جمهوری خواه و یا دموکرات آمریکا برای انتخابات ریاست جمهوری بیش از یک نفر باشد، آنها وارد انتخابات درون حزبی می شوند تا در نهایت نامزد برگزیده برای شرکت در انتخابات ۲۰۱۶ معرفی شود.



۹۸۰۰ نظامی آمریکایی تا پایان ۲۰۱۵ در افغانستان می مانند

کاخ سفید در بیانیهای اعلام کرد که آمریکا به جای کاهش شمار نیروهایش در افغانستان، نه هزار و ۸۰۰ نیروی نظامی فعلی خود در این کشور را تا پایان سال ۲۰۱۵ حفظ می کند.

بر اساس این بیانیه، توافق بر سر این مسئله در جریان دیدار روز سه شنبه اشرف غنی زی، رئیس جمهوری افغانستان، و باراک اوباما، همتای آمریکایی وی، صورت گرفت.

بیانیه کاخ سفید می افزاید: به دنبال درخواست رئیس جمهور افغانستان در زمینه کند شدن روند خروج نیروهای آمریکایی، واشنگتن وضعیت فعلی استقرار ۹۸۰۰ نیروی نظامی خود را تا پایان سال در این کشور حفظ می کند. درخواست اشرف غنی زی به دلیل نگرانی از اوضاع امنیتی افغانستان و ناتوانی احتمالی نیروهای افغان در مقابله با حملات فصل بهار شورشیان طالبان است. در این بیانیه آمده است: «برنامه ویژه سال ۲۰۱۶ برای تعیین شمار نیروهای آمریکایی در افغانستان در اواخر

سال ۲۰۱۵ اعلام خواهد شد».

قرار بود که شمار نیروهای آمریکایی در این کشور طی سال ۲۰۱۵ به پنج هزار و ۵۰۰ نفر کاهش یابد. باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا، در این زمینه گفت:

افغانستان کشوری خطرناک باقی مانده و مهم است که همکاری امنیتی میان دو کشور ادامه پیدا کند.

وی که در یک کنفرانس خبری مشترک با همتای افغان خود سخن می گفت اظهار داشت که روی کار آمدن دولت جدید در افغانستان فصل جدیدی در روابط میان دو کشور می گشاید.

این نخستین دیدار باراک اوباما با رئیس جمهوری جدید افغانستان بود که شش ماه پیش به این سمت انتخاب شد. به دنبال انتخابات جنجال برانگیز ریاست جمهوری افغانستان، اشرف غنی و عبدالله عبدالله، رقیب انتخاباتی او، قدرت را میان خود تقسیم کردند.

این دو برای نشان دادن اتحاد میان خود همراه یکدیگر به واشنگتن سفر کرده اند.

معرفی رقبای هم حزبی کلینتون در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

«هیلاری کلینتون» به طور رسمی نامزدی خود را برای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا اعلام کرده اما با این حال گمانه زنی ها حاکی از برتری وی بر تمامی رقبای هم حزبی خود است.

هیلاری کلینتون محبوب ترین چهره حزب دموکرات آمریکا برای تصاحب کرسی ریاست جمهوری این کشور است. طبق نظرسنجی هایی که تا کنون صورت گرفته هیلاری کلینتون ۶۹ ساله نسبت به سایر رقبای هم حزبی خود با اختلاف زیادی صدر نشین جدول نامزدهای احتمالی حزب دموکرات برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ است.

از سوابق کاری وی -که پیشتر تجربه حضور در کاخ سفید را به عنوان همسر «بیل کلینتون» رئیس جمهور اسبق آمریکا داشته است- می توان به عضویت وی در مجلس سنا، آمریکا در مقام سناتور ایالت نیویورک و پست وزارت امور خارجه آمریکا در دور اول ریاست جمهوری «باراک اوباما» اشاره کرد.

عده ای هیلاری کلینتون را فاتح بلامنازع انتخابات مقدماتی (انتخابات درون حزبی) حزب دموکرات تصور می کنند و حتی برخی تا آنجا پیش می روند که پیروزی وی در انتخابات نهایی را نیز بسیار محتمل می دانند. با این حال، وی در انتخابات مقدماتی حزب دموکرات با رقبای احتمالی مواجه خواهد شد که خود از چهره های برجسته صحنه سیاست آمریکا هستند.

لازم به ذکر است که تا کنون هیلاری کلینتون نامزدی خود را برای رقابت ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ اعلام نکرده است اما به نقل از «هیل» پایگاه خبری کنگره آمریکا انتظار می رود که وی ظرف دو هفته آینده مبادرت به چنین اقدامی کند. در ادامه لیستی از رقبای هم حزبی احتمالی هیلاری کلینتون ارائه می شود. نکته قابل تامل در این لیست تعداد کم

اسامی در مقایسه با اسامی رقبای احتمالی حزب جمهوری خواه و در نهایت اختلاف امتیاز ۶۰ درصدی هیلاری کلینتون با سایر رقبای هم حزبی خود در نظرسنجی ماه میلادی مارس است.

جو بایدن:

معاون ۷۳ ساله رئیس جمهور آمریکا و سناتور سابق ایالت

جیم وب:

سناتور سابق ایالت ویرجینیا، نویسنده و درجه دار نیروی دریایی با امتیاز ۱۲ درصد.

مارتین اومالی:

فرماندار سابق ایالت مریلند و شهردار اسبق شهر بالتیمور که در نظرسنجی ماه مارس امتیازی ۰.۸ درصدی کسب کرد.



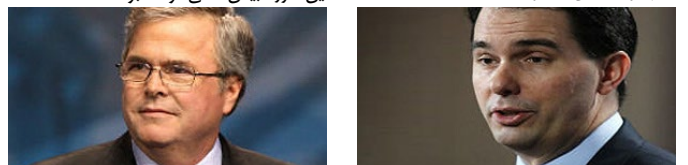
تفاهم سوئیس؛ فرصتی برای خودنمایی نامزدهای حزب جمهوريخواه آمریکا

نامزدهای حزب جمهوريخواه آمریکا که از هر فرصتی برای انتقاد از سیاست های دولت فعلی این کشور استفاده می کنند تفاهم سوئیس را فرصتی مناسب برای حمله به کاخ سفید یافته اند.

با وجود آنکه تا کنون تنها یک نفر از حزب جمهوريخواه آمریکا نامزدی خود را بطور رسمی برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ اعلام کرده اما با این وجود پس از تفاهم به عمل آمده میان ایران و کشورهای ۵+۱، برخی از چهره های حزب جمهوريخواه که از آنها با عنوان نامزدهای احتمالی انتخابات سال آتی یاد می شود این تفاهم را بهانه قرار داده و برای مطرح کردن خود شروع به انتقاد از آن کرده اند.

در همین رابطه فاکس نیوز در گزارشی می نویسد: نامزدهای احتمالی حزب جمهوريخواه آمریکا که در اندیشه تصاحب کرسی ریاست جمهوری این کشور در انتخابات سال ۲۰۱۶

هستند در پی به تفاهم رسیدن ایران و کشورهای ۵+۱ در این دور از مذاکرات هسته ای، دولت «باراک اوباما» را مورد شمت قرار داده و توافق به دست آمده را تهدیدی برای امنیت آمریکا و متحدانش توصیف کردند. «اسکات والکر» فرماندار ایالت ویسکانسین در این باره گفت: توافق خطرناک اوباما با ایران در جهت منافع دشمن است و در مقابل متحمل آمریکا را تضعیف کرده و تهدیدی برای امنیت مائقی می شود. علاوه بر این اسکات والکر وعده داد که در صورت انتخاب شدن (پیروزی در انتخابات) نخستین اقدام وی بیرون کشیدن ایالات متحده آمریکا از جمع طرفداران این قرار ددیین المللی خواهد بود.



والکر در حالی این وعده را داده که ابتدا باید وی در انتخابات درون حزبی به همراه دیگر نامزدهای حزب جمهوريخواه شرکت کند و در صورت پیروزی در رقابت ها آنگاه با نامزد حزب دموکرات رقابت کند تا به کاخ سفید راه پیدا کند. روندی که با توجه به مطرح بودن نام های بسیار معروف تر از وی، بعید است والکر را تبدیل به مستاجر بعدی کاخ سفید کند.

از سوی دیگر، «جیم وب» فرماندار اسبق فلوریدا که از قضا برادر و پسر دو رئیس جمهور سابق آمریکا نیز هست در اظهاراتی ضمن محکوم کردن دولت اوباما گفته: جزئیات این توافق امتیازات قابل توجهی را برای ملتی قاتل می شود که شعار مرگ بر اسرائیل سر می دهند و خواهان نابودی اسرائیل هستند. از سوی دیگر، سناتور «تد کروزر» به عنوان تنها جمهوری خواهی که رسماً برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ اعلام آمادگی کرده است موضع نسبتاً محتاطانه تری را نسبت به توافق هسته ای بین ایران و کشورهای ۵+۱ اتخاذ کرد و گفت:



ما همچنان منتظر جزئیات دقیق تر هستیم اما به نظر می آید که لحن توافق به شدت منافع آمریکا را تضعیف می کند.

«ریک پری» فرماندار سابق تگزاس نیز در بیاناتی مشابه با جیمز شمرمن نگرانی متحدان آمریکا این توافق را امتیاز دهن به ایران تلقی کرد. به نظر می رسد که همه نامزدهای جمهوری خواهی که در اندیشه تصاحب کرسی ریاست جمهوری آمریکا هستند از توافق هسته ای بین ایران و کشورهای ۵+۱ به عنوان ابزاری مناسب برای مقایسه حزب خود با حزب دموکرات استفاده می کنند. در حالیکه تنها ۱۸ ماه به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا زمان باقی مانده است جمهوری خواهان به بهانه اینکه توافق احتمالی خطر ایران هسته ای و تهدید ناشی از آن را برطرف نمی کند، دموکرها را به دلیل ضعف نشان دادن در مقابل ایران محکوم می کنند.

«مارکو ربیو» سناتور جون فلوریدانیز در تأیید این مطلب تفاهم هسته ای با ایران را یک شکست دیپلماتیک توصیف کرده و آن را آخرین مثال از قانم دولت اوباما برای نزدیکی به ایران تلقی کرد.



روییو به عنوان سومین سناتور جمهوریخواه نامزد انتخابات ۲۰۱۶ شد

سناتور «مارکو رابینو» سناتور جمهوری خواه ایالت فلوریدا نیز نامزدی خود را برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ این کشور اعلام کرد.

از این نظر مارکو رابینو را می توان بی تجربه ترین و جوان ترین نامزد انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ نامید.

پیش از این «تد کروز» سناتور ایالت تگزاس و «راند پل» سناتور ایالت کنتاکی از حزب جمهوری خواه نامزدی خود را برای انتخابات سال آینده اعلام کرده بودند. این در حالی است که جوب بوش و اسکات واکر فرماندار ایالت ویسکانسین نیز از دیگر امیدهای حزب جمهوری

مارکو رابینو سومین فردی است که خود را از حزب جمهوری خواه برای انتخابات ریاست جمهوری سال آینده نامزد می کند. وی قرار است شامگاه روز دوشنبه به وقت محلی نامزدی خود را به طور رسمی اعلام کند ولی پیش از آن از حامیان مالی اش خواسته تا برای راه اندازی ستاد انتخاباتی اش کمک کنند. در ویو مهم ترین اولویت های خود را بازگرداندن اتحاد به شاخه های مختلف حزب جمهوری خواه و همچنین ارائه راه حل هایی برای اقتصاد آمریکا در سال های آینده قرار داده است.

به نوشته نیویورک تایمز رابینو که تنها ۴۳ سال سن دارد، خود را نامزد نسل های آینده و دارای اهدافی برای سال های پیش رو می داند. این در حالی است که جوب بوش برادر کوچک تر جرج بوش ۶۲ سال سن دارد و خانواده اش برای مدت سه دهه در سیاست آمریکا نقشی اساسی ایفا کرده اند و هیلاری کلینتون نامزد پیشرو حزب دموکرات نیز با ۶۷ سال سن علاوه بر این که بانوی اول اسبق این کشور بوده، تجربه سناتوری نیویورک و همچنین وزارت امور خارجه را دارد و



اختلاف نظر جمهوری خواهان درباره توان نظامی آمریکا در برابر ایران

اظهارات سناتور «تام کاتن» مبنی بر اینکه آمریکایی می تواند بصورت گسترده ای تاسیسات هسته ای ایران را در یک عملیات بمباران محدودی که فقط چند روز به طول می کشد نابود کند با تردید اغلب چهره های شناخته شده جمهوری خواه مواجه شده است.

طریق اطلاعات طبقه بندی شده باشد. اما «جان بولتون» نماینده سابق آمریکا در سازمان ملل و کسی که به داشتن رویکرد ضد ایرانی معروف است در حمایت از تام کاتن گفت: حق با کاتن است. «مایک هاکی» فرماندار سابق آرکانزاس نیز که در دوره های گذشته نامزد انتخابات ریاست جمهوری نیز

رابطه گفت: فکر نمی کنم که نابود کردن تاسیسات ایران در یک عملیات سریع و آسان ممکن باشد اما با این وجود با توافق با ایران مخالف هستم. «بابی جیندال» فرماندار لوئیزیانا، در این رابطه گفت: نمی دانم اعتقاد ارتش در مورد اینکه حمله به ایران چه مقدار طول می کشد چیست اما مطمئنا درخواست برای حمله به ایران باید از

در همین رابطه سناتور «تد کروز» گفت: من نمی دانم که آیا تام کاتن در مورد اینکه تاسیسات هسته ای ایران را می توان ظرف چند روز از بین برد درست می گوید یا نه. اما فکر می کنم حق با او باشد که می گوید می توان این حمله را بصورت عملیات هوایی محدود انجام داد.

اما سناتور «لیندسی گراهام» که به داشتن رویکرد ضد ایرانی مشهور است در مخالفت با این اظهارات گفت: اگر چه در هر گونه نبردی با ایران برتری با آمریکا خواهد بود اما دست زدن به چنین اقدامی بسیار خطرناک است و فکر می کنم که حمله به ایران موجب باز شدن در جعبه «پاندورا» می شود. شما در این مورد باید بدترین مورد را تصور کنید نه بهترین مورد را. ایرانی ها می توانند در خلیج فارس و تنگه هرمز مشکلات زیادی را به وجود بیاورند. آنها همچنین می توانند به پایگاه های ما در منطقه خاورمیانه حمله کنند. به نظر من حمله به ایران یک اقدام بیهوده و شلوغ کاری است.

«کاری فیورینا» از چهره های شناخته شده جمهوریخواهان و و رئیس سابق شرکت معروف که در امر تولید رایانه و دیگر تجهیزات الکترونیکی فعالیت دارد، نیز در مورد نظر تام کاتن گفت: من فکر می کنم بمباران ایران بسیار مشکل باشد. ممکن است ما اصلا نتوانیم به بسیاری از تاسیسات ایران برسیم. من افزایش تحریم ها را به حمله نظامی ترجیح می دهم.

«جان کاسیچ» فرماندار اوهایو، در این

شده بود در این مورد گفت: معتقدم اگر قرار باشد حمله ای به ایران انجام شود این حمله کوتاه و محدود خواهد بود. من احترام زیادی برای تام کاتن قائلم و از این نکته خوشحالم که در مورد چنین موضوع مهمی (حمله به ایران) نظر افراد را جویا می شوید اما معتقدم که حمله به ایران گزینه بدی است و علاوه بر آن به اعتقاد من توافق با ایران، اسرائیل، آمریکا و تمام جهان را در موقعیت خطرناکی قرار می دهد. تام کاتن به همراه تد کروز و لیندسی گراهام از جمله سناتورهای هستند که گفته می شود اقدام به امضای نامه سرگشاده ای کرده اند که برای رهبران ایران ارسال شده است.



هفتمین نشست رهبران کشورهای آمریکایی؛ اجلاسی تاریخی یا نمایشی

هفتمین نشست سران کشورهای آمریکایی از روز جمعه ۲۱ فروردین در پاناما آغاز شد و برخی از رسانه‌های به دلیل حضور روسای جمهور آمریکا و کوبادر این اجلاس و حواشی مربوط به این دو کشور این نشست را تاریخی نامیده‌اند.

ایالات متحده آمریکا و کوبا در تاریخ ۱۷ دسامبر سال گذشته میلادی تصمیم گرفتند مناسبات خود را از سر گیرند. آمریکا می‌گوید که مذاکرات با کوبا دشوارتر از آنی است که تصور می‌شد. اولین خواست کوبا این است که از فهرست کشورهای حامی تروریسم خارج شود و همراه با آن مقری نیز برای مشکلات اقتصادی کوبا به وجود آید.

به نظر می‌رسد آمریکا با این خواست کوبا کنار بیاید، اما از این کشور انتظار دارد که به مسائل حقوق بشری پاسخ دهد، چیزی کوبا بر سر آن حاضر نیست کوتاه بیاید.

سرسختی کوبا بر سر رعایت حقوق بشر

به نظر می‌رسد آمریکا با این خواست کوبا کنار بیاید، اما از این کشور انتظار دارد که به مسائل حقوق بشری پاسخ دهد، چیزی کوبا بر سر آن حاضر نیست کوتاه بیاید.

هر چند به دلیل حضور «باراک اوباما» رئیس جمهور آمریکا و «رائول کاسترو» در این نشست و احتمال دیدار آنها با یکدیگر این اجلاس نشست تاریخی محسوب می‌شود اما به دلیل وجود مواردی همچون تنش‌های موجود میان ایالات متحده و ونزوئلا و همچنین دیگر کشورهای آمریکای لاتین این نشست می‌تواند بیشتر یک اجلاس نمایشی باشد تا یک اجلاس تاریخی.

دوچهارم و له در همین رابطه می‌نویسد: هفتمین نشست سران کشورهای قاره آمریکا تفاوتی تاریخی با نشست‌های پیشین دارد؛ در این اجلاس رئیس‌جمهوری کوبا رائول کاسترو نیز شرکت می‌کند. آمریکا نیز می‌خواهد جای پای خود را در آمریکای لاتین محکم‌تر کند. کارل میچام از مرکز تحقیقات استراتژیک و بین‌المللی که موسسه‌ای محافظه‌کار است به دوچهارم می‌گوید در این دوره زمانه خیلی چیزها تغییر کرده است. کوبا دیگر بازوی اتحاد جماهیر شوروی سابق نیست و باراک اوباما می‌داند که این کشور دیگر از مسکو کمک نمی‌گیرد.

به گفته میچام، کوبا اکنون نیازمند صادرات نفتی ونزوئلاست و خود ونزوئلا کشوری است که وضع اقتصادی وخیمی دارد و قیمت پایین نفت آن را ضعیف‌تر هم کرده است. اما مارک وایسبروت از مرکز تحقیقات اقتصادی و سیاسی که نهادی با تمایلات چپ است می‌گوید که تغییر مناسبات با کوبا تنها بخشی از میراث سیاست خارجی اوباما نیست. این نگاه نیز وجود دارد که با این سیاست سریع‌تر می‌توان از شر حکومت فعلی کوبا راحت شد این که این تحلیل درست باشد یا نه امر دیگری است.

البته هنوز هیچ قرار ملاقاتی از سوی مقام‌های دو کشور با یکدیگر گذاشته نشده است اما کاخ سفید می‌گوید که در حاشیه نشست فرصت‌هایی برای این کار دست خواهد داد.

اعلام نامزدی هیلاری کلinton برای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

یکی از مشاوران عالی هیلاری کلinton اعلام کرد که وی برای بار دوم نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا خواهد شد.

جان پودستا به ۲ سال گمانه زنی، تایید و تکذیب‌های پی در پی پایان داد و اعلام کرد هیلاری کلinton بانوی اول سابق آمریکا، سناتور سابق دموکرات و وزیر خارجه پیشین این کشور برای نامزدی از سوی حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری تلاش خواهد کرد.

خبر نامزدی هیلاری کلinton از طریق ارسال نامه الکترونیک جان پودستا به عنوان رییس ستاد انتخاباتی وی به حامیان مالی و دیگر افراد تأثیرگذار در صحنه سیاسی آمریکا اعلام شده است.

نیویورک تایمز نامزدی هیلاری کلinton از سوی حزب دموکرات را چالش برانگیز و رقابتی توصیف کرده و می‌نویسد هیلاری کلinton می‌تواند اولین زنی باشد که از

تحریم‌ها علیه ونزوئلا

وضع در رابطه با ونزوئلا اما برعکس است. درست یک ماه پیش از شروع هفتمین نشست آمریکا تحریم‌هایی علیه ونزوئلا وضع کرد. علت این تحریم‌ها نقض شدید حقوق بشر در این کشور اعلام شد. این در حالی است که برخی کشورهای آمریکای لاتین مانند کوبا، اکوادور و بولیوی در کنار ونزوئلا قرار گرفته‌اند و رئیس‌جمهوری این کشور نیز از هیچ فرصتی برای انتقاد از تهاجم آمریکایی فروگذار نمی‌کند.

آمریکا در نشست پیش رو، کشورهای آمریکای مرکزی را دقیقاً زیر نظر می‌گیرد تا ببیند کدامیک در این مسیر حرکت می‌کنند. کارل میچام از مرکز تحقیقات استراتژیک و بین‌المللی از این اقدام اوباما حمایت می‌کند و می‌گوید: «تحریم‌ها هفت تن از مقام‌های بالای ونزوئلا را به دلیل نقض حقوق بشر هدف گرفته‌اند، اموال آن‌ها را بلوکه شده و به آن‌ها ویزای ورود به آمریکا داده نمی‌شود».

کاهش نفوذ چین

برای آمریکا مهم است که با نفوذ چین در این کشورها مقابله کند و تصور می‌کند حالا فرصت مناسبی برای این کار یافته است. در شرایطی که رشد اقتصاد چین رو به کاهش گذاشته، اقتصاد آمریکا در آغاز یک رشد اقتصادی دوباره است. بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین می‌خواهند از این رشد نفع ببرند، بویژه برزیل که به شدت به آمریکا نزدیک شده است.

اوباما در پایان این اجلاس تلاش کرد تا برنامه‌های زیادی را مطرح کند، از جمله در رابطه با مبارزه با مواد مخدر، مسئله محیط زیست و انرژی، اما این که آیا این تلاش‌ها کافی خواهد بود تا روی یک بیانیه مشترک به تفاهم برسند، روشن نیست.

در نشست‌های پیشین در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ مواضع چنان از هم دور و متفاوت بود که به چنین نتیجه‌ای نرسید.



سوی یکی از احزاب عمده سیاسی آمریکا نامزد انتخابات ریاست جمهوری می‌شود.

در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ در آمریکا، هیلاری کلinton رقابتی سخت، پرهزینه و نفس‌گیر را با باراک اوباما برای کسب نامزدی حزب دموکرات انجام داد ولی در نهایت نتوانست از پس وی بر بیاید. کلinton در شرایطی نامزدی مجدد خود را برای رسیدن به ریاست جمهوری آمریکا اعلام می‌کند که بسیاری از دموکرات‌ها از وی حمایت کرده‌اند.

هیلاری کلinton تنها بانوی اول آمریکا در تاریخ این کشور بوده است که پس از دوران ریاست جمهوری همسرش بیل کلinton نتوانست کرسی سنا را در این کشور بدست بیاورد.

نیویورک تایمز این نامزد حزب دموکرات را ستاره کمپین انتخاباتی بیل کلinton در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۱ توصیف کرده و می‌نویسد: هیلاری دیپلماتی شناخته شده در سطح بین‌المللی است که حزب دموکرات را با پذیرش سمت وزارت امور خارجه در کابینه فردی که انتخابات ریاست جمهوری را به وی واگذار کرده بود، شوکه کرد.

پیش از این بارها اعلام شده بود که هیلاری کلinton قصد دارد برای بار دوم نامزدی خود را از سوی حزب

دموکرات برای رسیدن به مقام ریاست جمهوری اعلام کند. به نظر می‌رسد از سوی حزب جمهوری خواه نیز جاب بوش برادر کوچک تر جرج بوش پسر، خود را برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا آماده می‌کند.



تظاهرات گسترده ضد خشونت آمریکا افلاج کرد/ موج اعتراضات در ۳۰ شهر

برگزاری تظاهرات گسترده توسط مردم آمریکا در اعتراض به خشونت پلیس این کشور که تقریباً در ۳۰ شهر برگزار شد موجب فلج شدن این کشور و مسدود گردیدن بسیاری از بزرگراه ها شد.

کشته شدن دو شهروند سیاه پوست توسط پلیس در کمتر از یک هفته موجب شد تا بار دیگر شهرهای مختلف آمریکا صحنه برگزاری تظاهرات علیه خشونت باشد.

بر اساس گزارشی که رویترز در این رابطه منتشر کرده، نیویوریک، منهتن، ویسکانسین، لس آنجلس، سیاتل، سان فرانسیسکو، اوکلند، مدیسون، کارولینای جنوبی، و میسوری از جمله شهرها و ایالت هایی بودند که شب گذشته شاهد برپائی تظاهرات ضد خشونت بودند.

بر اساس این گزارش، در اغلب مناطقی که مردم آمریکا در آن دست به تظاهرات زده بودند پلیس اقدام به بازداشت گسترده معترضین کرده است. در یک هفته اخیر دو تصویر ویدیویی منتشر شده که در هر دو مورد پلیس از پشت اقدام به هدف قرار دادن سیاه پوستان می کند.

کشته شدن سیاه پوستان در آمریکا بدست پلیس تبدیل به یک امر عادی شده و در هیچ یک از آنها پلیس قاتل محکوم نشده است.

برگزاری تظاهرات شب گذشته و برخورد پلیس با معترضین ممکن است بار دیگر آمریکا را همانند سال گذشته با تظاهرات های گسترده ضد پلیس مواجه کند.

در سال گذشته کشته شدن یک نوجوان سیاه پوست به نام «مایکل براون» در شهر فرگوسن ایالت میسوری بدست پلیس و سپس تره قاتل در دادگاه، موجب به راه افتادن اعتراضات گسترده ای شد که تا چندین ماه ادامه داشت.

بر اساس گفته های فعالان حقوق بشر، کمتر اتفاق می افتد که در آمریکا پلیسی به دلیل به قتل رساندن فردی محکوم شود بویژه اگر فرد کشته شده از اقلیت های حاضر در ایالات متحده باشد، خیال فرد قاتل بسیار راحت خواهد بود و این مردی است که دست کم در یک سال اخیر بارها در آمریکا اتفاق افتاده است.



حذف کوبا از لیست کشورهای حامی تروریسم



مقامات آمریکایی از احتمال حذف نام کوبا از لیست کشورهای حامی تروریسم در پی بهبود نسبی روابط واشنگتن با هائوآنا خبر می دهند.

می شود. اما تحریم واردات و صادرات این کشور که تنها می تواند توسط کنگره لغو شود، به جای خود باقی می ماند.

مقام آمریکایی دیگری به خبرگزاری رویترز در مورد احتمال تکمیل بررسی گفت که تاکنون هیچ توصیه ای به کاخ سفید ارسال نشده و تحقیقات ادامه دارد. او گفت: ما نمی توانیم حدس بزنیم که توصیه وزارت خارجه چه می تواند باشد.

خروج کوبا از این فهرست برای باراک اوباما فرصت مناسبی است تا تمایل به گسترش مناسبات با کوبا و همچنین تمایل آمریکا برای بهبود مناسبات با کشورهای آمریکای لاتین را به شرکت کنندگان در اجلاس روزهای آینده نشان دهد. اوباما روز سه شنبه در مصاحبه ای با رادیو و تلویزیون ملی آمریکا (ان پی آر) گفت: به محض دریافت توصیه، در موقعیتی خواهیم بود که می توانم اقدام کنم.

توصیه وزارت خارجه پس از تایید باراک اوباما و یک بررسی ۴۵ روزه در کنگره آمریکا قابل اجرا خواهد بود و کنگره نمی تواند با این تصمیم مخالفت کند.

کوبا در سال ۱۹۸۲ در فهرست دولت های حامی تروریسم قرار گرفت.

نتیجه گیری خود در مورد خروج کوبا از این فهرست را طی یک یا دو روز آینده اعلام کند. «بن رودز» معاون مشاور امنیت ملی دولت آمریکا پیش تر گفته بود بررسی وزارت خارجه رو به اتمام است اما نمی تواند زمان دقیق آن را پیش بینی کند. او روز سه شنبه در یک کنفرانس تلفنی به خبرنگاران گفت: «تصور می کنیم که احتمالاً در مراحل پایانی باشد. ولی زمان آن در کنترل ما نیست. وزارت خارجه آن را تعیین می کند.»

باقی ماندن کوبا در فهرست سیاه آمریکا یکی از موانع از سرگیری مناسبات و بازگشایی سفارت دو کشور است.

این مقام دولت باراک اوباما گفت آمریکا و کوبا در آستانه حل کردن یکی از موانع مهم برای تکمیل بررسی هستند. آمریکا از کوبا خواسته است تعهد کتبی بدهد که در آینده از تروریسم حمایت نمی کند. کوبا نیز از آمریکا درخواست متقابلی کرده است.

خروج کوبا از فهرست کشورهای حامی تروریسم به لغو بعضی از ممنوعیت های مالی علیه این کشور

یک مقام آمریکایی اعلام کرد که وزارت خارجه این کشور احتمالاً در چند روز آینده نظر مشورتی خود در مورد خروج کوبا از فهرست کشورهای متهم به حمایت از تروریسم را اعلام می کند.

این اقدام گام مهمی برای بهبود مناسبات دو کشور در آستانه نشست رهبران کشورهای قاره آمریکا محسوب می شود که در روزهای آینده برگزار خواهد شد. «باراک اوباما» رئیس جمهور آمریکا، پس از تصمیم تاریخی برای برقراری مناسبات بین دو کشور در ۱۷ دسامبر گذشته، از وزارت خارجه در مورد خروج کوبا از فهرست کشورهای حامی تروریسم نظرخواهی کرد و قول داد به محض دریافت توصیه این وزارتخانه به سرعت اقدام کند. قرار است اوباما امروز چهارشنبه به جامائیکا رفته و سپس برای شرکت در نشست رهبران کشورهای قاره آمریکا در روزهای ۱۰ و ۱۱ آوریل، به پاناما برود و در آنجا با رائول کاسترو، رئیس جمهور کوبا دیداری رو در رو خواهد داشت.

یک مقام مطلع از این موضوع گفت وزارت خارجه می تواند

گفتگو با مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا: مصوبه کنگره غیر منطقی است

گفتگو: عبدالحمید بیانی

مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا معتقد است توافق جامع هسته‌ای باید به گونه‌ای باشد که بتواند هم در داخل آمریکا و هم در داخل ایران مورد قبول همه گروه‌ها قرار گیرد.

همین رو حصول پیشرفت در این رابطه ممکن است.

|| باراک اوباما در انتقاد از جمهوری خواهان و دیگر منتقدانی که به تفاهم ایجاد شده با ایران و همچنین سیاست خارجی کاخ سفید اعتراض دارند عنوان داشت که این افراد قصد تضعیف دولت و کم رنگ کردن پیشرفت‌های حاصل شده را دارند، آیا شما با این موضع رئیس جمهور آمریکا موافق هستید؟
من فکر نمی‌کنم که آنها قصد کم رنگ کردن این اقدامات و یا به حاشیه راندن آنها را داشته باشند مردم در آمریکا آنگونه که دوست

نظر می‌رسد که این تفاهم ابتدایی است و نمی‌تواند توافق نهایی باشد.

|| شما به اظهارات حضرت آیت الله خامنه‌ای اشاره کردید، سناتور «جان مک کین» با استناد به فرمایشات رهبر انقلاب مدعی شده بود که این اظهارات نشان می‌دهد که ایران و آمریکا در دو صفحه متفاوت هستند (اختلافات زیادی با هم دارند)، نظر شما در این رابطه چیست؟

مطمئنم که ما در صفحات متفاوتی هستیم اما سوال اینجاست که آیا این صفحات

اقدام کمیته روابط خارجی سنای آمریکا در تصویب طرحی که به موجب آن اختیارات رئیس جمهور آمریکا در مورد لغو تحریم های ایران محدود می‌شود موجب شد تا بار دیگر غیر قابل اطمینان بودن آمریکایی ها ثابت شود.

پس از حصول تفاهم لوزان تفاسیر مختلفی از آنچه که در سوئیس میان ایران و کشورهای ۵+۱ مورد موافقت قرار گرفته منتشر شده که هر یک از آنها بازتاب های گسترده ای را در طرف مقابل موجب شده اند. در همین راستا برای اطلاع از وضعیت حاکم در آمریکا در خصوص تفاهم لوزان و توافق جامع هسته ای با پروفسور «دانیل سرور» مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا به گفتگو نشستیم. پروفسور دانیل سرور از معروف ترین کارشناسان حاضر در مبحث مدیریت جنگ، و از کارشناسان ارشد موسسه روابط دو سوی آتلانتیک و از اساتید دانشگاه جان هاپکینز که سابقه فعالیت گسترده در مورد جنگ های عراق، افغانستان و بالکان را دارد و از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ به عنوان نماینده ویژه آمریکا در امر میانجیگری میان مسلمانان و

به اهداف خود برسد. البته در مورد ایران شخصا اعتقاد دارم که غیر واقعی است اگر قبول کنیم که ایران تمام توانائی های غنی سازی خود را متوقف می‌کند.

|| همانطور که مطلع هستید سه شنبه گذشته کمیته روابط خارجی سنا طرحی را در مورد محدود کردن اختیارات رئیس جمهور آمریکا در مورد توافق هسته ای با ایران تصویب کرد، هر چند پیش از تصویب این طرح کاخ سفید با آن مخالف بود اما بعد از تصویب شدن، اعلام شد که ممکن است اوباما این مصوبه را امضا کند، به نظر شما آیا چنین اقدامات و مصوبه هایی به تفاهم سوئیس ضربه نمی‌زند؟

ممکن است ما شاهد تصویب طرحی در کنگره باشیم که رئیس جمهور اوباما بتواند با آن کنار بیاورد. موضوع سیاست های داخلی و پذیرش هر توافق در داخل کشور در هر دو طرف یعنی ایران و آمریکا مهم است. این مشکل



خواهد بود به توافقی برسیم که بتواند جمهوری خواهان و دموکرات ها را در مورد اینکه ایران به تعهدات خود پایبند است متقاعد سازد. همچنین تصور می‌کنم در ایران نیز غیر ممکن است که اصول گرایان و لیبرال ها را راضی به توافقی کرد که به موجب آن تحریم های مرتبط با برنامه هسته ای ایران لغو نشوند.

این نکته مهم است که به یاد داشته باشیم حتی اگر توافق جامع هسته ای حاصل شود ایران و آمریکا در بسیاری از مسائل همچون اسرائیل، حزب الله، یمن، و حماس با یکدیگر اختلاف داشت. ما برای عادی سازی روابط راه درازی را در پیش داریم.

دارند از موضوعات مختلف انتقاد می‌کنند. با توجه به پیشرفت هایی که در موضوع هسته ای ایران ایجاد شده فکر می‌کنم این غیر منطقی است که کنگره بخواهد الزاماتی را در این خصوص برای کاخ سفید تصویب کند

|| سناتور مک کانل یکی از منتقدین اصلی اوباما در مورد ایران محسوب می‌شود به نحوی که وی اخیرا اعلام کرده آمریکا نمی‌تواند به اهدافی که اوباما برای آن تعیین کرده برسد نظر شما در این مورد چیست؟

اگر منظور شما این فرصت یک ساله است فکر می‌کنم که در این مدت اوباما بتواند

مختلف در یک کتاب قرار دارند یا خیر. تفاهم بدست آمده هر دو طرف را تا حدی راضی کرده است. اگر به تعهدات عمل شود آنگاه فکر می‌کنم که هر دو کشور (ایران و آمریکا) در یک کتاب باشند.

|| چرا ایران و کشورهای غربی همچون آمریکا و فرانسه تحلیل های متفاوتی از تفاهم سوئیس دارند؟

تصور می‌کنم این باخاطر آن باشد که ما هنوز در نیمه راه هستیم. هنوز موارد زیادی از چارچوب اعلام شده وجود دارند که مورد بحث قرار نگرفته اند از

کروات های یوگسلاوی فعالیت کرده است. متن کامل این مصاحبه به شرح زیر است:

|| شما تفاهم بدست آمده در لوزان سوئیس را چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا این تفاهم می‌تواند منجر به توافق جامع هسته ای شود؟

اگر بخواهیم از نقطه نظر آمریکایی ها به این تفاهم نگاه کرده و در مورد آن قضاوت کنیم باید بگوییم این تفاهم یا چارچوبی که کشورها در مورد آن توافق کرده اند یک پیشرفت شفاف بود. اما من مطمئن نیستم که توافق نهایی وجود داشته باشد به ویژه بعد از اظهارات اخیر رهبر عالی ایران به